

ص: ۵

[جلد دوم]

فهرست مطالب

بخش اول: شاعران و هنرمندان ۱ آذر حقیقی - غلامرضا (۱۲۸۰-۱۳۵۸ ه. ش.) / ۱۹

۲ آستانه پرست - حسین (۱۳۰۳-۱۳۶۰ ه. ش.) / ۲۰

۳ آگاهی - محمد (۱۲۹۲-۱۳۵۰ ه. ش.) / ۲۱

۴ اختر طوسی - عباسعلی (۱۲۶۸-۱۳۳۴ ه. ق.) / ۲۳

ادیب بجنوردی - سید حسین - جلد اول

ادیب خاوری - حسن - جلد اول

ادیب نیشابوری - عبد الجواد - جلد اول

ادیب نیشابوری - محمد تقی - جلد اول

ادیب هروی - محمد حسن - جلد اول

۵ استادی - قاسم (۱۳۰۶-۱۳۷۲ ه. ش.) / ۲۴

۶ اسدآبادی - اسد الله (قرن ۱۴ ه. ق.) / ۲۶

۷ اسفراینی - محمد تقی (قرن ۱۲ ه. ق.) / ۲۷

۸ اصفهانی - بابا شاه (ح ۹۸۰-۱۰۱۲ ه. ق.) / ۲۸

۹ اصفهانی - عبد الله (- ح ۱۰۷۴ ه. ق.) / ۲۸

۱۰ اصفهانی - محمد علی (- ۱۰۷۳ ه. ق.) / ۲۹

۱۱ اعتماد الاسلام مشهدی - احمد (- ۱۳۴۲ ه. ق.) / ۳۰

۱۲ امامی اصفهانی - محمد رضا (- بعد از ۱۰۸۷ ه. ق) / ۳۲

انوار - قایینی - ابو تراب - جلد اول

ص: ۶

۱۳ امتی خراسانی - ابراهیم (- ۹۴۱ ه. ق) / ۳۴

۱۴ اوبهی - محمد (- ۹۵۱ ه. ق) / ۳۵

۱۵ اوحدی مشهدی - عماد الدین (- ۹۱۴ ه. ق) / ۳۵

باققی - شرف الدین علی - جلد اول

۱۶ براتعلی - حاجی میرزا (- بعد از ۱۲۶۲ ه. ق) / ۳۷

۱۷ بغدادی - قطب الدین محمد (- ۹۷۰ ه. ق) / ۳۷

بمرودی قایینی - علی - جلد اول

بنی هاشمی کردکوهی - سید آقابزرگ - جلد اول

۱۸ بهار شیروانی - نصر الله (۱۲۵۲ - ۱۳۰۴ ه. ق) / ۳۸

بی‌نوا - میرزا داود، جلد اول

۱۹ بیدوازی - میرزا (قرن ۱۳ ه. ق) / ۳۹

۲۰ پارسی - احمد (- ۱۲۵۴ ه. ش) / ۴۱

۲۱ تائب تبریزی - اسماعیل (۱۲۸۶ - ۱۳۷۴ ه. ق) / ۴۲

تجلی - نهاوندی - محمد

۲۲ تبریزی - محمد رضا (ح ۱۰۵۳ - پیش از ۱۰۸۳ ه. ق) / ۴۳

۲۳ تجلی سبزواری - رجب علی (۱۲۶۰ - ۱۳۱۹ ه. ش) / ۴۴

۲۴ تربتی - سلطان محمد (قرن ۱۰ ه. ق) / ۴۶

تربتی - میرزا نصر الله - جلد اول

۲۵ تفضلی - غلامرضا خان (۱۲۷۶ - ۱۳۶۰ ه. ق) / ۴۷

۲۶ تقيای مشهدی (- ۱۰۶۴ ه. ق) / ۴۸

۲۷ توحيدی - محمد تقي (- ۱۳۵۵ ه. ش) / ۴۹

۲۸ تهرانی - محمد حسين (- ۱۳۳۷ ه. ق) / ۴۹

تهرانیان - محمد کاظم - جلد اول

۲۹ تيرگر هروی - يوسف شاه (قرن ۹ و ۱۰ ه. ق) / ۵۱

تيموری - ابو القاسم باير - جلد چهارم

ص: ۷

تقفی - محمد - جلد اول

۳۰ ثنایی مشهدی - خواجه حسين (- ۹۹۵ یا ۹۹۶ ه. ق) / ۵۲

جابری اصفهانی - سلمان - جلد چهارم

۳۱ جعفرزاده - علی اکبر (- ۱۳۲۳ ه. ش) / ۵۴

۳۲ جودی خراسانی - عبد الجواد (ح ۱۱۷۵ - ۱۳۰۱ یا ۱۳۰۲ ه. ق) / ۵۴

۳۳ حائری - موسی (- ۱۳۳۳ ه. ق) / ۵۶

حافظیان - سيد ابو الحسن - جلد اول

۳۴ حبيب اللهی - ابو القاسم (۱۲۸۱ - ۱۳۵۹ ه. ش) / ۵۶

۳۵ حرفی اصفهانی (- ۹۷۱ ه. ق) / ۵۸

۳۶ حسرت مشهدی - محمد (- زنده ۱۱۵۳ ه. ق) / ۵۸

۳۷ حسینی - محمد شفیع (- ۱۰۸۱ ه. ق) / ۵۹

حکیم مشهد - قمی سدید

۳۸ خدیو گیلانی - مهدی (- ۱۳۰۹ ه. ق) (۳۹) / ۶۲

۳۹ خواجه جعفر (قرن ۱۱ ه. ق) / ۶۴

۴۰ دانای جواهری - سید احمد (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ه. ق) / ۶۵

۴۱ دبیر السلطنه - اسماعیل خان (۱۲۵۰ - ۱۳۳۰ ه. ق) / ۶۵

۴۲ رجایی بخارایی - احمد علی (۱۲۹۵ - ۱۳۵۷ ه. ش) / ۶۷

۴۳ رسا - قاسم (۱۲۹۰ - ۱۳۵۶ ه. ش) / ۷۲

رضوی - علی - جلد اول

رضوی - محمد علی - جلد اول

۴۴ رضوی - میر رضی الدین (- زنده ۱۳۶۶ ه. ش) / ۷۳

۴۵ رضوی کرمانی - نواب (- ۱۳۶۶ ه. ش) / ۷۴

رفیع الدین - سید محمد - جلد اول

روغنی - سید محمد صالح - جلد اول

۴۶ زرگر اصفهانی - محمد حسن (- ۱۲۸۰ ه. ق) / ۷۶

ص: ۸

۴۷ سارو خواجه - محمد رضا (- ۱۰۳۰ ه. ق) / ۷۷

ساعد خراسانی - محمد باقر - جلد اول

۴۸ ساعد نیری - حسینعلی (۱۳۰۷-۱۳۶۷ ه. ق.) / ۷۸

۴۹ سالک سیزواری - محمد حسن (۱۲۶۵- بعد از ۱۳۶۰ ه. ق.) / ۸۰

۵۰ سایر مشهدی (قرن ۱۰ ه. ق.) / ۸۱

سرابی - سید مصطفی - جلد اول

۵۱ سرخوش هراتی (- ۱۲۸۰ ه. ق.) / ۸۱

۵۲ سمنانی - محمد (- ۱۳۲۱ ه. ش.) / ۸۲

۵۳ سیرجانی - یوسف علی (- ۱۲۸۱ ه. ق.) / ۸۳

۵۴ شاملو - احمد (- ۱۲۶۴ ه. ق.) / ۸۵

۵۵ شاملو - حسن (- ۱۰۵۰ ه. ق.) / ۸۶

۵۶ شاملو - سلطان علی بیگ (- ۱۰۶۴ ه. ق.) / ۸۸

۵۷ شانی تکلو - وجیه الدین (ح ۹۵۰-۱۰۲۳ ه. ق.) / ۸۹

شریفی شیرازی - مرتضی - جلد اول

۵۸ شعوری نیشابوری (- ۹۹۷ ه. ق.) / ۹۰

۵۹ شفایی - ابو الحسن (- ۱۳۰۳ ه. ق.) / ۹۱

شفتی - میرزا محمد باقر - جلد اول

۶۰ شهاب فردوسی - هدایت الله (- ۱۳۴۷ ه. ش.) / ۹۲

شهودی - یزدی - عبد الله - جلد اول

۶۱ شهیدی - نظام الدین (- ۱۳۳۷ ه. ش.) / ۹۴

شیخزاده - محمد جواد - جلد اول

۶۲ شیرازی - حسین (قرن ۱۱ ه. ق) / ۹۵

۶۳ شیرازی - سید ابو القاسم (۱۲۰۲ - ۱۲۸۶ ه. ق) / ۹۶

۶۴ شیرازی - عبد الله (- زنده ۹۸۴ ه. ق) / ۹۶

۶۵ شیرازی - محمد (- ۱۱۳۵ ه. ق) / ۹۷

۶۶ شیرازی - معصوم علیشاه (۱۲۷۰ - ۱۳۴۴ ه. ق) / ۹۸

ص: ۹

۶۷ شیشه گر شیرازی - غلامرضا (۱۲۲۱ - ۱۳۰۱ ه. ق) / ۱۰۰

۶۸ صاحب الزمانی - سید حسن (- ۱۳۵۵ ه. ق) / ۱۰۱

۶۹ صالحی خراسانی - محمد میرک (- ۹۹۷ ه. ق) / ۱۰۳

۷۰ صبوری - محمد کاظم (۱۲۵۹ - ۱۳۲۲ ه. ق) / ۱۰۴

۷۱ صفای اصفهانی - محمد (۱۲۶۹ - ۱۳۲۲ ه. ق) / ۱۰۶

صفوی - ابراهیم میرزا - جلد چهارم

۷۲ صیدی تهرانی - سید علی (- ۱۰۶۹ ه. ق) / ۱۰۸

۷۳ ضیاء الادباء - محمد مهدی (- ۱۳۵۳ ه. ق) / ۱۱۱

۷۴ طباطبایی - سید محمد (۱۲۷۹ - ۱۳۴۷ ه. ش) / ۱۱۲

۷۵ طباطبایی نائینی - رضا خان (۱۲۵۰ - ۱۳۱۰ ه. ش) / ۱۱۴

۷۶ طغرل اصفهانی - علی محمد (- ۱۳۳۲ ه. ق) / ۱۱۶

۷۷ طنبره‌ای - محمود (- ۹۷۴ ه. ق) / ۱۱۸

۷۸ عابد اصفهانی - زین العابدین (- ۱۲۲۹ ه. ق) / ۱۱۹

عاملی - بدر الدین - جلد اول

عاملی - حسین - جلد اول

عاملی بازوری - ابراهیم - جلد اول

۷۹ عراقی - ابو الحسن (- ۴۲۹ ه. ق) / ۱۲۰

۸۰ عزتی شیرازی - میرزاجانی (قرن ۱۱ ه. ق) / ۱۲۲

۸۱ عشرتی فروشانی اصفهانی - علی (قرن ۱۱ ه. ق) / ۱۲۳

عصار - سید محمد - جلد اول

۸۲ عطار هروی - محمد علی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۲ ه. ش) / ۱۲۴

۸۳ عقیلی - سید رضا (- ۱۳۳۰ ه. ش) / ۱۲۶

۸۴ عیسی شیرازی (- ۹۸۰ ه. ق) / ۱۲۷

عینائی - سید محمد - جلد اول

۸۵ فاضل قندهاری - عبد الله (۱۲۲۷ - ۱۳۱۲ ه. ق) / ۱۳۰

فانی - تربتی - میرزا نصر الله، جلد اول

ص: ۱۰

۸۶ فرخ خراسانی - محمود (۱۲۷۴ - ۱۳۶۰ ه. ش) / ۱۳۱

فرید - نهاوندی - محمد

۸۷ فیاض - علی اکبر (۱۲۷۷ - ۱۳۵۰ ه. ش) / ۱۳۴

۸۸ فیروزی شیرازی - علی (- پیش از ۱۲۹۶ ه. ق) / ۱۳۸

۸۹ فیضی تربتی - علی (قرن ۱۰ ه. ق) / ۱۳۹

۹۰ قاطع بدخشانی - ندر علی (قرن ۱۰ و ۱۱ ه. ق) / ۱۴۱

قاینی - ابو تراب - جلد اول

۹۱ قاینی - محمد رضا (۹۹۵ - ۱۰۵۵ ه. ق) / ۱۴۱

۹۲ قدسی خراسانی (- ۱۲۷۰ ه. ق) / ۱۴۳

۹۳ قدسی مشهدی - محمد جان (۹۸۹ یا ۹۹۰ - ۱۰۵۶ ه. ق) / ۱۴۳

۹۴ قدسی نژاد - غلامرضا (۱۳۰۴ - ۱۳۶۸ ه. ش) / ۱۴۷

قریب - گرگانی - محمد حسین، جلد اول

۹۵ قزوینی - سلطان الفقرا (قرن ۱۰ ه. ق) / ۱۵۲

۹۶ قصاب کاشانی - سعید (- پیش از ۱۱۶۴ ه. ق) / ۱۵۳

۹۷ قمی - سدید (قرن ۱۱ ه. ق) / ۱۵۴

۹۸ قوچانی - سلیم (- ۱۲۵۰ ه. ق) / ۱۵۵

۹۹ کاشانی - باقرا (- پیش از ۱۰۸۱ ه. ق) / ۱۵۷

۱۰۰ کامی سبزواری (ح ۹۷۵ - ۱۰۱۴ ه. ق) / ۱۵۸

۱۰۱ کفاش خراسانی - رمضانعلی (- ۱۳۱۴ ه. ش) / ۱۵۹

۱۰۲ کوثر قمی - عبد الکریم (۱۲۵۶ - ۱۳۱۴ ه. ق) / ۱۶۱

۱۰۳ کوهبنانی کرمانی - مظفر (- ۱۰۷۱ ه. ق) / ۱۶۳

۱۰۴ عصمت (حدود ۱۲۵۰ - ۱۳۱۰ ه. ش) / ۱۶۴

۱۰۵ گلچین معانی - احمد (۱۲۹۵ - ۱۳۷۹ ه. ش) / ۱۶۵

گلستانه - سید محمد علی - جلد اول



۱۰۶ گلشن آزادی - علی اکبر (۱۲۸۰ - ۱۳۵۳ ه. ش) / ۱۶۹

مازندرانی - محمد صالح - جلد اول

ص: ۱۱

۱۰۷ مانی مشهدی (- ۹۱۳ ه. ق) / ۱۷۳

۱۰۸ مایل هروی - غلامرضا (۱۳۰۱ - ۱۳۷۴ ه. ش) / ۱۷۴

مجتهد خراسانی - میرزا حبیب الله - جلد اول

۱۰۹ مجتهدزاده - سید علیرضا (۱۳۰۱ - ۱۳۷۲ ه. ش) / ۱۷۷

مدرس - عبد الرحمن - جلد اول

مدرس - میرزا محمد تقی - جلد اول

مدرس یزدی - سید جلال - جلد اول

۱۱۰ مذهب مشهدی - غیاث الدین محمد (- ۹۴۲ ه. ق) / ۱۷۹

مروج خراسانی - علی اکبر - جلد اول

۱۱۱ مسعودی خراسانی - محمد حسن (۱۲۵۵ - ۱۳۳۴ ه. ش) / ۱۸۰

۱۱۲ مشهدی - ابو المعالی (- بعد از ۱۱۴۵ ه. ق) / ۱۸۲

۱۱۳ مشهدی - باقر (- ۱۰۷۰ ه. ق) / ۱۸۲

مشهدی - برهان الدین - جلد اول

۱۱۴ مشهدی - رستم علی (- ۹۷۰ ه. ق) / ۱۸۳

۱۱۵ مشهدی - سلطانه علی (۸۴۱ - ۹۲۶ ه. ق) / ۱۸۴

مشهدی - سید برهان الدین - جلد اول

۱۱۶ مشهدی - طاهر عطار (- زنده ۱۰۴۴ ه. ق) / ۱۸۵

۱۱۷ مشهدی - عبد الوهاب (قرن ۹ ه. ق) / ۱۸۶

۱۱۸ مشهدی - علیرضا (- پیش از ۹۸۶ ه. ق) / ۱۸۷

۱۱۹ مشهدی - محمد امین (- زنده ۱۰۰۶ ه. ق) / ۱۸۷

۱۲۰ مشهدی - میرزا مهدی (- زنده ۱۱۴۱ ه. ق) / ۱۸۸

۱۲۱ مشهدی - نعمت الله (- زنده ۱۰۱۵ ه. ق) / ۱۸۹

۱۲۲ مصور مشهدی - علیقلی (۱۲۲۷- بعد از ۱۲۹۴ ه. ق) / ۱۸۹

مظلوم - واعظ کرمانشاهی - محمد علی، جلد اوّل

۱۲۳ معرف اصفهانی - آقا ملک (- ۱۰۰۲ ه. ق) / ۱۹۰

۱۲۴ مقبل گلیایگانی (قرن ۱۲ و ۱۳ ه. ق) / ۱۹۱

ص: ۱۲

موذن - محمد علی - جلد اول

موسوی گرمارودی - محمد علی - جلد اول

۱۲۵ مولانا خیالی (- ۹۵۱ ه. ق) / ۱۹۲

مولوی قندهاری - محمد حسن - جلد اول

۱۲۶ میرخدییوی - علی اصغر (- ۱۳۷۲ ه. ش) / ۱۹۳

۱۲۷ میردامادی سدهی - محمد رضا (۱۳۰۰-۱۳۳۳ ه. ش) / ۱۹۴

میرزا داود - جلد اول

میرزا عسکری - جلد اول

۱۲۸ میر مفلسی مشهدی (- قبل از ۸۹۶ ه. ق) / ۱۹۵

نادری - محمد حسین - جلد سوم

ناظر - محمد مهدی - جلد سوم

۱۲۹ نایی هروی - محب علی (- ۹۷۳ ه. ق) / ۱۹۶

نجومیان - اسماعیل - جلد اول

۱۳۰ نصاص اروسانی - محمد قاسم (- پیش از ۱۱۴۵ ه. ق) / ۱۹۷

۱۳۱ نصرت خراسانی - عبد الحسین (۱۲۵۱ - ۱۳۳۴ ه. ش) / ۱۹۸

۱۳۲ تقیب الممالک شیرازی - احمد (۱۲۳۸ - ۱۳۰۲ ه. ق) / ۲۰۱

نوقانی - علی اکبر - جلد اول

نھاوندی - محمد - جلد اول

نھاوندی - محمد - جلد اول

۱۳۳ نیشابوری - سلیم کاتب (- ۹۹۰ ه. ق) / ۲۰۳

۱۳۴ نیشابوری - شاه محمود (- بعد از ۹۷۶ ه. ق) / ۲۰۴

۱۳۵ نیشابوری - عطاء اللہ (- ۹۱۹ ه. ق) / ۲۰۸

۱۳۶ نیلی - رجبعلی (ح ۱۱۹۴ - ۱۲۸۴ ه. ق) / ۲۰۹

واعظ - مهدی متخلص به واعظ - جلد اول

واعظ کرمانشاهی - محمد علی - جلد اول

وجدی خراسانی - محمد اسماعیل - ازغدی - محمد اسماعیل - ازغدی - محمد اسماعیل، جلد اول

۱۳۷ هراتی - کمال الدین حسین (- ۹۷۴ ه. ق) / ۲۱۱

۱۳۸ یتیم همدانی - محمود (قرن ۱۱ ه. ق) / ۲۱۳

یزدی - عبد الله - جلد اول

یوسفی - غلامحسین - بخش دوم

**بخش دوم: دانشوران** ۱۳۹ آموزگار - سید اسماعیل (۱۲۹۶ - ۱۳۷۶ ه. ش) / ۲۱۷

۱۴۰ احتشام کاویانیاں - ماشاء الله (ح) (۱۲۸۵ - ۱۳۴۹ ه. ش) / ۲۱۹

۱۴۱ اسدی - حسین (۱۲۹۱ - ۱۳۵۱ ه. ش) / ۲۲۰

۱۴۲ امین زاده - مهدی (۱۳۲۸ - ۱۳۶۰ ه. ش) / ۲۲۲

۱۴۳ بزرگ نیا - علی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۱ ه. ش) / ۲۲۴

۱۴۴ حائری - عبد الهادی (۱۳۱۴ - ۱۳۷۲ ه. ش) / ۲۲۵

۱۴۵ حامد مقدم - احمد (۱۳۲۹ - ۱۳۸۰ ه. ش) / ۲۳۲

حسینی بجنوردی - اسماعیل - جلد اول

۱۴۶ حکاک - شیر محمد (ح) (۱۲۲۳ ه. ش) / ۲۳۴

۱۴۷ خواجهویان - محمد کاظم (۱۳۱۷ - ۱۳۷۲ ه. ش) / ۲۳۶

رجایی بخارایی - احمد علی - بخش اول

۱۴۸ رضوی - سید اظہر عباس (۱۳۰۰ - ۱۳۶۹ ه. ش) / ۲۳۹

۱۴۹ زوآر - حسین (۱۲۷۵ - ۱۳۵۹ ه. ش) / ۲۴۱

۱۵۰ سالاری - احمد (۱۲۸۲ - ۱۳۳۵ ه. ش) / ۲۴۳

۱۵۱ سالاری - حسین (۱۲۳۴ - ۱۳۲۱ ه. ش) / ۲۴۴

۱۵۲ سالاری - رضا (۱۲۷۵ - ۱۳۳۱ ه. ش.) / ۲۴۵

۱۵۳ سالاری - علی (۱۲۸۹ - ۱۳۵۲ ه. ش.) / ۲۴۶

۱۵۴ سالاری - محمود (۱۲۷۷ - ۱۳۶۷ ه. ش.) / ۲۴۷

۱۵۵ سامی‌راد - حسین (۱۲۸۴ - ۱۳۶۸ ه. ش.) / ۲۴۸

ص: ۱۴

۱۵۶ شاملو - علی (۱۲۸۴ - ۱۳۷۶ ه. ش.) / ۲۵۱

۱۵۷ شاملو - میرزا غلامعلی (۱۲۱۲ - ۱۳۰۲ ه. ش.) / ۲۵۳

۱۵۸ شریعتی مزینانی - محمد تقی (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ه. ش.) / ۲۵۵

۱۵۹ شکورزاده بلوری - ابراهیم (۱۳۰۳ - ۱۳۸۱ ه. ش.) / ۲۵۷

۱۶۰ شهیدی - حسن (۱۲۸۳ - ۱۳۷۸ ه. ش.) / ۲۶۱

۱۶۱ شیخ - مرتضی (۱۲۸۶ - ۱۳۵۵ ه. ش.) / ۲۶۴

۱۶۲ صادقی - رضا (۱۳۵۶ - ۱۳۷۶ ه. ش.) / ۲۶۸

۱۶۳ طبیب سرکار خاصه - سید احمد (- ۱۱۳۴ ه. ق.) / ۲۷۲

۱۶۴ عدالتی شریف - محمد تقی (۱۳۲۴ - ۱۳۸۳ ه. ش.) / ۲۷۳

۱۶۵ فاطمی - سید محمد تقی (۱۲۸۳ - ۱۳۷۴ ه. ش.) / ۲۷۶

۱۶۶ فراهانی - تاج ماه بیگم (- ۱۲۸۲ ه. ق.) / ۲۷۸

فیاض - علی اکبر - بخش اول

۱۶۷ قوامی شهیدی - حسین (۱۳۰۱ - ۱۳۵۸ ه. ش.) / ۲۸۰

۱۶۸ مجتهدی - سید ابو الفضائل (۱۳۰۹ - ۱۳۸۴ ه. ق.) / ۲۸۲

منجم‌باشی - عبد الحسین - جلد اول

۱۶۹ منجم خراسانی - محمد اسماعیل (- ۱۲۸۷ ه. ق) / ۲۸۵

۱۷۰ مؤید قرشی - محمود (۱۲۹۳ - ۱۳۴۵ ه. ش) / ۲۸۶

۱۷۱ ناصح - ذبیح الله (- ۱۳۴۵ ه. ش) / ۲۸۸

۱۷۲ نبئی - ابو الفضل (۱۳۱۶ - ۱۳۸۱ ه. ش) / ۲۸۹

۱۷۳ هاشمیان - سید حسن (۱۳۱۳ - ۱۳۸۰ ه. ش) / ۲۹۳

یزدی - سید علی - جلد اول

۱۷۴ یوسفی - غلامحسین (۱۳۰۶ - ۱۳۶۹ ه. ش) / ۲۹۷

فهرست منابع ۳۰۳

مقالات ۳۱۴

فهرست اسناد ۳۱۶

فهرست روزنامه‌ها ۳۱۷

ص: ۱۵

[مقدمه مدیر گروه تراجم]

هو الفتاح کندوکاو حیات انسان‌های کارآمد و موثر، و انعکاس تکاپوی آنها در جامعه، جانمایه علم تاریخ است و در شکل‌گیری این علم از ارکان اصلی شمرده می‌شود. گروه تراجم و انساب، از بدو تأسیس آن در سال ۱۳۸۰ شمسی، با راهنمایی‌های مشفقانه مدیرعامل محترم بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، حضرت استاد حاج شیخ علی اکبر الهی خراسانی، شناسایی مشاهیر مدفون در حرم رضوی را به عنوان یکی از فعالیت‌های خود، دنبال کرد. پژوهشی که پس از ۵ سال به ثمر نشست و طی این زمان با تحمل سختی‌ها، و پی‌گیری‌های توان‌فرسا، ترجمه ۱۲۰۰ شخصیت دینی، علمی، سیاسی، هنری و صاحب‌منصبان آستان قدس رضوی که در حرم مطهر امام رضا علیه السلام یا حریم حرم از سده چهارم تا عصر حاضر دفن شده‌اند، در پنج جلد به شرح زیر تدوین گردید:

جلد اول: عالمان دینی

جلد دوم: شاعران، هنرمندان و دانشوران

جلد سوم: صاحب‌منصبان آستان قدس رضوی

جلد چهارم: چهره‌های سیاسی و تجاری

جلد پنجم: اسناد و نمایه‌ها

ص: ۱۶

در کنار پژوهش درباره مشاهیر مدفون در حرم رضوی دو پروژه دیگر نیز به سامان رسید:

«مشاهیر مدفون در شهرستان مشهد» که معرفی نزدیک ۱۹۰ چهره علمی، سیاسی و دینی را به عهده دارد. و «مزارات شهرستان مشهد» که به شناسایی مزار چهارده امامزاده و شصت عارف و حکیم و بزرگان سادات می‌پردازد.

کتاب حاضر اختصاص به زندگی‌نامه ۱۷۴ چهره ادبی، هنری و علمی مدفون در حرم مطهر دارد، این نام‌آوران به لحاظ پراکندگی زمانی از قرن پنجم تا عصر حاضر حضور داشته‌اند.

در نگارش این اثر ۱۶۲ منبع و تعداد زیادی اسناد، روزنامه‌ها و مجلات مورد استفاده قرار گرفته‌است.

بجز همکاری که در صفحه اول کتاب به نام آنها اشاره شده است، از همکار دانشور آقای اسماعیل رضایی باید تقدیر کرد که نمونه‌خوانی و کنترل استنادی و اسنادی کتاب را به عهده گرفت و آقایان حمید جلالی و محمود رسولی که حروفچینی و صفحه‌آرایی آن را عهده‌دار بوده‌اند، تشکر کرد.

مدیر گروه تراجم و انساب غلامرضا جلالی مشهد آذر ۱۳۸۵

ص: ۱۷

بخش اول: شاعران و هنرمندان

ص: ۱۹

آ

(۱) آذر حقیقی - غلامرضا (۱۲۸۰-۱۳۵۸ ه. ش)

حاج غلامرضا آذر حقیقی فرزند محمد ولی متخلص به «آذر» در سال ۱۲۸۰ ه. ش در یکی از دهات کوهپایه مشهد به نام «کاهو» متولد شد. پس از آشنایی با خواندن و نوشتن به سرودن شعر و مرثیه و تعلیم و تربیت مداحان، روی آورد و کوشید تا سنت مرثیه سرایی برای اهل بیت علیهم السلام را گسترش دهد. غزل زیر نمونه‌ای از اشعار اوست:

بزرگ تیغم و این آخرین سلام من است	عزیز فاطمه سوی تو این پیام من است
به کوی عشق نخستین فدایی تو منم	هزار شکر که سربازیت مرام من است
لبم به ذکر تو گویاست تا توان دارم	که عشق روی تو کار علی الدوام من است
به جرم یاری دین گر شوم شهید چه غم	که این عقیده و این قیام من است
به راه عشق تو جان می‌دهم ولی شادم	از اینکه قرعه جان باختن بنام من است

فروتنی و اخلاص آذر زبانزد مردم بود. مجموعه اشعار و نوحه‌های وی در پنج جلد منتشر و بارها تجدید چاپ گردید. آذر پس از عمری عرض ارادت به خاندان عصمت و طهارت در سال ۱۳۵۸ ه. ش فوت و در صحن نو حرم رضوی به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - علی اکبر گلشن‌آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۱ - ۴۳.

ص: ۲۰

(۲) آستانه‌پرست - حسین (۱۳۰۳ - ۱۳۶۰ ه. ش)

حسین آستانه‌پرست متخلص به «شاهد» در سال ۱۳۰۳ ه. ش در شهر مشهد به دنیا آمد. وی پس از طی دوران تحصیلات ابتدایی به خدمت نظام وظیفه درآمد و در سال ۱۳۲۷ ه. ش وارد آموزش و پرورش شد و چند سالی در مدرسه غیر دولتی تدین، واقع در اول کوچه خامنه‌ای تدریس نمود. در کنار معلمی، با علوم حوزوی در مهدیه آشنا شد. او مردی متدین، و اخلاق و رفتارش زبانزد عام و خاص بود، از اوایل جوانی به سرودن شعر و سرودهای مذهبی روی آورد:

عمرم تمام گشت ز هجران روی تو	ترسم شها به خاک برم آرزوی تو
------------------------------	------------------------------

---

<sup>۱</sup> (۱) - علی اکبر گلشن‌آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۱ - ۴۳.



عشاق را همیشه بود دیده سوی تو	با آنکه روی ماه تو از دیده شد نمان
شد روزشان سیاه از این غم چو موی تو	خورشید چهرهات چون نمان شد ز چشم خلق
چون بنگرم به ماه و کنم یاد روی تو	دامن پر از ستاره کنم شب ز اشک چشم
گل‌های باغ را نبرد رنگ و بوی تو	گردش بی‌باغ بهر تماشای گل بود
گر بگذرد نسیم سحرگه ز کوی تو	همچون مسیح جان به تن مردگان دهد
شب‌ها بیاد روی تو و گفتگوی تو	تا کی ز هجر روی تو سوزیم همچو شمع
تا کی به هر دیار کند جستجوی تو؟	رحمی به حال «شاهد» از پا افتاده کن

آستانه پرست در هنگام پیروزی انقلاب در شمار انقلابیون بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۰ ه. ش کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی شد و چند ماه بعد در

ص: ۲۱

اوایل شهریور به دست منافقین ترور شد و به شهادت رسید و در صحن آزادی بلوک هفتم دفن شد.<sup>۲</sup> از آثار منشور وی می‌توان به «طوفان حقیقت»، «توحید و توکل» که ترجمه و اقتباس از «محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء» است نام برد. برخی از سروده‌های آستانه پرست در جلد سوم «غم‌ها و شادی‌ها» آمده است. آثار منظوم وی به صورت مستقل به چاپ نرسیده است.<sup>۳</sup>

رسول سعیدی زاده

(۳) آگاهی - محمد (۱۲۹۲ - ۱۳۵۰ ه. ش)

محمد آگاهی فرزند عبد الحسین ملباشی از شاعران غزل‌سرای معاصر خراسان است.<sup>۴</sup> پدرش عبد الحسین آل داود شاعر و موسیقی‌دان (متوفی ۱۳۲۶ هجری) به علت انتشار روزنامه آگاهی به همین نام خوانده می‌شد.<sup>۵</sup>

<sup>۲</sup> (۱) - پس از شهادت شهید آستانه پرست، بازارچه جنب حرم رضوی واقع در حدفاصل خیابان طبرسی و شیرازی به همین مناسبت «آستانه پرست» نامگذاری شد.

<sup>۳</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۱۳.

<sup>۴</sup> (۳) - همان؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۱۹.

<sup>۵</sup> (۴) - حسین الهی: روزنامه و روزنامه‌نگاری در

محمد در سال ۱۲۹۲ ه. ش در مشهد متولد شد.<sup>۶</sup> وی در مشهد تحصیل و پس از آن سال‌ها به کارهای دفتری دادگستری مشهد اشتغال داشت تا اینکه در سال ۱۳۵۰ ه. ش بازنشسته شد.

محمد آگاهی مردی مؤدب و مهربان و به

---

(۱) - پس از شهادت شهید آستانه‌پرست، بازارچه جنب حرم رضوی واقع در حدفاصل خیابان طبرسی و شیرازی به همین مناسبت «آستانه‌پرست» نامگذاری شد.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۱۳.

(۳) - همان؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۱۹.

(۴) - حسین الهی: روزنامه و روزنامه‌نگاری در

خراسان / ۱۰۲.

(۵) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۱۹.

ص: ۲۲

دلیل اعتیاد، دچار ضعف قوا بود.<sup>۷</sup>

وی در شعر «آگاهی» تخلص می‌کرد.<sup>۸</sup> و تخصص اصلی او در شعر سرودن غزل است، هرچند در غزل و قصیده بسیار وسواس داشت و حتی بر روی یک غزل چند ماه کار می‌کرد.<sup>۹</sup> از آگاهی مجموعه شعری به نام «نوای آگاهی» در سال ۱۳۴۸ ه. ش به وسیله کتابفروشی «زوار» چاپ شد.<sup>۱۰</sup> وی سرانجام در هشتم دیماه ۱۳۵۰ ه. ش) در مشهد چشم از جهان فروبست و در آنجا مدفون گردید.<sup>۱۱</sup> از اوست:

---

خراسان / ۱۰۲.

<sup>۶</sup> (۵) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۱۹.

<sup>۷</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۰.

<sup>۸</sup> (۲) - همانجا.

<sup>۹</sup> (۳) - محمد باقر برقی: سخنوران نامی معاصر، ۱ / ۲۶۸.

<sup>۱۰</sup> (۴) - محمد باقر برقی: پیشین / ۱ / ۲۶۷.

<sup>۱۱</sup> (۵) - همان.

دوران عمر یک‌سره در آرزو گذشت	در آرزوی وصل تو ای ماهرو گذشت
پنهان نبود گوهر مقصود از نظر	بیهوده عمر من ز پی جستجو گذشت
جز‌های‌وهو نبود جوانی، چه خوب شد	پیری رسید و زودتر این‌های‌وهو گذشت
بگذار روزگار تو با عشق بگذرد	در بند آن مباش که بد یا نکو گذشت
عشق تو آبروست، ز سر کی شود بدر	هرگز نمی‌توان ز سر آبرو گذشت
همچون کمان خمیده شد آگاهی از غمت	زان تیر کز نگاه تو بر قلب او گذشت <sup>۱۲</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۰.

(۲) - همانجا.

(۳) - محمد باقر برقی: سخنوران نامی معاصر، ۱ / ۲۶۸.

(۴) - محمد باقر برقی: پیشین / ۱ / ۲۶۷.

(۵) - همان.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۱ - ۵۲.

ص: ۲۳

۱

(۴) اختر طوسی - عباسعلی (۱۲۶۸ - ۱۳۳۴ ه. ق)

میرزا (ملا) عباسعلی اختر طوسی عارف و شاعر و متخلص به «اختر»، در خراسان به دنیا آمد. از کودکی به تحصیل علوم پرداخت و در فارسی و عربی و خوشنویسی مهارت یافت.

---

<sup>۱۲</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۱ - ۵۲.

عروض و قافیه و فن بدیع را نیک می‌دانست. از جوانی به سرودن اشعار پرداخت.<sup>۱۳</sup> به گفته معصوم علیشاه «شاعری پاک‌دامن و پاک‌دهان» بود و هیچ‌گاه اعیان و ارکان مملکت را نستود. به شیراز، اصفهان، تهران سفر کرد و به زیارت حج رفت. در عتبات مشاهد ائمه: را زیارت نمود. در اواخر عمر به مشهد بازگشت و به خدمت آستان قدس درآمد.<sup>۱۴</sup> از شعرای معاصر وی می‌توان سید احمد دیوان‌بیگی مؤلف حدیقة الشعراء،<sup>۱۵</sup> دانا، نصرت، طلوعی، گوهری، مقدم و محرم افشار را نام برد.<sup>۱۶</sup>

اختر طوسی عمرش را در قناعت بسر برد و مجرد زیست و جز با اصحاب فضل و کمال مصاحبت نکرد.<sup>۱۷</sup>

صاحب تاریخ تذکرة‌های فارسی

---

(۱) - احمد گلچین معانی: تاریخ تذکرة‌های فارسی ۲ / ۳۴۸، دایرة المعارف تشیع ۲ / ۱۳.

(۲) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۵۴۸.

(۳) - اثر آفرینان ۱ / ۲۱۶.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان ۵۶ - ۵۸.

(۵) - دایرة المعارف تشیع ۲ / ۱۳.

ص: ۲۴

نام وی را غلامحسین آورده است.<sup>۱۸</sup>

برادر وی متخلص به «راقم» نیز شاعر بوده است.<sup>۱۹</sup>

اختر اشعار خود را در اثری به نام «گلزار حسینی» گردآورده است که شامل مدایح و مراثی معصومین:

---

<sup>۱۳</sup> (۱) - احمد گلچین معانی: تاریخ تذکرة‌های فارسی ۲ / ۳۴۸، دایرة المعارف تشیع ۲ / ۱۳.

<sup>۱۴</sup> (۲) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۵۴۸.

<sup>۱۵</sup> (۳) - اثر آفرینان ۱ / ۲۱۶.

<sup>۱۶</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان ۵۶ - ۵۸.

<sup>۱۷</sup> (۵) - دایرة المعارف تشیع ۲ / ۱۳.

<sup>۱۸</sup> (۱) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۳۴۷.

<sup>۱۹</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶ - ۵۸.

خصوصاً حضرت علی علیه السلام و شهدای کربلا است.<sup>۲۰</sup> وی هشت هزار بیت شهر در قالب غزل و قصیده دارد که بیشتر آنها را در اصفهان و خراسان سروده است.<sup>۲۱</sup>

اشعار اختر طوسی در کتبی نظیر حدیقة الشعرا، طرائق الحقایق، نامه آستان قدس رضوی و سفینه فرخ بازتاب یافته است. قطعات زیر از اوست:

که قطره‌ای است ز دریای فیض کمال<sup>۲۲</sup> حب او را

خواهی ار بوی بهشت جاودانی بشنوی<sup>۲۳</sup>

دل نشد در سینه آرام آنی از شیون مرا<sup>۲۴</sup>

امام ثامن و ضامن علی بن موسی

پیشه کن از بغض او اندیشه کن

تا نیامد در بر آن دلدار سیمین تن مرا

محمد جواد هوشیار

ادیب بجنوردی - سید حسین - جلد اول

ادیب خاوری - حسن - جلد اول

ادیب نیشابوری - عبد الجواد - جلد اول

ادیب نیشابوری - محمد تقی - جلد اول

ادیب هروی - محمد حسن - جلد اول

(۵) استادی - قاسم (۱۳۰۶ - ۱۳۷۲ ه. ش)

قاسم استادی متخلص به «ثابت» از شعرا و نوحه‌سرایان معاصر خراسان،

---

(۱) - احمد گلچین معانی: پیشین ۳۴۷ / ۲.

---

<sup>۲۰</sup> (۳) - آقازرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۶۱.

<sup>۲۱</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین ۵۶ - ۵۸.

<sup>۲۲</sup> (۵) - تقی بینش: «اختر طوسی»، نامه آستان قدس، شماره ۳۶، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

<sup>۲۳</sup> (۶) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۵۴۹.

<sup>۲۴</sup> (۷) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقة الشعرا ۱ / ۹۴.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶ - ۵۸.

(۳) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۶۱.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین ۵۶ - ۵۸.

(۵) - تقی بینش: «اختر طوسی»، نامه آستان قدس، شماره ۳۶، ص ۲۴۹ - ۲۵۰.

(۶) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۵۴۹.

(۷) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقه الشعرا ۱ / ۹۴.

ص: ۲۵

سال‌ها در مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السّلام شعر می‌سرود. سال ۱۳۰۶ ه. ش در مشهد متولد شد و در اوان کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی مستقیم مادرش قرار گرفت.

او چون امور معیشت خانواده را به عهده داشت، تحصیلات خویش را در مدارس شبانه‌گذرانده و از ابتدای جوانی با مجالس ذکر مصیبت سید مظلومان مأنوس گشت. او با توجه به شوق فراوانی که داشت به سرودن اشعار مذهبی در ذکر مصائب اهل بیت:

پرداخت و در این زمینه از تعالیم مرحوم آذر، شاعر خراسانی مدد گرفت.

خانه او محفل علاقه‌مندان بود.

حرص و آز و طمع‌ورزی را از صفات زشت می‌شمرد. او خود می‌گوید:

مرد خداشناس اگر جان دهد ز فقر      دستش بسوی هرکس و ناکس دراز نیست

ثابت بعضی از اشعارش را در رثای ائمه اطهار علیهم السّلام به همراه اشک فراوان سروده است.

او سالیانی چند از بیماری قلبی رنج می‌برد. عاقبت در شصت و ششمین بهار زندگیش به سال ۱۳۷۲ ه. ش قلبش از تپش ایستاد و جنازه‌اش در صحن عتیق حرم مطهر حضرت رضا علیه السّلام به خاک سپرده شد.

دیوانی از وی بر جای ماند. شعر ذیل تحت عنوان شرط توحید در مدح حضرت رضا علیه السّلام از این دیوان انتخاب شده است:

ای وجود تو ثبوت احدیت به صفات  
ای رضایی که خداوند جهان از تو رضاست

وی ز بود تو بود چرخ فلک را حرکات  
حق رضا از تو و بر حق تو شدی مظهر ذات

ص: ۲۶

ای نگاهت ز وفا زنده کن عظم رمیم  
با ولای تو شود آتش نیران خاموش  
ای به مدح تو زبان فصحا آمده لال  
ای به هر صبح جبین سای به کویت خورشید  
هر که سر سود به درگاه تو از صدق و صفا  
بر تو آرند ملائک ز خداوند و درت  
شرط توحید تویی کس نرود سوی بهشت  
سخنان تو هدایتگر هر گمراه است  
عجز باشد به حضور تو سخندانان را  
به مدیحت نتوانم سخنی غیر از این  
با چنین جاه و شرف ای پدرم قربانت  
کشته ز هر جفا گوشه غربت گشتی  
ثابتم گر به جهان نامه سیاهم اما

وی حریم تو به ابنای بشر باب نجات  
بی ولای تو گناهست همه صوم و صلوات  
وی به وصف تو عقول عقلا آمده مات  
وی به شوق تو پراکنده به عالم ذرات  
سیئاتش شود از لطف جنابت حسنات  
پنج نوبت به همه روز سلام و صلوات  
تا نباشد به کفش روز حساب از تو برات  
هر حدیث تو به هر مرده دلی داده حیات  
که ثنای تو ننگجد به خدا در کلمات  
که تو بر خلق امامی و خدا را مرآت  
چه جفایی که نیامد به تو از اهل طغات  
ماند داغت به دل اهل ولا تا عرصات  
دارم امید که آیی به سرم وقت ممات

ابراهیم زنگنه

(۶) اسدآبادی - اسد الله (قرن ۱۴ ه. ق)

سید اسد الله اسدآبادی متخلص به «حیرت» از شعرای نیمه دوم قرن سیزده و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری است. اصل او از اسدآباد همدان بود.

در اوایل جوانی در اردبیل می‌زیست. گروهی قصد جاننش را کردند، اما سید به تبریز فرار کرد و پیشکار مظفر الدین میرزای ولیعهد شد.

او برای حفظ سید وی را زندانی کرد، سپس مبلغی به او داد و محرمانه وی را به مشهد فرستاد. سید در مشهد به کسب و کار پرداخت و دکان کفاشی و چرم فروشی باز کرد و با شعرای معاصر خویش جلساتی داشت.

از اشعار بر جای مانده از سید بر

ص: ۲۷

می‌آید که وی شاعری توانا بود و طبع خوب داشت، فوت حیرت در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ ه. ش / ۱۳۲۴ ه. ق) در مشهد واقع شد. از غزلیات اوست:

چشمان تو خواب از اثر جام شراب است	بختم شده بیدار که این فتنه به خواب است
شد کشف به ما سرّ خدا، باده‌پیما	که این رتبه‌ام از باطن مینای شراب است
آتش زدی اندر دل و دین من حیران	آبی بفشان بر سر آتش که ثواب است
زاهد به گذشت از سر این آب که سیراب	گردد ز می کوثر و غافل که سراب است
تلخ است مرا عیش که اندر یک بوس	امروز میان من و لعلت شکراب است
ای حیرت دل‌خسته تو از شعر چه خواهی	بر موزه بزن بخیه که بغداد خراب است <sup>۲۵</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۷) اسفراینی - محمد تقی (قرن ۱۲ ه. ق)

محمد تقی فرزند محمد قاسم شاعر اهل بیت علیهم السّلام و عارف قرن دوازدهم هجری است. وی در اسفراین زاده شد.

در مشهد سکونت یافت و در همین شهر درگذشت.

<sup>۲۵</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۲۰ - ۲۲۱.



از او کتابی بسیار ارزنده به نام «مقامات العارفين» به یادگار مانده است که نسخه‌های خطی آن در کتابخانه سپهسالار به شماره ۷۴۵۵<sup>۲۶</sup> و در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۹۱۲۷ نگهداری می‌شود.<sup>۲۷</sup>

این اشعار از اوست:

محمد، صیقل مرآت بینش	نظر سیمای چشم آفرینش
شفاعت سنج جرم آباد هستی	قناعت گنج ملک تنگدستی
به خلقت ز انبیا پیشی گرفته	ز سبقت با خدا خویشی گرفته <sup>۲۸</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۲۰ - ۲۲۱.

(۲) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۱۲ / ۲۲.

(۳) - غلامرضا فسقوری: مشاهیر رجال اسفراین / ۱۴۰.

(۴) - همان.

ص: ۲۸

(۸) اصفهانی - بابا شاه (ح ۹۸۰ - ۱۰۱۲ ه. ق.)

بابا شاه اصفهانی ملقب به رئیس الرؤسا، خوشنویس و شاعر. در سن هشت سالگی خط را نزد علی هراتی فرا گرفت و در آن فن استاد شد. صاحب رساله قطبیه آورده است: «من در سال ۹۹۵ ه. ق در اصفهان به خدمت بابا شاه رسیدم و او را در عنفوان جوانی و حسن جمال فوق العاده و با کمال دیدم و از حسن خط او در بحر حیرت فرورفتم و کسی را در آن وقت در نیکویی خط در اصفهان به پایه او نیافتم».<sup>۲۹</sup>

---

<sup>۲۶</sup> (۲) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۱۲ / ۲۲.

<sup>۲۷</sup> (۳) - غلامرضا فسقوری: مشاهیر رجال اسفراین / ۱۴۰.

<sup>۲۸</sup> (۴) - همان.

<sup>۲۹</sup> (۱) - عبدالمحمد اصفهانی ایرانی: پیدایش خط و خطاطان / ۱۴۰ - ۱۴۱.

با اینکه جوان سال بود، بیشتر صاحب‌هنران خط او را بر خط خوشنویسان دیگر ترجیح می‌دادند. او بدون تردید اگر عمری طولانی داشت، کمتر از میرعلی هروی و سلطانعلی نبود.<sup>۳۰</sup>

از معاصرین وی می‌توان میرعلی هراتی را نام برد.

بابا شاه اصفهانی در سال ۱۰۱۲ ه. ق درگذشت و در مشهد به خاک سپرده شد.<sup>۳۱</sup> و بعضی محل دفن او را بغداد نوشته‌اند.<sup>۳۲</sup>

از جمله آثارش می‌توان به «رساله‌ای منظوم در تعلیم خط» اشاره کرد.<sup>۳۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۹) اصفهانی - عبد الله (- ح ۱۰۷۴ ه. ق)

میرزا عبد الله فرزند میرزا محمد شفیع مستوفی متخلص به «عشق» و از سادات حسینی اصفهان،<sup>۳۴</sup> در اصفهان زاده شد و در همانجا به تحصیل علوم

---

(۱) - عبد المحمد اصفهانی ایرانی: پیدایش خط و خطاطان / ۱۴۰ - ۱۴۱.

(۲) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۱۹.

(۳) - عبد المحمد اصفهانی ایرانی: پیشین / ۱۴۰ - ۱۴۱.

(۴) - میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۱۹.

(۵) - همان.

(۶) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۷۲۲.

ص: ۲۹

---

<sup>۳۰</sup> (۲) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۱۹.

<sup>۳۱</sup> (۳) - عبد المحمد اصفهانی ایرانی: پیشین / ۱۴۰ - ۱۴۱.

<sup>۳۲</sup> (۴) - میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۱۹.

<sup>۳۳</sup> (۵) - همان.

<sup>۳۴</sup> (۶) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۷۲۲.

پرداخت.<sup>۳۵</sup>

وی از معاصرین میرزا طاهر نصر آبادی (۱۰۹۹ ه. ق) و شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه. ق) می‌باشد.<sup>۳۶</sup>

وی در سال ۱۰۷۴ ه. ق در تهران وفات یافت. جسد او را به مشهد منتقل و در همین جا دفن نمودند.<sup>۳۷</sup>

اصفهانی دارای دیوان شعر بالغ بر ده هزار بیت است.<sup>۳۸</sup> این اشعار از اوست:

آرزو به چندین رنگ از دلم کند پرواز  
آشیان طاووس است این دلی که من دارم<sup>۳۹</sup>

فرزند وی داوود اصفهانی (۱۰۶۵-۱۱۳۳ ه. ق) نیز شاعر بود.

محمد جواد هوشیار

(۱۰) اصفهانی - محمد علی (- ۱۰۷۳ ه. ق)

میرزا محمد علی اصفهانی شاعر متمایل به تصوف. در روستای مهاباد اصفهان متولد گردید.<sup>۴۰</sup>

به قصد تجارت از ایران به هندوستان رفت<sup>۴۱</sup> و پس از چندی در مشهد ساکن شد و در همین شهر به سال ۱۰۷۳ ه. ق فوت نمود.<sup>۴۲</sup>

وی غزلیات مولوی را در هشتاد هزار بیت جمع نمود.<sup>۴۳</sup> و به تقلید از مولوی شعر می‌سرود.

این دو بیت از اوست:

---

<sup>۳۵</sup> (۱) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۱۰۴/۲ - ۱۰۵.

<sup>۳۶</sup> (۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۴۷: آقابزرگ تهرانی: پیشین ۷۲۲ / ۹.

<sup>۳۷</sup> (۳) - ولی قلی شاملو: پیشین ۱۰۴/۲ - ۱۰۵.

<sup>۳۸</sup> (۴) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۷۲۲ / ۹.

<sup>۳۹</sup> (۵) - آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۳۴.

<sup>۴۰</sup> (۶) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۳۸.

<sup>۴۱</sup> (۷) - نصرآبادی: پیشین / ۱۳۹.

<sup>۴۲</sup> (۸) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی، ۲ / ۱۱۹.

<sup>۴۳</sup> (۹) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۸.

شبم ز گل به دامن جان پاک می‌کنم

گل را خیال روی عرقناک می‌کنم

تسبیح، ره به کوی خرابات کی دهد؟

من استخاره از گره تاک می‌کنم<sup>۴۴</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۰۴ - ۱۰۵.

(۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۴۷؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۷۲۲.

(۳) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۴ - ۱۰۵.

(۴) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۷۲۲.

(۵) - آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۳۴.

(۶) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۳۸.

(۷) - نصرآبادی: پیشین / ۱۳۹.

(۸) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی، ۲ / ۱۱۹.

(۹) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۸.

(۱۰) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۱۸ - ۱۱۹.

ص: ۳۰

(۱۱) اعتماد الاسلام مشهدی - احمد (- ۱۳۴۲ ه. ق)

سید احمد اعتماد الاسلام مشهدی متخلص به «اعتماد» فرزند میرزا ابو القاسم طیب از شعرای سده چهاردهم مشهد.

تحصیلات مقدماتی و علوم عصر مانند فقه، اصول، معانی و بیان و نیز حکمت را در زادگاهش به اتمام رساند.

---

<sup>۴۴</sup> (۱۰) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۱۸ - ۱۱۹.

معاشرت و مجالست با بزرگانی از جمله حاج میرزا حبیب مجتهد موجب تشویق و ترغیب او به سرودن شعر گردید. اعتماد الاسلام از مشروطه خواهان بود. قبل از مشروطه و اوایل آن با حاج سید زین العابدین مجتهد سبزواری که از پیشروان مشروطه بود رابطه صمیمی داشت. با شاهزاده ابو الحسن میرزا شیخ الرئیس و شیخ محمد علی فاضل خراسانی نیز آشنایی و الفت داشت.

اعتماد الاسلام دارای خط خوش بود، یک جلد کلام الله مجید به خط نسخ و مقداری متون نظم و نثر عربی از وی بر جا مانده است. در تفسیر آیات قرآن، ذوق و سلیقه مخصوص و اطلاعات کافی داشت. با مطالعات طبی خود خویشان و رفقا را معالجه می‌کرد و به قوانین شرع و دادگستری نیز مسلط بود.

در اوایل مشروطه با خانواده به زیارت عتبات رفت. در میامی همسرش دار فانی را وداع گفت. مدتی بعد با یکی از بستگان همسر قبلی ازدواج کرد اما همسر جدیدش که زن جوانی بود نیز فوت کرد. این رویداد تلخ موجب تندخویی و بی‌حوصله‌گی وی شد. این اخلاق او علاوه بر رنجش مردم، مانع پیشرفت و ترقی وی گردید تا جایی که در زمان حیات هرچه داشت مصرف کرد و بجز یک خانه چیزی از خود برجای نگذاشت.

اعتماد دیوان شعری مشتمل بر چهارده هزار بیت دارد. اشعارش لبریز از صنعت است. صنایعی مثل التزام و تجنیس در شعرش فراوان دیده می‌شود. بیشتر اشعار وی در قالب غزل

ص: ۳۱

است. قصیده، رباعی و مثنوی نیز سروده است. او موضوعات مختلفی از قبیل وصف طبیعت، توحید، مدح ائمه اطهار علیهم السلام و مضامین روز را مورد استفاده قرار داده است. یک مثنوی موسوم به «طرماس نامه» دارد که به بحر متقارب است و آغازش چنین است:

به نامش کنم نامه را زرنگار

هو الله ربی زهی کردگار

به درگاه پروردگار قدیر

نثار ثنا و سپاس جدیر

و مثنوی دیگری به نام «حکمت بالغه» دارد که با این بیت شروع می‌شود:

یک سیاه و زرد و ابلق چون پلنگ

آن شنیدستم سه گاو رنگ‌رنگ

شرزه شیری گشت با ایشان دچار

در چرا بودند اندر کوهسار

از اعتماد الاسلام رساله‌های علم حروف، شیمی ادویه، تطبیق دستورات بهداشتی، طب قدیم و جدید بر جای ماند. از آثار چاپی وی می‌توان به کتاب «منتخب اشعار اعتماد» اشاره کرد که در سال ۱۳۳۵ ه. ش به کوشش تقی بینش و سرمایه‌فرزندش سید جلال الدین نبی پور مدیر بنگاه چاپ و نشر ممتاز به چاپ رسید.

فوت اعتماد مشهدی در سال ۱۳۴۲ ه. ق در مشهد اتفاق افتاد. از اشعار جالب اوست:

یاد دارم از صدیقی این مثال	که تنی چند از کلاب خردسال
باهم اندر لعب خوش آمیخته	سالک ضدیت ز هم بگسیخته
کرده آمیزش به هم در تاز و تک	لعب با هم باختندی یک‌به‌یک
سرخوش و سرگرم با الفت تمام	مختلط باهم رؤف و شادکام
یک بزرگی دید چون احوالشان	رشک برد از نیکی افعالشان
گفت انسانی که از حسن قبول	خود لقد کرم به شانس شد نزول
کاش بودندی به هم مشفق چنین	خالی از شر و فساد و نازنین

ص: ۳۲

از چنین آمیزش خوش‌رو متاب درخور آموزش آمد زان این کلاب<sup>۴۵</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۱۲) امامی اصفهانی - محمد رضا (- بعد از ۱۰۸۷ ه. ق)

محمد رضا امامی کتیبه‌نویس و خطاط جلی‌نویس قرن یازدهم هجری و معاصر شاه عباس ثانی.<sup>۴۶</sup>

<sup>۴۵</sup> (۱) - منتخب اشعار اعتماد، مقدمه / ۷۲، ۱۱۲.

<sup>۴۶</sup> (۲) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب ۲ / ۷۲۹.

اصلش از اصفهان و کارش را از سال ۱۰۳۹ ه. ق از همین شهر شروع کرد.<sup>۴۷</sup> خطش در بیشتر عمارات شاهی، اماکن متبرکه، مدرسه‌ها و مساجد دیده می‌شود.<sup>۴۸</sup>

بیشتر کتیبه‌های او در اصفهان است، در شهرهای قم، قزوین و مشهد نیز می‌توان آثارش را دید. کارهایش با امضای «محمد رضای اصفهانی»، «محمد رضا الامامی» و یا «محمد رضا الامامی الاصفهانی الادهمی» است.

پسرش محمد محسن و نوه‌اش علی تقی نیز از خوشنویسان بودند که در سال‌های ۱۰۹۰ تا ۱۱۲۷ ه. ق برای بناهای ایران کتیبه‌نویسی کرده‌اند.

اولین کتیبه امامی در اصفهان به سال ۱۰۳۹ ه. ق و آخرین آن تاریخ ۱۰۸۱ ه. ق را نشان می‌دهد. کتیبه‌های دیگر وی که در سال‌های ۱۰۸۴ ه. ق و ۱۰۸۷ ه. ق نوشته است در مشهد می‌باشد.<sup>۴۹</sup>

از آثار وی در حرم مطهر رضوی می‌توان به: کتیبه سوره ایوان عباسی واقع در صحن کهنه، کتیبه سوره کهیعص تا آیه (ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ)، دور ایوان طلای صحن کهنه.<sup>۵۰</sup> کتیبه

---

(۱) - منتخب اشعار اعتماد، مقدمه / ۷۲، ۱۱۲.

(۲) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب / ۲ / ۷۲۹.

(۳) - ا. گدار: آثار ایران / ۱ / ۲۴۳.

(۴) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۷۴.

(۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۱ / ۴۳۶ - ۵۴۷؛ آ. گدار: پیشین / ۱ / ۲۴۴ - ۲۴۵.

(۶) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین / ۱ / ۴۱۱.

ص: ۳۳

صفه رو به مشرق مسجد جدید عباسی که به سال ۱۰۴۰ ه. ق به اتمام رسید.<sup>۵۱</sup>

---

<sup>۴۷</sup> (۳) - ا. گدار: آثار ایران / ۱ / ۲۴۳.

<sup>۴۸</sup> (۴) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۷۴.

<sup>۴۹</sup> (۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۱ / ۴۳۶ - ۵۴۷؛ آ. گدار: پیشین / ۱ / ۲۴۴ - ۲۴۵.

<sup>۵۰</sup> (۶) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین / ۱ / ۴۱۱.

کتیبه دور گنبد ایوان مقصوره از سمت محدب، سوره مبارکه «یس» تا (حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ) به خط ثلث که در تاریخ ۱۰۷۷ ه. ق نوشته شده است.<sup>۵۲</sup> و نیز دو کتیبه در جلوی ایوان مقصوره مسجد جامع گوهرشاد: یکی سوره «إِنَّا فَتَحْنَا» تا «لَيْسَ عَلَيَّ الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ» و دیگری سوره «تبارک» کوچک تا «فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ» به رقم محمد رضا امامی است.<sup>۵۳</sup>

در طاق سوم در پایه دهنه ایوان مقصوره بر کاشی معرق به خط محمد رضا امامی ولی بدون رقم نوشته شده است: (قال الله تعالى قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ ... تَكْبِيرًا).<sup>۵۴</sup>

در پایه دیوار خروجی جلوی ایوان مقصوره کتیبه‌ای است که گویا تعمیر گردیده و آیه «نور» تا «وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» به خط محمد رضای امامی منعکس شده است.<sup>۵۵</sup> در پیشانی این ایوان به خط ثلث زرد معرق رقم شده است: بالعطيه و الکبرياء و بالعزة و البقاء ... کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی فی سنة ۱۰۸۷ ه. ق.<sup>۵۶</sup>

در پایه دهنه دور ایوان جنوبی در بالای محل عبور، آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) تا آخرش به خط نستعلیق به تاریخ ۱۰۸۴ ه. ق نوشته شده است. و کتیبه دور مسجد به خط محمد رضای امامی است ولی خیلی جاهای آن با کاشی‌کاری تعمیر شده و به خط وسطی است و سه سوره نگاشته شده است.<sup>۵۷</sup>

فهرستی از آثار محمد رضا اصفهانی همراه با دو عکس از کتیبه ترنج گنبد طلای حرم رضوی را در جلد اول کتاب «آثار ایران» نوشته آندره گدار و نیز جلدهای اول و دوم کتاب مطلع الشمس می‌توان دید. امامی آخرین سال‌های

---

(۱) - عبد الحسين خاتون آبادی: وقایع السنین / ۵۱۰.

(۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنة: پیشین ۱ / ۴۲۷.

(۳) - همان ۱ / ۴۲۹.

(۴) - همان ۱ / ۴۳۲.

(۵) - همان ۱ / ۴۳۴.

---

<sup>۵۱</sup> (۱) - عبد الحسين خاتون آبادی: وقایع السنین / ۵۱۰.

<sup>۵۲</sup> (۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنة: پیشین ۱ / ۴۲۷.

<sup>۵۳</sup> (۳) - همان ۱ / ۴۲۹.

<sup>۵۴</sup> (۴) - همان ۱ / ۴۳۲.

<sup>۵۵</sup> (۵) - همان ۱ / ۴۳۴.

<sup>۵۶</sup> (۶) - همان ۱ / ۴۳۶.

<sup>۵۷</sup> (۷) - همان ۱ / ۴۳۹ - ۴۴۰.



(۶) - همان / ۱ / ۴۳۶.

(۷) - همان / ۱ / ۴۳۹ - ۴۴۰.

ص: ۳۴

عمرش را در مشهد گذراند و بعد از پنجاه سال کار هنری در مشهد درگذشت.<sup>۵۸</sup>

رسول سعیدی زاده

انوار - قایینی - ابو تراب - جلد اول

(۱۳) امتی خراسانی - ابراهیم (- ۹۴۱ ه. ق)

ابراهیم امتی از مشاهیر شعرای خراسان، در اوایل از خدمه سلطان حسین باقرا بود.<sup>۵۹</sup>

مدتی نیز ملازم قاضی سلطان تربتی بود و در زمان شاه عباس تولیت آستان قدس رضوی را به عهده داشت و در مدحش قصیده سروده است.<sup>۶۰</sup>

وی در انشاءپردازی و سخن‌سرایی از معاصران خود برتر و دارای اشعار نغز است:

ز بس ایام با من کرد سردی نیم‌رس ماندم

منم آن میوه کز خامی به بستان هوس ماندم

نوی تازه پرداختم تا در قفس ماندم

من آن مرغم که هرگه کرد عشقم میل آزادی

اول به کاوش مژه دل را خبر کنند

هرگه بتان به سوی اسپران نظر کنند

توفیق‌شان مباد که خاکی به سر کنند

آنان که گل به گوشه دستار می‌زنند

در حیرتم که با که دگر آشنا شود

دل خسته‌ای که از تو به حسرت جدا شود

چندان اثر نماند که صرف دعا شود<sup>۶۱</sup>

از بس که در غم تو کشیدم ز سینه آه

<sup>۵۸</sup> (۱) - ا. گدار: پیشین / ۱ / ۲۴۵.

<sup>۵۹</sup> (۲) - محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار / ۳۸ - ۳۹.

<sup>۶۰</sup> (۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۶۱.

<sup>۶۱</sup> (۴) - همان.

امتی در سال ۹۴۱ ه. ق به دست ازبکان کشته شد.<sup>۶۲</sup>

از وی دیوان شعری بر جای مانده است.<sup>۶۳</sup>

رسول سعیدی زاده

---

(۱) - ا. گذار: پیشین ۱ / ۲۴۵.

(۲) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۳۸ - ۳۹.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۶۱.

(۴) - همان.

(۵) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۳۸ - ۳۹؛ محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۱ / ۱۷۵.

(۶) - آقازرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۹۵.

ص: ۳۵

(۱۴) اوبهی - محمد (- ۹۵۱ ه. ق)

محمد اوبهی خوشنویس، در روستای «اوبه» هرات متولد شد. وی در عصر خود از استادان مشهور نستعلیق به شمار می‌رفت. محمد اوبهی گویا همان احمد اوبهی است که ابو الفضل علامی در آیین اکبری از او یاد کرده است.<sup>۶۴</sup>

اوبهی در نوشتن نثر و انشاء نیز از تبحر خاصی برخوردار بود. یک قطعه از خطش در مرقع امیر غیب بیگ خزانه‌ی اوقاف استانبول به قلم دو دانگ عالی به رقم «الفقییر محمد الاوبهی غفر ذنوبه» نگهداری می‌شود.<sup>۶۵</sup>

فوت وی به سال ۹۵۱ ه. ق در مشهد گزارش شده است.<sup>۶۶</sup>

---

<sup>۶۲</sup> (۵) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۳۸ - ۳۹؛ محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۱ / ۱۷۵.

<sup>۶۳</sup> (۶) - آقازرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۹۵.

<sup>۶۴</sup> (۱) - دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۸۶.

<sup>۶۵</sup> (۲) - همان؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۶۵۲.

<sup>۶۶</sup> (۳) - مهدی بیانی: پیشین ۲ / ۶۵۲.

(۱۵) اوحدی مشهدی - عماد الدین (- ۹۱۴ ه. ق)

خواجه عماد الدین اوحدی شاعر اوایل قرن دهم هجری و شاگرد حاجی محمد خوبشانی است.<sup>۶۷</sup>

تخلص شعری وی «اوحدی» است.<sup>۶۸</sup> از خواجه رباعی زیر در تذکره‌ها آورده شده است:

در مشهد دوست تحفه جز جان نبریم  
دردش چو دهند نام درمان نبریم  
بی درد ز درد عشق نالان گشتیم  
خاموش که نام دردمندان نبریم<sup>۶۹</sup>

---

(۱) - دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۸۶.

(۲) - همان؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۶۵۲.

(۳) - مهدی بیانی: پیشین ۲ / ۶۵۲.

(۴) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۰۹؛ محمد مظفر حسین صبا:

تذکره روز روشن / ۹۱ - ۹۲.

(۵) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۹۱ - ۹۲.

(۶) - محمد علی مصباحی نائینی: پیشین ۳ / ۲۰۹.

ص: ۳۶

---

خواجه عماد الدین به وسیله محمد خان شیبانی ازبک در سال ۹۱۴ ه. ق در مشهد کشته و در همین شهر دفن گردید.<sup>۷۰</sup>

<sup>۶۷</sup> (۴) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۰۹؛ محمد مظفر حسین صبا:

تذکره روز روشن / ۹۱ - ۹۲.

<sup>۶۸</sup> (۵) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۹۱ - ۹۲.

<sup>۶۹</sup> (۶) - محمد علی مصباحی نائینی: پیشین ۳ / ۲۰۹.

---

(۱) - همان؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۹۲ - ۹۱.

ص: ۳۷

ب

باقی - شرف الدین علی - جلد اول

(۱۶) براتعلی - حاجی میرزا (- بعد از ۱۲۶۲ ه. ق)

حاجی میرزا براتعلی شاعر و عارف قرن سیزدهم هجری از فقرای نعمت الهی، افتاده، آرام و کریم الطبع بود. اول به خدمت حسین علیشاه رسید و سپس دست ارادت به مجذوب علیشاه، مست علیشاه و رحمت علیشاه داد. در سال ۱۲۶۲ ه. ق به قصد مشهد مقدس حرکت کرد و در این شهر درگذشت و در همین جا دفن شد.<sup>۷۱</sup>

رسول سعیدی زاده

(۱۷) بغدادی - قطب الدین محمد (- ۹۷۰ ه. ق)

مولانا قطب الدین محمد بغدادی ملقب به «جلنجو» و مشهور به قاضی اوغلی از دانشمندان اوایل دوره صفوی، در فن انشاء و ترسل عربی و فارسی سرآمد منشیان و در شیوه سخنوری مقتدای سایرین بود. در جامعیت علوم عقلی و نقلی بر معاصران خود برتر و از ذهن قوی و نقاد برخوردار بود.

از اساتید او می توان از امیر غیاث الدین منصور نام برد، که لقب «جلنجو» را به وی داد. مولانا را باید از دانشمندان دربار صفویه دانست. طبق تصریح

---

(۲) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقة الشعرا ۱۰۵۸ / ۲؛ اثر آفرینان ۲ / ۲۴۲.

ص: ۳۸

---

<sup>۷۰</sup> (۱) - همان؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۹۲ - ۹۱.

<sup>۷۱</sup> (۲) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقة الشعرا ۱۰۵۸ / ۲؛ اثر آفرینان ۲ / ۲۴۲.

مورخان، ایشان مقام والایی در نزد شاه پهماسب اول داشت.

فوت مولانا در روز دوشنبه بیست و هفتم ماه رجب سال ۹۷۰ ه. ق در قزوین واقع شد. جسدش را از قزوین به مشهد مقدس انتقال و در این شهر به خاک سپردند.<sup>۷۲</sup>

رسول سعیدی زاده

بمرودی قاینی - علی - جلد اول

بنی هاشمی کردکوهی - سید آقابزرگ - جلد اول

(۱۸) بهار شیروانی - نصر الله (۱۲۵۲ - ۱۳۰۴ ه. ق)

میرزا نصر الله معروف به بهار شیروانی از شعرا و دانشوران نیمه دوم قرن سیزدهم هجری است. در سال ۱۲۵۲ ه. ق در شیروان از توابع قفقاز به دنیا آمد. خاندانش از بزرگان آن ناحیه بودند. او در جوانی برای کسب علم و دانش، عازم هندوستان شد و چندی در آن سرزمین ماند و سپس به وطن بازگشت و از محضر دانشمندان ایرانی بهره برد. بهار به اصفهان رفت و در آنجا به دیدار غلامحسین میرزا صدر الشعراء رفت. تا زمانی که او در اصفهان اقامت داشت، آن دو مونس و همدم یکدیگر بودند. مدتی بعد هردو به تبریز رفتند.

در تبریز بهار به تدریس پرداخت. از جمله ایرج میرزا جلال الملک از خدمت وی بهره‌مند شد.

در تبریز با ادیب ناصر دیلمی آشنا شد، و در سال ۱۲۷۵ ه. ق همراه با او به تهران و سپس به مشهد آمد. در مشهد با صبوری ملک الشعراء آستان قدس آشنا گردید. توقف بهار در مشهد زیاد طول نکشید، بار دیگر به تبریز بازگشت و منشی‌گری کنسولگری فرانسه را عهده‌دار شد. گویند لغت‌نامه فرانسه به فارسی «نیکلا» را نوشت و کنسول آن را

---

(۱) - قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۴۰؛ حسن بیگ روملو: احسن التواریخ / ۵۳۸؛ قاضی احمد غفاری قزوینی: تاریخ جهان‌آرا / ۳۰۸.

ص: ۳۹

به مبلغ بسیار جزئی از وی خریداری و به نام خودش به چاپ رساند.

---

<sup>۷۲</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۴۰؛ حسن بیگ روملو: احسن التواریخ / ۵۳۸؛ قاضی احمد غفاری قزوینی: تاریخ جهان‌آرا / ۳۰۸.

سرانجام بهار شیروانی در حالی که بیش از ۵۲ سال از عمرش نگذشته بود، در سال ۱۳۰۴ ه. ق دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت. بنابه قولی پیکرش را در مشهد دفن کردند.

از آثار بهار شیروانی می‌توان به کتاب‌های «تحفة العراقین»، «نرگس و گل»، «دیوان اشعار» که به دست ملک الشعرا بهار رسید و لغت‌نامه فرانسه به فارسی نیکلا در دو جلد اشاره کرد.<sup>۷۳</sup>

رسول سعیدی‌زاده

بی‌نوا- میرزا داود، جلد اول

(۱۹) بیدوازی- میرزا (قرن ۱۳ ه. ق)

میرزا بیدوازی فرزند موسی الرضا بیدوازی از کاتبان قرآن. وی در قرن سیزدهم هجری در بیدواز- یکی از روستاهای اسفراین- متولد گردید و نزد علمای بیدواز به تحصیل علوم اسلامی بویژه علوم قرآنی پرداخت. در بین مردم اسفراین و بیدواز به «ملا میرزا» شهرت داشت. وی در روستای خود با حداقل امکانات زندگی می‌کرد، با این حال آوازه او به شهرهای اسفراین، قوچان، شیروان و مشهد رسید. ملا میرزا علاوه بر کتابت قرآن، کار صحافی، تذهیب، تجلید و شیرازه، تهیه جوهر و مرکب را خود انجام می‌داد. تا پایان عمر به تدریس قرآن اشتغال داشت و از این طریق امرار معاش می‌نمود. ضمن تدریس بنا بر سفارش طلبان به کتابت قرآن مشغول بود.

قرآن‌هایی که وی کتابت نموده در ابعاد مختلف است، از قرآن کوچک در اندازه‌ی ۷\*۱۰ تا قرآن‌های بزرگ در اندازه‌ی ۲۳\*۳۵ کتابت کرده است. وی ۱۹۹ جلد قرآن را با جوهر مخصوص از گیاهان به خط زیبا نوشته و همه آنها را

---

(۱)- محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب / ۱ / ۴۷۶؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۴۴ - ۱۴۶.

ص: ۴۰

نیز صحافی، تذهیب و شیرازه نموده است. فسق‌ری یکی از محققین در زینت کتابت قرآن می‌نویسد: قرآن‌هایی که تاکنون به خط ملا میرزا دیده شده عبارتند از:

۱- جلد ۳۴ سال ۱۲۵۶ ه. ق کتابت شده است.

۲- جلد ۸۰ که به سال ۱۲۶۸ ه. ق به سفارش شخصی به نام فرج الله تهیه شده است.

---

<sup>۷۳</sup> (۱) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب / ۱ / ۴۷۶؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۴۴ - ۱۴۶.

۳- جلد ۱۲۸ تاریخ کتابت آن جمعه سوم صفر ۱۳۳۱ ه. ق است.

۴- جلد ۱۳۲ که به سال ۱۲۸۶ ه. ق کتابت شده و در روستای قزاقی در دست خانواده مرحوم حاج پیرعلی ایمانی است.

۵- جلد ۱۷۱ که در سال ۱۳۵۰ ه. ق تحریر شده است.

شاید بتوان گفت تاکنون کسی در ایران و دنیای اسلام به اندازه ملا میرزا بیدواری کتابت قرآن نکرده است.

قرآن‌های نوشته‌شده‌ی این عالم بزرگ تا جلد یکصد و هشتاد و یکم آن به دست آمده است. نیز بیاض و شرح صحیفه سجاده‌ای به خط او در بیدواز در منزل آقای محمد جعفر هژیبری نگهداری می‌شود.

میرزا بیدواری سرانجام در سن ۱۲۰ سالگی به رحمت ایزدی پیوست.

جنازه‌اش با شتر به مشهد مقدس انتقال یافت و در صحن مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد.

از او دو پسر و چهار دختر باقی ماند که پسران او از جمله محمد قاضی از علمای برجسته نجف و از هم دوره‌ای‌های مرحوم آخوند خراسانی بوده است.<sup>۷۴</sup>

علی جان سکندری

---

(۱) - غلامرضا فسقوری: مشاهیر رجال اسفراین / ۹۱-۹۳؛ روزنامه رسالت / ۱۶ مرداد ۱۳۷۷.

ص: ۴۱

پ

(۲۰)

پارسی - احمد (- ۱۲۵۴ ه. ش)

احمد پارسی فرزند شیخ محمد حسین شیرازی جدش شیخ عبدالحسین مجتهد اصطهباناتی صاحب کتاب‌های «قسطاس المستقیم» و «مصاییح» در فقه استدلالی و اصول بود. پارسی شاعر و ادیب و خوشنویس قرن سیزدهم هجری. وی در مشهد متولد شده و در همین شهر زیست. و از محضر پدرش - که در تدریس علوم ادبی و دینی استاد و مدرس «مدرسه نو» بود و همچنین در تعلیم خطوط شکسته و نستعلیق دستی داشته است - کسب علم نمود. و در جوانی وارد خدمات آستان قدس

---

<sup>۷۴</sup> (۱) - غلامرضا فسقوری: مشاهیر رجال اسفراین / ۹۱-۹۳؛ روزنامه رسالت / ۱۶ مرداد ۱۳۷۷.

رضوی گردید. او علاوه بر این که ادیبی توانا و شاعری نغز گفتار بوده در خط شکسته مهارت داشت و از خوشنویسان عصر خویش به شمار می‌رفت.

این دو بیت از سروده‌های اوست:

گر مرد رهی صفای جان پیدا کن  
راهی به درون آسمان پیدا کن  
تن را ز غبار حس بدبینی شوی  
وانگه دل موسی شبان پیدا کن

وی در تیرماه ۱۲۵۴ ه. ش به مرض سکتته در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به مشهد حمل و در آستان قدس رضوی مدفون گردید.<sup>۷۵</sup>

ابراهیم زنگنه

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۶۱.

ص: ۴۲

ت

(۲۱) تائب تبریزی - اسماعیل (۱۲۸۶ - ۱۳۷۴ ه. ق)

اسماعیل فرزند حسین تائب تبریزی معروف به «مسأله‌گو» شاعر و نویسنده، سال ۱۲۸۶ ه. ق در شهر تبریز به دنیا آمد. در زادگاهش درس خواند و در علوم ادبی مهارت یافت.<sup>۷۶</sup>

در سال ۱۳۲۹ ه. ق به مشهد سفر نمود و تا پایان زندگی در این شهر بسر برد.<sup>۷۷</sup>

شیخ محمد بهاری، ملا حسینقلی همدانی و ابراهیم موسوی تهرانی از معاصرین وی می‌باشند.<sup>۷۸</sup> وی در ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۷۴ ه. ق در سن هشتاد و هشت سالگی وفات یافت و در باغ رضوان مدفون گردید.<sup>۷۹</sup>

---

<sup>۷۵</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۶۱.

<sup>۷۶</sup> (۱) - دایرة المعارف تشیع ۴ / ۶۳.

<sup>۷۷</sup> (۲) - عزیز دولت‌آبادی: سخنوران آذربایجان ۱ / ۲۷۰ - ۲۷۱.

<sup>۷۸</sup> (۳) - محمد باقر ساعدی: ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۶۶؛ دایرة المعارف تشیع ۴ / ۶۳.



از وی آثار فراوانی به نظم و نثر باقی مانده است و بنابه گزارش شیخ آقا بزرگ تهرانی تعداد آثار ایشان بالغ بر چهل اثر است: البلاغ المبین به فارسی در رد آیین مسیحیت، عقاید الاسلام، مرآة المتقین به فارسی در اخلاق و معارف که خلاصه آن را مجلّة المحققین نامیده است. روح و ریحان کشکولی است به نظم و نثر در سه جلد، حاوی مطالب اخلاقی، عرفانی، قصص، حکایات و تاریخ. معیار الفهم و منشار الوهم نیز به فارسی و در رد مسیحیت

---

(۱) - دایرة المعارف تشیع ۴ / ۶۳.

(۲) - عزیز دولت آبادی: سخنوران آذربایجان ۱ / ۲۷۰ - ۲۷۱.

(۳) - محمد باقر ساعدی: ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۶۶؛ دایرة المعارف تشیع ۴ / ۶۳.

(۴) - محمد باقر ساعدی: پیشین / ۲۶۶.

ص: ۴۳

است. تذکرة المتقین به فارسی در اخلاق و آداب معاشرت می باشد.<sup>۸۰</sup>

ایشان دارای دیوان شعر در هشت هزار بیت مشتمل بر قصیده، غزل، رباعی و قطعه است و از جمله قصاید آن مرثی و مدایح چهارده معصوم:

می باشد.<sup>۸۱</sup> این دیوان در سال ۱۳۶۵ ه. ق در تبریز به چاپ رسیده است.<sup>۸۲</sup>

این بیت از اوست:

گردش دهر سازگار من است<sup>۸۳</sup>

مژده ای دل که یار یار من است

محمد جواد هوشیار

تجلی - نهاوندی - محمد

---

<sup>۷۹</sup> (۴) - محمد باقر ساعدی: پیشین / ۲۶۶.

<sup>۸۰</sup> (۱) - آقابزرگ تهرانی: تقیاء البشر ۱ / ۱۶۵.

<sup>۸۱</sup> (۲) - دایرة المعارف تشیع ۴ / ۶۳.

<sup>۸۲</sup> (۳) - عزیز دولت آبادی: پیشین ۱ / ۲۷۰ - ۲۷۱.

<sup>۸۳</sup> (۴) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۶۳.

(۲۲) تبریزی - محمد رضا (ح ۱۰۵۳ - پیش از ۱۰۸۳ ه. ق)

میرزا محمد رضا فرزند حاج صالح تبریزی مشهور به «چلبی» و متخلص به «عنوان» معروف به عنوان تبریزی است.

به اشتباه محل ولادت او را قسطنطنیه دانسته‌اند.<sup>۸۴</sup> طبق آنچه که محمد عارف شیرازی (زنده ۱۰۸۳ ه. ق) مؤلف تذکره لطایف الخیال گزارش داده است وی در حدود سال ۱۰۵۳ ه. ق در مشهد زاده شد و در همین شهر رشد نمود.<sup>۸۵</sup> سپس به قندهار رفت.<sup>۸۶</sup>

میرزا محمد طاهر نصرآبادی، محمد عارف شیرازی و میرزا صائب تبریزی (۱۰۸۷ ه. ق) در مشهد با «عنوان چلبی» ملاقات داشته‌اند و از او در تذکره و بیاض خود اشعاری را نقل کرده‌اند.

این دو بیت از بیاض صائب است:

---

(۱) - آقابرگ تهرانی: نقباء البشر / ۱ / ۱۶۵.

(۲) - دایرة المعارف تشیع / ۴ / ۶۳.

(۳) - عزیز دولت آبادی: پیشین / ۱ / ۲۷۰ - ۲۷۱.

(۴) - آقابرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۱۶۳.

(۵) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی / ۲ / ۱۰۵؛ آقابرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۷۷۴.

(۶) - احمد گلچین معانی؛ «عنوان تبریزی» دانشکده ادبیات تبریز، ش ۴، س ۱۱، ص ۴۰۴.

(۷) - ولی قلی شاملو: پیشین / ۲ / ۱۰۵، محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۴ / ۲۱۷.

ص: ۴۴

---

<sup>۸۴</sup> (۵) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی / ۲ / ۱۰۵؛ آقابرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۷۷۴.

<sup>۸۵</sup> (۶) - احمد گلچین معانی؛ «عنوان تبریزی» دانشکده ادبیات تبریز، ش ۴، س ۱۱، ص ۴۰۴.

<sup>۸۶</sup> (۷) - ولی قلی شاملو: پیشین / ۲ / ۱۰۵، محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۴ / ۲۱۷.

در این دریا کدامین گوهر یکتا وطن دارد

که مانند صدف سر بر سر آوردند ساحل‌ها

تنک چشمان بهر دنیا ترک عقبی کرده‌اند

اعتبار دانه پیش مور بیش از گوهر است<sup>۸۷</sup>

وی به میرزا صائب تبریزی ارادت کامل داشته و از سبک او پیروی کرده است چنانکه خود گوید:

باشدت گر هوس گوهر معنی عنوان

نظر از صائب پاکیزه‌سخن می‌باید

عنوان بسی بلندست معراج فکر صائب

کی می‌توان رسیدن جایی که او رسید<sup>۸۸</sup>

وی (قبل از ۱۰۸۳ ه. ق) در قندهار در سن سی سالگی درگذشت. به فرمان ذوالفقار خان حاکم قندهار، جسدش را به مشهد انتقال و در دار السیاده دفن نمودند.<sup>۸۹</sup>

عنوان تبریزی، صاحب دیوان شعری است.<sup>۹۰</sup> که نسخه‌ای از آن به سال ۱۰۷۸ ه. ق توسط محمد رفیع کتابت یافته و نسخه‌ی دیگر آن به سال ۱۲۶۹ ه. ق.<sup>۹۱</sup> تذکره‌نویسان دیوان شعر او را پنج هزار بیت گزارش کرده‌اند.<sup>۹۲</sup> اما در دو نسخه‌ی یادشده، دیوان شعر ایشان مشتمل بر دو هزار بیت است.<sup>۹۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۲۳) تجلی سبزواری - رجب علی (۱۲۶۰-۱۳۱۹ ه. ش)

رجب علی سبزواری ادیب و شاعر، متخلص به «تجلی». وی فرزند ملا حسن سبزواری است و به سال ۱۲۶۰ ه. ش در سبزواری متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی به صف مشروطه خواهان پیوست و با استبداد مبارزه کرد.<sup>۹۴</sup>

(۱) - محمد علی تربیت: دانشمندان آذربایجان / ۱۰۸.

<sup>۸۷</sup> (۱) - محمد علی تربیت: دانشمندان آذربایجان / ۱۰۸.

<sup>۸۸</sup> (۲) - احمد گلچین معانی: پیشین ۵ / ۴۰۴.

<sup>۸۹</sup> (۳) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۵، محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۹۷.

<sup>۹۰</sup> (۴) - آقازیرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۷۷۴.

<sup>۹۱</sup> (۵) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۴۰۲.

<sup>۹۲</sup> (۶) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۵؛ آقازیرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۷۷۴.

<sup>۹۳</sup> (۷) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۴۰۲.

<sup>۹۴</sup> (۸) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۷۳.

(۲) - احمد گلچین معانی: پیشین ۵ / ۴۰۴.

(۳) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۵، محمد طاهر نصرآبادی: پیشین ۳۹۷ / ۳۹۷.

(۴) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۷۷۴.

(۵) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۴۰۲.

(۶) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۵؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۷۷۴.

(۷) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۴۰۲.

(۸) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر

ص: ۴۵

در این راه سختی‌های فراوانی تحمل نمود تا اینکه به دستور حاکم سبزواری او و چند تن از یارانش تحت پیگرد قرار گرفتند. ناگزیر شبانه از سبزواری گریخت و به مشهد آمد.<sup>۹۵</sup>

او شرح مبارزات مشروطه‌طلبان خراسان را طی یک منظومه به رشته تحریر کشید:

وز خراسان روایتی است مرا

دوستان یک حکایتی است مرا

جمله گفتم به نظم بی‌کم‌وبیش

روایت از آنچه دیدم خویش

مرتد دنیا و رانده یزدان

شه محمد علی شه ایران

شد خزان مجلس بهارستان

پس از آن کز جفای آن نادان

تجلی کارمند دارایی خراسان بود و به سلسله نعمت الهی گناباد سرسپردگی داشت. در تجدیدنامه گوید:

گزیده خدمت سلطان علیشاه

طریقت را شدم طالب به دلخواه

به خوان نعمة الله برنشستم<sup>۹۶</sup>

میان از فقر با صد فخر بستم

<sup>۹۵</sup> (۱) - سید حسن امین: «تجلی سبزواری، مجله وحید، شماره ۲۱۸؛ خاناباا مشار: مؤلفین کتب چاپی فارسی عربی ۳ / ۱۰۴ - ۱۰۵.

تجلی اگرچه از جمله شعرای پرکار است، ولی شاعری متوسط شمرده می‌شود. در انواع قالب‌های شعری بیشتر به مثنوی متمایل بود.<sup>۹۷</sup> هرچند در سرودن غزل نیز مهارت داشت.<sup>۹۸</sup>

او در اوایل «مومن» و بعد «تجلی» تخلص می‌کرد.<sup>۹۹</sup> سراسر زندگی سادگی و بی‌تکلفی بود. وی سرانجام در سال ۱۳۱۹ ه. ش / ۱۳۶۰ ه. ق و بنا بر قولی ۱۳۶۸ ه. ق درگذشت و پیکرش را در صحن نو حرم رضوی دفن کردند.<sup>۱۰۰</sup>

مثنوی‌های تجلی عبارت است از:

---

خراسان / ۱۷۳.

(۱) - سید حسن امین: «تجلی سبزواری، مجله وحید، شماره ۲۱۸؛ خانابا مشار: مؤلفین کتب چاپی فارسی عربی ۳ / ۱۰۴ - ۱۰۵.

(۲) - همان.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۳.

(۴) - حسن مرسلوند: زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران ۲ / ۲۵۸.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۳.

(۶) - عبد العلی اوکتایی: فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۶ / ۳۶۳.

ص: ۴۶

راز تجلی، تجلی‌نامه، نیاز تجلی، ارمغان تجلی، طالب‌نامه تجلی و ذم الاستبداد که در سال ۱۳۲۶ ه. ق سرود انقلاب خراسان که در سال ۱۳۲۸ ه. ق و تجدیدنامه که در سال ۱۳۴۷ ه. ق آن را سرود.<sup>۱۰۱</sup>

---

<sup>۹۶</sup> (۲) - همان.

<sup>۹۷</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۳.

<sup>۹۸</sup> (۴) - حسن مرسلوند: زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران ۲ / ۲۵۸.

<sup>۹۹</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۳.

<sup>۱۰۰</sup> (۶) - عبد العلی اوکتایی: فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی ۶ / ۳۶۳.

<sup>۱۰۱</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۳.

معراج الخیال و گنکاشنامه<sup>۱۰۲</sup> و منظومه دعای ابو حمزه ثمالی ایشان در تهران به چاپ رسیده است.<sup>۱۰۳</sup>

از سروده‌های اوست:

زاهد، به رخ خود در تزویر و ریا بند	از شید و ریا بگذر و دل را به خدا بند
بر راه خدا رو به از این سلطنتی نیست	بگشا در این دولت و درهای هوا بند
زنجیری زلفت منم ای دوست نه هرکس	این بند ز پای همه بگشای و مرا بند
بر ما و تو هرچ آید بی حکم قضا نیست	قدرت اگر نیست برو دست قضا بند
در حضرت معشوق تجلی من و ما نیست	شو خاک در آن درگه و لب از من و ما بند <sup>۱۰۴</sup>

رسول سعیدی زاده

(۲۴) تربتی - سلطان محمد (قرن ۱۰ ه. ق)

سلطان محمد تربتی از خطاطان سده دهم هجری و شاگرد شاه محمود نیشابوری، مرتبه هنری او به دوری هروی نزدیک است. وی در مشهد مدفون می‌باشد.<sup>۱۰۵</sup>

در کتاب هنروران نام وی سلطان محمود تربتی ثبت شده است.<sup>۱۰۶</sup>

رسول سعیدی زاده

تربتی - میرزا نصر الله - جلد اول

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۳.

(۲) - حسن مرسلوند: پیشین ۲ / ۲۵۸.

<sup>۱۰۲</sup> (۲) - حسن مرسلوند: پیشین ۲ / ۲۵۸.

<sup>۱۰۳</sup> (۳) - عبد العلی اوکتایی: پیشین ۶ / ۳۶۳.

<sup>۱۰۴</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۴ - ۱۷۳.

<sup>۱۰۵</sup> (۵) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۲۹؛ عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۲۸۲؛ اثر آفرینان ۳ / ۲۵۸.

<sup>۱۰۶</sup> (۶) - اثر آفرینان ۳ / ۲۵۸.

(۳) - عبد العلی اوکتایی: پیشین ۶ / ۳۶۳.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۷۴ - ۱۷۳.

(۵) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۲۹؛ عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۲۸۲؛ اثر آفرینان ۳ / ۲۵۸.

(۶) - اثر آفرینان ۳ / ۲۵۸.

ص: ۴۷

(۲۵) تفضلی - غلامرضا خان (۱۲۷۶ - ۱۳۶۰ ه. ق)

غلامرضا تفضلی معروف به میرزا غلامرضا خان مصدق السلطان تفضلی عارف و ادیب. وی در یکی از روستاهای شاهرود در ۱۲۷۶ ه. ق به دنیا آمد.<sup>۱۰۷</sup> او پدر ابو القاسم تفضلی نماینده مردم کاشمر در دوره بیستم مجلس شورای ملی<sup>۱۰۸</sup> و دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی و شاعر<sup>۱۰۹</sup> و جهانگیر تفضلی روزنامه‌نویس و وکیل مجلس از سیستان،<sup>۱۱۰</sup> محمود تفضلی (۱۲۹۷ - ۱۳۶۳ ه. ش) نویسنده و روزنامه‌نگار<sup>۱۱۱</sup> و زهت سلیمانی از بانوان شاعره مشهد می‌باشد.<sup>۱۱۲</sup>

وی اهل علم و عرفان و از مریدان و تربیت‌یافتگان حاج ملا سلطانعلی گنابادی بود و در عرفان و ادب فارسی مقامی شامخ داشت.<sup>۱۱۳</sup> در مشهد در اداره گمرک اشتغال داشت.<sup>۱۱۴</sup> نقل شده است که علت دوستی دکتر تقی تفضلی با دکتر اقبال، به دلیل روابطی بوده است که پدر آن دو با هم داشته‌اند.

مقبل السلطنه پدر دکتر اقبال، در کاشمر املاکی داشت و با غلامرضا تفضلی دست برادری داد. او و مقبل السلطنه یک قالی به حرم حضرت رضا علیه السلام هدیه کردند و هر دو مقبره‌ای متصل در گوشه شمال‌غربی صحن عتیق خریداری و در آنجا مدفون شدند.

برخی از منابع فوت او را ذبحجه ۱۳۵۹ ه. ق نوشته‌اند، ولی به نظر می‌رسد تاریخ فوت ایشان محرم

<sup>۱۰۷</sup> (۱) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار ۶ / ۲۱۲۵.

<sup>۱۰۸</sup> (۲) - تاریخ معاصر ایران ۶ / ۲۰۳.

<sup>۱۰۹</sup> (۳) - عزیز الله عطاردی: فرهنگ خراسان ۳ / ۴۷۵؛ علی اکبر گلشن آزادی، صد سال شعر خراسان / ۱۸۰.

<sup>۱۱۰</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۸۰.

<sup>۱۱۱</sup> (۵) - ایرج افشار: نادره‌کاران / ۵۵۲.

<sup>۱۱۲</sup> (۶) - عزیز الله عطاردی: پیشین ۷ / ۵۰۸.

<sup>۱۱۳</sup> (۷) - دکتر باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران ۱ / ۴۹۹.

<sup>۱۱۴</sup> (۸) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۲۱۲۵.

---

(۱) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار ۶ / ۲۱۲۵.

(۲) - تاریخ معاصر ایران ۶ / ۲۰۳.

(۳) - عزیز الله عطاردی: فرهنگ خراسان ۳ / ۴۷۵؛ علی اکبر گلشن آزادی، صد سال شعر خراسان / ۱۸۰.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۸۰.

(۵) - ایرج افشار: نادره‌کاران / ۵۵۲.

(۶) - عزیز الله عطاردی: پیشین ۷ / ۵۰۸.

(۷) - دکتر باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران ۱ / ۴۹۹.

(۸) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۲۱۲۵.

ص: ۴۸

۱۳۶۰ ه. ق باشد.<sup>۱۱۵</sup>

علی جان سکندری

(۲۶) تقیای مشهدی (- ۱۰۶۴ ه. ق)

تقیای مشهدی متخلص به «الفت» از شعرای معاصر شاه عباس دوم، در مشهد متولد و نشوونما یافت و به سال ۱۰۶۴ ه. ق در این شهر درگذشت.<sup>۱۱۶</sup> هر چند براساس گفته بعضی از محققین وی در اواخر عمر به مازندران مهاجرت و در همان جا فوت کرد.<sup>۱۱۷</sup>

نصرآبادی در تذکره خود از فردی به نام ملا محمد تقی مشهدی یاد کرده است که تشابه زیادی با تقیای مشهدی دارد. بنابه گفته او ملا محمد تقی متولد مشهد بود که برای فراگیری علم به اصفهان رفت و در آن شهر مدتی شاگردی عارف ربانی میرزا

---

<sup>۱۱۵</sup> (۱) - همان.

<sup>۱۱۶</sup> (۲) - محمد علی مصباحی نایینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۰۹.

<sup>۱۱۷</sup> (۳) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۴؛ محمد علی مصباحی نایینی:

پیشین ۳ / ۲۰۹.



ابو القاسم میر فندرسکی را نمود. پس از اندک زمانی ملا محمد تقی در علوم الهی و نظری سرآمد عصر گشت و خود بدون هرگونه تکلفی مردم را ارشاد می‌کرد.

در میانه سلطنت شاه عباس دوم (۱۰۶۴ ه. ق) برای دیدن مادر روانه زادگاهش شد، اما در بین راه فوت کرد و پدر پیر و تمام دوستان خود را در آتش فراق سوزاند.

بیت زیر از قصاید اوست که در جواب قصیده حکیم سنایی گفته است:

که انگشت وجود اول بر این طاس معلق زد      که دایم این صدا پیچیده در هفت آسمان بینی<sup>۱۱۸</sup>

از ملا محمد تقی مشهدی دیوان شعری بر جای مانده است.<sup>۱۱۹</sup> از اشعار اوست:

---

(۱) - همان.

(۲) - محمد علی مصباحی نایینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۰۹.

(۳) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۴؛ محمد علی مصباحی نایینی:

پیشین ۳ / ۲۰۹.

(۴) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۶۰.

(۵) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۷۵.

ص: ۴۹

دورنگی فلک و جور یار باید دید      چها، ز کش مکش روزگار باید دید<sup>۱۲۰</sup>

رسول سعیدی زاده

---

<sup>۱۱۸</sup> (۴) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۶۰.

<sup>۱۱۹</sup> (۵) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۷۵.

<sup>۱۲۰</sup> (۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۷۱۴.

(۲۷) توحیدی - محمد تقی (- ۱۳۵۵ ه. ش)

شیخ محمد تقی توحیدی از شعرا و مداحان پیش‌کسوت اهل بیت طاهرین مشهد. وی عمری را به ذکر مناقب و مصائب خاندان وحی سپری کرد. از حافظه‌ای قوی برخوردار بود و قصاید طولانی می‌سرود. توحیدی در حالی که بیش از پنجاه سال از عمرش سپری نشده بود در آبان‌ماه ۱۳۵۵ ه. ش در مشهد فوت کرد و در همین شهر به خاک سپرده شد.

از توحیدی مجموعه کوچکی با عنوان «عصاره توحیدی» در دست است. ابیات ذیل در این مجموعه آورده شده است:

من مونسى گزیده‌ام از بهر خود، مرا	یک لحظه بر مفارقتش صبر و تاب نیست
خوشرو و نغزگو، ادب‌آموز و نکته‌دان	هرگز نیاورد سخنی کان صواب نیست
گویند بی‌زبان و سرآینده بی‌صدا	میلش به قیل‌وقال و سؤال‌وجواب نیست
بی‌هیچ کلفتی نبود الفتی - ولی	زین دوست کلفتی به من از هیچ باب نیست
این همدم عزیز که شد وصف او بیان	هرکس شنید گفت به غیر از کتاب نیست <sup>۱۲۱</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۲۸) تهرانی - محمد حسین (- ۱۳۳۷ ه. ق)

محمد حسین تهرانی ملقب به «کاتب السلطان» از خوشنویسان دربار محمد شاه قاجار (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ه. ق)<sup>۱۲۲</sup> و از شاگردان میرزا غلامرضای

---

(۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۷۱۴.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۸۱ - ۱۸۲.

(۳) - عبد الریف حقیقت: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایران / ۱۰۳۷.

ص: ۵۰

---

<sup>۱۲۱</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۸۱ - ۱۸۲.

<sup>۱۲۲</sup> (۳) - عبد الریف حقیقت: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایران / ۱۰۳۷.

اصفهانی (متوفی ۱۳۴۴ ه. ق) و میرزا علی صفا (متوفی ۱۲۹۹ ه. ق) است.<sup>۱۲۳</sup>

او خط نستعلیق را از شش‌دانگ تا غبار استادانه می‌نوشت.<sup>۱۲۴</sup> و در نوشتن نستعلیق جلی شیوه‌های مخصوص داشت.<sup>۱۲۵</sup>

در سال ۱۲۹۵ ه. ق که وزارت تجارت به کامران میرزا «نایب السلطنه» (۱۳۴۷-۱۲۷۲ ه. ق) - فرزند سوم ناصر الدین شاه - واگذار شد. نامبرده از کارمندان وزارتخانه مزبور شده و عنوانش چنین بود: «میرزا محمد حسین کاتب السلطان احکام‌نویس» و بدین ترتیب وارد دستگاه کامران میرزا گشت.<sup>۱۲۶</sup>

سپس به خراسان آمد و مدتی در دستگاه دیوانی رکن الدوله - حاکم خراسان - کار کرد. به علت بدرفتاری رکن الدوله با او کار دیوانی را رها کرد و در شمار صوفیه در آمد ولی او در این تغییر حال باز اوقات خود را به تعلیم و تربیت نوآموزان خط مصروف داشت.<sup>۱۲۷</sup>

کاتب السلطان عاقبت در سال ۱۳۳۷ ه. ق در مشهد درگذشت و در همین‌جا به خاک سپرده شد.<sup>۱۲۸</sup> فرزندش کاتب الخاقان از استادان خط مهدی بیانی می‌باشد.<sup>۱۲۹</sup>

از آثار هنری او ترجمه «الف لیلة و لیلة» و نسخه‌های دیگر و مرقعات و قطعات موجود در کتابخانه سلطنتی<sup>۱۳۰</sup> و نیز چند قطعه به قلم سه‌دانگ متوسط و یک مکتوب به قلم نیم دودانگ در مجموعه مهدی بیانی موجود است.<sup>۱۳۱</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۲۳۷؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۱ / ۱۶۳.

(۲) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۷؛ مهدی بیانی:

---

<sup>۱۲۳</sup> (۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۲۳۷؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۱ / ۱۶۳.

<sup>۱۲۴</sup> (۲) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۷؛ مهدی بیانی:

پیشین ۱ / ۱۶۳.

<sup>۱۲۵</sup> (۳) - علی راهگیری: تذکره خوشنویسان معاصر ۱ / ۷۸-۷۹.

<sup>۱۲۶</sup> (۴) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۷.

<sup>۱۲۷</sup> (۵) - علی راهگیری: پیشین ۱ / ۷۸-۷۹.

<sup>۱۲۸</sup> (۶) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۷.

<sup>۱۲۹</sup> (۷) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۱۶۳.

<sup>۱۳۰</sup> (۸) - عبد الرافع حقیقت: پیشین ۱۰۳۷، فهرست مرقعات کتابخانه سلطنتی شماره ۱۴۵۰-۱۴۵۴-۱۴۵۶-۱۵۶۴.

<sup>۱۳۱</sup> (۹) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۱۶۳.

پیشین ۱ / ۱۶۳.

(۳) - علی راهجیری: تذکره خوشنویسان معاصر ۱ / ۷۸ - ۷۹.

(۴) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۷.

(۵) - علی راهجیری: پیشین ۱ / ۷۸ - ۷۹.

(۶) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۷.

(۷) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۱۶۳.

(۸) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین ۱۰۳۷، فهرست مرقات کتابخانه سلطنتی شماره ۱۴۵۰ - ۱۴۵۴ - ۱۴۵۶ - ۱۵۶۴.

(۹) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۱۶۳.

ص: ۵۱

تهرانیان - محمد کاظم - جلد اول

(۲۹) تیرگر هروی - یوسف شاه (قرن ۹ و ۱۰ ه. ق)

یوسف شاه معروف به درویش مقصود شاعر و متخلص به «مقصود». از مردم هرات<sup>۱۳۲</sup> یا از بخارا است.<sup>۱۳۳</sup> در اوایل زندگی به مشهد آمد و به تیر سازی اشتغال داشت و در کمال فقر و تنگدستی سالک طریق حق بود.<sup>۱۳۴</sup>

یوسف شاه از اقسام شعر بیشتر به رباعی تمایل داشت.<sup>۱۳۵</sup> و به همین دلیل در نزد خراسانیان به شیخ رباعی معروف بود.<sup>۱۳۶</sup>

رباعیات او در نهایت خوبی است:

---

<sup>۱۳۲</sup> (۱) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۱۵۴ - ۱۵۵؛ محمد قدرت الله گویاموی:

تذکره نتایج الافکار / ۶۵۰ - ۶۵۱.

<sup>۱۳۳</sup> (۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۷۵۹.

<sup>۱۳۴</sup> (۳) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵، امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم ۱ / ۱۶۴.

<sup>۱۳۵</sup> (۴) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵ ..

<sup>۱۳۶</sup> (۵) - همان.

ای دل غم یار و ناله‌ی زار خوشست

خون جگر و دیده خونبار خوشست

غیر از غم یار هر چه حاصل کردی

حاصل همه هیچ است غم یار خوشست<sup>۱۳۷</sup>

زاهد شدن دو زلف عنبربویت

آزرده همی شود گل خود رویت

ز انگشت‌نمای مردمان در کویت

ترسم که نشان بماند اندر رویت<sup>۱۳۸</sup>

درویش مقصود دیوان شعر داشت، میرزا سنگلاخ دیوان او را به خط سلطان محمد نورا دیده است.<sup>۱۳۹</sup>

درویش در سن نود سالگی به احتمال زیاد در مشهد دار فانی را وداع، و به دیار باقی شتافت و در همانجا دفن شد.<sup>۱۴۰</sup>

رسول سعیدی زاده

تیموری - ابو القاسم بابر - جلد چهارم

---

(۱) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۱۵۴ - ۱۵۵؛ محمد قدرت الله گویاموی:

تذکره نتایج الافکار / ۶۵۰ - ۶۵۱.

(۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۷۵۹.

(۳) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵، امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم / ۱ / ۱۶۴.

(۴) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵ ..

(۵) - همان.

(۶) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۱۶۴.

(۷) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵.

---

<sup>۱۳۷</sup> (۶) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۱۶۴.

<sup>۱۳۸</sup> (۷) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵.

<sup>۱۳۹</sup> (۸) - اثر آفرینان / ۵ / ۲۷۲.

<sup>۱۴۰</sup> (۹) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵، محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۶۵۰ - ۶۵۱.

(۸) - اثر آفرینان / ۵ / ۲۷۲.

(۹) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۵۴ - ۱۵۵، محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۶۵۰ - ۶۵۱.

ص: ۵۲

ث

ثقفی - محمد - جلد اول

(۳۰) ثنایی مشهدی - خواجه حسین (- ۹۹۵ یا ۹۹۶ ه. ق)

خواجه حسین فرزند خواجه غیاث الدین محمد مشهدی خطاط، شاعر و مداح متخلص به ثنایی<sup>۱۴۱</sup> و معروف به ثنایی مشهدی.<sup>۱۴۲</sup> در مشهد زاده شد و نزد شاعر و حاکم معروف «ابو الفتح ابراهیم میرزا صفوی» متخلص به جاهی (۹۸۳ ه. ق) شاگردی کرد.<sup>۱۴۳</sup> ثنایی در سال ۹۷۲ ه. ق در نیشابور قصیده‌ای در مدح سلطان ابراهیم میرزا سرود<sup>۱۴۴</sup> و در سال ۹۸۳ ه. ق از خراسان به قزوین رفت و ضمن قصیده‌ای شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ - ۹۸۵ ه. ق) را مدح گفت<sup>۱۴۵</sup> ولی قصیده ثنایی مورد قبول شاه واقع نشد و او از بیم جان به هندوستان رفت و جزو شاعران دربار اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ه. ق) قرار گرفت.<sup>۱۴۶</sup>

شاعرانی چون لسانی شیرازی (۹۴۲ ه. ق)، غزالی مشهدی (۹۸۰ ه. ق)، میلی هروی (۹۸۵ ه. ق)، محتشم کاشانی (۹۶۶ ه. ق)، عرفی شیرازی (۹۹۹ ه. ق)، میرزا محمد ولی

---

(۱) - ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران / ۲ / ۷۷۷.

(۲) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۱۳۳.

(۳) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۱۱.

(۴) - ذبیح الله صفا: پیشین / ۲ / ۷۸۵.

---

<sup>۱۴۱</sup> (۱) - ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران / ۲ / ۷۷۷.

<sup>۱۴۲</sup> (۲) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۱۳۳.

<sup>۱۴۳</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۱۱.

<sup>۱۴۴</sup> (۴) - ذبیح الله صفا: پیشین / ۲ / ۷۸۵.

<sup>۱۴۵</sup> (۵) - ملا عبد النبي فخر الزمان قزوینی: تذکره میخانه / ۲۰۴.

<sup>۱۴۶</sup> (۶) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۱۳۳.

(۵) - ملا عبد النبي فخر الزمان قزوینی: تذکره میخانه / ۲۰۴.

(۶) - محمد قدرت الله گوپاموی: پیشین / ۱۳۳.

ص: ۵۳

دشت بیاضی (۹۹۹ ه. ق)، فیضی دکنی (۱۰۰۴ ه. ق)، حیاتی گیلانی (۱۰۱۵ ه. ق) معاصر او بودند.<sup>۱۴۷</sup>

ثنایی به سال ۹۹۵ ه. ق<sup>۱۴۸</sup> یا ۹۹۶ ه. ق<sup>۱۴۹</sup> در لاهور درگذشت و سال‌ها بعد

خواهرزاده‌اش «میر محمد باقر مشهدی» جسدش را به مشهد منتقل و در این شهر دفن کرد.<sup>۱۵۰</sup>

دیوان شعر<sup>۱۵۱</sup> شامل قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات، بالغ بر پنج هزار بیت و نیز «اسکندرنامه»، که یک «مثنوی حماسی» در هفتصد و پنجاه بیت<sup>۱۵۲</sup> در مدح ابو الفتح ابراهیم میرزای صفوی سروده است،<sup>۱۵۳</sup> از آثار برجای مانده ثنایی مشهدی می‌باشد.

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - صادق کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۱۴۹؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۷۷۹ - ۷۸۰؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۱۳۷.

(۲) - ملا عبد النبي فخر الزمانی قزوینی: پیشین / ۲۰۵.

(۳) - احمد گلچین معانی: پیشین ۱ / ۲۵۹.

(۴) - امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم ۲ / ۷۳۵.

---

<sup>۱۴۷</sup> (۱) - صادق کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۱۴۹؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۷۷۹ - ۷۸۰؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۱۳۷.

<sup>۱۴۸</sup> (۲) - ملا عبد النبي فخر الزمانی قزوینی: پیشین / ۲۰۵.

<sup>۱۴۹</sup> (۳) - احمد گلچین معانی: پیشین ۱ / ۲۵۹.

<sup>۱۵۰</sup> (۴) - امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم ۲ / ۷۳۵.

<sup>۱۵۱</sup> (۵) - حاجی خلیفه: کشف الظنون ۱ / ۷۸۱.

<sup>۱۵۲</sup> (۶) - احمد گلچین معانی: پیشین ۱ / ۲۵۹ - ۲۶۱.

<sup>۱۵۳</sup> (۷) - صادق کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۱۴۹.

(۵) - حاجی خلیفه: کشف الظنون / ۱ / ۷۸۱.

(۶) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۲۵۹ - ۲۶۱.

(۷) - صادق کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۱۴۹.

ص: ۵۴

ج

جابری اصفهانی - سلمان - جلد چهارم

(۳۱) جعفرزاده - علی اکبر (- ۱۳۲۳ ه. ش)

میرزا علی اکبر جعفرزاده متخلص به «طی» و معروف به «طی یزدی» از شعرای نامی یزد، در جوانی به مشهد آمد و به حسابداری استانداری خراسان اشتغال ورزید. وی طبعی شیوا و روان داشت و در ادب فارسی از بزرگان به شمار می‌رفت و شعر را نیکو می‌سرود و قریب دو هزار بیت از او باقی مانده است. طی یزدی سال‌ها در مشهد زندگی کرد و در نزد جوامع علم و ادب احترام خاصی داشت تا این‌که در ۷۰ سالگی در تابستان سال ۱۳۲۳ ه. ش دار فانی را وداع گفت و جنازه‌اش در صحن عتیق به خاک سپرده شد.

این ابیات از اوست:

سوزم از نار هجر تو تا کی	از غمت من به ناله‌ام چون نی
عمر من شد ز هجر رویت طی	مرض عشق را دواپی نیست
و من الماء کل شیء حی <sup>۱۵۴</sup>	از لب لعل، جرعه‌ای بخشم

ابراهیم زنگنه

(۳۲) جودی خراسانی - عبد الجواد (ح ۱۱۷۵ - ۱۳۰۱ یا ۱۳۰۲ ه. ق)

عبد الجواد خراسانی متخلص به «جودی» شاعر اهل بیت: در نیمه دوم

<sup>۱۵۴</sup> (۱) - ده مقاله در شعر و ادب / ۹۳.



قرن دوازدهم هجری<sup>۱۵۵</sup> در عنبران - دهستان مرکزی طرهبه شهرستان مشهد - متولد شد.<sup>۱۵۶</sup> او مغازه قنادی داشت و از این طریق هزینه زندگی‌اش را فراهم می‌آورد.<sup>۱۵۷</sup> خانه و مغازه او به روی مداحان و نوحه‌خوانان باز بوده است.<sup>۱۵۸</sup>

محمد کاظم صبوری (متوفی ۱۳۲۲ ه. ق)، ملک الشعراء بهار (متوفی ۱۳۷۰ ه. ق)، مینای تربتی (متوفی ۱۲۸۴ ه. ق) از شعراء معاصر او بودند.

جودی در سال ۱۳۰۱ ه. ق<sup>۱۵۹</sup> یا ۱۳۰۲ ه. ق<sup>۱۶۰</sup> در مشهد وفات یافت و در صحن نو در اتاقی مجاور با مقبره شیخ بهایی به خاک سپرده شد.<sup>۱۶۱</sup>

وی دارای دیوان شعری مشتمل بر سه هزار بیت<sup>۱۶۲</sup> است که محتوای اشعارش مدح و مرثیه اهل بیت:

می‌باشد. لذا دیوان او را «دیوان مراثی» نیز نامیدند.<sup>۱۶۳</sup>

نخستین بار دیوان جودی در سال ۱۲۹۹ ه. ق به دستور «میرزا سعید خان» نایب التولیه و به خط «میرزا شفیع اعتماد التولیه آستان قدس» در مطبعه سنگی آستانه چاپ شد.<sup>۱۶۴</sup> این کتاب گویا اولین کتابی بوده که در آن چاپخانه طبع شده است.<sup>۱۶۵</sup> در سال ۱۳۷۲ ه. ق کلیات اشعارش به کوشش مهدی آصفی چاپ شد. از ویژگی‌های دیوان جودی کاربرد آیات، قصص قرآنی، احادیث و روایات در اشعار به صورت تلمیح، اقتباس و ترجمه است.

محمد جواد هوشیار

<sup>۱۵۵</sup> (۱) - دایرة المعارف تشیع ۵/ ۵۱۷.

<sup>۱۵۶</sup> (۲) - نامه آستان قدس، شماره ۳۶/ ۲۳۶ - ۲۳۸.

<sup>۱۵۷</sup> (۳) - همان.

<sup>۱۵۸</sup> (۴) - دایرة المعارف تشیع ۵/ ۵۱۷ - ۵۱۸.

<sup>۱۵۹</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۹۱.

<sup>۱۶۰</sup> (۶) - هاشم خراسانی: منتخب التواریخ / ۷۰۶.

<sup>۱۶۱</sup> (۷) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۹۱.

<sup>۱۶۲</sup> (۸) - همان.

<sup>۱۶۳</sup> (۹) - سید محسن امین: اعیان الشیعه ۴/ ۲۹۷.

<sup>۱۶۴</sup> (۱۰) - نامه آستان قدس، شماره ۳۶/ ۲۳۶ - ۲۳۸.

<sup>۱۶۵</sup> (۱۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۹۱.

---

(۱) - دایرة المعارف تشیع ۵ / ۵۱۷.

(۲) - نامه آستان قدس، شماره ۳۶ / ۲۳۶ - ۲۳۸.

(۳) - همان.

(۴) - دایرة المعارف تشیع ۵ / ۵۱۷ - ۵۱۸.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۱۹۱.

(۶) - هاشم خراسانی: منتخب التواریخ / ۷۰۶.

(۷) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۹۱.

(۸) - همان.

(۹) - سید محسن امین: اعیان الشیعه ۴ / ۲۹۷.

(۱۰) - نامه آستان قدس، شماره ۳۶ / ۲۳۶ - ۲۳۸.

(۱۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۱۹۱.

ص: ۵۶

ح

(۳۳) حائری - موسی (- ۱۳۳۳ ه. ق)

حاج شیخ موسی معروف به «حائری» فرزند محمد علی بن مراد خراسانی، در خانواده علم و ادب پا به عرصه وجود نهاد و پس از تحصیل علوم الهی به ترویج دین مشغول شد. و به سال ۱۳۳۳ ه. ق زندگی را بدرود گفت و در حرم دفن شد. حاج شیخ موسی شعر می سرود و صاحب دیوان است. رساله‌ی غوثیه و کتاب بحر الدرر از آثار اوست.<sup>۱۶۶</sup>

غلامرضا جلالی

---

<sup>۱۶۶</sup> (۱) - محمد باقر ساعدی خراسانی: ضمیمه‌ی تاریخ علمای خراسان / ۲۶۸؛ سید محسن امین: اعیان الشیعه ۱۰ / ۱۹۵.

(۳۴) حبیب‌اللهی - ابو القاسم (۱۲۸۱ - ۱۳۵۹ ه. ش)

ابو القاسم حبیب‌اللهی فرزند آقا میرزا محمد و نوه «حاج سید حبیب‌الله مجتهد خراسانی» متخلص به «نوید» شاعر، استاد دانشگاه و نویسنده، شاعری خوش‌ذوق و توانا و فردی فاضل و فروتن بود.<sup>۱۶۷</sup> در سال ۱۲۸۱ ه. ش در مشهد زاده شد. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه «رحیمیه» به پایان برد. آنگاه در نزد اساتیدی چون

---

(۱) - محمد باقر ساعدی خراسانی: ضمیمه‌ی تاریخ علمای خراسان / ۲۶۸؛ سید محسن امین: اعیان الشیعه ۱۰ / ۱۹۵.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۷۹.

ص: ۵۷

ادیب نیشابوری (متوفی ۱۳۰۴ ه. ش) و سید حسن مشکان طبسی (متوفی ۱۳۲۷ ه. ش) به تحصیل علوم صرف و نحو، معانی و بیان، منطق، حکمت و فقه و اصول پرداخت.<sup>۱۶۸</sup>

در سال ۱۳۰۱ ه. ش همراه پدر خود به عراق، سوریه و لبنان مسافرت کرد سپس به مشهد بازگشت.<sup>۱۶۹</sup> در اوایل تأسیس دانشکده معقول و منقول به عنوان استاد آن دانشکده و سپس در سال‌های آخر عمرش به عنوان استاد ادبیات عرب در دانشکده ادبیات به تدریس پرداخت.<sup>۱۷۰</sup>

وی سرانجام روز جمعه ۲۸ آذر ۱۳۵۹ ه. ش در مشهد به مرض سرطان درگذشت.<sup>۱۷۱</sup> از خدمات فرهنگی استاد می‌توان به تأسیس انجمن ادبی خراسان اشاره کرد.<sup>۱۷۲</sup>

مقالات ذیل از آثار قلمی نوید است:

«ابن مفرغ در سیستان»، «ابو تمام در نیشابور»، «امثال قدیم فارسی»، «بنیانگذاران علوم در اسلام بیشتر ایرانی بوده‌اند»، «تأثیر زبان و ادبیات فارسی در عربی»، «چند تن از مشایخ طوس در قرون چهارم و پنجم»، «شریف رضی و ابو اسحاق»،

---

<sup>۱۶۷</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۷۹.

<sup>۱۶۸</sup> (۱) - عبد الریف حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۵۸۱.

<sup>۱۶۹</sup> (۲) - همان.

<sup>۱۷۰</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۷۹.

<sup>۱۷۱</sup> (۴) - احمد گلچین معانی: گلزار معانی / ۷۲۰.

<sup>۱۷۲</sup> (۵) - حسن مرسلوند: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۳ / ۷۶ - ۷۷.

«متنبی در شیراز»، «مضامین مشترک در عربی و فارسی»، «مقایسه‌ای بین بعضی از حالات و افکار سعدی و حافظ»، «نمونه‌هایی چند از ترجمه شعر به شعر در قرن چهارم و پنجم»،<sup>۱۷۳</sup> علاوه بر آن دیوان شعری بالغ بر سه هزار بیت دارد.<sup>۱۷۴</sup>

استاد علاوه بر اشعار فارسی، اشعاری نیز به زبان عربی سروده است. اشعار نوید از لحاظ انسجام لفظ و لطف کلام و معنی بهره کافی دارد.

این اشعار از اوست:

یا رب ز چیست آدمی کاندز زمان عمر  
هرگز نگشته است به یک حال پای‌بست

---

(۱) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۵۸۱.

(۲) - همان.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۷۹.

(۴) - احمد گلچین معانی: گلزارمعانی / ۷۲۰.

(۵) - حسن مرسلوند: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۳ / ۷۶-۷۷.

(۶) - ر. ک: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۲.

(۷) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۷۲۰.

ص: ۵۸

و آنگه ملول گردد از آن چو فتد به دست<sup>۱۷۵</sup>

صد جهد می‌کند که به یک آرزو رسد

---

<sup>۱۷۳</sup> (۶) - ر. ک: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۱۲.

<sup>۱۷۴</sup> (۷) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۷۲۰.

<sup>۱۷۵</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۷۶-۷۷.

محمد جواد هوشیار

(۳۵) حرفی اصفهانی (- ۹۷۱ ه. ق)

ملا حرفی مردی ادیب، شاعر، خطاط، انشاءپرداز، عالم و آگاه به تاریخ<sup>۱۷۶</sup> در مشهد متولد شد.<sup>۱۷۷</sup> مدتی در آنجا زندگی نمود سپس به قزوین سفر کرد و هفت‌بند معروف محتشم کاشانی (متوفی ۹۹۶ ه. ق) را در آنجا جواب گفت و از شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق) صله دریافت نمود.<sup>۱۷۸</sup>

سفری به گیلان داشت و به طعن مذهب زیدیه پرداخت.<sup>۱۷۹</sup> و گیلانی‌ها زبانش را بریدند. وی به مشهد آمد و در سال ۹۷۱ ه. ق درگذشت.<sup>۱۸۰</sup> حرفی اصفهانی خواهر زاده ملانیکلی (۱۰۰۰ ه. ق) شاعر بود.<sup>۱۸۱</sup>

این رباعی از اوست:

وز تو به دلم تیر جفا می‌آید

جانا ز تو بر سرم بلا می‌آید

حرفی است کزو بوی وفا می‌آید<sup>۱۸۲</sup>.

گفتی سگ خویش خوانده‌ام حرفی را

محمد جواد هوشیار

(۳۶) حسرت مشهدی- محمد (- زنده ۱۱۵۳ ه. ق)

سید محمد حسرت فرزند میرزا صدرا،<sup>۱۸۳</sup> از شاعران و سخنوران شیعی قرن دوازدهم هجری.<sup>۱۸۴</sup> از سادات

<sup>۱۷۶</sup> (۲) - امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم ۱ / ۵۲۹.

<sup>۱۷۷</sup> (۳) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۹۷۱.

<sup>۱۷۸</sup> (۴) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۱۸۱-۱۸۲.

<sup>۱۷۹</sup> (۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین / ۹۷۱.

<sup>۱۸۰</sup> (۶) - همان / ۹۷۱؛ محمد علی مصباحی نائینی:

تذکره مدینه‌الادب ۳ / ۲۱۰.

<sup>۱۸۱</sup> (۷) - امین احمد رازی: پیشین / ۲ / ۹۹۴.

<sup>۱۸۲</sup> (۸) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۱۸۲.

<sup>۱۸۳</sup> (۹) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۲۰۱.

<sup>۱۸۴</sup> (۱۰) - ع. خیام‌پور: فرهنگ سخنوران / ۱۵۸.

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۷۶ - ۷۷.

(۲) - امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم / ۱ / ۵۲۹.

(۳) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۹۷۱.

(۴) - محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار / ۱۸۱ - ۱۸۲.

(۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین / ۹۷۱.

(۶) - همان / ۹۷۱؛ محمد علی مصباحی نائینی:

تذکره مدینه‌الادب / ۳ / ۲۱۰.

(۷) - امین احمد رازی: پیشین / ۲ / ۹۹۴.

(۸) - محمد قدرت الله گوپاموی: پیشین / ۱۸۲.

(۹) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۲۰۱.

(۱۰) - ع. خیام‌پور: فرهنگ سخنوران / ۱۵۸.

ص: ۵۹

موسوی مشهد<sup>۱۸۵</sup> و خادم آستان قدس رضوی بود.<sup>۱۸۶</sup> که در هند متولد شد.<sup>۱۸۷</sup>

حسرت در کودکی همراه پدرش به مشهد آمد و نزد «میرزا مهدی عالی مشهدی» (زنده ۱۱۴۱ ه. ق) فن سخنوری آموخت.<sup>۱۸۸</sup> آذر بیگدلی (متوفی ۱۱۹۵ ه. ق) در حدود سال ۱۱۵۳ ه. ق در مشهد با وی دیدار داشته است.<sup>۱۸۹</sup>

حزین لاهیجی نیز از معاصران او می‌باشد.<sup>۱۹۰</sup> سید محمد حسرت تا سال ۱۱۴۴ ه. ق در قید حیات بوده است.

---

<sup>۱۸۵</sup> (۱) - معصومه سالک: تعلیقات تذکره المعاصرین / ۳۸۹.

<sup>۱۸۶</sup> (۲) - محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود / ۵۹۴؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۱۶.

<sup>۱۸۷</sup> (۳) - حزین لاهیجی: پیشین / ۲۲۳.

<sup>۱۸۸</sup> (۴) - همان.

<sup>۱۸۹</sup> (۵) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۲ / ۴۸۹.

دیوان شعر او<sup>۱۹۱</sup> مشتمل بر نه هزار بیت در قالب غزل، رباعی، مثنوی است.

«منظومه سراپا» و «سفر به هند» از آثار دیگر او می‌باشد.<sup>۱۹۲</sup> از اوست:

زهی از شمع اوصافت فروزان بزم دیوان‌ها	به رنگ مردمک روشن ز مه‌ت مهر عنوان‌ها <sup>۱۹۳</sup>
جان پیوسته به حق را خطر از دشمن نیست	هیچ حرزی چو دل خود به خدا بستن نیست
بی تو گل را در گلستان خار می‌دانیم ما	سبحة را بی ذکر تو ز نار می‌دانیم ما <sup>۱۹۴</sup>

نمونه اشعارش در تذکره‌های دیگر نیز آمده است.<sup>۱۹۵</sup>

محمد جواد هوشیار

(۳۷) حسینی - محمد شفیع (- ۱۰۸۱ ه. ق)

محمد شفیع هروی حسینی معروف به «شفیعا» از خطاطان، شاعران، نقاشان، مذهب‌کاران اواخر دوره صفویه است. پدر او میرحسن جان اوبهی و ملقب به پیشوا از سادات

---

(۱) - معصومه سالک: تعلیقات تذکرة المعاصرین / ۳۸۹.

(۲) - محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود / ۵۹۴؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۱۶.

(۳) - حزین لاهیجی: پیشین / ۲۲۳.

(۴) - همان.

(۵) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۲ / ۴۸۹.

---

<sup>۱۹۰</sup> (۶) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۲۰۱.

<sup>۱۹۱</sup> (۷) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۲۳۸.

<sup>۱۹۲</sup> (۸) - احمد منزوی: فهرست نسخه‌های خطی / ۳ / ۲۲۹۵، ۴ / ۲۹۰۵، ۲۹۱۱.

<sup>۱۹۳</sup> (۹) - معصومه سالک: پیشین / ۳۹۰.

<sup>۱۹۴</sup> (۱۰) - همان / ۳۸۹.

<sup>۱۹۵</sup> (۱۱) - ر.ک: لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۲ / ۴۸۹؛ محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود / ۵۹۴؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۲۰۱.

(۶) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۲۰۱.

(۷) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۲۳۸.

(۸) - احمد منزوی: فهرست نسخه‌های خطی ۳ / ۲۲۹۵، ۴ / ۲۹۰۵، ۲۹۱۱.

(۹) - معصومه سالک: پیشین / ۳۹۰.

(۱۰) - همان / ۳۸۹.

(۱۱) - ر. ک: لطفعلی بیک آذر بیگدلی: پیشین ۲ / ۴۸۹؛ محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود / ۵۹۴؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۲۰۱.

ص: ۶۰

حسینی هرات<sup>۱۹۶</sup> و به قولی باخزر یا نصر آباد بود.<sup>۱۹۷</sup>

خط را از «مرتضی قلی خان شاملو» (متوفی ۱۱۰۰ ه. ق) و یا «فصیحی هروی شاعر» (متوفی حدود ۱۰۴۷ ه. ق) که در دستگاه مرتضی قلی خان بود، فراگرفت.<sup>۱۹۸</sup> مدتی منصب «منشی باشی» مرتضی قلی خان را داشت.<sup>۱۹۹</sup>

شفیعا خط نسخ، نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و خط شکسته را به جایی رساند که به نام وی «شفیعا» خوانده شد.<sup>۲۰۰</sup> بعدها «عبدالمجید طالقانی» (متوفی ۱۱۸۵ ه. ق) این خط را تکمیل کرد و به حد کمال رساند.<sup>۲۰۱</sup>

وی همچنین در شعر ادب و نقاشی و تذهیب استاد بود. سفری به هند کرد و در بازگشت مدتی در اصفهان بسر برد.

او خوشنویس دربار شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه. ق) بود چنانکه در بعضی قطعات، عباسی رقم کرده است.<sup>۲۰۲</sup>

وی در مشهد در سن ۸۵ سالگی درگذشت.<sup>۲۰۳</sup>

---

<sup>۱۹۶</sup> (۱) - محمد علی کریمزاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۲ / ۸۹۰؛ اثرآفرینان ۳ / ۳۵۰.

<sup>۱۹۷</sup> (۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۴۲۵.

<sup>۱۹۸</sup> (۳) - حبیب الله فضایی: اطلس خط / ۶۱۳.

<sup>۱۹۹</sup> (۴) - محمد علی کریمزاده تبریزی: پیشین ۳ / ۲۲۸.

<sup>۲۰۰</sup> (۵) - حبیب الله فضایی: پیشین / ۶۱۳.

<sup>۲۰۱</sup> (۶) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانه الادب ۳ / ۲۲۸.

<sup>۲۰۲</sup> (۷) - حبیب الله فضایی: پیشین / ۶۱۳.



از نظر دکتر بیانی دو محمد شفیع حسینی در یک عصر، (نیمه دوم قرن یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم) با کمی تأخیر از یکدیگر می‌زیسته‌اند و یکی از آن دو جز شکسته در خط نستعلیق دست داشته است و دیگری در خط نسخ و همچنین خوشنویس دیگری هم به نام محمد شفیع در عهد شاه عباس دوم یعنی معاصر دو شفیعی مذکور می‌زیسته که عباسی رقم می‌کرده و علاوه بر خوشنویسی در

---

(۱) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۲ / ۸۹۰؛ اثر آفرینان ۳ / ۳۵۰.

(۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۴۲۵.

(۳) - حبیب الله فضایی: اطلس خط / ۶۱۳.

(۴) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۳ / ۲۲۸.

(۵) - حبیب الله فضایی: پیشین / ۶۱۳.

(۶) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانه الادب ۳ / ۲۲۸.

(۷) - حبیب الله فضایی: پیشین / ۶۱۳.

(۸) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۲ / ۸۹۱؛ میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۳۱.

ص: ۶۱

نقاشی و تذهیب نیز دست داشته است.<sup>۲۰۴</sup>

واله داغستانی و نصرآبادی که هر دو از معاصران شفیعا بوده‌اند، سال وفات او را ۱۰۸۱ ه. ق نوشته‌اند.<sup>۲۰۵</sup> او دارای دیوان شعر بود.

از اشعار محمد شفیع هروی است:

بدیده نور نظر می‌دهد غبار امروز

نسیم می‌رسد از کوی آن نگار امروز

---

<sup>۲۰۳</sup> (۸) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۲ / ۸۹۱؛ میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۳۱.

<sup>۲۰۴</sup> (۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۷۶۳-۷۶۴.

<sup>۲۰۵</sup> (۲) - جواد یساولی ثانی: پیدایش و سیر تحول هنر خط / ۲۶۸-۲۶۹.

به مرگ تو نشینم بخون زهد طیم

ز دست ساقی اگر نشکنم خمار امروز

بنفشه خط و ریحان زلف و غنچه لب

به روی یار شکفته است نوبهار امروز<sup>۲۰۶</sup>

میرزا حسن کرمانی متخلص به غیور (زنده ۱۰۸۶ ه. ق) از شاگردان او می‌باشد.<sup>۲۰۷</sup>

آنچه از خطوط نستعلیق با رقم محمد شفیع حسینی دیده شده است به شرح ذیل است:

یک قطعه از مرقع به قلم سه‌دانگ و نیم دودانگ و کتابت جلی خوش با رقم: «کتبه العبد المذنب محمد شفیع»، یک قطعه پنج‌دانگ و کتابت متوسط با رقم: «کتبه الحقیر محمد شفیع الهروی»، یک قطعه، به قلم نیم دودانگ خوش با رقم: «مشقه العبد محمد شفیع» در کتابخانه ملی تهران موجود است. دو قطعه به قلم دودانگ و نیم دودانگ خوش با رقم: «مشقه العبد محمد شفیع غفر ذنوبه» و «مشقه العبد محمد شفیع».<sup>۲۰۸</sup> قطعه‌ای به نستعلیق با رقم:

«کتبه العبد خادم المساکین محمد شفیع ابن میر حسن حسینی ۱۰۴۲».<sup>۲۰۹</sup>

محمد جواد هوشیار

حکیم مشهد - قمی سدید

---

(۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۷۶۳ - ۷۶۴.

(۲) - جواد یساولی ثانی: پیدایش و سیر تحول هنر خط / ۲۶۸ - ۲۶۹.

(۳) - میرزا محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۴۰۶؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۴۲۶.

(۴) - حبیب‌الله فضایی: پیشین / ۶۱۴ - ۶۱۵.

(۵) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۲ / ۷۶۳ - ۷۶۴.

(۶) - اثرآفرینان ۳ / ۳۵۰.

---

<sup>۲۰۶</sup> (۳) - میرزا محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۴۰۶؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۴۲۶.

<sup>۲۰۷</sup> (۴) - حبیب‌الله فضایی: پیشین / ۶۱۴ - ۶۱۵.

<sup>۲۰۸</sup> (۵) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۲ / ۷۶۳ - ۷۶۴.

<sup>۲۰۹</sup> (۶) - اثرآفرینان ۳ / ۳۵۰.

(۳۸) خدیو گیلانی - مهدی (- ۱۳۰۹ ه. ق)

میرزا مهدی گیلانی متخلص به «خدیو» معروف به میرزای خدیو، خطاط،<sup>۲۱۰</sup> شاعر<sup>۲۱۱</sup> و متخصص در هیئت، نجوم، طب، تشریح، الهیات، ریاضیات و طبیعیات قدیم.<sup>۲۱۲</sup>

در کاظمین متولد شد، نخست در زادگاهش سپس در نجف به تحصیل فقه و اصول مشغول گردید.<sup>۲۱۳</sup> در آنجا با حاجی میرزا زین العابدین (۱۲۴۵ - ۱۳۳۵ ه. ق) - برادر میرزا ابراهیم شریعتمداری سبزواری - هم‌حجره بود سپس خدیو گیلانی به همراه او به کاظمین رفت و در آنجا به «غلامعلی خان هندی» عارف دست ارادت داده و در مدت اقامتشان به صحبت او دل‌بسته و مرید وی گردید.<sup>۲۱۴</sup>

پس از چندی غلامعلی خان درگذشت زن و پسر او بی‌سرپرست شدند. خدیو زن را به همسری خویش اختیار نمود و کفالت پسر را هم به عهده گرفت بعد به اتفاق حاجی میرزا زین العابدین به مشهد آمد و اندکی بعد حاج

---

(۱) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۵۵۰.

(۲) - همان ۳ / ۵۵۲.

(۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۶ / ۲۷۰ - ۲۷۱.

(۴) - همان ۶ / ۲۷۱.

(۵) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۵۵۱؛ میرزا حبیب‌الله خراسانی: دیوان حبیب خراسانی / ۲۳.

---

<sup>۲۱۰</sup> (۱) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۵۵۰.

<sup>۲۱۱</sup> (۲) - همان ۳ / ۵۵۲.

<sup>۲۱۲</sup> (۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۶ / ۲۷۰ - ۲۷۱.

<sup>۲۱۳</sup> (۴) - همان ۶ / ۲۷۱.

<sup>۲۱۴</sup> (۵) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۵۵۱؛ میرزا حبیب‌الله خراسانی: دیوان حبیب خراسانی / ۲۳.

میرزا حبیب مجتهد که خود در مدت اقامتش در عراق از مریدان «غلامعلی خان هندی» بود، به اتفاق حاج غلامحسین شیخ الاسلام (۱۲۴۶-۱۳۱۹ ه. ق) وارد مشهد شد.<sup>۲۱۵</sup>

خدیو پس از ورود به مشهد در سراچه‌ای که بنابر سفارش حاج میرزا حبیب مجتهد برای او تهیه کرده بودند، منزل کرد.<sup>۲۱۶</sup> جمعی از بزرگان مشهد از قبیل محمد علی معروف به حاجی فاضل و حاج میرزا حبیب مجتهد به وی گرویدند.<sup>۲۱۷</sup> چون حاج میرزا حبیب مجتهد مرید او شد دیگران هم به وی تأسی و با وی مراوده پیدا کردند و کارش بالا گرفت و مدتی رونق داشت.

چون مریدان خدیو در سراچه جمع می‌شدند به «اصحاب سراچه» مشهور شدند.<sup>۲۱۸</sup>

چندی گذشت و بعد چون علیه آنان غوغایی برپا شد، و جمعی هم درصدد کشتن میرزای خدیو برآمدند بدین جهت اصحاب متفرق شدند و عده‌ای از آنان را والی خراسان تبعید کرد.<sup>۲۱۹</sup>

میرزا زین العابدین که از اصحاب سراچه بود، روابط خودش را به کلی با خدیو قطع نمود.<sup>۲۲۰</sup> و میرزای خدیو ناچار سفر کرد و پس از چندی دوباره به مشهد بازگشت. و در خانه خود در حال انزوا بسر برد تا اینکه در سال ۱۳۰۹ ه. ق درگذشت.<sup>۲۲۱</sup> محمد معصوم شیرازی از کسانی است که در مشهد با او دیدار داشته است.<sup>۲۲۲</sup> از شاگردان خدیو گیلانی می‌توان به «سید علی خان دره‌گزی» نسابه معروف خراسان و «جلال» فرزند «غلامعلی خان هندی» طیب اشاره کرد.<sup>۲۲۳</sup> «بارقه ربانیه» و «بازغه الهیه» از قصاید او می‌باشد.<sup>۲۲۴</sup>

---

(۱) - میرزا حبیب الله خراسانی: پیشین / ۲۵.

(۲) - مهدی بامداد: پیشین / ۶، ۷۶، ۱۱۲، ۲۷۱.

---

<sup>۲۱۵</sup> (۱) - میرزا حبیب الله خراسانی: پیشین / ۲۵.

<sup>۲۱۶</sup> (۲) - مهدی بامداد: پیشین / ۶، ۷۶، ۱۱۲، ۲۷۱.

<sup>۲۱۷</sup> (۳) - همان: ۶ / ۱۱۲.

<sup>۲۱۸</sup> (۴) - همان.

<sup>۲۱۹</sup> (۵) - همان / ۶ / ۲۷۱.

<sup>۲۲۰</sup> (۶) - همان / ۶ / ۱۱۲.

<sup>۲۲۱</sup> (۷) - همان / ۶ / ۲۷۱.

<sup>۲۲۲</sup> (۸) - محمد معصوم شیرازی: پیشین / ۳ / ۵۵۱.

<sup>۲۲۳</sup> (۹) - مهدی بامداد: پیشین / ۶ / ۱۲۳، ۲۷۱، میرزا حبیب الله خراسانی: پیشین / ۲۲، ۲۹.

<sup>۲۲۴</sup> (۱۰) - محمد معصوم شیرازی: پیشین / ۳ / ۵۵۲.

(۳) - همان: ۶ / ۱۱۲.

(۴) - همان.

(۵) - همان ۶ / ۲۷۱.

(۶) - همان ۶ / ۱۱۲.

(۷) - همان ۶ / ۲۷۱.

(۸) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۵۵۱.

(۹) - مهدی بامداد: پیشین ۶ / ۱۲۳، ۲۷۱، میرزا حبیب الله خراسانی: پیشین ۲۲، ۲۹.

(۱۰) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۵۵۲.

ص: ۶۴

این ابیات از اوست:

پیش ازین کاندلر فلک انوار مهر و ماه بود	در سویدای دلم سبحات الا الله بود
پرده پندار تن تا گشت منشق شد عیان	چهره خورشید جانم در حجاب ماه بود
از مقامات تبّتل تا مقامات فنا	با همه خوبان دلم در هرنفس همراه بود
تا در پیر مغان شد باز بر روی خدیو	شد عیانم کین گدا خود خاصه درگاه بود <sup>۲۲۵</sup>

محمد جواد هوشیار

(۳۹) خواجه جعفر (قرن ۱۱ ه. ق)

خواجه جعفر یا میرمحمد جعفر تهرانی شاعر، طیب و خطاط<sup>۲۲۶</sup> در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری در اصفهان می‌زیست. طبق گزارش «سید علی حسن خان» (زنده ۱۲۹۵ ه. ق) وی سفری به تهران نمود و در آنجا با ملا خلیل اصفهانی<sup>۲۲۷</sup> دیدار داشت. تهرانی به مشهد آمد و مدتی در این شهر بود تا اینکه درگذشت.<sup>۲۲۸</sup>

این رباعی از اوست:

ای چرخ تو را عناد با من تا کی  
آزار دلم به کام دشمن تا کی  
زین مرتبه بلند شرمت بادا  
با همچون منی ستیزه کردن تا کی<sup>۲۲۹</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - همان.

(۲) - امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم ۲ / ۱۲۲۷.

(۳) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۳۰۳.

(۴) - امین احمد رازی: پیشین ۲ / ۱۲۲۷.

(۵) - همان.

ص: ۶۵

د

(۴۰) دانای جواهری - سید احمد (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ه. ق.)

سید احمد دانای جواهری پدر استاد محمود فرخ (متوفای سال ۱۳۶۰ ه. ش) حکیم و لغت‌شناس. در سال ۱۲۸۶ ه. ق در مشهد متولد شد و به تحصیل پرداخت. او از شاگردان معروف حاجی فاضل به‌شمار می‌رفت.

و در حکمت اشراق و لغت عرب تخصص داشت. ملک الشعراء بهار او را استاد خود می‌دانست. جواهری در سن ۸۰ سالگی در ۲۸ محرم سال ۱۳۶۶ ه. ق درگذشت و در حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام دفن گردید.<sup>۲۳۰</sup>

---

<sup>۲۲۶</sup> (۲) - امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم ۲ / ۱۲۲۷.

<sup>۲۲۷</sup> (۳) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۳۰۳.

<sup>۲۲۸</sup> (۴) - امین احمد رازی: پیشین ۲ / ۱۲۲۷.

<sup>۲۲۹</sup> (۵) - همان.

میرزا اسماعیل مستوفی ملقب به مجدالادباء فرزند محمد باقر از ادباء و کارگزاران خراسان در زمان حکمرانی مظفرالدین شاه قاجار و ولایت شاهزاده رکن الدوله علینقی میرزا بر مشهد.

پس از تحصیل علوم ادبی وارد خدمات دولتی شد.<sup>۲۳۱</sup> مجدالادباء در ادبیات فارسی و عربی و رموز

(۱) - خانبابا مشار: فهرست مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۶ / ۷۱ و نیز اطلاعات دریافت شده از آقای فروزان فرخ.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۰۶.

ص: ۶۶

نویسندگی شهرت داشت و صاحب هنر خطاطی و خوشنویسی بود.<sup>۲۳۲</sup> غیر از دیوان اشعار خطی اش که بالغ بر هزار بیت بوده و به خط خودش نوشته است کتاب منهج الکرامه تالیف حلی را به نام کرامت المنهاج در اثبات ولایت امیر المؤمنین علیه السلام<sup>۲۳۳</sup> و نیز کتاب مسکن الفؤاد شهید ثانی تحت عنوان تسلیة العباد از عربی به فارسی ترجمه نمود. نخستین بار تسلیة العباد در سال ۱۳۷۴ ه. ش به کوشش محمد رضا انصاری چاپ گردید.<sup>۲۳۴</sup>

مجدالادباء در قصاید خود جنگ‌هایی را که در خراسان اتفاق افتاده به نظم درآورده است.

از جمله قصاید وی است:

ای خراسان، تختگاه شاه بودی سال‌ها	کوکبت را بود از فر و سعادت فال‌ها
در فراخای بسیطت روز و شب آماده بود	دولت و اقبال‌ها و نعمت و افضال‌ها
چندگاهت حال اگر برگشت و کارت زار شد	از روش گاهی بگردد آری آری حال‌ها

<sup>۲۳۰</sup> (۱) - خانبابا مشار: فهرست مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۶ / ۷۱ و نیز اطلاعات دریافت شده از آقای فروزان فرخ.

<sup>۲۳۱</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۰۶.

<sup>۲۳۲</sup> (۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۲۲۴.

<sup>۲۳۳</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۰۶ - ۵۰۷.

<sup>۲۳۴</sup> (۳) - اسماعیل مجدالادباء: تسلیة العباد / ۱۰.

دور ادب‌ارت گذشت و نوبت اقبال شد

از پی ادبار می‌آید بسی اقبال‌ها

یسر بعد از عسر را ایزد مقرر داشته است

بندگان خویش را در گردش احوال‌ها<sup>۲۳۵</sup>

علی‌جان سکندری

---

(۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۲۲۴.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۰۶ - ۵۰۷.

(۳) - اسماعیل مجد الادباء: تسلیة العباد / ۱۰.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۰۷.

ص: ۶۷

ر

(۴۲) رجایی بخارایی - احمد علی (۱۲۹۵ - ۱۳۵۷ ه. ش)

احمد علی رجایی بخارایی فرزند غلام علی از نویسندگان و محققان معاصر. در سال ۱۲۹۵ ه. ش در مشهد متولد شد.<sup>۲۳۶</sup> نیاکانش همه از ده پاژ واقع در ۱۸ کیلومتری شمال مشهد (توس) بودند که از خویش زمین و آب داشتند و به رفاه روزگار می‌گذرانیدند. جدش محمد علی درحالی‌که کودکی بیش نبود در یورش ترکمانان به خراسان ربهوده شد و به بخارا برده شد. و به وزارت بخارا دست یافت. وی از همانجا همسری گرفت و از او فرزندی پدید آمد که بزرگترین آنها غلام علی بود که با دختر عمویش پیوند زناشویی بست و دکتر رجایی حاصل آن ازدواج می‌باشد.<sup>۲۳۷</sup>

رجایی تحصیلات دوره ابتدایی را در مدرسه علمیه و متوسطه را در

---

(۱) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان فارسی / ۲۲۴.

---

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۰۷.

(۱) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان فارسی / ۲۲۴.

(۲) - احمد علی رجایی بخارایی: لهجه بخارایی، مقدمه / ۳ - ۴.



دبیرستان دانش مشهد گذراند.<sup>۲۳۸</sup> پس از گرفتن دیپلم به شغل معلمی روی آورد و در فرهنگ خراسان به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۲۲ ه. ش به تهران رفت و در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران تحصیل نمود. در سال ۱۳۳۴ ه. ش مدرک دکترا گرفت و در زمانی که دکتر سنجابی وزیر فرهنگ بود، ریاست دفتر او را عهده‌دار شد.<sup>۲۳۹</sup>

سال ۱۳۳۶ ه. ش به منظور تدریس به دانشگاه تبریز رفت و در سال ۱۳۳۹ ه. ش به دانشگاه مشهد منتقل و در دانشکده ادبیات به تدریس متون عرفانی، ادبی و حماسی مشغول گردید و سمت ریاست دانشکده ادبیات را نیز عهده‌دار شد.<sup>۲۴۰</sup>

در سال ۱۳۴۸ ه. ش او را وادار به بازنشستگی کردند. در تابستان همان سال به دعوت باقر پیرنیا استاندار وقت خراسان، ریاست امور فرهنگی آستان قدس را قبول کرد. تا اینکه در سال ۱۳۵۱ ه. ش به تهران رفت و در دانشگاه تهران بعضی از دروس فوق لیسانس و دکترا را تدریس می‌نمود. در کنار تدریس در دانشکده ادبیات تهران با بخش لغت بنیاد فرهنگ ایران و سازمان رادیو و تلویزیون و نیز قسمت مشاوره حقوقی در وزارت راه همکاری می‌نمود. برنامه رادیویی «شناختی نو از شاهنامه» در سال آخر عمرش از جمله کوشش‌های او بود.<sup>۲۴۱</sup>

مشاغل رسمی دکتر رجایی به ترتیب عبارت بودند از: معلم کشاورزی، دبیری، ریاست مدرسه، ریاست بازرسی فرهنگ مشهد، ریاست اداره انتخابات و برنامه وزارت فرهنگ،

---

(۱) - محمد باقر برقی: سخنوران نامی معاصر ایران ۳ / ۱۴۸۵؛ علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۵۴.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۴.

(۳) - علی سلطانی گرد فرامرز: از شمار دو چشم یک تن کم، نگین ۳۱ مرداد ۱۳۵۷ / ۳۸ - ۴۱.

(۴) - احمد علی رجایی بخارایی: فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس، مقدمه / ۸؛ محمد مهدی رکنی: شرح حال و آثار دکتر رجایی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۲، سال ۱۴ / ۲۴۷.

---

<sup>۲۳۸</sup> (۱) - محمد باقر برقی: سخنوران نامی معاصر ایران ۳ / ۱۴۸۵؛ علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۵۴.

<sup>۲۳۹</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۴.

<sup>۲۴۰</sup> (۳) - علی سلطانی گرد فرامرز: از شمار دو چشم یک تن کم، نگین ۳۱ مرداد ۱۳۵۷ / ۳۸ - ۴۱.

<sup>۲۴۱</sup> (۴) - احمد علی رجایی بخارایی: فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس، مقدمه / ۸؛ محمد مهدی رکنی: شرح حال و آثار دکتر رجایی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۲، سال ۱۴ / ۲۴۷.

ریاست اداره تعلیمات ابتدایی کل کشور، ریاست اداره دفتر وزارت فرهنگ.<sup>۲۴۲</sup>

دکتر رجایی در سال ۱۳۴۴-۱۳۴۵ ه. ش برای مطالعه علمی به اروپا مسافرت کرد و در کتابخانه ملی پاریس و بروکسل و کتابخانه موزه بریتانیا تعداد زیادی از نسخه‌های خطی نفیس را از نظر گذراند و در تهیه میکروفیلم برخی از آنها برای کتابخانه دانشگاه مشهد اقدام نمود.<sup>۲۴۳</sup> تابستان ۱۳۴۹ ه. ش رجایی به دعوت دولت شوروی به آن کشور سفر نمود و کنفرانس‌هایی در انجمن‌های خاورشناسی مسکو، لنینگراد، تاشکند، سمرقند و بخارا داد، میکروفیلم‌هایی از کتاب‌های خطی ایرانی که در کتابخانه‌های شوروی موجود بود با خود آورد.<sup>۲۴۴</sup> بار دیگر که برای درمان بیماری خود به خارج رفته بود، در هنگام بازگشت از نسخه خطی «غایة الامکان فی درایة المکان» تاج الدین محمود اشنهی سراغ گرفت تا عکسی از آن تهیه و در فرصتی مناسب تصحیح و چاپ کند.<sup>۲۴۵</sup>

رجایی را باید از شعرا، سخنرانان، محققان و از استادان معاصر ادب فارسی دانست. از خصوصیات فردی وی شوق مفرط به راهپیمایی و شکار بود.<sup>۲۴۶</sup> اگر کسی به معتقداتش توهین می‌کرد برمی‌آشفت و بی‌محابا پاسخ می‌داد. این اخلاقش موجب گردید تا دشمنانی برای خود فراهم کند، در هنگام ریاست دانشکده، قاطع، اصولی و سختگیر بود. بی‌قانونی را نادیده نمی‌گرفت و در برابر قانون‌شکنان مقاومت می‌کرد، درعین حال ممکن بود ساعت‌ها به درددل دانشجویان گوش دهد. مسایل دانشجویان را حتی الامکان در دانشکده حل می‌کرد تا لازم نشود کسی در خارج از دانشکده آنها را

(۱) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۶.

(۲) - همان / ۲۴۷.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین ۲۵۴.

(۴) - احمد علی رجایی بخارایی: فرهنگ لغات قرآن‌های خطی آستان قدس، مقدمه / ۸.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۴.

<sup>۲۴۲</sup> (۱) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۶.

<sup>۲۴۳</sup> (۲) - همان / ۲۴۷.

<sup>۲۴۴</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین ۲۵۴.

<sup>۲۴۵</sup> (۴) - احمد علی رجایی بخارایی: فرهنگ لغات قرآن‌های خطی آستان قدس، مقدمه / ۸.

<sup>۲۴۶</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۴.

اظهار و یا حل و فصل کند. اگر دستوری از مافوق صادر می‌شد و به ضرر دانشجو بود به آن عمل نمی‌کرد. جانب بسیاری از دانشجویان تنگدست را می‌گرفت و از راه‌های گوناگون به آنها کمک می‌کرد. وی تا آخر عمرش در یک خانه استیجاری زیست.<sup>۲۴۷</sup>

در هنگامی که در کتابخانه آستان قدس بود بیشتر اوقات تا دو و گاهی تا سه بامداد به امور خارجی آستانه می‌پرداخت، بسیاری از شب‌ها غذای خود را به مستخدم اتاقش می‌داد تا به خانه ببرد و خود یا چیزی نمی‌خورد و یا به اندکی نان و پنیر اکتفا می‌کرد. کار زیاد و کمی استراحت موجب شد تا دو بار به حالت اغما فرورود. دکتر رجایی در مدت دو سال خدمت در حوزه فرهنگی آستان قدس وضع داخل حرم را منظم کرد و نشریاتی را برای معرفی نفایس کتابخانه منتشر کرد که بعدها متوقف شد. وی توانست دوقره دزدی کلان را در حوزه حرم کشف کند. چند شعبه کتابخانه از جمله وزیری یزد را به همت بزرگان محلی در شهرستان‌ها دایر کرد.<sup>۲۴۸</sup>

رجایی در سرودن شعر توانا بود و از شعرای معاصر محسوب می‌شد.<sup>۲۴۹</sup> او شعر را به شیوه قدماء استادانه و استوار می‌سرود.<sup>۲۵۰</sup> در اشعارش تعریض و انتقاد و شکایت از روزگار وجود دارد.<sup>۲۵۱</sup> این حس بدبینی که در زندگی داشت و همواره از آن گلایه و شکوه می‌کرد در شعرهایش به خوبی نمایانگر است.<sup>۲۵۲</sup>

از قطعات اوست:

فرستی بهتر از جوانی نیست	ای جوان قدر وقت دان که ترا
(بخت و دولت به کاردانی نیست)	غلط است که دیگران گویند:
(جز به تأیید آسمانی نیست)	یا شنیدی از این‌وآن که اقبال

<sup>۲۴۷</sup> (۱) - علی سلطانی گرد فرامرز: پیشین / ۳۸ - ۴۱.

<sup>۲۴۸</sup> (۲) - همان.

<sup>۲۴۹</sup> (۳) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۲۲۴.

<sup>۲۵۰</sup> (۴) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۷.

<sup>۲۵۱</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۵.

<sup>۲۵۲</sup> (۶) - محمد باقر برقی: پیشین / ۳ / ۱۴۸۶.

---

(۱) - علی سلطانی گرد فرامرزی: پیشین / ۳۸ - ۴۱.

(۲) - همان.

(۳) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۲۲۴.

(۴) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۷.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۵.

(۶) - محمد باقر برقی: پیشین ۳ / ۱۴۸۶.

ص: ۷۱

سبب رنج و شادمانی نیست

دولت و بخت رایگانی نیست

به یقین دان که جاودانی نیست

غیر از این، راه زندگانی نیست<sup>۲۵۳</sup>

آسمان نیز چون تو مخلوقی است

بخت و اقبال، کوشش من و توست

سعی ناکرده عزتی گر هست

کار، قانون خلقت است و ترا

سرانجام دکتر رجایی پس از سه سال مبارزه با سرطان، در تابستان ۱۳۵۷ ه. ش در سن شصت و دو سالگی به دیار باقی شتافت و در صحن عتیق حرم رضوی دفن گردید.<sup>۲۵۴</sup>

از کتاب‌های وی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

«راهنمای آموختن املائی فارسی» با مقدمه احمد بهمنیار، «ترجمه متون عربی سال دوم دبیرستان» با مقدمه احمد بهمنیار، «تصحیح و تحشیه درس عبرت از توسیدید» ترجمه دکتر کاویانی، «فرهنگ اشعار حافظ» که پایان‌نامه دکترای اوست، «یادداشتی درباره لهجه بخارایی» از انتشارات دانشگاه مشهد، «متنی پارسی از قرن چهارم هجری» از انتشارات آستان قدس، «خلاصه شرح تعرف» براساس نسخه منحصر به فرد مورخ ۷۱۳ ه. ق، «نمونه‌ای از قرآن مجید» به خط ثلث با ترجمه

---

<sup>۲۵۳</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۵.

<sup>۲۵۴</sup> (۲) - علی سلطانی گرد فرامرزی: پیشین / ۳۸ - ۴۱؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۴.

پارسی کهن، «سوره مائده از قرآن کوفی کهن» با ترجمه استوار پارسی، «منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفه المریدین»، «پلی میان شعر هجایی و عروض فارسی»، «فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس رضوی»، «گزیده شاهنامه فردوسی»، «فرهنگ نامه قرآنی» که با نظارت دکتر محمد جعفر یاحقی در پنج جلد چاپ شد.<sup>۲۵۵</sup>

از دکتر رجایی مقالات بسیاری نیز برجای مانده که در مجلات یغما،

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۵.

(۲) - علی سلطانی گرد فرامری: پیشین / ۳۸ - ۴۱؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۵۴.

(۳) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۷؛ احمد علی رجایی بخارایی: فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس، مقدمه / ۱۰.

ص: ۷۲

دانشکده ادبیات تبریز، دانشکده ادبیات مشهد، فرهنگ خراسان و نامه آستان قدس به چاپ رسیده است.<sup>۲۵۶</sup>

رسول سعیدی زاده

(۴۳) رسا - قاسم (۱۲۹۰ - ۱۳۵۶ ه. ش)

دکتر قاسم رسا فرزند حسن، پزشک و ملک الشعرا آستان قدس رضوی.

وی در سال ۱۲۹۰ ه. ش در شهر مشهد متولد شد.<sup>۲۵۷</sup> پس از طی دبستان و دبیرستان به دانشکده پزشکی تهران وارد گردید و بعد از گرفتن دکترا به مشهد بازگشت. چند سالی رئیس بهداری کاشمر بود.

دکتر رسا عضو انجمن ادبی مشهد و از مشاهیر شعرای معاصر بود. وی از اوایل عمرش به شعر روی آورد و در اعیاد مذهبی و جشن‌ها در آستان قدس و بیت آیت الله سید محمد هادی میلانی قصیده می‌خواند. غالب اشعارش نصایح و پندواندرز و مناقب ائمه معصومین: است. وی بعضی کلمات قصار را به نظم کشید. و ملک الشعرا آستان قدس رضوی عنوان یافت.

درگذشت دکتر رسا در بیست و پنجم آذر سال ۱۳۵۶ ه. ش رخ داد.

---

<sup>۲۵۵</sup> (۳) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۷؛ احمد علی رجایی بخارایی: فرهنگ لغات قرآن خطی آستان قدس، مقدمه / ۱۰.

<sup>۲۵۶</sup> (۱) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۹ - ۲۵۱.

<sup>۲۵۷</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۶۳.

جسدش را در صحن عتیق جلوی پنجره فولاد حرم رضوی دفن کردند.<sup>۲۵۸</sup>

دیوان کامل رسا در سال ۱۳۴۰

(۱) - محمد مهدی رکنی: پیشین / ۲۴۹ - ۲۵۱.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۶۳.

(۳) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۲۲۷؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۶۳.

ص: ۷۳

ه. ش در تهران چاپ شد. از آثار دیگرش می‌توان به «اشک‌ها و شادی‌ها»، «مجموعه شعر» و «کلیات اشعار دکتر قاسم رسا» اشاره کرد.

از اوست:

حجت حق، رحمت مطلق علی بن الحسین	درة التاج شرف ماه عجم شاه عرب
آن شنیدستم که در عهد ولیعهدی شام	رهسپار کعبه شد با مردم شام و حلب
خواست تا بوسد حجر را گشت مانع ازدحام	شد ز جمعیت برون کاساید از رنج و تعب
دید ناگه صف ز هم بشکست و ماهی شد پدید	کافتاب از پرتو صبح جمالش در عجب
ماه گرد کعبه می‌گردید و خلقی گرد ماه	سنگ را با بوسه‌ای سیراب کرد از لعل لب
چون هشام آن عزت و قدر و جلال و جاه دید	از شرار آتش کین و حسد شد ملتهب
زان میان یک تن ازو پرسید کاین آزاده کیست؟	کاین چنین بر دامن مطلوب زد دست طلب؟
کرد در پاسخ تجاهل گفت شناسم که کیست	زان تجاهل‌ها که در اعجاز احمد بو لهب
چون فرزددق آن سخندان گرامی از هشام	این سخن بشنید شد آشفته از خشم و غضب

<sup>۲۵۸</sup> (۳) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۲۲۷؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۶۳.

گفت گر نامش ندانی با تو گوید نام او  
از زمین و آسمان و آفتاب و مشتری  
مروه و بیت و صفا و زمزم و رکن و مقام  
خسرو ملک فصاحت آنکه در قدر و بهاست

گر پیرسی خاک بطحا را وجب اندر وجب  
زهره و پروین و ماه و مشتری و ذو ذنب  
می شناسندش نکونام و نسب، اصل و حسب  
خطبه‌های دل فرییش درة التاج خطب<sup>۲۵۹</sup>

رسول سعیدی زاده

رضوی - علی - جلد اول

رضوی - محمد علی - جلد اول

(۴۴) رضوی - میر رضی الدین (- زنده ۱۰۷۶ ه. ش)

میر رضی الدین محمد رضوی ادیب، عارف، حکیم و شاعر متخلص به «دانش». او فرزند میرابو تراب مشهدی متخلص به فطرت است که سال

---

(۱) - قاسم رسا: دیوان کامل دکتر قاسم رسا / ۸۴ - ۸۳.

ص: ۷۴

۱۰۶۰ ه. ق در حیدرآباد دکن درگذشت.

میر رضی الدین در مشهد زاده شد و رشد نمود.<sup>۲۶۰</sup> در سال ۱۰۶۰ ه. ق راهی سفر حج و از آنجا به هندوستان شد. در زمان حکومت شاه جهان (۱۰۳۷ - ۱۰۶۸ ه. ق) به آن سرزمین رسید و به دربار دهلی راه یافت و قصیده‌ای در مدح داراشکوه فرزند شاه جهان (متوفی ۱۰۶۹ ه. ق) سرود.<sup>۲۶۱</sup> و از داراشکوه یا شاه جهان صلہ گرفت.<sup>۲۶۲</sup>

مدتی در بنگاله نزد محمد شجاع (۱۰۶۸ - ۱۰۷۰ ه. ق) فرزند شاه جهان بسر برد و از آنجا به حیدرآباد دکن رفت.<sup>۲۶۳</sup>

---

<sup>۲۵۹</sup> (۱) - قاسم رسا: دیوان کامل دکتر قاسم رسا / ۸۴ - ۸۳.

<sup>۲۶۰</sup> (۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۵۳؛ ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۶۳ - ۱۶۴.

<sup>۲۶۱</sup> (۲) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۶۳ - ۱۶۴؛ محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۳؛ شیر علی خان لودی: مرآة الخیال / ۱۴۷.

<sup>۲۶۲</sup> (۳) - آزاد بلگرامی: تذکره سرو آزاد / ۸۷ - ۸۹، محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۸.

در سال ۱۰۷۲ ه. ق عبد الله قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۸۳ ه. ق) او را مأمور کرد که به نیابت وی در مشهد مراسم زیارت را به‌جا آورد و سالیانه دوازده<sup>۲۶۴</sup> و به قولی سی تومان تبریزی<sup>۲۶۵</sup> برایش معین کرد. دانش در مشهد بود تا اینکه در سال ۱۰۷۶ ه. ق درگذشت.<sup>۲۶۶</sup>

او دارای دیوان شعری مشتمل بر غزلیات پراکنده و یک مثنوی می‌باشد.<sup>۲۶۷</sup>

محمد جواد هوشیار

(۴۵) رضوی کرمانی - نواب (- ۱۳۶۶ ه. ش)

نواب رضوی کرمانی قرآن‌پژوه، عارف، ادیب، شاعر و متخلص به «راضی». وی در معارف دینی صاحب

---

(۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۵۳؛ ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۶۳ - ۱۶۴.

(۲) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۶۳ - ۱۶۴؛ ۲۵۳، محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۳؛ شیر علی خان لودی: مرآة الخیال / ۱۴۷.

(۳) - آزاد بلگرامی: تذکره سرو آزاد / ۸۷ - ۸۹، محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۸.

(۴) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۷۸ - ۷۹.

(۵) - احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۳۹۴.

(۶) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۳.

(۷) - محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار / ۲۴۷.

(۸) - دایرة المعارف تشیع ۷ / ۴۲۸؛ اثر آفرینان ۳ / ۱۳.

ص: ۷۵

---

<sup>۲۶۳</sup> (۴) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۷۸ - ۷۹.

<sup>۲۶۴</sup> (۵) - احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۳۹۴.

<sup>۲۶۵</sup> (۶) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۳.

<sup>۲۶۶</sup> (۷) - محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار / ۲۴۷.

<sup>۲۶۷</sup> (۸) - دایرة المعارف تشیع ۷ / ۴۲۸؛ اثر آفرینان ۳ / ۱۳.



نظر و از آراستگی اخلاقی، حافظه قوی، عدم دلبستگی به دنیا برخوردار بود.

دیوان شعر او بالغ بر ده هزار بیت می‌باشد. راضی کرمانی در دی‌ماه ۱۳۶۶ ه. ش در کرمان درگذشت و جسدش را به مشهد حمل و در جوار امام رضا علیه السلام به خاک سپردند.<sup>۲۶۸</sup>

محمد جواد هوشیار

رفیع الدین - سید محمد - جلد اول

روغنی - سید محمد صالح - جلد اول

---

(۱) - حسین بهزادی اندوهجری: تذکره شاعران کرمان / ۴۲۸ - ۴۲۹.

ص: ۷۶

ز

(۴۶) زرگر اصفهانی - محمد حسن (- ۱۲۸۰ ه. ق)

آقا محمد حسن زرگر مشهور به اصفهانی اصلا اهل خراسان و مقیم مشهد بود و به شغل زرگری اشتغال داشت. وی پس از کسب علوم متداوله از خدمت مستعلی شاه ذکر گرفت و سالها در طریقت مرتضوی از سر صدق و صفا و راستی سیر سلوک نمود و به ریاضتهای شافی مشغول گشت.

بالاخره از رحمت علیشاه اجازه‌ی دستگیری در ارض اقدس یافت و فقرای خراسان به او سپرده شد. تا این‌که در حدود سال ۱۲۸۰ ه. ق درگذشت و در صحن جدید حرم حضرت رضا علیه السلام مدفون گردید.<sup>۲۶۹</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۴۰۰ - ۴۰۱.

ص: ۷۷

---

<sup>۲۶۸</sup> (۱) - حسین بهزادی اندوهجری: تذکره شاعران کرمان / ۴۲۸ - ۴۲۹.

<sup>۲۶۹</sup> (۱) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۴۰۰ - ۴۰۱.

(۴۷) سارو خواجه - محمد رضا (- ۱۰۳۰ ه. ق)

محمد رضا فرزند خواجه ملک قزوینی ملقب به «فدوی دودمان ولایت نشان» از کارگزاران شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق) و از شاعران قرن یازدهم هجری. وی در روستای جوین از توابع قزوین متولد شد، پدرش خواجه ملک در خراسان به کار نویسندگی و سیاق اشتغال داشت.<sup>۲۷۰</sup>

خواجه محمد رضا به قزوین آمد و بنابه استعداد شعری و سخنوری که داشت با بزرگان قزوین ارتباط برقرار نمود، آنگاه به آذربایجان رفت و مورد توجه «ذو الفقار خان قرمانلو» حاکم آنجا قرار گرفت.<sup>۲۷۱</sup> وی در سال ۱۰۱۵ ه. ق از سوی شاه عباس به وزارت و ممیزی کل آذربایجان برگزیده شد.<sup>۲۷۲</sup>

سال ۱۰۲۲ ه. ق به گرجستان رفت و چون در آن سفر کفایت و حسن تدبیر از خود نشان داد به پاس فداکاری و از خودگذشتگی مقرر گردید در احکام و فرامین لقب «فدوی دودمان ولایت نشان» را بر القاب وی بیفزایند.<sup>۲۷۳</sup>

(۱) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی ۲ / ۱۲۴۴.

(۲) - همان ۲ / ۱۲۴۴ - ۱۲۴۵.

(۳) - همان ۲ / ۱۲۴۸.

(۴) - همان ۲ / ۱۲۴۵، ۱۲۷۱، ۱۶۳ / ۳؛ میرزا بیگ حسن بن حسینی جنابدی: روضة الصفویه / ۸۴۹.

ص: ۷۸

خواجه مدت ده سال وزارت آذربایجان را به‌عهده داشت.<sup>۲۷۴</sup> در سال ۱۰۲۶ ه. ق شاه عباس یکی از کنیزکان خود را به ازدواج وی درآورد.<sup>۲۷۵</sup> او در تقدیم سپاس از این بخشش، نامه تشکرآمیزی به پیوست قطعه‌ای منظوم با مضمون زیر تقدیم شاه نمود:

<sup>۲۷۰</sup> (۱) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی ۲ / ۱۲۴۴.

<sup>۲۷۱</sup> (۲) - همان ۲ / ۱۲۴۴ - ۱۲۴۵.

<sup>۲۷۲</sup> (۳) - همان ۲ / ۱۲۴۸.

<sup>۲۷۳</sup> (۴) - همان ۲ / ۱۲۴۵، ۱۲۷۱، ۱۶۳ / ۳؛ میرزا بیگ حسن بن حسینی جنابدی: روضة الصفویه / ۸۴۹.

<sup>۲۷۴</sup> (۱) - اسکندر بیگ منشی: پیشین / ۱۵۷۵.

ساخت بر خوان تازه‌ام مهمان

شکر الله که شاه دین پرور

سر فخرم گذشت از کیوان

کدخدایی شدم به دولت شاه

خانه شاه باد آبادان

بهر تاریخ این عطا گفتم

(۱۰۲۶ ه. ق) <sup>۲۷۶</sup> خواجه محمد رضا در سال ۱۰۳۱ ه. ق <sup>۲۷۷</sup> و به قولی ۱۰۳۰ ه. ق در اثر بیماری در شهر تون (فردوس کنونی) در محل امامزاده محمد درگذشت. جنازه او را به مشهد آوردند و به خاک سپردند. <sup>۲۷۸</sup> وی دارای دیوان شعری است. <sup>۲۷۹</sup>

از رباعیات اوست:

جان بسته به تار پیرهن می‌آیم

آنم که حزین و خسته تن می‌آیم

پیچیده به آه خویشتن می‌آیم <sup>۲۸۰</sup>

مانند غباری که به پیچد بر باد

محمد جواد هوشیار

ساعدراسانی - محمد باقر - جلد اول

(۴۸) ساعد نیری - حسینعلی (۱۳۰۷ - ۱۳۶۷ ه. ق)

حسینعلی میرزا فرزند حسنعلی میرزا فتح السلطنه (متوفی ۱۳۲۴ ه. ق) نواده حسین میرزا نیر الدوله متخلص به

(۱) - اسکندر بیگ منشی: پیشین / ۱۵۷۵.

<sup>۲۷۵</sup> (۲) - سید محمد علی گریز: مینو در ۲ / ۴۶۱.

<sup>۲۷۶</sup> (۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۷۴.

<sup>۲۷۷</sup> (۴) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۱ / ۲۰۳.

<sup>۲۷۸</sup> (۵) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۳ / ۱۶۴۳؛ محمد تقی مدرس رضوی: سالشمار وقایع مشهد ۹۸.

<sup>۲۷۹</sup> (۶) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۳۶۴.

<sup>۲۸۰</sup> (۷) - لغتنامه دهخدا ذیل کلمه سارو خواجه، سید محمد علی گریز: پیشین ۲ / ۴۶۲.

(۲) - سید محمد علی گریز: مینو در ۲ / ۴۶۱.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۷۴.

(۴) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۱ / ۲۰۳.

(۵) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۳ / ۱۶۴۳؛ محمد تقی مدرس رضوی: سالشمار وقایع مشهد ۹۸.

(۶) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۳۶۴.

(۷) - لغتنامه دهخدا ذیل کلمه سارو خواجه، سید محمد علی گریز: پیشین ۲ / ۴۶۲.

ص: ۷۹

«ساعد»<sup>۲۸۱</sup> معروف به «ساعد نیری» کارمند وزارت کشور و شاعر. وی در ۱۶ رمضان ۱۳۰۷ ه. ق / ۱۲۶۹ ه. ش در نیشابور متولد گردید.<sup>۲۸۲</sup>

پدرش فتح السلطنه مدتی حاکم نیشابور<sup>۲۸۳</sup> و جدش نیر الدوله (متوفی ۱۳۳۳ ه. ق) چندی والی خراسان بود.<sup>۲۸۴</sup>

ساعد نیری از هجده سالگی یعنی از سال ۱۲۸۶ ه. ش / ۱۳۲۵ ه. ق به فرمانداری نیشابور منصوب گردید و بعدها ملقب به سردار ساعد شد<sup>۲۸۵</sup> و بعد از آن فرمانداری سبزوار، تربت حیدریه، شاهرود، قوچان، بجنورد و اواخر عمرش بخشداری مشهد را به عهده داشت.<sup>۲۸۶</sup>

وی مردی شریف و مهربان و شاعر بود.<sup>۲۸۷</sup> عاقبت در سال ۱۳۶۷ ه. ق<sup>۲۸۸</sup> و به قولی ۲۱ دیماه ۱۳۳۰ ه. ش / ۱۳۷۰ ه. ق<sup>۲۸۹</sup> در مشهد درگذشت و در زاویه شمال شرقی ایوان کشیک خانه صحن عتیق آستان قدس رضوی مدفون گردید.<sup>۲۹۰</sup>

---

<sup>۲۸۱</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۷۵.

<sup>۲۸۲</sup> (۲) - بوراندخت ساعدی: «ساعد نیری»، وحید، شماره ۴۷، سال ۴، ص ۱۰۱۶.

<sup>۲۸۳</sup> (۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۷۳.

<sup>۲۸۴</sup> (۴) - علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۳۴۰.

<sup>۲۸۵</sup> (۵) - بوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

<sup>۲۸۶</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

<sup>۲۸۷</sup> (۷) - همان / ۲۷۵، بوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

<sup>۲۸۸</sup> (۸) - بوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

<sup>۲۸۹</sup> (۹) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

از آثار او دیوانی است در دو جلد شامل بیست هزار بیت - که تنها دو هزار بیت آن باقی مانده است -<sup>۲۹۱</sup> گفته شده علاوه بر دیوان شعر دو جلد کتاب دارد که نام آنها مشخص نیست.<sup>۲۹۲</sup>

ایشان کتابخانه بزرگی داشت که سه هزار نسخه کتاب از جمله تعدادی دیوان خطی در آن بوده و در حادثه سیل سال ۱۳۲۷ ه. ش از بین رفت.<sup>۲۹۳</sup>

از اوست:

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۷۵.

(۲) - پوراندخت ساعدی: «ساعد نیری»، وحید، شماره ۴۷، سال ۴، ص ۱۰۱۶.

(۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۷۳.

(۴) - علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۳۴۰.

(۵) - پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

(۷) - همان / ۲۷۵، پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

(۸) - پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

(۹) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

(۱۰) - پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

(۱۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

(۱۲) - پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

---

<sup>۲۹۰</sup> (۱۰) - پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

<sup>۲۹۱</sup> (۱۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

<sup>۲۹۲</sup> (۱۲) - پوراندخت ساعدی: پیشین / ۱۰۱۶.

<sup>۲۹۳</sup> (۱۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۲۷۵.

با هزاران حسرت آخر بستم از کوی تو بار / اشکم اندر چشم و خونم در دل و دل بی‌قرار

محمد جواد هوشیار

(۴۹) سالک سبزواری - محمد حسن (۱۲۶۵ - بعد از ۱۳۶۰ ه. ق)

شیخ محمد حسن بیهقی معروف به سالک سبزواری و به قولی سالک بیهقی، شاعر. در حدود سال ۱۲۶۵ ه. ق / ۱۲۲۸ ه. ش در سبزواری متولد شد در جوانی به مشهد آمد و تا آخر عمر در همین شهر ماند هرچند برخی منابع فوت سالک را در سال ۱۳۴۷ ه. ق ذکر کرده‌اند.<sup>۲۹۴</sup> اما با توجه به ماده تاریخی که سالک در سال ۱۳۲۰ ه. ش / ۱۳۶۰ ه. ق برای فوت شیخ عباس تربتی سروده است.<sup>۲۹۵</sup> به احتمال زیاد وی تا این سال زنده بوده است.

اشعار او نزدیک به بیست هزار بیت و بیشتر در قالب رباعی بوده است.

اشعارش در جایی گردآوری نشده و قسمت زیادی به صورت پراکنده نزد اهل ذوق مانده است.<sup>۲۹۶</sup> فقط بخشی از اشعار سالک را امین الشریعه گردآوری و در ملحقات کتاب اخلاق امینی آورده است.

قسمتی دیگر اشعار او در تاریخ بنای حجره‌های متعدد و مقبره‌های خانوادگی بر رواق‌های صحن آستان قدس رضوی در مشهد بازتاب یافته است.<sup>۲۹۷</sup>

سالک در دو نوع شعر استاد بود، یکی ماده تاریخ چنانکه به سال ۱۲۸۹ ه. ق قطعه‌ای در مرثیه و ماده تاریخ فوت حاج ملاهادی سبزواری سروده است:

هادی دین اصل حکمت حاوی فقه و اصول / تا روان شد طایر روحش سوی خلد برین

بیهقی پای نیاز آورد و بیرون زد رقم / گنج حکمت آمده در سبزواری اینک دفین

<sup>۲۹۴</sup> (۱) - سید حسن امین: «سالک سبزواری»، وحید، شماره ۲۵۰ - ۲۵۱، سال ۱۳۵۷ / ۴۹ - ۵۰، علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۷۸ - ۲۷۹.

<sup>۲۹۵</sup> (۲) - محمد باقر ساعدی: ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۶۹.

<sup>۲۹۶</sup> (۳) - سید حسن امین: پیشین / ۴۹.

<sup>۲۹۷</sup> (۴) - دایرة المعارف تشیع ۹ / ۲۵ - ۲۶.

(۱) - سید حسن امین: «سالک سبزواری»، وحید، شماره ۲۵۰ - ۲۵۱، سال ۱۳۵۷ / ۴۹ - ۵۰، علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۲۷۸ - ۲۷۹.

(۲) - محمد باقر ساعدی: ضمیمه تاریخ علمای خراسان / ۲۶۹.

(۳) - سید حسن امین: پیشین / ۴۹.

(۴) - دایرة المعارف تشیع ۹ / ۲۵ - ۲۶.

ص: ۸۱

۱۳۳۲ ه. ق هنگامی که نیر الدوله برای لوله‌کشی آب مسجد گوهرشاد بر مردم مشهد مالیات بست گفت:

شهرزاده کجا رواست کز دست یتیم نان‌گیری و آب بهر مسجد آری<sup>۲۹۸</sup>

این درحالی است که وقایع‌نگاران خراسان نوشته‌اند. نیر الدوله ساختمان منبع و لوله‌کشی را با سرمایه شخصی‌اش راه انداخته.<sup>۲۹۹</sup> اشعار سالک از جهت ارائه‌نمای روشنی از زندگی و طرز فکر مردم در صد سال اخیر از اهمیت برخوردار است.<sup>۳۰۰</sup> او قصیده‌ای مفصل برای ضبط تاریخ به توپ بستن حرم مطهر در سال ۱۳۳۰ ه. ق به دست روس‌ها سروده است.<sup>۳۰۱</sup>

محمد جواد هوشیار

(۵۰) سایر مشهدی (قرن ۱۰ ه. ق)

سایر مشهدی از شعرای معاصر شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷ - ۹۳۰ ه. ق) بود که از اصفهان به مشهد آمد. در همین شهر درگذشت و به خاک سپرده شد.<sup>۳۰۲</sup>

<sup>۲۹۸</sup> (۱) - سید حسن امین: پیشین / ۴۹ - ۵۰.

<sup>۲۹۹</sup> (۲) - همان / ۵۰.

<sup>۳۰۰</sup> (۳) - دایرة المعارف تشیع ۹ / ۲۵.

<sup>۳۰۱</sup> (۴) - همان.

<sup>۳۰۲</sup> (۵) - محمد علی مصباحی نایینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۱۶.

از اشعار اوست:

پرتو عشق چراغی است که در بزم وجود

به نسیم مژه بر هم زدنی خاموش است<sup>۳۰۳</sup>.

محمد جواد هوشیار

سرایي - سيد مصطفى - جلد اول

(۵۱) سرخوش هراتي (- ۱۲۸۰ ه. ق.)

سرخوش هراتي از شعرای باذوق مشهد. وی در اصل از هرات بود که به مشهد آمد و رحل اقامت افکند و در عصر خود رئیس و مقدم شاعران

---

(۱) - سيد حسن امين: پيشين / ۴۹ - ۵۰.

(۲) - همان / ۵۰.

(۳) - دایرة المعارف تشيع ۹ / ۲۵.

(۴) - همان.

(۵) - محمد علی مصباحی نایینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۱۶.

(۶) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۲۰.

ص: ۸۲

خراسان به شمار می‌رفت. اشعار فراوانی گفت که همگی خوب و از سر ذوق است. ترکیب‌بند زیر در مدح محمد شاه قاجار و آصف الدوله و فتح کلات از اوست:

ناگه ز در درآمده آن ماه شوخ‌وشنگ

از شاه چین گرفت هزیمت چون شاه‌زنگ

---

<sup>۳۰۳</sup> (۶) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۲۰.



در دست جام باده و در چنگ نای و چنگ	در سر هوای عشرت و بر لب نوای عیش
برجست و گفت و نیست چو صبرت مرا درنگ	بنشست و گفت نیست چو عمرت مرا شتاب
ای روشن از فروغ رخت بخت تیره‌رنگ	گفتم هنوز نامده رفتی سبب چه بود
بی‌هیچ‌گونه زحمت و آزیر و آدرنگ	گفتا رسید مزده که از فضل کردگار
افکند در عجب همه کاینات را	بگرفت بخت شاه مظفر کلات را

فوتش در سال ۱۲۸۰ قمری در مشهد واقع شد.<sup>۳۰۴</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۵۲) سمنانی - محمد (- ۱۳۲۱ ه. ش)

علی محمد سمنانی متخلص به «خرم» شاعر و عارف و داروساز. وی در سمنان متولد شد در جوانی به فراگیری ادبیات زبان فارسی و صرف و نحو عربی پرداخت و بعد از کسب تحصیلات مقدماتی به مطالعه طب قدیم در رشته داروسازی روی آورد. بعد از اخذ گواهینامه داروسازی در سال

(۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقه الشعرا / ۱ - ۷۵۵ - ۷۵۶.

ص: ۸۳

۱۲۹۷ ه. ش، داروخانه‌ای در دامغان افتتاح کرد.<sup>۳۰۵</sup>

وی از پیروان طریقه نعمت‌اللهی گنابادی بود و با فانی سمنانی (متوفی ۱۳۲۱ ه. ش) معاشرت داشت.<sup>۳۰۶</sup> و در اواخر عمر به مشهد سفر نمود و در سال ۱۳۲۱ ه. ش در این شهر درگذشت.<sup>۳۰۷</sup>

او دیوان شعری دارد که هنوز به چاپ نرسیده است. این اشعار از اوست:

<sup>۳۰۴</sup> (۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقه الشعرا / ۱ - ۷۵۵ - ۷۵۶.

<sup>۳۰۵</sup> (۱) - نصرت‌الله نوحیان: تذکره شعرای سمنان / ۵۲ - ۵۳؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۱۸۸.

<sup>۳۰۶</sup> (۲) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۱۸۸.

<sup>۳۰۷</sup> (۳) - نصرت‌الله نوحیان: پیشین / ۵۲ - ۵۳.

دل که دلدارش ببرد از دست باز آید؟ نیاید

صید از این خوشتر نشان تیر ناز آید؟ نیاید

شیوه فرهاد کشتن عادت خسرو پرستی

غیر از آن لعل لب شیرین طراز آید؟ نیاید

با وجود عارضش گل جلوهای دارد؟ ندارد

سرو پیش قامت او سرفراز آید؟ نیاید<sup>۳۰۸</sup>

محمد جواد هوشیار

(۵۳) سیرجانی - یوسف علی (- ۱۲۸۱ ه. ق)

درویش یوسفعلی سیرجانی کرمانی از عرفای عهد ناصر الدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ه. ق) ملقب به «مظهر علی». وی جد بزرگ خاندان شهابی و رسولی سیرجان و از پیروان رحمت علیشاه (متوفی ۱۲۷۸ ه. ق) در «زیدآباد» سیرجان متولد شد.<sup>۳۰۹</sup> حاجی درویش فردی نیکو خصلت و درعین حال دنیا گرا بود.<sup>۳۱۰</sup> شیخ محمد حسن معروف به پیغمبر دزدان و اسماعیل خان وکیل الملک نوری مازندرانی حاکم کرمان متوفی ۱۲۸۴ ه. ق از معاصران او می باشند.<sup>۳۱۱</sup>

حاجی درویش در سال ۱۲۸۱ ه. ق در سیرجان درگذشت جسدش را به مشهد حمل و در همین شهر به خاک

(۱) - نصرت الله نوحیان: تذکره شعرای سمنان / ۵۲-۵۳؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۱۸۸.

(۲) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۱۸۸.

(۳) - نصرت الله نوحیان: پیشین / ۵۲-۵۳.

(۴) - همان / ۵۲-۵۳.

(۵) - محمد ابراهیم باستانی پاریزی: پیغمبر دزدان / ۱۷۳.

(۶) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۴۱۲.

(۷) - همان ۳ / ۴۱۲، محمد ابراهیم باستانی پاریزی: پیشین / ۱۷۳.

<sup>۳۰۸</sup> (۴) - همان / ۵۲-۵۳.

<sup>۳۰۹</sup> (۵) - محمد ابراهیم باستانی پاریزی: پیغمبر دزدان / ۱۷۳.

<sup>۳۱۰</sup> (۶) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۴۱۲.

<sup>۳۱۱</sup> (۷) - همان ۳ / ۴۱۲، محمد ابراهیم باستانی پاریزی: پیشین / ۱۷۳.

سپردند. وی دارای شش پسر بود: اکبر حاجی محمد ابراهیم معروف به درویش منور، آقا نجفعلی (۱۳۰۴ ه. ق)، ابو الحسن خطاط (۱۲۸۸ ه. ق)، آقا نصر الله، محمد هادی (۱۳۱۲ ه. ق)، آقا موسی. نواده حاجی درویش محمد حسن سیرجانی (۱۳۴۰ ه. ق) فرزند آقا نجفعلی از شخصیت‌های علمی و فرهنگی است که صاحب طرائق الحقایق او را دیده و درباره‌اش می‌گوید: «... جامع کمالات شرقی و غربی است ... در تعلیم زبان فرانسوی اولین معلم ایرانی است.»<sup>۳۱۲</sup> شیخ محمد حسن نقش مهمی در تاریخ ایران داشته است. قلعه معروف به حاجی درویش در زیدآباد منسوب به سیرجانی است.<sup>۳۱۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۱۲.

(۲) - محمد ابراهیم باستانی پاریزی: پیشین / ۱۷۳.

ش

(۵۴) شاملو - احمد - (۱۲۶۴ ه. ق)

میرزا احمد شاملو فرزند محمد حسین خوشنویس و متخصص در خط نسخ.<sup>۳۱۴</sup> وی از کاتبان محمد علی میرزا فرزند فتح علیشاه قاجار و نیز استاد وی در خوشنویسی بود.<sup>۳۱۵</sup>

از شاملو مخطوطات پرارزشی برجای مانده است، از جمله آثار وی می‌توان به نسخه‌ای از صحیفه سجادیه به خط نستعلیق در مجموعه مهدی بیانی، یک نسخه از رساله «ذخیره الآخرة» به تاریخ ۱۲۱۷ ه. ق در کتابخانه کاخ گلستان، مرقعی بزرگ که همه اقلام خطوط از جمله کوفی در آن نوشته شده است، در یک مجموعه خصوصی به تاریخ ۱۲۲۲ ه. ق، یک قطعه نسخ مذهب به تاریخ ۱۳۱۸ ه. ق، یک قطعه کتابت نسخ خوش به تاریخ ۱۲۲۲ ه. ق موجود در مرقد آستان قدس، یک قطعه از مرقع رقاع در کتابخانه ملک، قرآن جانمازی با دو صفحه اول و آخر مذهب و به خط نسخ عالی به تاریخ ۱۲۲۷ ه. ق موجود در کتابخانه کاخ گلستان، یک قطعه به قلم شکسته به تاریخ جمادی الثانی ۱۲۲۰ ه. ق در مجموعه امیر الکتاب تهران،

<sup>۳۱۲</sup> (۱) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۱۲.

<sup>۳۱۳</sup> (۲) - محمد ابراهیم باستانی پاریزی: پیشین / ۱۷۳.

<sup>۳۱۴</sup> (۱) - علی راهجیری: تذکره خوشنویسان معاصر ۱ / ۵۱؛ عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۶۰؛ محمد تقی سپهر: ناسخ التواریخ ۳ / ۹۹۸.

<sup>۳۱۵</sup> (۲) - علی راهجیری: پیشین ۱ / ۵۱؛ عباس سرمدی: پیشین / ۶۰.

(۱) - علی راهجیری: تذکره خوشنویسان معاصر ۱ / ۵۱؛ عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۶۰؛ محمد تقی سپهر: ناسخ التواریخ ۳ / ۹۹۸.

(۲) - علی راهجیری: پیشین ۱ / ۵۱، عباس سرمدی: پیشین / ۶۰.

ص: ۸۶

چهار قطعه به قلم‌های مختلف کتابت به خط نستعلیق به تاریخ‌های ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۴۵ و ۱۲۴۹ ه. ق در مجموعه بیانی، یک نسخه دعای ابو حمزه ثمالی که متن آن به خط نسخ و ترجمه نستعلیق و حواشی شکسته به تاریخ محرم ۱۲۳۲ ه. ق که در حال بیماری نوشته و در کتابخانه کاخ موزه گلستان است، یک مرقع شامل سی قطعه به اقلام مختلف از جمله شکسته کتابت خفی غبار به تاریخ ۱۲۳۲ ه. ق در مجموعه سرهنگ طیفوری تهران، دو قطعه یکی به نسخ چلیپا و دیگری به خط رقاع به تاریخ ۱۲۲۲ ه. ق در موزه هنرهای تزیینی.<sup>۳۱۶</sup>

مرگ شاملو در مشهد به سال ۱۲۶۴ ه. ق مصادف با اولین سال سلطنت ناصر الدین شاه قاجار رخ داد. کلمه «قد مات بعده الخط» تاریخ وفات اوست.<sup>۳۱۷</sup>

رسول سعیدی زاده

(۵۵) شاملو - حسن (- ۱۰۵۰ ه. ق)

حسن خان فرزند حسین خان عبدلوی شاملو، دولتمرد، شاعر و خوشنویس.

پدرش در عهد شاه عباس (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ه. ق) حاکم خراسان بود.<sup>۳۱۸</sup> بعد از درگذشت پدرش یعنی سال ۱۰۲۷ ه. ق والی هرات و بیگلربیگی خراسان شد.

حسن خان به شیوه میرعماد می‌نوشت.<sup>۳۱۹</sup>

و در نستعلیق شهرت داشت.<sup>۳۲۰</sup> او شعر می‌گفت و به نام خود تخلص می‌کرد:

<sup>۳۱۶</sup> (۱) - عباس سرمدی: پیشین / ۵۹ - ۶۰.

<sup>۳۱۷</sup> (۲) - محمد تقی سپهر: پیشین ۳ / ۹۹۸؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر والآثار / ۲۰۲.

<sup>۳۱۸</sup> (۳) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم آرای عباسی / ۹۴۲؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۵ / ۱۱۱۲.

<sup>۳۱۹</sup> (۴) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان / ۱۸۰.

<sup>۳۲۰</sup> (۵) - لطفعلی بیگ آذربئیگدلی: آتشکده آذر / ۱۳؛ محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۱۹۰.

(۱) - عباس سرمدی: پیشین / ۵۹ - ۶۰.

(۲) - محمد تقی سپهر: پیشین ۳ / ۹۹۸؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۲۰۲.

(۳) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم آرای عباسی / ۹۴۲؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۵ / ۱۱۱۲.

(۴) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان / ۱۸۰.

(۵) - لطفعلی بیگ آذربئیگدلی: آتشکده آذر / ۱۳؛ محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۱۹۰.

ص: ۸۷

بیرون نرود یک قدم از راه رضا	دارد چو حسن سری به درگاه رضا
بگذار بر آستانه شاه رضا	خواهی که سرت به عرش توفیق رسد
نمی توان ز تماشای روی یار گذشت	توان ز سیر گل و گشت لاله زار گذشت
ز شیشه تا به قدح ریختم بهار گذشت <sup>۳۲۱</sup>	بروی لاله و گل خواستم که می نوشم

با شعرای عصر خود چون اوجی نظنزی، فصیحی هروی، مشرقی مشهدی همدم بود.<sup>۳۲۲</sup>

حسن خان در سال ۱۰۵۰ ه. ق در هرات درگذشت.<sup>۳۲۳</sup> پیکرش را در دار السیاده حرم مطهر در کنار پدرش به خاک سپردند.<sup>۳۲۴</sup>

فرزندش عباس قلی خان بعد از وی والی خراسان گردید.<sup>۳۲۵</sup> پسران دیگرش حسین قلی خان، مرتضی قلی خان، علی قلی خان بودند.<sup>۳۲۶</sup>

<sup>۳۲۱</sup> (۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۱ - ۲۲.

<sup>۳۲۲</sup> (۲) - همان / ۲۰؛ محمد قدرت الله گویاموی:

پیشین / ۱۹۰؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۲۰۳.

<sup>۳۲۳</sup> (۳) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۱۳.

<sup>۳۲۴</sup> (۴) - همان / ۱۳؛ محمد قدرت الله گویاموی:

پیشین / ۱۹۰؛ دایرة المعارف تشیع / ۶ / ۳۱۰.

از آثار او دیوان شعری است شامل سه هزار بیت و در قالب غزل.<sup>۳۲۷</sup> نسخه‌ای از این دیوان در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود.<sup>۳۲۸</sup> حسن خان گذشته از دیوان شعر مجموعه‌ای از «منشآت» نیز دارد که در ۱۹۷۱ میلادی به کوشش دکتر ریاض الاسلام در کراچی چاپ عکسی شده است.<sup>۳۲۹</sup>

از جمله خدمات وی تأسیس کتابخانه‌ای بود که گروهی از خوشنویسان و هنرمندان به کتابت و تذهیب و تجلید و تصویر در آن اشتغال

---

(۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۱ - ۲۲.

(۲) - همان / ۲۰؛ محمد قدرت الله گویاموی:

پیشین / ۱۹۰؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۲۰۳.

(۳) - لطفعلی بیک آذر بیگدلی: پیشین / ۱۳.

(۴) - همان / ۱۳؛ محمد قدرت الله گویاموی:

پیشین / ۱۹۰؛ دایرة المعارف تشیع / ۶ / ۳۱۰.

(۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲.

(۶) - همان / ۲۲ - ۲۴؛ محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران / ۳ / ۱۱۴۴.

(۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۰؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۲۰۳.

(۸) - ذبیح الله صفا: پیشین / ۵ / ۱۱۱۳.

(۹) - دایرة المعارف تشیع / ۶ / ۳۱۰؛ دانشنامه ادب فارسی / ۳ / ۳۳۳.

ص: ۸۸

---

<sup>۳۲۵</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲.

<sup>۳۲۶</sup> (۶) - همان / ۲۲ - ۲۴؛ محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران / ۳ / ۱۱۴۴.

<sup>۳۲۷</sup> (۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۰؛ محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۲۰۳.

<sup>۳۲۸</sup> (۸) - ذبیح الله صفا: پیشین / ۵ / ۱۱۱۳.

<sup>۳۲۹</sup> (۹) - دایرة المعارف تشیع / ۶ / ۳۱۰؛ دانشنامه ادب فارسی / ۳ / ۳۳۳.

داشتند.<sup>۳۳۰</sup>

محمد جواد هوشیار

(۵۶) شاملو - سلطان علی بیگ (- ۱۰۶۴ ه. ق)

سلطان علی بیگ شاعر و از نوادگان علی قلی خان شاملو (متوفی ۹۹۷ ه. ق)<sup>۳۳۱</sup> و متصدی مقام دیوان‌بیگی (دیوان قضایی) و ایشیک آقاسی‌باشی (رئیس تشریفات دربار).<sup>۳۳۲</sup> و مهرداد (مهر شرف نفاذ) شاه صفوی.<sup>۳۳۳</sup>

او مهر کردن قسمتی از نامه‌ها و فرمان‌های شاهی را برعهده داشت.<sup>۳۳۴</sup> و همچنین یکی از هشت یا نه تن «یساولان صحبت» شاه بود.<sup>۳۳۵</sup> که در مجالس خصوصی به جای ایشیک آقاسی‌باشی به شاه خدمت می‌کردند.<sup>۳۳۶</sup>

سلطان علی‌بیگ شاعری مننوی گوی، خیال‌پرداز و در انواع شعر تبحر داشت.<sup>۳۳۷</sup> سال ۱۰۶۴ ه. ق و در دوران جوانی درگذشت و در جوار امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.<sup>۳۳۸</sup>

دیوان شعر او بالغ بر پنج هزار بیت است و همچنین مننوی در بحر «تحفة العراقین خاقانی» متوفی ۵۸۲ ه. ق موسوم به «تحفة الصباحین» - که نزدیک به سه هزار بیت است - دارد.<sup>۳۳۹</sup>

---

(۱) - دایرة المعارف تشیع ۶ / ۳۱۰.

(۲) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۹۵.

---

<sup>۳۳۰</sup> (۱) - دایرة المعارف تشیع ۶ / ۳۱۰.

<sup>۳۳۱</sup> (۲) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۹۵.

<sup>۳۳۲</sup> (۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۷؛ اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم آرای عباسی ۲ / ۱۳۶۸.

<sup>۳۳۳</sup> (۴) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۷.

<sup>۳۳۴</sup> (۵) - نصرالله فلسفی: زندگی شاه عباس اول / ۸۲۱؛ مهردادان شاه سه تن بودند: یکی مهرداد مهر همایون، دیگری مهرداد مهر شرف نفاذ سومی مهرداد قشون که اولی و دومی مهر کردن قسمتی از نامه‌ها و فرمان‌های شاهی را بر عهده داشتند و سومی فقط احکام مربوط به سرداران و سپاهیان و وسایل جنگی را مهر می‌کرد.

<sup>۳۳۵</sup> (۶) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۷.

<sup>۳۳۶</sup> (۷) - نصرالله فلسفی: پیشین / ۸۲۱.

<sup>۳۳۷</sup> (۸) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۹۶؛ محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۷.

<sup>۳۳۸</sup> (۹) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۹۶.

<sup>۳۳۹</sup> (۱۰) - همان، محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۸؛ آقازرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۳۹۵.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۷؛ اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم آرای عباسی ۲ / ۱۳۶۸.

(۴) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۷.

(۵) - نصرالله فلسفی: زندگی شاه عباس اول / ۸۲۱؛ مهردادان شاه سه تن بودند: یکی مهرداد مهر همایون، دیگری مهرداد مهر شرف نفاذ سومی مهرداد قشون که اولی و دومی مهر کردن قسمتی از نامه‌ها و فرمان‌های شاهی را بر عهده داشتند و سومی فقط احکام مربوط به سرداران و سپاهیان و وسایل جنگی را مهر می‌کرد.

(۶) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۷.

(۷) - نصرالله فلسفی: پیشین / ۸۲۱.

(۸) - ولی‌قلی شاملو: پیشین ۲ / ۹۶؛ محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۷.

(۹) - ولی‌قلی شاملو: پیشین ۲ / ۹۶.

(۱۰) - همان، محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۸؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۳۹۵.

ص: ۸۹

از اشعار اوست:

از لب شیرین او شور دگر دارد بهار	از نگاهش فتنه‌ها در زیر سر دارد بهار
بیشتر از بیشتر از پیشتر دارد بهار	شوق کویش، عزم رویش، آرزوی دیدنش
چشم تر، مژگان تر، دامن تر دارد بهار <sup>۳۴۰</sup>	از رگ ابر از هجوم ابر از طوفان ابر

محمد جواد هوشیار

(۵۷) شانی تکلو- وجیه الدین (ح ۹۵۰-۱۰۲۳ ه. ق)

وجیه الدین نسف تکلو شاعر دربار صفوی و متخلص به «شانی»<sup>۳۴۱</sup> وی در نیمه دوم سده دهم هجری در تهران<sup>۳۴۲</sup> و به قولی در هرات<sup>۳۴۳</sup> متولد شد. شانی از شاعران دربار شاه عباس صفوی بود<sup>۳۴۴</sup> و به اصفهان، همدان، تهران و ری سفر نمود اما بیشتر عمرش را در اصفهان گذراند.<sup>۳۴۵</sup>

<sup>۳۴۰</sup> (۱) - ولی‌قلی شاملو: پیشین ۲ / ۹۶.



او در قزوین سال ۱۰۰۰ ه. ق این قصیده را در منقبت امام علی (ع) سرود:<sup>۳۴۶</sup>

اگر دشمن کشد ساغر و گر دوست  
به طاق ابروی مستانه‌ی اوست

شاه عباس دستور داد ترازو آوردند و او را در یک کفه ترازو گذاشتند و در کفه دیگر، آن قدر زر ریختند تا با او برابر شد و آنها را به او بخشید.<sup>۳۴۷</sup>

شانی در پایان عمر از اصفهان به مشهد آمد و مجاور شد. سالی بیست تومان از دربار صفوی وظیفه دریافت می‌کرد.<sup>۳۴۸</sup> او در سال ۹۹۷ ه. ق که ازبک‌ها به مشهد حمله کردند، زنده

---

(۱) - ولی قلی شاملو: پیشین ۹۶ / ۲.

(۲) - ملا قاطعی هروی: تذکره مجمع الشعراى جهانگیر شاهی / ۲۱۳ - ۲۱۴.

(۳) - ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۲ / ۹۴۳ - ۹۴۴.

(۴) - ملا قاطعی هروی: پیشین / ۴۵.

(۵) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم آرای عباسی ۲ / ۸۱۸ - ۸۱۹؛ مولوی احمد علی احمد: تذکره هفت آسمان / ۱۳۲.

(۶) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۹۴۴.

(۷) - صادقی کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۱۱۳؛ اسکندر بیگ منشی: پیشین ۲ / ۸۱۸ - ۸۱۹؛ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۶۶.

(۸) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۲ / ۸۱۸، محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۹.

---

<sup>۳۴۱</sup> (۲) - ملا قاطعی هروی: تذکره مجمع الشعراى جهانگیر شاهی / ۲۱۳ - ۲۱۴.

<sup>۳۴۲</sup> (۳) - ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۲ / ۹۴۳ - ۹۴۴.

<sup>۳۴۳</sup> (۴) - ملا قاطعی هروی: پیشین / ۴۵.

<sup>۳۴۴</sup> (۵) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم آرای عباسی ۲ / ۸۱۸ - ۸۱۹؛ مولوی احمد علی احمد: تذکره هفت آسمان / ۱۳۲.

<sup>۳۴۵</sup> (۶) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۹۴۴.

<sup>۳۴۶</sup> (۷) - صادقی کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۱۱۳؛ اسکندر بیگ منشی: پیشین ۲ / ۸۱۸ - ۸۱۹؛ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۶۶.

<sup>۳۴۷</sup> (۸) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۲ / ۸۱۸، محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۹.

<sup>۳۴۸</sup> (۹) - آزاد بلگرامی: تذکره سرو آزاد / ۲۸ - ۲۹.

(۹) - آزاد بلگرامی: تذکره سرو آزاد / ۲۸ - ۲۹.

ص: ۹۰

بوده و این واقعه را از نزدیک دیده و قصیده‌ای با مطلع زیر در وصف آن واقعه سروده است:

هنوز اگر بفشارند خاک مشهد را      سفینه از شط خون تا به کربلا برود<sup>۳۴۹</sup>

شانی در سال ۱۰۲۳ ه. ق در مشهد درگذشت.<sup>۳۵۰</sup>

او دیوانی<sup>۳۵۱</sup> دارد مشتمل بر نه هزار بیت که بیشتر اشعار آن در ستایش پیشوایان شیعه و مدح شاه عباس و بعضی از بزرگان دربار اوست. نسخه‌ای از این دیوان در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.<sup>۳۵۲</sup> فرزندش حسن بیگ معروف به ملا حسن ثانی (متوفی ۱۰۶۷ ه. ق) نیز شاعر بود.<sup>۳۵۳</sup>

محمد جواد هوشیار

شریفی شیرازی - مرتضی - جلد اول

(۵۸) شعوری نیشابوری (- ۹۹۷ ه. ق)

شعوری نیشابوری خوشنویس و شاعر قرن دهم هجری. او بیشتر عمرش را در مشهد گذراند<sup>۳۵۴</sup> و در این شهر مورد توجه ابراهیم میرزا صفوی (۹۸۳ ه. ق) قرار گرفت. خط نستعلیق را خوش می‌نوشت.<sup>۳۵۵</sup> و شعر نیکو می‌سرود. اغلب اشعارش در قالب غزل است.<sup>۳۵۶</sup>

شعوری در سال ۹۹۷ ه. ق در مشهد به دست سپاهیان ازبک کشته شد.<sup>۳۵۷</sup>

---

<sup>۳۴۹</sup> (۱) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۲ / ۶۶۳ - ۶۶۴.

<sup>۳۵۰</sup> (۲) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۳۷۰ - ۳۷۱.

<sup>۳۵۱</sup> (۳) - صادقی کتابدار: پیشین / ۱۱۲ - ۱۱۳.

<sup>۳۵۲</sup> (۴) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۹۴۵.

<sup>۳۵۳</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۹۵؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۲۵۶ - ۲۵۷.

<sup>۳۵۴</sup> (۶) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۵۲۷.

<sup>۳۵۵</sup> (۷) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۱۱؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۳۰۹.

<sup>۳۵۶</sup> (۸) - سعید نفیسی: پیشین ۱ / ۵۲۷.

<sup>۳۵۷</sup> (۹) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۱۱؛ صادقی کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۲۶۹؛ دایرة المعارف تشیع ۹ / ۵۹۶.

- 
- (۱) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۲ / ۶۶۳ - ۶۶۴.
- (۲) - محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار / ۳۷۰ - ۳۷۱.
- (۳) - صادقی کتابدار: پیشین / ۱۱۲ - ۱۱۳.
- (۴) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۹۴۵.
- (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۹۵؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۲۵۶ - ۲۵۷.
- (۶) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۵۲۷.
- (۷) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۱۱؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۳۰۹.
- (۸) - سعید نفیسی: پیشین ۱ / ۵۲۷.
- (۹) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۱۱؛ صادقی کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۲۶۹؛ دایرة المعارف تشیع ۹ / ۵۹۶.

ص: ۹۱

مشهدی - که در قرن یازدهم هجری قمری می زیسته‌اند - یکی دانسته‌اند.<sup>۳۵۸</sup>

این شعر از اوست:

به یک کرشمه کزان چشم نیم باز کنی      هزار همچو مرا نیم کشت نازکنی<sup>۳۵۹</sup>

(۵۹) شفایی - ابو الحسن (- ۱۳۰۳ ه. ق.)

---

<sup>۳۵۸</sup> (۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۲۳؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۵۲۹.

<sup>۳۵۹</sup> (۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۴۲۴؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب ۱ / ۵۶.

حاج سید ابو الحسن متخلص به شفایی از سادات خراسان بود. او در سال ۱۲۸۸ ه. ق که هنوز در قید حیات بود، لوح مزارش را تهیه کرد و نسب خویش را تا حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام بر آن نگاشت. در رمضان سال ۱۳۰۳ ه. ق درگذشت و در حجره سمت چپ مقبره جودی شاعر معروف اهل بیت: واقع در صحن جدید حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام مدفون گردید و ابیات ایشان بر آزاره صفه به شرح زیر نگارش یافته است:

بحمد الله که بر این سرفراز از جان گذر کردم	بنام ایزد عجب عمری به کام دل به سر کردم
غبار آستانش را به جاروب مژه رفتم	پس از بهر ضیاء دیدگان کحل بصر کردم
ندادم تن به هجران تا سپردم جان به جانانه	ز کوی او نرفتم تا به سوی او سفر کردم
ز شام پیرهن صد شکر در صبح کفن خفتم	تعالی الله شب هجران به وصل آخر سحر کردم
گشودم تا به رویش چشم، چشم از عالمی بستم	جمالش دیده تا دید از جهان قطع نظر کردم
فدای یار باقی شد مر آن جان و تن فانی	به عین مدعا دیدم ره و ترک اثر کردم
شفایی تا بدین در خفته‌ام چون کلبه‌م باسط	به عالم خویشتن را در وفاداری سمر کردم <sup>۳۶۰</sup>

ابراهیم زنگنه

شفئی - میرزا محمد باقر - جلد اول

---

(۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۲۳؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۵۲۹.

(۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۴۲۴؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب ۱ / ۵۶.

(۳) - محمد علی خان سدید السلطنه: سفرنامه / ۲۳۸ - ۲۳۹.

ص: ۹۲

(۶۰) شهاب فردوسی - هدایت الله (- ۱۳۴۷ ه. ش)

---

<sup>۳۶۰</sup> (۳) - محمد علی خان سدید السلطنه: سفرنامه / ۲۳۸ - ۲۳۹.

سید هدایت الله متخلص به «شهاب» فرزند سید عبد الکریم نوه حاج میرزا محمود فردوسی فقیه، شاعر و سر سلسله‌ی یکی از خاندان‌های خراسان.<sup>۳۶۱</sup> وی از مردم فردوس بود و نسبش به حمزه بن موسی الکاظم علیه السلام می‌رسد. اجداد وی در آغاز ورود به ایران، مدتی را در ری و سپس در مشهد و عاقبت در آفریز قاین گذرانیدند.<sup>۳۶۲</sup>

شهاب در آغاز جوانی پس از تحصیل مقدمات صرف و نحو به حوزه درس ادیب نیشابوری راه یافت.<sup>۳۶۳</sup> وی در ضمن تحصیل به سرودن شعر روی آورد و به سبک خراسانی قصایدی ساخت و چون بیانی شیوا و رسا داشت اغلب مداحان و مبلغان از اشعار وی در منابر و محافل بهره می‌جستند.<sup>۳۶۴</sup>

همان‌طور که خودش در کتاب حیرت می‌نویسد و از اسم کتابش نیز بر می‌آید، وی مدتی حیران و سرگردان بوده و دنبال چیزی می‌گشته است و سرانجام در کرمان به صحبت شاعر و عارفی به نام «میرزا فتح الله» متخلص به فؤاد رسیده از سرگشتگی عمیق نجات یافت. در همین دوره بود که در کرمان دستگیر و محبوس شد ولی به کمک دوستانش آزاد و به خراسان تبعید گردید.<sup>۳۶۵</sup>

---

(۱) - سید هدایت الله شهاب فردوسی: پایان حیرت / ۴؛ علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۳۶.

(۲) - سید هدایت الله شهاب فردوسی: پیشین / ۵.

(۳) - همان / ۶.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۳۶.

(۵) - سید هدایت الله شهاب: پیشین / ۱۲۳ به

ص: ۹۳

شهاب در سال ۱۲۰۶ ه. ش به مساعدت امیر تیمور کلالی نماینده فردوس در مجلس شورای ملی وارد خدمت فرهنگ شد و در سال ۱۳۱۲ ه. ش به مساعدت علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ به سمت دبیری ادبیات به کرمان رفت و مدتی در آنجا به

---

<sup>۳۶۱</sup> (۱) - سید هدایت الله شهاب فردوسی: پایان حیرت / ۴؛ علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۳۶.

<sup>۳۶۲</sup> (۲) - سید هدایت الله شهاب فردوسی: پیشین / ۵.

<sup>۳۶۳</sup> (۳) - همان / ۶.

<sup>۳۶۴</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۳۶.

<sup>۳۶۵</sup> (۵) - سید هدایت الله شهاب: پیشین / ۱۲۳ به بعد.

معلمی پرداخت.<sup>۳۶۶</sup> حضور وی در کرمان موجب شد گروهی علیه وی به مخالفت برخیزند. تیمورتاش والی آن روز کرمان از وی خواست کرمان را ترک و به تهران برود.<sup>۳۶۷</sup>

شهاب ریاست فرهنگ خراسان، رئیس دفتری ملک الشعرا بهار در وزارت فرهنگ و عضویت در لغت‌نامه دهخدا را عهده‌دار بوده است.<sup>۳۶۸</sup>

در طی سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۴۰ ه. ش از بیماری روحی و عصبی رنج می‌برد.<sup>۳۶۹</sup> او از سال ۱۳۴۱ تا اواخر سال ۱۳۴۲ ه. ش ریاست دفتر آستان قدس رضوی را همزمان با تدریس در دانشکده ادبیات مشهد برعهده داشت.<sup>۳۷۰</sup>

شهاب از فرهنگیانی بود که عمر خود را در راه خدمت به فرهنگ صرف کرد. او مقالات مفصلی تحت عنوان «بسوی خدا»، «سیری در دنیای روز»، «کارخانه آدم‌سازی کجاست» در روزنامه آزادی منتشر و چاپ نموده است.<sup>۳۷۱</sup> وفات ایشان در خردادماه سال ۱۳۴۷ ه. ش بر اثر سقوط از بام منزلی در کوهپایه مشهد اتفاق افتاد.<sup>۳۷۲</sup> شهاب در روان‌سازی الفبای فارسی ابتکاراتی بوجود آورد و مقالاتی در این زمینه به چاپ رسانید. وی همچنین طرحی برای آموزش سریع و آسان زبان فارسی داشت که آن را در ۱۳۰۸ ه. ش طی نامه‌ای به کفیل ایالتی معارف اوقاف خراسان ارائه کرد.<sup>۳۷۳</sup>

این چند بیت از اوست:

---

بعد.

(۱) - همان / ۱۳۸.

(۲) - همان / ۱۴۰.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۳۲.

(۴) - سید هدایت الله شهاب: پیشین / ۱۵۲.

---

<sup>۳۶۶</sup> (۱) - همان / ۱۳۸.

<sup>۳۶۷</sup> (۲) - همان / ۱۴۰.

<sup>۳۶۸</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۳۲.

<sup>۳۶۹</sup> (۴) - سید هدایت الله شهاب: پیشین / ۱۵۲.

<sup>۳۷۰</sup> (۵) - همان / ۱۵۳.

<sup>۳۷۱</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۳۷.

<sup>۳۷۲</sup> (۷) - همان.

<sup>۳۷۳</sup> (۸) - فرهنگ خراسان، آذر ۱۳۴۸، شماره ۱۰، سال ۷ / ۵۱-۵۶.

(۵) - همان / ۱۵۳.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۳۷.

(۷) - همان.

(۸) - فرهنگ خراسان، آذر ۱۳۴۸، شماره ۱۰، سال ۷ / ۵۱ - ۵۶.

ص: ۹۴

خواننده ناشناس کیهانم

من بنده درگاه یزدانم

از مردم خطه خراسانم

اکنون به ری در اندرم ولی در اصل

افسرده و مستمند و پژمانم

دیری است که از شداید گیتی

گه بسته افترای نادانم

گه خسته تهمت بدآموزم

علی جان سکندری

شهودی - یزدی - عبد الله - جلد اول

(۶۱) شهیدی - نظام الدین (- ۱۳۳۷ ه. ش)

نظام الدین شهیدی فرزند میرزا هاشم، فرزند میرزا محمد باقر فرزند میرزا هدایت الله مجتهد از فضلا و ادبای معاصر است و سالها خزانه دار آستان قدس رضوی بود. شرح حال دقیقی از او در دست نیست. همین قدر می دانیم که ایشان از اعضای انجمن ادبی بوده است و ۲۹ خرداد ۱۳۲۹ ه. ش و هفتم دیماه ۱۳۳۰ ه. ش نامه هایی به مرحوم سید علی محمد وزیری، مؤسس کتابخانه وزیری یزد نوشت. این نامه ها هم اکنون در دفتر یادبود کتابخانه وزیری موجود است.

از اشعار اوست:

هران راهی که بنمودی پیویم

الهی راه توفیق از تو جوئیم

نبودی را به عالم بود کردی

تو ما را از عدم موجود کردی

تواندر فهم و در ادراک نایی

خداوندا خدایی را سزایی

هرآنکس صاحب هوش است و ادراک

نبیند هیچ غیر از ایزد پاک

ص: ۹۵

چه خوش فرموده است استاد دانا

همان مرد سخنگوی توانا

همه حیران و سرگردان چو پرگار

بدید آرنده‌ی خود را طلبکار

مرحوم نظام الدین به سال ۱۳۳۷ ه. ش در مشهد دار فانی را وداع گفت.<sup>۳۷۴</sup>

غلامرضا جلالی

شیخ‌زاده - محمد جواد - جلد اول

(۶۲) شیرازی - حسین (قرن ۱۱ ه. ق)

میرزا حسین خان فرزند میرزا جانی عزتی،<sup>۳۷۵</sup> منشی دربار و شاعر سده یازدهم هجری. پدر وی میرزا جانی مدتی منشی دیوان انشاء شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ه. ق)<sup>۳۷۶</sup> و همچنین منشی الله وردی خان - حاکم فارس - بوده است.<sup>۳۷۷</sup> میرزا حسین خان نیز همانند پدرش منشی دیوان انشاء شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ه. ق) بود. مدتی در آن شغل خدمت نمود و پس از آن کارکناره گرفت و از تعلقات دنیوی دست برداشت و به شیوه صوفیان روی آورد عاقبت از اصفهان به مشهد آمد و تا آخر عمر در این شهر بود تا درگذشت.<sup>۳۷۸</sup>

او دارای دیوان شعر است. از اشعار اوست:

<sup>۳۷۴</sup> (۱) - دفتر یادبود خطی کتابخانه وزیری یزد ۱ / ۶۱.

<sup>۳۷۵</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۹۰.

<sup>۳۷۶</sup> (۳) - آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۲۹.

<sup>۳۷۷</sup> (۴) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۷۱۵.

<sup>۳۷۸</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۹۰ - ۹۱.



به خدا کار چو افتاد خداساز شود

گره قطره به دریا چو رسد باز شود<sup>۳۷۹</sup>

فرزند او میرزا محمد علی متخلص به «جامع» نیز شاعری صاحب دیوان بود.<sup>۳۸۰</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - دفتر یادبود خطی کتابخانه وزیری یزد ۱ / ۶۱.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۹۰.

(۳) - آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۲۹.

(۴) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۷۱۵.

(۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۹۰ - ۹۱.

(۶) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۲۵۲.

(۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۹۱؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۲۰۹.

ص: ۹۶

(۶۳) شیرازی - سید ابو القاسم (۱۲۰۲ - ۱۲۸۶ ه. ق.)

میرزا ابو القاسم شیرازی معروف به میرزا بابا و متخلص به «راز» فرزند میرزا عبد النبی از ناحیه پدر از سادات شیراز و اولاد میر سید شریف و از ناحیه مادر نوه آقا محمد هاشم ذهبی خطاط و منشی نادرشاه و از عرفای طریقه ذهبیه است.<sup>۳۸۱</sup>

---

<sup>۳۷۹</sup> (۶) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۲۵۲.

<sup>۳۸۰</sup> (۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۹۱؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۲۰۹.

<sup>۳۸۱</sup> (۱) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقه الشعراء ۱ / ۶۵۰.

اجدادش در شیراز از قضات و ائمه جمعه بوده‌اند.<sup>۳۸۲</sup> خود وی اهل ادب و عرفان بود، در شیراز می‌زیست و در سال ۱۲۸۶ ه. ق به مشهد آمد و در مراجعت در راه مورچه‌خورت اصفهان درگذشت. جنازه ایشان را به مشهد برگرداندند و در ایوان طلای ناصری حرم مطهر دفن شد.<sup>۳۸۳</sup> از تألیفات اوست:

تباشیر الحکمة فی الحکمة و العرفان، آیات الولاية در دو جلد، قوائم الأنوار و طوامع الأسرار، قواطع الأوهام<sup>۳۸۴</sup> در پاره‌ای از مسائل حلال و حرام.

غلامرضا جلالی

(۶۴) شیرازی - عبدالله (- زنده ۹۸۴ ه. ق)

مولانا عبد الله شیرازی نقاش، مذهب کار و از ملازمان سلطان ابراهیم میرزا صفوی (متوفی ۹۸۴ ه. ق). او از مقام و منزلت ویژه‌ای برخوردار بود.<sup>۳۸۵</sup> احتمالاً در شیراز متولد شد و به مشهد آمد و مدت بیست سال در کتابخانه ابراهیم میرزا خدمت نمود.<sup>۳۸۶</sup> سال ۹۸۲ ه. ق به همراه او به قزوین رفت و پس از کشته شدن ابراهیم میرزا مدتی در کتابخانه اسماعیل میرزا (متوفی ۹۸۵ ه. ق)

---

(۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقة الشعراء ۱ / ۶۵۰.

(۲) - همان ۱ / ۵۳۵.

(۳) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۲۱۹.

(۴) - سید محسن امین: اعیان الشیعه ۲ / ۴۱۶.

(۵) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی ۱ / ۲۷۶؛ قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۴۸.

(۶) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۴۸.

ص: ۹۷

---

<sup>۳۸۲</sup> (۲) - همان ۱ / ۵۳۵.

<sup>۳۸۳</sup> (۳) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۲۱۹.

<sup>۳۸۴</sup> (۴) - سید محسن امین: اعیان الشیعه ۲ / ۴۱۶.

<sup>۳۸۵</sup> (۵) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی ۱ / ۲۷۶؛ قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۴۸.

<sup>۳۸۶</sup> (۶) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۴۸.

مشغول شد.<sup>۳۸۷</sup> و بعد از آن به مشهد آمد و در آستان قدس رضوی به خدمت مشغول و در این شهر درگذشت.<sup>۳۸۸</sup>

از جمله آثارش «تذهیب دیوان سلطان ابراهیم میرزا» و تصویرپردازی از شاهزاده‌ای است که در آلاچیق مزین و الوانی که پوشش پارچه‌ای آن با انواع نقوش طلاکاری آراسته گشته بود نشسته و به پذیرایی میهمانان اشتغال دارد<sup>۳۸۹</sup> و تصویر مرد رهگذری که کلاه ساده نمدی به سر کرد و لباس و کفش‌هایی بسان شیوه دوران صفوی به تن داشت.<sup>۳۹۰</sup> نیز تصویر جوانک بلند قدی که لباس قرمزرنگی پوشیده است و در حال نواختن ساز می‌باشد.<sup>۳۹۱</sup>

محمد جواد هوشیار

(۶۵) شیرازی - محمد (- ۱۱۳۵ ه. ق)

میرزا محمد شیرازی شاعر و خطاط. او از سادات بنی مختار و از ذریه ابو علی عمر مختار بن ابو علاء مسلم احوال از احفاد عبید الله اعرج بن حسین اصغر بن امام زین العابدین علیه السلام بود. خطوط را خوش می‌نوشت و در سیاق ماهر و مراتب علمی را دیده و طبع روان داشت.<sup>۳۹۲</sup>

وی با محمد علی حزین (متوفی ۱۱۸۰ ه. ق) معاصر و در اصفهان با او دیدار داشته است.<sup>۳۹۳</sup> در پایان عمر به مشهد آمد و در این شهر به سال ۱۱۳۵ ه. ق درگذشت.<sup>۳۹۴</sup> او صاحب دیوان شعر

---

(۱) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۱ / ۲۷۶؛ محمد یوسف واله اصفهانی: خلد برین / ۲۷۲.

(۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۴۸.

(۳) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۱ / ۳۱۳ - ۳۱۴.

(۴) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۳۷۳ - ۳۷۴.

---

<sup>۳۸۷</sup> (۱) - اسکندر بیگ منشی: پیشین ۱ / ۲۷۶؛ محمد یوسف واله اصفهانی: خلد برین / ۲۷۲.

<sup>۳۸۸</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۴۸.

<sup>۳۸۹</sup> (۳) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۱ / ۳۱۳ - ۳۱۴.

<sup>۳۹۰</sup> (۴) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۳۷۳ - ۳۷۴.

<sup>۳۹۱</sup> (۵) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۱ / ۳۱۴.

<sup>۳۹۲</sup> (۶) - دایرة المعارف تشیع ۳ / ۴۸۸.

<sup>۳۹۳</sup> (۷) - حزین لاهیجی: تذکرة المعاصرین / ۲۲۷ - ۲۲۸؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۹۹۸.

<sup>۳۹۴</sup> (۸) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۹۸؛ ع - خیامپور:

فرهنگ سخنوران / ۵۲۱.

(۵) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: پیشین ۱ / ۳۱۴.

(۶) - دایرة المعارف تشیع ۳ / ۴۸۸.

(۷) - حزین لاهیجی: تذکرة المعاصرین / ۲۲۷ - ۲۲۸؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۹۹۸.

(۸) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۹۸؛ ع - خیامپور:

فرهنگ سخنوران / ۵۲۱.

ص: ۹۸

است. ۳۹۵

این شعر از اوست:

من افتاده را صدایی نیست	در نی بویا نوایی نیست
جلوه‌ای بوالهوس به ما مفروش	گل باغ تو را وفايي نیست
چه گشاید ز مسجد و محراب	طاق ابروی دلگشایی نیست
دل رنجور من شفا چه کند	چشم بیمار را شفایی نیست
چه زخم دست و پا که در کف من	چون قلم هم شکسته پایي نیست
کوه و صحرا گرفت جلوه بار	شهر عشق است و روستایی نیست <sup>۳۹۶</sup>

و در منابعی چون الذریعه الی تصانیف الشیعه، اثر جاوید مرحوم آقا بزرگ تهرانی جلد ۹ / ۳ صفحه ۹۹۸ و کتاب فرهنگ سخنوران نوشته‌ی عبد الرسول خیامپور صفحه ۵۲۱ نیز از زندگی ایشان سخن به میان آمده است.

محمد جواد هوشیار

(۶۶) شیرازی - معصوم علیشاه (۱۲۷۰ - ۱۳۴۴ ه. ق.)

<sup>۳۹۵</sup> (۱) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۹۹۸.

<sup>۳۹۶</sup> (۲) - حزین لاهیجی: پیشین / ۲۲۷ - ۲۲۸.

حاج میرزا معصوم فرزند حاج میرزا زین العابدین معروف به «میرزا آقا» ملقب به «نایب الصدر» و مشهور به معصوم علیشاه عارف، شاعر و سیاستمدار<sup>۳۹۷</sup> در ۱۴ ربیع الاول ۱۲۷۰ ه. ق در شیراز تولد یافت.<sup>۳۹۸</sup> او

---

(۱) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۹۹۸.

(۲) - حزین لاهیجی: پیشین ۲۲۷ - ۲۲۸.

(۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۶ / ۲۶۵.

(۴) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۵ / ۳۴۳؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۳ / ۴۲۷.

ص: ۹۹

تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز نزد بزرگانی چون آقا سید حسین جهرمی، آقا میرزا محمد علی نوری و میرزا محمد علی واحد العینی آتشی گذراند.<sup>۳۹۹</sup> در محرم سال ۱۲۸۸ ه. ق به عزم زیارت و ادامه تحصیلات به عراق رفت، مدت چهار سال در کربلا نزد شیخ محمد حسین معروف به «فاضل اردکانی» (متوفی ۱۳۰۵ ه. ق) و میرزا محمد حسن شیرازی (متوفی ۱۳۵۵ ه. ق)<sup>۴۰۰</sup> و در نزد «میرزا ابو الحسن جلوه» (۱۳۱۴ ه. ق) درس خواند. در سال ۱۲۹۳ ه. ق پس از فوت برادرش میرزا محمد حسین به شیراز بازگشت.<sup>۴۰۱</sup> در آغاز مشروطیت در زمره آزادیخواهان درآمد و سمتی در مجلس داشت، بعد از به توپ بستن مجلس در سال ۱۳۲۶ ه. ق ابتدا به حضرت عبد العظیم پناهنده شد بعد به مشهد آمد.<sup>۴۰۲</sup> در سال ۱۳۰۳ ه. ق به گناباد نزد ملا سلطان محمد معروف به «سلطان علیشاه» رفت، پس از مدتی ادعای جانشینی «منور علیشاه» نمود و خود را «معصوم علیشاه» خواند.

او در اواخر عمر مدتی رئیس اوقاف گرگان بود و چندی ریاست اوقاف گناباد را داشت سپس به مشهد آمد.<sup>۴۰۳</sup> و روز ۱۱ شعبان ۱۳۴۴ ه. ق در سن ۷۴ سالگی در همین شهر درگذشت.<sup>۴۰۴</sup>

---

<sup>۳۹۷</sup> (۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۶ / ۲۶۵.

<sup>۳۹۸</sup> (۴) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۵ / ۳۴۳؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۳ / ۴۲۷، ۹ / ۱۰۷۱؛ معصوم علیشاه شیرازی: طرائق الحقایق.

<sup>۳۹۹</sup> (۱) - معصوم علیشاه: پیشین ۳ / ۴۷۶ - ۴۷۷.

<sup>۴۰۰</sup> (۲) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۵ / ۳۴۴؛ معصوم علیشاه: پیشین ۳ / ۴۹۷ - ۵۰۰.

<sup>۴۰۱</sup> (۳) - مهدی بامداد: پیشین ۶ / ۲۶۴.

<sup>۴۰۲</sup> (۴) - همان ۶ / ۲۶۴ - ۲۶۵.

<sup>۴۰۳</sup> (۵) - همان ۶ / ۲۶۵.

<sup>۴۰۴</sup> (۶) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۵ / ۳۴۴؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین ۱۵ / ۱۵۷.

از آثار او می‌توان به «تحفة الحرمین؛ و سعادة الدارین» که به فارسی است و حاوی گزارشات زیارت او از بیت الله الحرام می‌باشد<sup>۴۰۵</sup> و نیز «طرائق الحقایق» در شرح حال عرفا و شعرا حاوی سه جلد<sup>۴۰۶</sup> و «دیوان شعر» و «جنگل مولی» اشاره کرد.<sup>۴۰۷</sup>

محمد جواد هوشیار

---

۱/ ۱۰۷۱؛ معصوم علیشاه شیرازی: طرائق الحقایق.

(۱) - معصوم علیشاه: پیشین ۳/ ۴۷۶-۴۷۷.

(۲) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۵/ ۳۴۴؛ معصوم علیشاه: پیشین ۳/ ۴۹۷-۵۰۰.

(۳) - مهدی بامداد: پیشین ۶/ ۲۶۴.

(۴) - همان ۶/ ۲۶۴-۲۶۵.

(۵) - همان ۶/ ۲۶۵.

(۶) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۵/ ۳۴۴؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین ۱۵/ ۱۵۷.

(۷) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۳/ ۴۲۷.

(۸) - همان ۱۵/ ۱۵۶.

(۹) - همان ۹/ ۱۰۷۱.

ص: ۱۰۰

(۶۷) شیشه‌گر شیرازی - غلامرضا (۱۲۲۱-۱۳۰۱ ه. ق)

---

<sup>۴۰۵</sup> (۷) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۳/ ۴۲۷.

<sup>۴۰۶</sup> (۸) - همان ۱۵/ ۱۵۶.

<sup>۴۰۷</sup> (۹) - همان ۹/ ۱۰۷۱.

استاد غلامرضا شیشه‌گر<sup>۴۰۸</sup> مرشدی معتبر و کامل و از بزرگان سلسله نعمت‌اللهی<sup>۴۰۹</sup> و معروف به «فیض‌علیشاه» به سال ۱۲۲۱ ه. ق در شیراز متولد شد.<sup>۴۱۰</sup> در اصل از ساری مازندران می‌باشد. سفری به هندوستان کرد و از آنجا به ایران آمد،<sup>۴۱۱</sup> مدتی در ساری و قم اقامت داشت<sup>۴۱۲</sup> سپس در سال ۱۲۸۹ ه. ق به حج رفت.<sup>۴۱۳</sup>

در اواخر عمر ساکن تهران شد. جمع‌کنیری از عوام و خواص تهران چون «میرزا محمودخان محمودی مشارالملک» (۱۲۵۰-۱۳۳۸ ه. ق) به او ارادت داشتند. استاد غلامرضا در ماه شعبان ۱۳۰۱ ه. ق<sup>۴۱۴</sup> در تهران درگذشت. جسدش را به مشهد حمل<sup>۴۱۵</sup> و در دارالسعادة دفن نمودند.<sup>۴۱۶</sup>

رساله «فیضیه» که انتساب به شیشه‌گر

شیرازی دارد از آن مشتاقعلی شاه ملقب به ظهورعلیشاه است.<sup>۴۱۷</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - میرزا عبد‌الکریم قمی: دیوان / ۱۴۰، ۲۹۴.

(۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۵۲۲؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۱۹۸.

(۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۳ / ۱۶-۱۷.

(۴) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۶۹۲.

(۵) - مهدی بامداد: پیشین ۳ / ۱۶-۱۷.

---

<sup>۴۰۸</sup> (۱) - میرزا عبد‌الکریم قمی: دیوان / ۱۴۰، ۲۹۴.

<sup>۴۰۹</sup> (۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۵۲۲؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۱۹۸.

<sup>۴۱۰</sup> (۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۳ / ۱۶-۱۷.

<sup>۴۱۱</sup> (۴) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۶۹۲.

<sup>۴۱۲</sup> (۵) - مهدی بامداد: پیشین ۳ / ۱۶-۱۷.

<sup>۴۱۳</sup> (۶) - اثرآفرینان ۳ / ۴۱۵.

<sup>۴۱۴</sup> (۷) - مهدی بامداد: پیشین ۳ / ۱۶-۱۷.

<sup>۴۱۵</sup> (۸) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۵۲۲، ۶۹۲.

<sup>۴۱۶</sup> (۹) - محمد هاشم خراسانی: منتخب التواریخ / ۶۳۰.

<sup>۴۱۷</sup> (۱۰) - خانبابا مشار: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی / ۴ / ۳۸۵۰.

(۶) - اثر آفرینان ۳ / ۴۱۵.

(۷) - مهدی بامداد: پیشین ۳ / ۱۶ - ۱۷.

(۸) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۵۲۲، ۶۹۲.

(۹) - محمد هاشم خراسانی: منتخب التواریخ / ۶۳۰.

(۱۰) - خانابا مشار: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی ۴ / ۳۸۵۰.

ص: ۱۰۱

ص

(۶۸) صاحب الزمانی - سید حسن (- ۱۳۵۵ ه. ق)

سید حسن صاحب الزمانی آشنا به فلسفه و فقه و حدیث و تفسیر. از شاگردان مبرز مرحوم میرزا ابو الحسن جلوه و شیخ فضل الله نوری و میرزا حسن آشتیانی است.<sup>۴۱۸</sup> علامه محمد قزوینی در یادداشت‌های خود درباره او می‌نویسد: «مردی بود فوق‌العاده باهوش و تندفهم و سریع‌الانتقال با ذهنی وقاد و خاطری نقاد و بسیار خوش‌مشرب و خوش‌محضر ولی در عین حال بسیار جدلی و سریع‌الغضب و متلون و هوسناک و متناقض در اقوال و افعال و عقاید، مثلاً گاه مانند مردی متدین بلکه متصلب در دین و مواظب بر ادای وظایف عبادات و اجتناب از محرّمات و محظورات خود را نشان می‌داد. گاه برعکس ظاهر به مظهر مردی سست اعتقاد بلکه ملحد و زندقه‌کار آشکارا تارک تکالیف شرعی و مرتکب معاصی و مناهی می‌گشت و بلکه گاه از این معدود نیز تجاوز کرده به کلی منکر ادیان و شرایع و نبوت و امامت و بعث و نشور می‌گردید و چندان در مجالس در این مقوله مباحثات پای می‌فشارد و جدالی و نزاعی می‌کرد که مکرر دیده می‌شد کار به جایی می‌کشید که مخالفین او چون از عهده جواب اعتراضات او بر نمی‌آمدند بر

---

(۱) - محمد قزوینی: وفيات معاصرین، یادداشت‌های تاریخی، مجله یادگار، عباس اقبال آشتیانی، شماره ۴، سال ۳، ص ۷.

ص: ۱۰۲

می‌خواستند و او را تا می‌توانستند با مشمت و لگد و چوب می‌زدند و تمام اعضای او را از شدت ضرب کبود و مجروح می‌کردند. باری مجموع این صفات و حالات عجیب متناقض مجتمع در شخص او مصحوب با فضل سرشار و اطلاع وسیع او از علوم متداوله وقت از حکمت و فلسفه و کلام و فقه و حدیث و تفسیر و آراء و مقالات و غیرها و ذهن تند فروزان او و

---

<sup>۴۱۸</sup> (۱) - محمد قزوینی: وفيات معاصرین، یادداشت‌های تاریخی، مجله یادگار، عباس اقبال آشتیانی، شماره ۴، سال ۳، ص ۷.



حافظه خارق العاده‌اش و شدت ولع او به خوض در مباحث حکمی و کلامی و مذهبی و جدال و نزاع در امثال این‌گونه مسایل به اندازه‌ی صحبت و مجالست او را مطبوع کرده بود که شخص هیچ وقت به اختیار نمی‌خواست از او جدا شود و دوستان و دوستان او فضل و کمال و ارباب ذوق و حال صحبت او را به جان و دل خریدار بودند و با یکدیگر در این باب مسابقه می‌نمودند و بدخلقی‌ها و تندلی لهجه او را برای تمتع از مجالست او با کمال تسلیم تحمل می‌کردند.<sup>۴۱۹</sup>

وجه شهرت او به «صاحب الزمانی» به این دلیل بوده است که وی در اوایل جوانی در یکی از سفرهایش به تحریک شیخ احمد کرمانی در حدود همدان یا کرمانشاه ادعا کرده بود که صاحب الزمان موعود شیعه، اوست و چون علاوه بر اینکه سید بود خوش تیپ و خوش صورت و ریش سیاه‌رنگ و عمامه ژولیده سیاه که روی هم‌رفته بسیار شبیه به شمایل خیالی که نقاشان از بعضی ائمه ترسیم نموده‌اند، بود. از این رو گروهی زیاد از اهالی قصبات و اکراد و الوات آن نواحی به او گرویده بودند و به مجرد انتشار این خبر و وصول آن به گوش حاکمان وقت، وی با شیخ احمد کرمانی به دستور حاکمان توقیف و به تهران انتقال داده شدند.

شیخ احمد کرمانی به دلیل شکنجه و بیماری در زندان درگذشت.<sup>۴۲۰</sup> ولی سید حسن به خاطر اینکه جوانی بی‌تجربه بود و علاوه بر قرباتی که با میرزا احمد خان مشیر السلطنه داشت با وساطت او

---

(۱) - همان.

(۲) - همان.

ص: ۱۰۳

از زندان آزاد گردید.<sup>۴۲۱</sup> پس از این‌که سید حسن آزاد شد توبه نمود و پس از آن عقاید خرافی و اخلاق ناپسند گذشته را ترک نمود. عاقبت صاحب الزمانی در سال ۱۳۵۰ ه. ق در مشهد وفات یافت.<sup>۴۲۲</sup>

کلنل محمد تقی خان پسیان درباره‌ی او می‌گوید: «این شخص تریاک می‌کشید، حتی یک روز خودم حضورا او را ملامت کردم و به ترک تریاک دعوتش نمودم، جواب داد اگر نکشم می‌میرم، گفتم من شما را با اعتیاد به این سم انسان‌کش جزو اموات محسوب می‌دارم خوشش نیامد».<sup>۴۲۳</sup>

---

<sup>۴۱۹</sup> (۱) - همان.

<sup>۴۲۰</sup> (۲) - همان.

<sup>۴۲۱</sup> (۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۱ / ۳۳۹.

<sup>۴۲۲</sup> (۲) - محمد قزوینی: پیشین.

<sup>۴۲۳</sup> (۳) - علی آذری: قیام کلنل محمد تقی پسیان / ۴۰۹.

(۶۹) صالحی خراسانی - محمد میرک (- ۹۹۷ ه. ق)

محمد میرک صالحی مشهدی معروف به صالحی خراسانی، خطاط، شاعر متخلص به «صالحی»<sup>۴۲۴</sup> جدّ وی خواجه عبد الله مروارید کرمانی<sup>۴۲۵</sup> (متوفی ۹۹۲ ق.) صاحب آثاری مثل تاریخ شاهی، دیوان قصاید، غزلیات، خسرو شیرین، تاریخ منظوم و منشآت بود.<sup>۴۲۶</sup>

محمد میرک در مشهد به دنیا آمد و همانجا پرورش یافت. وی در فن شعر و انشاء مهارت کامل داشت و از منشیان شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ه. ق) و شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ه. ق) بود.<sup>۴۲۷</sup> بانی تربیت و باعث ترقی او را «رکن الدوله مرشد قلیخان استاجلو» دانسته‌اند.<sup>۴۲۸</sup> در زمان اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ه. ق) به هند رفت و در مدح او اشعار بسیار

---

(۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۱ / ۳۳۹.

(۲) - محمد قزوینی: پیشین.

(۳) - علی آذری: قیام کلنل محمد تقی پسبان / ۴۰۹.

(۴) - احمد گلچین معانی: کاروان هند / ۱ / ۶۸۹.

(۵) - همان / ۱ / ۶۸۹؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۵۹۰.

(۶) - محمد یوسف واله اصفهانی: خلد برین / ۳۱۶-۳۱۷.

(۷) - صادقی کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۴۸.

(۸) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۶۸۹.

ص: ۱۰۴

---

<sup>۴۲۴</sup> (۴) - احمد گلچین معانی: کاروان هند / ۱ / ۶۸۹.

<sup>۴۲۵</sup> (۵) - همان / ۱ / ۶۸۹؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۵۹۰.

<sup>۴۲۶</sup> (۶) - محمد یوسف واله اصفهانی: خلد برین / ۳۱۶-۳۱۷.

<sup>۴۲۷</sup> (۷) - صادقی کتابدار: تذکره مجمع الخواص / ۴۸.

<sup>۴۲۸</sup> (۸) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۶۸۹.

سرود.<sup>۴۲۹</sup> صادقی کتابدار صاحب مجمع الخواص، تقی الدین محمد اوحدی اصفهانی (۹۷۳- زنده ۱۰۲۲ ه. ق) صاحب عرفات العاشقین، علاء الدوله قزوینی (زنده ۹۷۹ ه. ق) صاحب نفایس المآثر و ملک شاه حسین سیستانی (زنده ۱۰۱۹ ه. ق) صاحب خیر البیان از معاصران او می‌باشند.

صالحی در سال ۹۹۷ ه. ق به دست سپاه عبد الله خان ازبک در مشهد<sup>۴۳۰</sup> و به قولی در هرات کشته شد.<sup>۴۳۱</sup> از آثارش دیوان شعر است.<sup>۴۳۲</sup>

این رباعی از اوست:

نقش دیوار شدم پیش تو ای رشک پری	تاز صورت نکنی فرق و بسویم نگری
میل داری که بمیرد جهانی از رشک	غرض این است که بر تربت ما می‌گذری <sup>۴۳۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۷۰) صبوری - محمد کاظم (۱۲۵۹ - ۱۳۲۲ ه. ق)

محمد کاظم متخلص به «صبوری» ملک الشعرای آستان قدس رضوی، فرزند محمد باقر رئیس حریربافان مشهد فرزند حاج عبد القدیر خاراباف کاشانی<sup>۴۳۴</sup> و پدر استاد بزرگ سخن ملک الشعرای بهار، از شعرا و سخن‌دانان بلند پایه‌ی قرن سیزده و چهارده هجری است.

وی به سال ۱۲۵۹ ه. ق در

---

(۱) - همان / ۱ / ۶۸۸.

(۲) - همان.

(۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۳۲۷.

<sup>۴۲۹</sup> (۱) - همان / ۱ / ۶۸۸.

<sup>۴۳۰</sup> (۲) - همان.

<sup>۴۳۱</sup> (۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۳۲۷.

<sup>۴۳۲</sup> (۴) - آقابزرگ تهرانی: پیشین / ۹ / ۵۹۰.

<sup>۴۳۳</sup> (۵) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۶۹۴.

<sup>۴۳۴</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۴۶.

(۴) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۵۹۰.

(۵) - احمد گلچین معانی: پیشین ۱ / ۶۹۴.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۴۶.

ص: ۱۰۵

خانواده‌ی کاسب و فاضل در مشهد متولد شد.<sup>۴۳۵</sup> در دوران جوانی با علوم ادب و نیز فقه و فلسفه آشنا شد و چون در زمینه‌ی شعر استعداد درخشانی داشت، شاعری پیشه کرد و از آنجا که نسبش به احمد صبوری کاشانی می‌رسید، «صبوری» تخلص کرد و به تشویق ابو نصر فتح الله خان شییبانی صاحب کتاب‌های «گنج گهر» و «درج درر» به تکمیل فنون شعری پرداخت و سبک خراسانی را در شعر انتخاب نمود.<sup>۴۳۶</sup>

پس از مرگ مینای تربتی در سال ۱۲۸۴ ه. ق مؤتمن السلطنه، پیشکار دارایی، در زمان استانداری جلال الدوله، وی را در سال ۱۲۹۴ ه. ق به پیشنهاد میرزا سعید خان نایب التولیه آستان قدس رضوی، از طرف ناصر الدین شاه قاجار به ملک الشعرای آستان قدس برگزید.<sup>۴۳۷</sup>

دیوان ملک الشعرای صبوری دوازده هزار بیت است و سال ۱۳۴۲ ه. ش به همت فرزند کوچکش محمد ملکزاده به چاپ رسید.<sup>۴۳۸</sup>

مرحوم صبوری بعد از پشیمانی از ثناگویی ارباب جاه و مقام دنیوی، این ابیات را سروده است:

هرچه گفتم ز مدحت و ز غزل	روسیاهی برای دیوان بود
بجز از مدح آل پیغمبر	هرچه گفتم تمام هذیان بود
شب اگر مدح ناکسی گفتم	روز، طبعم از آن پریشان بود
هرکه را گفتم این فرشته بود	چون بدیدم بتر ز شیطان بود
بود دیوی ربوده خاتم جم	هرکه پنداشتم سلیمان بود

<sup>۴۳۵</sup> (۱) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۳۴۳.

<sup>۴۳۶</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۴۷.

<sup>۴۳۷</sup> (۳) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۳۴۴.

<sup>۴۳۸</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۴۸.

هرکه را صورت مسلمان بود  
سنگ بی‌ارزشش به دامان بود

سیرتش بود کافر مطلق  
کوه با آن شکوه را دیدم

(۱) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۳۴۳.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۴۷.

(۳) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۳۴۴.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۴۸.

ص: ۱۰۶

گرچه از خرّمی گلستان بود  
که همه بند بود و زندان بود<sup>۴۳۹</sup>.

آنچه وز کاخ مهتران بردم  
علم الله دلم نیافت خلاص

مرحوم صبوری در سال ۱۳۲۲ ه. ق به علت بیماری وبا در مشهد درگذشت<sup>۴۴۰</sup> و در صحن عتیق (انقلاب) حرم رضوی به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

(۷۱) صفای اصفهانی - محمد حسین (۱۲۶۹ - ۱۳۲۲ ه. ق)

محمد حسین صفای اصفهانی عارف، حکیم، متکلم، فقیه و شاعر. وی در سال ۱۲۶۹ ه. ق در فریدن اصفهان به دنیا آمد.<sup>۴۴۱</sup> مقدمات علم و دانش را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل با برادرش میرزا علی محمد به تهران رفت. در تهران با

<sup>۴۳۹</sup> (۱) - همان.

<sup>۴۴۰</sup> (۲) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۲۵۹؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۴۶.

معیشت اندک به کسب علوم پرداخت تا آنکه در حکمت و فلسفه و کلام و فقه به مقام استادی رسید.<sup>۴۴۲</sup> در بیست سالگی به عرفان و تصوف گرایش یافت.<sup>۴۴۳</sup> و ارباب ذوق دورش را گرفتند.<sup>۴۴۴</sup>

پس از آشنایی با محمد رضا مستشار الملک معروف به «مؤتمن السلطنه» وزیر خراسان با وی به مشهد آمد و همواره در خانه او بسر می‌برد و هیچ‌گاه در مدارس زندگی نکرد. گویند مؤتمن السلطنه نهایت پذیرایی را از صفا به عمل می‌آورد. پس از فوت مؤتمن السلطنه در سال ۱۳۰۹ ه. ق، وزارت خراسان به فرزندش میرزا علی محمد مؤتمن السلطنه رسید. وی نیز

---

(۱) - همان.

(۲) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۲۵۹؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۳۴۶.

(۳) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار در احوال رجال ۶ / ۱۹۴۱؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۲ / ۲۲۴ - ۲۲۵.

(۴) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۱.

(۵) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۴ - ۲۲۵.

(۶) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۱.

ص: ۱۰۷

صفا را گرامی داشت، خانه‌ای در سال ۱۳۱۳ ه. ق برای صفا در کوچه پشت باغ نادری نزدیک خانه‌اش خرید و وسایل راحتی را برایش آماده ساخت.

پس از عزل مؤتمن السلطنه از وزارت، وی صفا را به پسرعموی خود میرزا حسن خان معروف به آبا خان سپرد تا مراقب احوال او باشد.<sup>۴۴۵</sup> صفا در مشهد گوشه عزلت گرفت و به‌جز با معدودی از جمله میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری با کسی معاشرت نکرد و تا آخر عمر مجرد زیست.<sup>۴۴۶</sup>

---

<sup>۴۴۱</sup> (۳) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار در احوال رجال ۶ / ۱۹۴۱؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۲ / ۲۲۴ - ۲۲۵.

<sup>۴۴۲</sup> (۴) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۱.

<sup>۴۴۳</sup> (۵) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۴ - ۲۲۵.

<sup>۴۴۴</sup> (۶) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۱.

<sup>۴۴۵</sup> (۱) - همان.

محمد حسین اصفهانی ذوق شعر داشت و «صفا» تخلص می‌کرد. در دیوانش هیچ‌کس را مدح نکرد، مدایح خود را در مسجد گوهرشاد جنب مناره با خضوع و خشوع خاص می‌خواند.<sup>۴۴۷</sup>

از صفا دیوان شعری برجای مانده که در سال ۱۳۶۲ ه. ش به وسیله «احمد سهیلی خوانساری» در تهران به چاپ رسید.<sup>۴۴۸</sup>

صفا در سال ۱۳۱۴ ه. ق مریض شد، پس از بهبودی برای اجتماع قوای دماغی گاهی حشیش استعمال می‌کرد.

اما بر اثر اعتیاد حواسش مختل گردید و بدون پوشیدن لباس سر به کوچه و خیابان می‌نهاد. علاوه بر مستمری که مؤتمن السلطنه به وی می‌داد از دیوان دولتی نیز مبلغی می‌گرفت، تا آنکه میرزا کریم خان بنان الدوله آن را قطع کرد.<sup>۴۴۹</sup> سرانجام پس از پنجاه سال عمر، صفا در سال ۱۳۲۲ ه. ق چند سال بعد از مرگ آبا خان به مرض وبا مرد و جسدش را در مدرسه ملا تاج واقع در شمال صحن عتیق در پای مناره متصل به بنای ایوان عباسی که در زمان نادر شاه افشار ساخته شده بود دفن

---

(۱) - همان.

(۲) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۳۵۰ - ۳۵۱؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۴ - ۲۲۵.

(۳) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۲.

(۴) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۵ - ۲۲۶.

(۵) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۲.

ص: ۱۰۸

کردند. ۴۵۰.

از اشعار اوست:

کسی که بنده عشق است جاه را چه کند؟  
مقیم خلوت خورشید، ماه را چه کند؟

---

<sup>۴۴۶</sup> (۲) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۳۵۰ - ۳۵۱؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۴ - ۲۲۵.

<sup>۴۴۷</sup> (۳) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۲.

<sup>۴۴۸</sup> (۴) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۵ - ۲۲۶.

<sup>۴۴۹</sup> (۵) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: پیشین ۶ / ۱۹۴۲.

<sup>۴۵۰</sup> (۱) - همان.

نشسته بر سر خاک است و چرخ زیر قدم	گدای میکده اورنگ شاه را چه کند؟
کشد سر ار فکند عرش سایه بر سر او	سربرهنه ز هستی، کلاه را چه کند؟
هزار بادیه‌گو بیش باش راه طلب	رسیده است به مقصود، راه را چه کند؟
شئون بی‌حد ذاتست حد ذاتی دل	رسوم مدرسه و خانقاه را چه کند؟
زکس پناه نجوید گدای دولت فقر	پناه سلطنت او، پناه را چه کند؟
امیر مملکت بارگاه فقر و فناست	فقیر مملکت او، بارگاه را چه کند؟
پناه می‌برم از دست زلف دوست به دوست	جز آنکه داد دهد دادخواه را چه کند؟
گرفت بی‌مدد غیر یار بست و بلند	شکوه شاه حقیقت سپاه را چه کند؟
گناه عیب بود، شاه عیب‌پوش «صفا»	به غیر آنکه بیوشد گناه را چه کند؟ <sup>۴۵۱</sup>

رسول سعیدی‌زاده

صفوی - ابراهیم میرزا - جلد چهارم

(۷۲) صیدی تهرانی - سید علی (- ۱۰۶۹ ه. ق)

میر سید علی، شاعر خوش‌فکر قرن یازدهم هجری. وی در تهران متولد و در اصفهان نشوونما یافت و در آن شهر به تحصیل دانش و شاعری پرداخت.<sup>۴۵۲</sup>

پس از سیر و سیاحت عراق و همدان و تهران در سال ۱۰۶۴ ه. ق به هندوستان رفت و ملازمت شاه جهان را اختیار نمود. با یک قصیده به دریافت عطای هزار رویه مفتخر گردید.

روزی جهان‌آرا بیگم دختر شاه جهان به تماشای باغی که خود در شاه جهان‌آباد ساخته بود برآمد، صیدی تهرانی در یکی از حجره‌های بیرونی باغ بود، او با کمک یکی از همراهان

<sup>۴۵۱</sup> (۲) - ذبیح‌الله صفا: پیشین ۲/ ۲۲۵ - ۲۲۶.

<sup>۴۵۲</sup> (۳) - اثر آفرینان ۴/ ۶۵.



---

(۱) - همان.

(۲) - ذبیح الله صفا: پیشین ۲ / ۲۲۵ - ۲۲۶.

(۳) - اثر آفرینان ۴ / ۶۵.

ص: ۱۰۹

شاهزاده پنهان شد و چون فیل سواری شاهزاده نزدیک رسید میر از بالای حجره سربر آورد و گفت:

برقع به رخ افکنده بر و ناز به باغش  
تا نکهت گل بیخته آید به دماغش

بیگم گفت این کیست؟ او را بیاورید. خواجه سرایان میر را کشان کشان آوردند. گفتند چه می خواندی دوباره بخوان. میر همان بیت را دوباره خواند، بیگم بسیار خوشحال شد و امر کرد تا پنج هزار روپیه به میر بدهند و او را از شهر بیرون کنند.<sup>۴۵۳</sup>

میر در سی سالگی در سال ۱۰۶۹ ه. ق<sup>۴۵۴</sup> و بنا بر قولی دیگر در سال ۱۱۰۰ ه. ق در شاه جهان آباد هند از دنیا رفت.<sup>۴۵۵</sup> جنازه اش را به مشهد نقل و در حرم رضوی مدفون ساختند.<sup>۴۵۶</sup>

از صیدی دیوان شعری مشتمل بر سه هزار بیت برجای ماند، قصایدی در مدح شاه جهان دارد و در تعریف کشمیر یک مثنوی سرود که این بیت درباره دشواری راه آنجا است:

ز بیم جان در و صد جا زیاده  
شود از باد، بوی گل پیاده

دیوان صیدی به کوشش محمد قهرمان همراه با مقدمه ای مفصل در سال ۱۳۶۴ ه. ش به چاپ رسید. ابیات زیر از این دیوان است:

جهان شکفته کند بر تو زندگانی را  
که رنگ و بوی دگر داده ای جوانی را

ز آستان تو گاهی چو گرد برخیزم  
که سجده تازه کنم شکر ناتوانی را

---

<sup>۴۵۳</sup> (۱) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۴۱۸ - ۴۱۹.

<sup>۴۵۴</sup> (۲) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۸۹ - ۹۰.

<sup>۴۵۵</sup> (۳) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۴۱۹.

<sup>۴۵۶</sup> (۴) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۸۹ - ۹۰.

ز پرشست دلم از کار رفت و می ترسم  
کشیده بد گهران را به سلک دولت چرخ  
همین خود از شکر خویش کام می گیرد

که بر غرور کنی حمل، بی زبانی را  
که گم شدست سررشته، کاردانی را  
لب تو خاصی خود کرده کامرانی را

---

(۱) - محمد قدرت الله گوپاموی: تذکره نتایج الافکار / ۴۱۸ - ۴۱۹.

(۲) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۸۹ - ۹۰.

(۳) - محمد قدرت الله گوپاموی: پیشین / ۴۱۹.

(۴) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۸۹ - ۹۰.

ص: ۱۱۰

امید هست که از شیوه تو جان یابد  
هزار حیف که عمرم به هجر یار گذشت  
ز لطف آن قدر اعتبار ده که شبی  
علاج درد دلت خواستی ز من صیدی

اگر به روی تو دارند نقش مانی را  
ندید از من دل خسته جان فشانی را  
به من دهد سگ کوی تو پاسبانی را  
دواست لطف نهانی غم نهانی را<sup>۴۵۷</sup>

رسول سعیدی زاده

---

(۱) - سید علی صیدی تهرانی: دیوان صیدی تهرانی / ۷۷ - ۷۸.

ص: ۱۱۱

---

<sup>۴۵۷</sup> (۱) - سید علی صیدی تهرانی: دیوان صیدی تهرانی / ۷۷ - ۷۸.

ض

(۷۳) ضیاء الادباء - محمد مهدی (- ۱۳۵۳ ه. ق)

میرزا محمد مهدی تنکابنی ملقب به ضیاء الادباء و متخلص به «ذوقی» از ادبا و نویسندگان و شعرای باذوق قرن چهاردهم هجری است. در اواخر عمر مجاور شد و به تحقیق و تألیف پرداخت و کتبی چند از جمله ذخیره المصائب و کشکول بحر اللئالی را نوشت. و دومی را در سال ۱۳۱۸ ه. ق به چاپ رسانید. او در ۱۳ ربیع الثانی سال ۱۳۵۳ ه. ق در حدود هشتاد سالگی درگذشت و در ایوان صحن عتیق حرم دفن گردید.<sup>۴۵۸</sup>

غلامرضا جلالی

---

(۱) - میرزا عبد الرحمن مدرس: تاریخ علمای خراسان / ۲۸۷.

ص: ۱۱۲

ط

(۷۴) طباطبایی - سید محمد (۱۲۷۹ - ۱۳۴۷ ه. ش)

سید محمد طباطبایی فرزند سید محمد باقر طباطبایی نویسنده و روزنامه نگار. وی در سال ۱۲۷۹ ه. ش به دنیا آمد. اجداد ایشان از تبریز بودند. سید محمد در تهران نشوونما یافت و در مدارس علمیه تهران و مشهد به تحصیل پرداخت. وی از نویسندگان بزرگ ایران در اوایل دوره پهلوی است که به زبان‌های خارجی آشنایی داشت و شیوه و سبک سید ضیاء الدین طباطبایی را در نویسندگی اش دنبال می‌کرد.<sup>۴۵۹</sup>

وی در حالی که ۲۱ سال بیش نداشت، روزنامه خراسان را در اردیبهشت سال ۱۳۰۰ ه. ش در مشهد به مدت چهار سال منتشر کرد. وی در روزنامه‌اش به انتقاد از اشخاص مختلف می‌پرداخت و در نخستین شماره‌های آن به انتقاد از امور مالیه خراسان و «دوبوا» پیشکار مالیه خراسان که چندی قبل همکار وی بود اقدام کرد و این امر باعث شکایت «دوبوا» از وزارت معارف و عدلیه گردید و پس از آن توقیف روزنامه خراسان را برای مدتی در پی داشت.<sup>۴۶۰</sup>

در خصوص قیام کلنل محمد تقی خان پسیان و رابطه وی با سید محمد

---

<sup>۴۵۸</sup> (۱) - میرزا عبد الرحمن مدرس: تاریخ علمای خراسان / ۲۸۷.

<sup>۴۵۹</sup> (۱) - حسین الهی: روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان از آغاز تا شهریور ۱۳۲۰ / ۱۳۰.

<sup>۴۶۰</sup> (۲) - غلامحسین میرزا صالح: جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان / ۵۲.

---

(۱) - حسین الهی: روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان از آغاز تا شهریور ۱۳۲۰ / ۱۳۰.

(۲) - غلامحسین میرزا صالح: جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان / ۵۲.

ص: ۱۱۳

طباطبایی برخی منابع معتقدند که وی از این قیام حمایت می‌کرد.<sup>۴۶۱</sup> ولی برخی دیگر معتقدند که او در جبهه مخالفین پسیان و یاران و اقدامات او بوده و با گروه مخالف وی ارتباط داشته است و دلیل آنان نیز این است که اگر چنین نبود وی نمی‌توانست در ادوار بعدی مجلس شورای ملی صاحب کرسی نمایندگی شده و به معاونت پارلمانی کابینه ساعد درآمد و مقالات روزنامه‌اش نیز دلیل دیگری بر این مدعاست.

روزنامه خراسان سید محمد یک‌بار دیگر در ۲۳ بهمن سال ۱۳۰۲ ه. ش به علت انتقاد شدید از «صدرالتجار» و «شیخ رئیس»، توقیف شد و طباطبایی به ظاهر به کلات تبعید ولی به منطقه‌ای در دوفرسنگی مشهد فرستاده شد.<sup>۴۶۲</sup>

سید محمد پس از چندبار گرفتاری و تبعید در سال ۱۳۰۴ ه. ش در تهران روزنامه «فریاد» را منتشر کرد.<sup>۴۶۳</sup> و در ۷ اردیبهشت سال ۱۳۰۶ ه. ش روزنامه «تجدد ایران» را که به صورت هفتگی نامنظم منتشر می‌شد، انتشار داد که دوبار در سال ۱۳۲۱ ه. ش توقیف و مجدداً در سال ۱۳۳۶ ه. ش انتشار یافت.<sup>۴۶۴</sup>

سید محمد در مرداد سال ۱۳۲۲ ه. ش به «جبهه آزادی» که از مدیران برخی مطبوعات تشکیل شده بود، پیوست.<sup>۴۶۵</sup> وی از جمله افراد حزب «تجدد» محسوب می‌شد و در دوره رضا خان دوبار از ساوه و بعد از شهریور ۱۳۲۰ ه. ش یک‌بار از سبزوار به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد.<sup>۴۶۶</sup> او در سال ۱۳۲۷ ه. ش رئیس انتشارات و تبلیغات و معاون نخست وزیر گردید ولی دیری نگذشت که در مقابل توقعات بی‌جای دوستان تاب

---

(۱) - باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران ۲ / ۹۶۹.

(۲) - حسین الهی: پیشین / ۱۳۴.

---

<sup>۴۶۱</sup> (۱) - باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران ۲ / ۹۶۹.

<sup>۴۶۲</sup> (۲) - حسین الهی: پیشین / ۱۳۴.

<sup>۴۶۳</sup> (۳) - محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ۲ / ۲۴۵.

<sup>۴۶۴</sup> (۴) - حسین ابو ترابیان: مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۶ / ۶۶.

<sup>۴۶۵</sup> (۵) - محمد علی سفری: قلم و سیاست / ۹۱.

<sup>۴۶۶</sup> (۶) - حسین الهی: پیشین / ۱۳۰.

(۳) - محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ۲ / ۲۴۵.

(۴) - حسین ابو ترابیان: مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۶ / ۶۶.

(۵) - محمد علی سفری: قلم و سیاست / ۹۱.

(۶) - حسین الهی: پیشین / ۱۳۰.

ص: ۱۱۴

مقاومت نیاورد و استعفا داد و برای همیشه از کار کنار رفت. در خصوص سید محمد گفته شده که وی عقیده ثابتی نداشته و جهت پیشبرد مقصود به هر کاری دست می‌زد. او فردی زرنگ، سیّاس، ناطق، صریح‌اللهجه، خراج و خونسرد بود. و در سال ۱۳۴۷ ه. ش درگذشت. و بنا به روایتی در دار السیاده حرم مطهر به خاک سپرده شد.<sup>۴۶۷</sup>

سید حسن حسینی

(۷۵) طباطبایی نائینی - رضا خان (۱۲۵۰ - ۱۳۱۰ ه. ش)

میرزا رضا خان طباطبایی نائینی فرزند حسن خان مستوفی سیاستمدار، روزنامه‌نگار و رئیس انجمن ادبی ایران و از واقفین عمده کتاب به حرم مطهر رضوی. وی در سال ۱۲۹۰ ه. ق / ۱۲۵۰ ه. ش در روستای حصار واقع در میان بروجرد و اصفهان متولد شد.

پدرش از جانب کریم خان زند، حاکم یزد و نائین و مادرش «شاهزاده خانم» دختر خانلر میرزای احتشام الدوله، پسر عباس میرزای نایب السلطنه بود.<sup>۴۶۸</sup>

وی از پنج سالگی به تحصیل قرآن و شرعیات، مقدمات زبان عربی و فارسی پرداخت آنگاه برای تحصیل ادبیات عرب، فلسفه، ریاضیات، کلام و نجوم به حوزه علمیه اصفهان رفت. پس از پایان تحصیلات به تهران سفر کرد و برای آشنایی با علوم جدید، فلسفه اروپا، زبان انگلیسی و فرانسه را در مدرسه

---

(۱) - باقر عاقلی: پیشین ۲ / ۹۶۹؛ علی مؤتمن:

---

<sup>۴۶۷</sup> (۱) - باقر عاقلی: پیشین ۲ / ۹۶۹؛ علی مؤتمن:

تاریخ آستان قدس / ۳۴۳.

<sup>۴۶۸</sup> (۲) - میرزا رضا خان نائینی: ارمغان، شماره ۲، سال ۱۳، ص ۹۷.

(۲) - میرزا رضا خان نائینی: ارمغان، شماره ۲، سال ۱۳، ص ۹۷.

ص: ۱۱۵

آمریکایی گذراند. در تهران با سید جمال الدین اسدآبادی آشنا شد و تحت تأثیر افکار وی قرار گرفت و در زمره آزادی خواهان درآمد. مدتی در مدارس علمیه تهران و اصفهان به تدریس حکمت، فلسفه و عرفان پرداخت.<sup>۴۶۹</sup>

زمانی که فرمان مشروطیت صادر شد، میرزا رضا خان در اصفهان به عضویت انجمن ولایتی انتخاب و «روزنامه انجمن» را در سال ۱۳۲۴ ه. ق انتشار داد، سپس به تهران رفت و روزنامه «تیاتر» را منتشر ساخت.<sup>۴۷۰</sup>

همزمان با انتشار این روزنامه معاونت روزنامه «ندای وطن» را نیز به عهده داشت.<sup>۴۷۱</sup> بعد از استبداد صغیر (۱۲۸۶-۱۲۸۷ ه. ش) وی از سوی مردم یزد و نائین به نمایندگی در مجلس شورای ملی انتخاب گردید.<sup>۴۷۲</sup>

بعد از تعطیلی مجلس میرزا رضا خان نائینی در سال ۱۳۲۹ ه. ق به دعوت مشیر الدوله - وزیر عدلیه - در وزارت عدلیه اشتغال یافت. در سال ۱۳۰۰ ه. ق به مدت پنج سال به معاونت وزارت معارف و سپس در سال ۱۳۰۵ ه. ق به عنوان وزیر عدلیه منصوب شد و بعد از یک سال به دعوت علی اکبر داور رتبه یازده قضایی دادستان کل کشور (مدعی العموم کل) را پذیرفت، مدتی نیز رئیس استیناف و چندی مستشار دیوان عالی تمیز بود.<sup>۴۷۳</sup>

از کارهای مهم نائینی محاکمه احمد شاه قاجار بود که به دلیل احتکار گندم و فروش آن صورت گرفت. میرزا رضا خان پس از مدتی از کار در دادگستری کناره گرفت و اوقات خود را بیشتر به کار تحقیقاتی اختصاص داد.<sup>۴۷۴</sup> وی عشق مفرطی به جمع آوری کتب خطی قدیم داشت و کتابخانه اش پس از کتابخانه «حاجی حسین آقا ملک»

---

(۱) - حسن مرسلوند: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۴ / ۲۷۲ - ۲۷۳.

(۲) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۷.

---

<sup>۴۶۹</sup> (۱) - حسن مرسلوند: زندگینامه رجال و مشاهیر ایران ۴ / ۲۷۲ - ۲۷۳.

<sup>۴۷۰</sup> (۲) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۷.

<sup>۴۷۱</sup> (۳) - مهدی سجادی نائینی: نائین بلده طیبه / ۱۱۱ - ۱۱۲.

<sup>۴۷۲</sup> (۴) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۷.

<sup>۴۷۳</sup> (۵) - حسن مرسلوند: پیشین ۴ / ۲۷۳ - ۲۷۴.

<sup>۴۷۴</sup> (۶) - میرزا رضا خان نائینی: روزنامه تیاتر / ۹.

(۳) - مهدی سجادی نائینی: نائین بلده طیبه / ۱۱۱ - ۱۱۲.

(۴) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۷.

(۵) - حسن مرسلوند: پیشین / ۴ - ۲۷۳ - ۲۷۴.

(۶) - میرزا رضا خان نائینی: روزنامه تیاتر / ۹.

ص: ۱۱۶

دومین کتابخانه تهران به حساب می‌آید.<sup>۴۷۵</sup> بعد از مرگش دختر او به توصیه عمویش مرتضی قلی خان، همه کتاب‌های خطی پدر را در تاریخ ۱۱ / ۵ / ۱۳۱۱ ه. ش وقف امام رضا ۷ نمود.<sup>۴۷۶</sup>

میرزا رضا خان مدتی ریاست انجمن ادبی ایران را عهده‌دار بود.<sup>۴۷۷</sup>

عاقبت در ۱۸ رمضان سال ۱۳۵۰ ه. ق / ۶ بهمن ۱۳۱۰ ه. ش در تهران درگذشت، جسدش را به مشهد حمل<sup>۴۷۸</sup> و در صحن انقلاب کنار مقبره برادرش دفن نمودند.<sup>۴۷۹</sup>

عبرت نائینی در رثای او گفته است:

سرمایه سعادت ملک افتخار ما

دردا و حسرتا که از این ملک پا کشید

آن اهل فضل را به جهان میر و مقتدا<sup>۴۸۰</sup>

دردا و حسرتا که برفت از جهان فضل

از آثارش می‌توان به روزنامه تیاتر، شرح حال متنبی شاعر عرب، مقاله‌ای در موضوع علم نحو و همچنین انتقادی به کتاب نفایس الفنون اشاره نمود.<sup>۴۸۱</sup>

از اشعار اوست:

<sup>۴۷۵</sup> (۱) - میرزا رضا خان نائینی: ارمغان شماره ۲، سال ۱۳، ص ۹۷؛ محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ۲ / ۱۵۰.

<sup>۴۷۶</sup> (۲) - رمضانعلی شاکری: واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس / ۲۰ - ۲۱.

<sup>۴۷۷</sup> (۳) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۸ - ۹۹.

<sup>۴۷۸</sup> (۴) - میرزا رضا خان طباطبایی نائینی: روزنامه تیاتر / ۱۰.

<sup>۴۷۹</sup> (۵) - محمد احتشام کاویانین: شمس الشموس / ۳۲۶.

<sup>۴۸۰</sup> (۶) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۹؛ جلال بقایی: تذکره سخنوران نائین / ۵۳ - ۵۴.

<sup>۴۸۱</sup> (۷) - مهدی سجادی نائینی: پیشین / ۱۱۳.

حسین از نور احمد بود کاندز عالم امکان

تجلی کرد بر ذرات موجودات نورانی

از این ماتم ملایک در عزا افلاک سرگردان

خدا صاحب عزا پیغمبرانش در پریشانی<sup>۴۸۲</sup>

محمد جواد هوشیار

(۷۶) طغرل اصفهانی - علی محمد (- ۱۳۳۲ ه. ق)

میرزا علی محمد فرزند میرزا محمود بن ملا محمد بن ملا ملک احمد

(۱) - میرزا رضا خان نائینی: ارمغان شماره ۲، سال ۱۳، ص ۹۷؛ محمد صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران ۲ / ۱۵۰.

(۲) - رمضانعلی شاکری: واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس / ۲۰ - ۲۱.

(۳) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۸ - ۹۹.

(۴) - میرزا رضا خان طباطبایی نائینی: روزنامه تیاتر / ۱۰.

(۵) - محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۳۲۶.

(۶) - میرزا رضا خان نائینی: پیشین / ۹۹؛ جلال بقایی: تذکره سخنوران نائین / ۵۳ - ۵۴.

(۷) - مهدی سجادی نائینی: پیشین / ۱۱۳.

(۸) - جلال بقایی: پیشین / ۵۴.

ص: ۱۱۷

چهار محالی متخلص به «شهاب» و «طغرل» شاعر سرشناس قرن چهاردهم اصفهان. پدرش میرزا محمود و نیز اجدادش از علمای اصفهان شمرده می‌شدند و برخی از آنان به منصب قضاوت در ارتش اشتغال داشتند. وی اهل قریه لاه، سمیرم علیا بود که در اصفهان متولد شد و چون علاقه فراوان به شعر و ادب داشت غالباً با عموییش تاج‌الشعراء اصفهانی معاشرت می‌کرد و در شعر ابتدا شهاب و بعد از آن طغرل تخلص می‌نمود.

<sup>۴۸۲</sup> (۸) - جلال بقایی: پیشین / ۵۴.



بعد از مرگ پدر و عمویش در همان اوایل عمر از اصفهان به شیراز و سپس به تهران و از آنجا به شهرهای دیگر سفر نمود و بالاخره به اصفهان بازگشت و در دادگستری به خدمت مشغول گردید.

وی در روز دوشنبه ۱۳ رجب سال ۱۳۳۲ ه. ق راهی مشهد شد اما در شهر سمنان دار فانی را وداع گفت و جنازه‌اش به دستور مرتضی قلی خان نایب التولیه آستان قدس رضوی به مشهد حمل و در پای پنجره فولاد حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام دفن گردید.<sup>۴۸۳</sup>

این مسمط مولودیه حضرت شاه ولایت را که سه روز بعد از آن نوروز سلطانی بوده، سروده است:

فروردین ماه جلالی علم جاه افراخت	عالم پیر و کهن را به جوانی نوساخت
بر سر بهمن و دی با سپه گشن بتاخت	بهر گرفتن کشور به عدو شمشیر آخت
تیره شد چشم سپندار از آن کس نشناخت	همچو از رستم دستان پسر گشتاسب
دست یزدان به جهان مائده بخشید و نعم	نامیه روح قدس گشت و زمین چون مریم
روح بخشید صبا همچو مسیحا از دم	بتم ای زلف چلیپای تو چین چین خم خم
بادهام بخش که ناقوس نواز ز حرم	در کلیسای چمن مرغ به سان راهب
شد ز مولود علی روی زمین خلد آیین	سرو طوبی شد و از بار همه ماء معین

---

(۱) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار در احوال رجال ۶ / ۲۰۷۲؛ سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقه الشعراء ۲ / ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲.

ص: ۱۱۸

ساقی ای غلمان از خرمن تو سنبله چین      قلب هم بیشتر از قلب می آور که زمین

---

<sup>۴۸۳</sup> (۱) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار در احوال رجال ۶ / ۲۰۷۲؛ سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقه الشعراء ۲ / ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲.

شد ز قلب من شاداب چو فردوس برین

ای ز حوران بهستی تو چو قلب از قالب<sup>۴۸۴</sup>

ابراهیم زنگنه

(۷۷) طنبوره‌ای - محمود (- ۹۷۴ ه. ق)

استاد سلطان محمود طنبوره‌ای موسیقی‌دان برجسته قرن دهم هجری.

او از جمله هنرمندانی بود که مورد پشتیبانی میرزا ابراهیم صفوی حاکم خراسان (۹۶۳ - ۹۷۴ ه. ق) قرار گرفت. در مشهد می‌زیست و در همین شهر درگذشت.<sup>۴۸۵</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲.

(۲) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی ۱ / ۲۹۵؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی ۲ / ۵۴۶.

ص: ۱۱۹

ع

(۷۸) عابد اصفهانی - زین العابدین (- ۱۲۲۹ ه. ق)

زین العابدین اصفهانی شاعر و متخلص به «عابد» در اصل اصفهانی است.<sup>۴۸۶</sup> وی بعدها مجاور مشهد گردید.<sup>۴۸۷</sup>

یک سفر به زیارت خانه خدا رفت.<sup>۴۸۸</sup> او به معنی واقعی کلمه عابد بود و عبادت حق تعالی می‌گذارد.<sup>۴۸۹</sup> اگرچه در مشهد مشغول تجارت بود، اما مقصودش بیشتر زیارت بود.<sup>۴۹۰</sup>

---

<sup>۴۸۴</sup> (۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۱۲۱ - ۱۱۲۲.

<sup>۴۸۵</sup> (۲) - اسکندر بیگ منشی: تاریخ عالم‌آرای عباسی ۱ / ۲۹۵؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی ۲ / ۵۴۶.

<sup>۴۸۶</sup> (۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقة الشعراء ۲ / ۱۱۳۹.

<sup>۴۸۷</sup> (۲) - علی اکبر نواب شیرازی: تذکره دلگشا / ۴۲۷.

<sup>۴۸۸</sup> (۳) - محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود ۲ / ۴۰۷.

<sup>۴۸۹</sup> (۴) - علی اکبر نواب شیرازی: پیشین / ۴۲۷.

<sup>۴۹۰</sup> (۵) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۱۳۹.

عابد طبع شعر داشت و تخلص خود را از مولانا هاتف گرفت. با این حال اشعارش فاقد سلاست لازم است. قصاید بسیار دارد اما قابل استماع نیست.<sup>۴۹۱</sup> «جلاء العیون» علامه مجلسی را به بحر متقارب به نظم درآورد.<sup>۴۹۲</sup> از اوست:

فصل گل است و باد صبا روح پرور است	صحرا و جویبار بهشت است و کوثر است
شد غیرت سپهر زمین زانکه در چمن	هرشاخی از شکوفه سپهری پراختر است
گل‌های باغ رشک رخ گلرخان باغ	خضرای راغ داغ دل چرخ اخضر است

---

(۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقة الشعراء ۲ / ۱۱۳۹.

(۲) - علی اکبر نواب شیرازی: تذکره دلگشا / ۴۲۷.

(۳) - محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود ۲ / ۴۰۷.

(۴) - علی اکبر نواب شیرازی: پیشین / ۴۲۷.

(۵) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۱۳۹.

(۶) - محمود میرزا قاجار: پیشین ۲ / ۴۰۷.

(۷) - احمد گرجی نژاد تبریزی: تذکره اختر / ۱۴۱، محمود میرزا قاجار: پیشین ۲ / ۴۰۷.

ص: ۱۲۰

---

<sup>۴۹۱</sup> (۶) - محمود میرزا قاجار: پیشین ۲ / ۴۰۷.

<sup>۴۹۲</sup> (۷) - احمد گرجی نژاد تبریزی: تذکره اختر / ۱۴۱، محمود میرزا قاجار: پیشین ۲ / ۴۰۷.

هرتل ز لاله چون طبقی پر ز بسد است  
هرگل ز زاله چون صدفی پر ز گوهر است

هرسو سرود قمری و آواز عندلیب  
هرگوشه رقص سرو و سماع صنوبر است

هم آن به بذله غیرت طوطی و شان هند  
هم این به جلوه رشک نکویان کشر است<sup>۴۹۳</sup>

عابد اصفهانی در سال ۱۲۲۹ ه. ق در مشهد فوت کرد.<sup>۴۹۴</sup> پسرش در تاریخ فوتش گفت: «ز ملک جهان شد جهان سخن».<sup>۴۹۵</sup> جسدش را در ارض اقدس دفن کردند.<sup>۴۹۶</sup>

رسول سعیدی زاده

عاملی - بدر الدین - جلد اول

عاملی - حسین - جلد اول

عاملی - بازوری - ابراهیم - جلد اول

(۷۹) عراقی - ابو الحسن (- ۴۲۹ ه. ق)

ابو الحسن عراقی شاعر<sup>۴۹۷</sup> و دبیر مخصوص سلطان مسعود غزنوی.<sup>۴۹۸</sup> او مردی بداخلاق و باریک بین ولی بسیار باهوش و نیکوکار بود.<sup>۴۹۹</sup> وی نزد سلطان مسعود مقامی ویژه داشت و بیشتر اوقات در کنارش بود و وظیفه داشت تا اخبار خصوصی را از وی به امراء منتقل کند. در سال ۴۲۱ ه. ق صاحب برید قهستان شد و سهم زیادی در رویارویی مسعود با ترکمانان داشت.

به تشویق عراقی، سلطان مسعود به شمال خراسان لشکرکشی کرد و<sup>۵۰۰</sup>

### (۱) - احمد گرگی نژاد تبریزی: پیشین / ۱۴۲.

<sup>۴۹۳</sup> (۱) - احمد گرگی نژاد تبریزی: پیشین / ۱۴۲.

<sup>۴۹۴</sup> (۲) - علی اکبر نواب شیرازی: پیشین / ۴۲۷؛ سید احمد دیوان بیگی شیرازی: پیشین / ۱۱۳۹؛ محمود میرزا قاجار: پیشین / ۴۰۷؛ احمد گرگی نژاد تبریزی: پیشین / ۱۴۱.

<sup>۴۹۵</sup> (۳) - احمد گرگی نژاد تبریزی: پیشین / ۱۴۱.

<sup>۴۹۶</sup> (۴) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: پیشین / ۱۱۳۹.

<sup>۴۹۷</sup> (۵) - محمود مدبری: شاعران بی دیوان / ۵۰۱.

<sup>۴۹۸</sup> (۶) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: تاریخ بیهقی / ۶۴.

<sup>۴۹۹</sup> (۷) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: پیشین / ۷۱۲؛ سید احمد حسینی کازرونی: پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیایی / ۵۰۴.

<sup>۵۰۰</sup> (۸) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: پیشین / ۱۷۵، ۱۷۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۷۸.

(۲) - علی اکبر نواب شیرازی: پیشین / ۴۲۷؛ سید احمد دیوان بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۱۳۹؛ محمود میرزا قاجار: پیشین ۲ / ۴۰۷؛ احمد گرجی نژاد تبریزی: پیشین / ۱۴۱.

(۳) - احمد گرجی نژاد تبریزی: پیشین / ۱۴۱.

(۴) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۱۳۹.

(۵) - محمود مدبری: شاعران بی دیوان / ۵۰۱.

(۶) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: تاریخ بیهقی / ۶۴.

(۷) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: پیشین / ۷۱۲؛ سید احمد حسینی کازرونی: پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیایی / ۵۰۴.

(۸) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: پیشین

ص: ۱۲۱

مشوق اصلی مسعود در یورش به مازندران و گرگان هم او بود، اما در این حمله رأی عراقی درست نبود و سلطان غزنوی و وزیر و امایش پیوسته عراقی را به خاطر عدم تدبیر نکوهش می کردند.<sup>۵۰۱</sup>

در لشکرکشی دوباره سلطان غزنوی به خراسان با آنکه در کنار سلطان بود ولی جرأت اظهار نظر نداشت.<sup>۵۰۲</sup> در سه شنبه ربیع الاول ۴۲۷ ه. ق به سالاری کردان و عربان در سپاه غزنه رسید و برادرش ابو سعید نیز قائم مقام او شد.<sup>۵۰۳</sup> ولی سال بعد به علت بی کفایتی و عیش و نوش با یورش ترکمانان در هرات مواجه شد که در این میان بسیاری از مردم کشته و دستگیر شدند و سلطان غزنوی وی را از سالاری کردان و عربان برکنار کرد.<sup>۵۰۴</sup>

در اواخر عمر به جهت عدم تدبیر و حسادت درباریان به ویژه ابو نصر وزیر، به دستور مسعود برکنار و تا آخر عمر گوشه نشین شد.<sup>۵۰۵</sup> فوت عراقی در روز شنبه ششم شعبان سال ۴۲۹ ه. ق اتفاق افتاد.<sup>۵۰۶</sup>

---

<sup>۵۰۱</sup> (۱) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: پیشین / ۵۹۲، ۵۹۳، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۳.

<sup>۵۰۲</sup> (۲) - همان / ۶۲۰.

<sup>۵۰۳</sup> (۳) - همان / ۶۴۹.

<sup>۵۰۴</sup> (۴) - همان / ۶۷۹ - ۶۸۳.

<sup>۵۰۵</sup> (۵) - همان / ۵۷۳.

<sup>۵۰۶</sup> (۶) - همان / ۷۱۲؛ سید احمد حسینی کازرونی:

پس از مرگش شایع شد که با زن مطربه معاشرت داشت و زنان او را دارو خوراندند.<sup>۵۰۷</sup> برحسب وصیتش جسد وی را به مشهد الرضا علیه السلام بردند و در مسجد کنار بارگاه که خود بانی آن بود دفن کردند. بیهقی می‌گوید: «در سال ۴۳۱ ه. ق که با سپاه سلطان مسعود به طوس و نوقان رفتم، تربت امام رضا علیه السلام را زیارت کردم و قبر ابو الحسن عراقی را نیز که در مسجد کنار مشهد در طاقی که پنج گز از زمین تا طاق بود، زیارت کردم و از حال این دنیای فریبده که در عرض هشت و نه سال او را بالا کشید و سرانجام به این روز انداخت متعجب

---

/ ۱۷۵، ۱۷۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۷۸.

(۱) - ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی: پیشین / ۵۹۲، ۵۹۳، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۳.

(۲) - همان / ۶۲۰.

(۳) - همان / ۶۴۹.

(۴) - همان / ۶۷۹-۶۸۳.

(۵) - همان / ۵۷۳.

(۶) - همان / ۷۱۲؛ سید احمد حسینی کازرونی:

پیشین / ۵۰۴.

(۷) - همان / ۷۱۲-۷۱۳.

ص: ۱۲۲

شدم».<sup>۵۰۸</sup> عراقی موقوفات بسیاری کرد، از جمله موقوفات او احداث یک کاروان‌سرا و احیای کاریز مشهد و وقف دهی برای تأمین مخارج آن دو بود.<sup>۵۰۹</sup>

از اشعار اوست:

---

پیشین / ۵۰۴.

<sup>۵۰۷</sup> (۷) - همان / ۷۱۲-۷۱۳.

<sup>۵۰۸</sup> (۱) - همان / ۷۱۳، تاریخچه ابنیه متبرکه حرم، حرم، ویژه راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم رضوی / ۸-۹.

<sup>۵۰۹</sup> (۲) - همان / ۷۱۳.

زلفین تو به عاشق تو ماند

خو کرده در نگون و نگون‌سازی

پندار یا که روز فراقستی

آشفته و سیه شده و تاری<sup>۵۱۰</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۸۰) عزتی شیرازی - میرزا جانی (قرن ۱۱ ه. ق)

میرزا جانی متخلص به «عزتی» شاعر و موسیقی‌دان عصر صفویه. اصل ایشان از شیراز بود و آراستگی به کمالات صوری و معنوی داشت.<sup>۵۱۱</sup>

نیاکانش در خدمت پادشاهان قرار داشتند و خودش نیز مدتی در دفترخانه شاه صفوی به نویسندگی اشتغال و در این کار شایستگی لازم و نهایت صداقت از خود نشان داد.<sup>۵۱۲</sup> در نواختن موسیقی مهارت فراوان داشت و زندگی بدون آن را حرام می‌دانست. هرچه از مصاحبت اهل فهم و درک به دست می‌آورد آن را بخشی از عمر می‌شمرد.<sup>۵۱۳</sup>

عزتی در اواخر حیات از کارهایش توبه و به مشهد رضوی آمد و بیشتر اوقات را صرف عبادت و زیارت و مداومت بر ادعیه گذراند.<sup>۵۱۴</sup> و سرانجام در همانجا فوت کرد.<sup>۵۱۵</sup> عزتی دارای طبع

---

(۱) - همان / ۷۱۳، تاریخچه ابنیه متبرکه حرم، حرم، ویژه راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم رضوی / ۸ - ۹.

(۲) - همان / ۷۱۳.

(۳) - دانشنامه ادب فارسی / ۳ / ۲۲ - ۲۳ به نقل از ترجمان البلاغه / ۴۷.

(۴) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۵۶؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب / ۱ / ۵۷۲.

(۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۶؛ امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم / ۱ / ۴۶۸.

---

<sup>۵۱۰</sup> (۳) - دانشنامه ادب فارسی / ۳ / ۲۲ - ۲۳ به نقل از ترجمان البلاغه / ۴۷.

<sup>۵۱۱</sup> (۴) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۵۶؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب / ۱ / ۵۷۲.

<sup>۵۱۲</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۶؛ امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم / ۱ / ۴۶۸.

<sup>۵۱۳</sup> (۶) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۴۶۸.

<sup>۵۱۴</sup> (۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۷.

<sup>۵۱۵</sup> (۸) - همان؛ محمد علی مصباحی نائینی: پیشین / ۱ / ۵۷۲.

(۶) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۴۶۸.

(۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۷.

(۸) - همان: محمد علی مصباحی نائینی: پیشین / ۱ / ۵۷۲.

ص: ۱۲۳

لطیف بود.

از اشعار اوست:

خوش آن وقتی که عشق غمخوارم بود	آه شب و گریه سحر کارم بود
بد کردی چرخ بین که با من نگذاشت	کالای غمی که زیب بازارم بود <sup>۵۱۶</sup>
متاع هستیم از گریه‌ی دمام سوخت	بهار این چمن از قطره‌های شبنم سوخت
نیافتم که غضب بود مدعا یا لطف	مرا تبسم و دشنام هردو در هم سوخت <sup>۵۱۷</sup>
باز بوی گلی آشفته دماغم دارد	تندبادی سر الفت به چراغم دارد
نشود جمع بدل بردن کس زلف بتان	بی سرانجامی این سلسله داغم دارد <sup>۵۱۸</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۸۱) عشرتی فروشانی اصفهانی - علی (قرن ۱۱ ه. ق)

آقا علی عشرتی فرزند عین علی، شاعر معروف اواخر قرن یازدهم هجری از مردم محله فروشان روستای ورنو سفاداران اصفهان. وی برادر محمد ابراهیم متخلص به «فارغا» (فارغ) است که در اواخر عمرش به هندوستان رفت و در شهر لاهور

---

<sup>۵۱۶</sup> (۱) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۴۶۸.

<sup>۵۱۷</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۶.

<sup>۵۱۸</sup> (۳) - محمد علی مصباحی نائینی: پیشین / ۱ / ۵۷۲.



ساکن شد.<sup>۵۱۹</sup> و نیز برادر محمد اسماعیل از عرفای بزرگ<sup>۵۲۰</sup> و از معاصرین میرزا محمد طاهر صاحب تذکره نصرآبادی می‌باشد.<sup>۵۲۱</sup>

مدتی در خدمت ملا حسن علی فرزند ملا عبد الله شوشتری مشغول به فراگیری علوم بود و تعدادی از کتب پزشکی را نزد حکیم شفایی (متوفی ۱۰۳۷ ه. ق) خواند.<sup>۵۲۲</sup>

عشرتی همراه با آقا محمد پیشکش نویس که حساب پیشکش‌های

---

(۱) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۴۶۸.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۵۶.

(۳) - محمد علی مصباحی نائینی: پیشین / ۱ / ۵۷۲.

(۴) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۳۸ - ۳۳۹.

(۵) - شیخ آقابزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۷۲۱.

(۶) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۴ / ۱۳۹.

(۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۸.

ص: ۱۲۴

نوروزی و غیره را نگه می‌داشت برای درباری و پرده‌داری به هند می‌رفت، در هند به خدمت نواب میرزا رستم (فدایی صفوی) راه یافت.<sup>۵۲۳</sup> پس از مدتی اقامت در هند و توانمندی مالی، روی به سوی وطن نهاد و در مشهد به خدمت حاجی محمد جان قدسی رسید و در همین شهر فوت کرد.<sup>۵۲۴</sup>

---

<sup>۵۱۹</sup> (۴) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۳۸ - ۳۳۹.

<sup>۵۲۰</sup> (۵) - شیخ آقابزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۷۲۱.

<sup>۵۲۱</sup> (۶) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۴ / ۱۳۹.

<sup>۵۲۲</sup> (۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۸.

<sup>۵۲۳</sup> (۱) - همان.

<sup>۵۲۴</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۸؛ لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۱۸۷؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۴۶.

طبعش خالی از لطف نیست و از وی دیوان شعری برجای مانده است که در هند چاپ سنگی شده است. رباعی و قطعه زیر از اوست:

گل هر زمان طراوت رویت ادا کند	نرگس ز چشم مست تو کسب حیا کند
یا آب و دانه بدهد یا رها کند	با خال لب بگویی که مرغان دام را
هردم زخمی بر جگرم می‌بندد	غم از هرسو رهگذرم می‌بندد
آن طفل که در قفس برم می‌بندد <sup>۵۲۵</sup>	کی رخصت پرواز گلستان دهم

رسول سعیدی‌زاده

عصار - سید محمد - جلد اول

(۸۲) عطار هروی - محمد علی (۱۲۸۸ - ۱۳۷۲ ه. ش)

محمد علی عطار هروی فرزند محمد اسماعیل نویسنده و خوشنویس.

وی به سال ۱۲۸۸ ه. ش در شهر هرات متولد شد. پدر و نیاکانش همه از عالمان

---

(۱) - همان.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۸؛ لطفعلی بیک آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۱۸۷؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۴۶.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۸ - ۳۳۹.

ص: ۱۲۵

دین بودند. پدرش منبر را ترک و به عطاری روی آورد. محمد علی دروس ابتدایی را در مکتب‌خانه‌های هرات فرا گرفت و سپس به فراگیری خوشنویسی در نزد پدر پرداخت. مدتی خطوط کهن و عربی را نزد خوشنویس نامی «ملا محمد صدیق نیازی» آموخت. با مرگ استاد، خود به تنهایی شروع به تعلیم از روی آثار برجای مانده از قطعه‌های نفیس مسکوکات دوره

اموی، عباسی، غزنوی و نیز اسناد تاریخی و قطعات خوشنویسان معروفی چون سلطان علی مشهدی، بایسنقر میرزا، میرعماد، عبد الرحمن حسینی معروف به میر عماد ثانی، میرزا علی هروی و نیز خط کوفی مسجد جامع هرات، الواح سنگی دیواره مناره‌های غزنه، مسجد نه گنبدان بلخ، منار زیبایی جام غور، مدرسه و بازار بست و چشت شریف کرد. تا آنکه پس از سال‌ها کوشش مداوم به هنرمند منحصربه‌فردی در زمینه خطوط کهن به‌ویژه کوفی تبدیل شد.

شیوه‌های عطار هروی متأثر از مکتب شرق ایران یعنی هرات و خراسان قدیم است. نمونه این شیوه را می‌توان در خطوط بایسنقر میرزا در مسجد گوهرشاد و قرآن بایسنقری و نیز قرآن عبد الله صیرفی دید. شیوه‌های نستعلیق و تعلیق وی نیز شباهتی به شیوه‌های رایج در افغانستان ندارد و بیشتر با شیوه عبد الرحمن خوارزمی هم خوانی دارد.

از آثار چاپی عطار هروی می‌توان به «نمونه‌های خط»، «سنگ‌نشته‌های هرات»، «الهی‌نامه خواجه عبد الله انصاری»، «گنجینه خطوط در افغانستان» همراه با شرح احوال وی به قلم مایل هروی که در سال ۱۳۴۶ ه. ش چاپ شد، «کتاب‌های قرآن محلی» تهران ۱۳۶۶ ه. ش، «هنر آیه نگاری در قرآن» تهران ۱۳۷۵ ه. ش به اهتمام محمد مهدی هراتی اشاره کرد.

دیگر آثارش عبارتند از: کتیبه‌های مسجد هرات، اندرون مسجد و اندرون

ص: ۱۲۶

گنبد ملک غیاث الدین، کتیبه‌های مسجد جامع لشکرگاه و گازرگاه، کتیبه‌های مزار خواجه مودود چشتی در چشت، کتیبه‌های مسجد جامع یعقوب در کابل، کتیبه‌های خرّقه شریف در هرات، کتیبه‌های دار المعلمین در هرات، کتیبه‌های ایوان مسجد زیارت عبد الرحمن جامی هرات، کتیبه‌های محراب مسجد پاک ولایت هرات، کتیبه‌های مسجد بکرآباد، کتیبه‌های مسجد گوهرشاد در مشهد، سه سوره به خط ثلث در سال ۱۳۴۹ ه. ش، کتیبه‌های مسجد سکندر خان شهر قدیم هرات، چند قطعه برای دکتر ذاکر حسین رئیس‌جمهوری وقت هندوستان، مجموعه مرقعات و آثار در موزه هرات، کتیبه‌ای برای مسجد هامبورگ آلمان به درازی چهل متر.<sup>۵۲۶</sup>

عطار هروی در سال ۱۳۷۲ ه. ش در مشهد بدرود حیات گفت و او را در همین‌جا به خاک سپردند.<sup>۵۲۷</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۸۳) عقیلی - سید رضا (- ۱۳۳۰ ه. ش)

سید رضا خان عقیلی فرزند سید مصطفی از سادات «عقیلی» استرآباد شاعر و موسیقی‌دان. وی پس از تحصیل علوم ادب فارسی و عربی به خدمت اداره پست وارد و در سال‌های اوایل مشروطیت بود که به خراسان آمد. در مشهد سکونت اختیار

<sup>۵۲۶</sup> (۱) - دانشنامه ادب فارسی ۷۰۲/۳: غلامرضا مایل هروی: هنر خطاطی افغانستان امروز، هنر و مردم، شماره ۹۵، سال ۱۳۴۹، ص ۲۰.

<sup>۵۲۷</sup> (۲) - دانشنامه ادب فارسی: ۷۰۲/۳.

کرد و پس از چند سالی به گیلان رفت. در آنجا با نهضت «میرزا کوچک خان» همراهی کرد. تمام وسایل زندگانی حتی دیوانش غارت گردید و پس از آن به تهران رفت و به وزارت دارایی منتقل شد سپس به خراسان برگشت و رئیس دفتر اداره انحصار خراسان شد. در سال ۱۳۰۴ ه. ش از طرف اداره دارایی ناظر هزینه اعتبارات اداره‌ی خراسان گردید.

---

(۱) - دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۷۰۲؛ غلامرضا مایل هروی: هنر خطاطی افغانستان امروز، هنر و مردم، شماره ۹۵، سال ۱۳۴۹، ص ۲۰.

(۲) - دانشنامه ادب فارسی: ۳ / ۷۰۲.

ص: ۱۲۷

در سال ۱۳۰۷ ه. ش رئیس دفتر اداره راه خراسان شد و تا آخر عمر رئیس دفتر و گاهی کفیل آن اداره بود تا این‌که در سوم اسفندماه ۱۳۳۰ ه. ش به رحمت ایزدی پیوست و در مشهد دفن شد.

عقیلی با آن‌که مطالعاتش در دواوین استادان سخن بسیار اندک و محفوظاتش کم بود، در شاعری قوی دست و در پروراندن قوافی مشکل و ابداع مضامین قدرت داشت، ملک الشعراى بهار به عقیلی و طبع گوه‌رزای او احترامی خاص می‌نهاد. او انسانی شریف و پاک بود و از مشاهده نا پاکى‌ها رنج می‌برد. در سال‌های آخر عمر دیدن فساد احساسات او را سخت جریحه‌دار می‌کرد. او قضایدی در این رابطه سروده است که نظایر آنها را کمتر در دواوین سخنوران می‌توان دید. در خانه عقیلی به روی دوستان باز بود. در موسیقی صاحب اطلاع بوده، انواع سازها را می‌نواخت.

نمونه‌ای از اشعار وی که در نکوهش دیکتاتوری آلمان (۱۳۲۳) سروده است:

چه جنونی است ندانم که بدین موی سفید

بند و دام است همه در ره این چشم ضعیف

خوشدلی رفت و دگر زو نتوان یافت اثر

عجب اینجاست که آثار سیه را نهند

خون گذشت از سر انسان سیه‌روز، کجاست

در مرام تو ز آزادی گیتی سخن است

نتوانم که ببندم نظر از روی سفید

موی آن موی سیه در خم ابروی سفید

همچو در دشت پر از برف، ز راسوی سفید

گاه اعلام عمل جز به ترازوی سفید

بی تطهیر زمین نوبت نیروی سفید؟

همچو در پرده اوهام ز هندوی سفید

علی جان سکندری

(۸۴) عیشی شیرازی (- ۹۸۰ ه. ق)

مولانا عیشی خطاط و کاتب دار السلطنه هرات. برخی او را تبریزی

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۹۴ - ۳۹۹.

ص: ۱۲۸

دانسته‌اند. او شاگرد محمد قاسم شادیشاه بود.<sup>۵۲۹</sup> و در کتابت روش سلطان محمد نور را پیروی می‌کرد. از هرات به مشهد آمد و در کتابخانه شاهزاده ابو الفتح سلطان ابراهیم میرزای صفوی با درآمد عالی مشغول به خوشنویسی شد.<sup>۵۳۰</sup>

مولانا عیشی در رنگه‌نویسی دارای مهارت بود.<sup>۵۳۱</sup> و شعر نیز می‌گفت.<sup>۵۳۲</sup> تخلص شعری وی در ابتدا «محتی» ولی بعد به پیشنهاد خلیل تیموری پسر میرانشاه<sup>۵۳۳</sup> به «عیشی» تغییر یافت.<sup>۵۳۴</sup> وی به گفته صاحب مجالس النفایس مردی هزل و هجویی و شوخ طبع بود.<sup>۵۳۵</sup>

از آثار وی می‌توان به صفحه‌ای از یک نسخه «یوسف و زلیخا» جامی با رقم «عیشی ۹۴۴» و شش قطعه از مرقع امیر غیب بیک به قلم نیم دو دانگ و کتابت و غبار عالی و خوش با رقم‌های «العبد عیشی» و «کته عیشی» و «قائله عیشی» و «لمحرره ... سنه ۹۶۵» در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول و دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی به قلم‌های دو دانگ و کتابت خوش با رقم «العبد عیشی» و یک قطعه از مرقع محمد محسن به قلم دو دانگ خوش با رقم «مشقه عیشی» و یک

<sup>۵۲۸</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۹۴ - ۳۹۹.

<sup>۵۲۹</sup> (۱) - محمد علی تربیت: پیشین / ۴۱۰.

<sup>۵۳۰</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۵.

<sup>۵۳۱</sup> (۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۲ / ۵۴۵.

<sup>۵۳۲</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۵.

<sup>۵۳۳</sup> (۵) - ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران / ۴ / ۴۶۱.

<sup>۵۳۴</sup> (۶) - امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم / ۱ / ۹۴.

<sup>۵۳۵</sup> (۷) - ذبیح الله صفا: پیشین / ۴ / ۴۶۱.

قطعه از مرقع مالک به قلم نیم دو دانگ عالی به سرخی روی کاغذ سبزرنگ با رقم «کتابه عیشی» و یک قطعه از مرقع دیگر به قلم کتابت خوش با رقم «کتابه العبد عیشی» در همان کتابخانه اشاره کرد.<sup>۵۳۶</sup>

به جز آثار خوشنویسی فوق، عیشی ده‌نامه موسوم به «عشرت‌نامه» در بحر هزج مسدّس به نام ممدوحش خلیل تیموری ساخت که در آن به ده‌نامه اوحدی مراغی و مهر و مشتری عصار

---

(۱) - محمد علی تربیت: پیشین / ۴۱۰.

(۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۵.

(۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۵۴۵.

(۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۵.

(۵) - ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۴ / ۴۶۱.

(۶) - امین احمد رازی: تذکره هفت‌اقلیم ۱ / ۹۴.

(۷) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۴۶۱.

(۸) - مهدی بیانی: پیشین ۲ / ۵۴۶.

ص: ۱۲۹

تبریزی اشاره کرده است.<sup>۵۳۷</sup>

عیشی عمری طولانی یافت<sup>۵۳۸</sup> و تا زمان سلطنت سلطان حسین بایقرا زنده بود.<sup>۵۳۹</sup> و در سال ۹۸۰ ه. ق در مشهد مقدس فوت کرد.<sup>۵۴۰</sup> و در آنجا به خاک سپرده شد.<sup>۵۴۱</sup>

---

<sup>۵۳۶</sup> (۸) - مهدی بیانی: پیشین ۲ / ۵۴۶.

<sup>۵۳۷</sup> (۱) - محمد علی خزانه‌دارلو: منظومه‌های فارسی / ۴۴۵.

<sup>۵۳۸</sup> (۲) - امین احمد رازی: پیشین ۱ / ۹۴.

<sup>۵۳۹</sup> (۳) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۴۶۱.

<sup>۵۴۰</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۵، مهدی بیانی: پیشین ۲ / ۵۴۵.

<sup>۵۴۱</sup> (۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۲۶-۷۲۷؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب ۳ / ۲۲۵.

این اشعار از اوست:

در چشم تو نرگس است کزو خواب می چکد  
هر دم هزار قطره خون بهر ابروت  
هر لحظه صد کرشمه رنگین غمزات  
اشک من است در هوس موی روی تو

روی تو آتش است کزو آب می چکد  
از دیده امام به محراب می چکد  
مانند خون ز خنجر قصاب می چکد  
هر شب نمی که در شب مهتاب می چکد<sup>۵۴۲</sup>

رسول سعیدی زاده

عینائی - سید محمد - جلد اول

---

(۱) - محمد علی خزانه دارلو: منظومه های فارسی / ۴۴۵.

(۲) - امین احمد رازی: پیشین / ۱ / ۹۴.

(۳) - ذبیح الله صفا: پیشین / ۴ / ۴۶۱.

(۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۵، مهدی بیانی: پیشین / ۲ / ۵۴۵.

(۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۲ / ۷۲۶ - ۷۲۷؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب / ۳ / ۲۲۵.

(۶) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۸۱.

ص: ۱۳۰

ف

(۸۵) فاضل قندهاری - عبد الله (۱۲۲۷ - ۱۳۱۲ ه. ق)

---

<sup>۵۴۲</sup> (۶) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۸۱.

حاج ملا عبدالله فرزند نجم الدین معروف به «فاضل قندهاری» و متخلص به «وصال» و «مهجور»<sup>۵۴۳</sup> از نامداران عرصه فقه و اصول و حکمت و عرفان، حدیث و ریاضیات و شعر و ادب بود.

در سال ۱۲۲۷ ه. ق در قندهار متولد شد.<sup>۵۴۴</sup> پدرش مولانا نجم الدین از علمای آن دیار بود. او نزد پدر و برخی از علمای اهل سنت فقه و اصول آموخت<sup>۵۴۵</sup> و در عتبات از محضر شیخ انصاری و حاج سید محمد باقر بهره برد.

پس از اشغال افغانستان توسط سپاهیان انگلیس، به کابل رفت و مدتی در آنجا علیه انگلیس به تبلیغ پرداخت و قدم‌های مثبتی در راستای وحدت شیعه و اهل سنت برداشت.<sup>۵۴۶</sup>

پس از مصالحه انگلیس و دولت حاکم بر افغانستان: ایشان تبعیدگونه عازم مشهد شد و ربیع الاول سال ۱۲۷۱ ه. ق به این شهر وارد گردید<sup>۵۴۷</sup> و پس از زیارت بارگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، چند سالی به سیاحت

---

(۱) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۶ / ۳۲۰.

(۲) - میرزا عبد الرحمن مدرس: تاریخ علمای خراسان / ۱۲۵؛ مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۶ / ۱۴۶.

(۳) - میرزا عبد الرحمن مدرس: پیشین / ۱۲۵.

(۴) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۶۸۹؛ میرزا عبد الرحمن مدرس:

پیشین / ۱۲۶.

(۵) - میرزا عبد الرحمن مدرس: پیشین / ۱۲۷.

ص: ۱۳۱

شهرهای ایران و عربستان سپری کرد، بعد مجاور مشهد شد و سال ۱۳۱۲ ه. ق در ۸۵ سالگی جهان فانی را وداع گفت و در محل دار الضیافه حرم به خاک سپرده شد.<sup>۵۴۸</sup>

---

<sup>۵۴۳</sup> (۱) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۶ / ۳۲۰.

<sup>۵۴۴</sup> (۲) - میرزا عبد الرحمن مدرس: تاریخ علمای خراسان / ۱۲۵؛ مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۶ / ۱۴۶.

<sup>۵۴۵</sup> (۳) - میرزا عبد الرحمن مدرس: پیشین / ۱۲۵.

<sup>۵۴۶</sup> (۴) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۶۸۹؛ میرزا عبد الرحمن مدرس:

پیشین / ۱۲۶.

<sup>۵۴۷</sup> (۵) - میرزا عبد الرحمن مدرس: پیشین / ۱۲۷.



از آثار اوست: البرهان فی قطع شبهة الشيطان، تجويد القرآن، تحرير الاصول در فقه، تذكرة العلماء، خوان الالوان، دلالة السالكين در قواعد عارفين، الفرائد البهية، در شرح عقاید شیخ بهائی، كحل الطرف فی علم الحرف، كشف الغطاء عن مسألة البداء، مصارع الملحدین در ردّ صوفیه و متفلسفین، رسالة الهداية در تفسیر آیه ولایت، حلّ العقال در خلق الاعمال، كتاب المقالات در علم كلام، حواشی شرح مطالع در حکمت.<sup>۵۴۹</sup>

فاضل شعر نیز می‌سرود. او در اوایل «مهجور» و بعدها «وصال» تخلص می‌کرد.

از اشعار اوست:

جرت دموع عیونی بمثل ماء فرات	اذا ذكرت حبیبی و كنت فی الخلوات
فانّ منزل اهل الكمال فی الغرفات	چه خوش‌نما بود ار پا نهی به منظر چشمم
فانّ مرحلة العشق شامخ الهضبات	خبر ز عشق ندارد دل فسرده‌ی زاهد
لانّ قریک و الله افضل الحسنات <sup>۵۵۰</sup>	جز از وصال تو هر مقصدی که هست نخواهم

غلامرضا جلالی

فانی - تربتی - میرزا نصر الله، جلد اول

(۸۶) فرخ خراسانی - محمود (۱۲۷۴ - ۱۳۶۰ ه. ش)

سید محمود فرخ خراسانی فرزند سید احمد جواهری متخلص به «فرخ» سیاستمدار و شاعر معاصر خراسان.

وی در سال ۱۲۷۴ ه. ش در مشهد

---

(۱) - مهدی بامداد: پیشین / ۶ / ۱۴۷.

(۲) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین / ۶ / ۳۲۰؛ میرزا عبد الرحمن مدرس: پیشین / ۱۲۷؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین / ۱۲۷.

---

<sup>۵۴۸</sup> (۱) - مهدی بامداد: پیشین / ۶ / ۱۴۷.

<sup>۵۴۹</sup> (۲) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین / ۶ / ۳۲۰؛ میرزا عبد الرحمن مدرس: پیشین / ۱۲۷؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین / ۱۲۷.

<sup>۵۵۰</sup> (۳) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین / ۳۲۰.

(۳) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین / ۳۲۰.

ص: ۱۳۲

متولد شد.<sup>۵۵۱</sup> مقدمات فارسی و عربی را در مدارس قدیمه آموخت.<sup>۵۵۲</sup> بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی وارد حوزه علمیه مشهد شد و نزد علمای مشهور آن زمان از جمله ادیب نیشابوری (متوفی ۱۳۹۶ ه. ق) و شیخ محمد حسین سبزواری ادبیات فارسی و عربی را به حد کمال رسانید.<sup>۵۵۳</sup>

فرخ شعرای اهل ذوق و ادب را تشویق می‌کرد و خود صراحت قلم و بیان داشت.<sup>۵۵۴</sup> او در تشکیل انجمن‌های ادبی در مشهد و همکاری با مطبوعات پیشقدم بود.<sup>۵۵۵</sup> مدتی تولیت آستان قدس رضوی و استانداری خراسان را به عهده داشت و در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی به نمایندگی مردم قوچان به مجلس راه یافت.<sup>۵۵۶</sup> از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ ه. ش معاون نیابت تولیت آستان قدس رضوی بود و چند سال نیز ریاست هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت نخریسی و نساجی برق خسروی خراسان را به عهده داشت.<sup>۵۵۷</sup>

در پایان عمر بیشتر به کارهای ادبی و مطالعه و نگارش پرداخت.<sup>۵۵۸</sup> چنانکه

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۱۸.

(۲) - عبد الریف حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۲۸.

(۳) - سید عبد الحمید خلخالی: تذکره شعرای معاصر ایران ۱ / ۳۰۸؛ باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران ۲ / ۱۰۸۵؛ مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۱۸۸.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹ - ۴۲۰.

---

<sup>۵۵۱</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۱۸.

<sup>۵۵۲</sup> (۲) - عبد الریف حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۲۸.

<sup>۵۵۳</sup> (۳) - سید عبد الحمید خلخالی: تذکره شعرای معاصر ایران ۱ / ۳۰۸؛ باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران ۲ / ۱۰۸۵؛ مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۱۸۸.

<sup>۵۵۴</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹ - ۴۲۰.

<sup>۵۵۵</sup> (۵) - باقر عاقلی: پیشین / ۲ / ۱۰۸۵.

<sup>۵۵۶</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۸؛ سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۰۸.

<sup>۵۵۷</sup> (۷) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۸.

<sup>۵۵۸</sup> (۸) - سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۰۸.

(۵) - باقر عاقلی: پیشین ۲ / ۱۰۸۵.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۸؛ سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۰۸.

(۷) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۸.

(۸) - سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۰۸.

ص: ۱۳۳

در سال ۱۳۵۳ ه. ش از طرف دانشگاه مشهد مقام استاد افتخاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی به او اعطا شد.<sup>۵۵۹</sup>

فرخ مسافرت‌های زیادی به کشورهای عربی و اروپایی و آسیایی داشت.<sup>۵۶۰</sup> او با کسانی چون نصر الله فلسفی، علی اصغر حکمت و ملک الشعراى بهار معاشرت می‌نمود.<sup>۵۶۱</sup>

فرخ در سوم فروردین ماه ۱۳۶۰ ه. ش در سن ۸۶ سالگی درگذشت و در دار الذکر حرم مطهر به خاک سپرده شد.

علی اکبر گلشن آزادی از شاگردان فرخ بوده است.<sup>۵۶۲</sup> آثار استاد فرخ به شرح ذیل می‌باشد:

تصحیح روضه خلد مجد خوافی (۷۳۳ ه. ق) ۱۳۴۵ ه. ش، تصحیح و چاپ مجمل التواریخ فصیحی (۸۴۵ ه. ق) در سه مجلد ۱۳۳۹ ه. ش، خلاصه احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای (۷۳۸ ه. ق)، دیوان اشعار شامل چهار هزار بیت، سفینه فرخ در دو مجلد (۱۳۳۲)، مثنوی فروزنده، مثنوی منطق العشاق یا ده‌نامه اوحدی اصفهانی ۱۳۳۵ ه. ش، مناظرات و اخوانیات، منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی‌باشی نصرت ۱۳۳۱ ه. ش.<sup>۵۶۳</sup> البته چند مقاله تحقیقی و ادبی از استاد نیز در مجله‌های آینده، فرهنگ خراسان، یادگار و یغما به چاپ رسیده است.<sup>۵۶۴</sup>

---

<sup>۵۵۹</sup> (۱) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۸۸.

<sup>۵۶۰</sup> (۲) - سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۰۸؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۲۰.

<sup>۵۶۱</sup> (۳) - سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۱۳؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹، ۴۲۶.

<sup>۵۶۲</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹.

<sup>۵۶۳</sup> (۵) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۸۸؛ ر. ک:

عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۲۸؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹.

<sup>۵۶۴</sup> (۶) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۸۸.

از اقدامات فرهنگی مرحوم فرخ می‌توان به وقف ۱۴ نسخه کتب خطی و ۸۸ نسخه کتب چاپی به آستان قدس رضوی اشاره کرد.<sup>۵۶۵</sup>

از اشعار اوست:

---

(۱) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۸۸.

(۲) - سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۰۸؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۲۰.

(۳) - سید عبد الحمید خلخالی: پیشین / ۱ / ۳۱۳؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹، ۴۲۶.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹.

(۵) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۸۸؛ ر. ک:

عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۲۸؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۱۹.

(۶) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۸۸.

(۷) - حاج محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۳۲۷؛ رمضانعلی شاکری: واقفین عمده کتاب / ۲۲.

ص: ۱۳۴

با فکر پست و همت دون این هوا خطاست

آنکو در آرزوی بزرگی و اعتلاست

بربود رتبه‌ای که نه آن رتبه را سزاست

نفزود رتبه هیچ بر او بلکه نیز کاست

و آن کار پربها شود از مرد را دهاست<sup>۵۶۶</sup>

کار بزرگ و رتبه عالی گرت هواست

فکر بزرگ و همت عالی بیایدش

بسیار دیده‌ایم و شنیده که ناکسی

پستی گرفت رتبه عالی از او و لیک

امر خطیر پست کند عامل حقیر

---

<sup>۵۶۵</sup> (۷) - حاج محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۳۲۷؛ رمضانعلی شاکری: واقفین عمده کتاب / ۲۲.

محمد جواد هوشیار

فرید - نهانندی - محمد

(۸۷) فیاض - علی اکبر (۱۲۷۷ - ۱۳۵۰ ه. ش)

دکتر سید علی اکبر مجیدی فیاض فرزند سید عبد المجید نماینده مجلس شورای ملی، مؤسس دانشکده ادبیات مشهد، استاد دانشگاه و خادم‌باشی حرم مطهر. وی به سال ۱۲۷۷ ه. ش در خانواده‌ای روحانی در مشهد به دنیا آمد. پدرش از مجتهدین مشهد بود. از همان کودکی به آموختن قرآن و مقدمات زبان عربی پرداخت سپس علوم قدیمه را در مدارس مشهد آموخت و از محضر سید ابو القاسم ازغندی، میرزا عبد الجواد ادیب نیشابوری، حاج محمد علی فاضل، آقا بزرگ شهیدی و میرزا محمد باقر مدرس رضوی کسب فیض نمود و در علوم معقول و منقول و ادبیات فارسی و عربی تبحر یافت و به جای پدر به

---

(۱) - سید عبد الحمید خلخالی: تذکره شعرای معاصر ایران ۱ / ۳۰۸؛ علی اکبر گلشن آزادی:

صد سال شعر خراسان / ۴۲۱.

ص: ۱۳۵

عنوان «خادم‌باشی کشیک اول» در آستان قدس رضوی منصوب گردید.<sup>۵۶۷</sup>

در سال ۱۳۰۷ ه. ش ریاست دبیرستان شاهرضای مشهد و همچنین ریاست دانشسرای مقدماتی در مشهد (۱۳۱۴ ه. ش) را عهده‌دار شد و سال ۱۳۱۶ ه. ش به تهران رفت و در کتابخانه دانشکده ادبیات چندی به کتابداری اشتغال داشت. پس از گذراندن دوره لیسانس در سال ۱۳۲۲ ه. ش موفق به اخذ درجه دکترا در زبان و ادبیات فارسی شد بعد به تدریس ملل و نحل در دانشکده علوم معقول و منقول پرداخت. در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم نیز نمایندگی مردم مشهد را در مجلس شورای ملی برعهده گرفت. وی پس از دوره اخیر یکسره به مطالعه و تحقیق و تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۷ ه. ش به دعوت دانشگاه فاروق اول به مصر رفت در دانشکده ادبیات این دانشگاه سخنرانی‌هایی به زبان عربی ایراد کرد. این سخنرانی‌ها در اسکندریه به چاپ رسیده است.<sup>۵۶۸</sup>

---

<sup>۵۶۶</sup> (۱) - سید عبد الحمید خلخالی: تذکره شعرای معاصر ایران ۱ / ۳۰۸؛ علی اکبر گلشن آزادی:

صد سال شعر خراسان / ۴۲۱.

<sup>۵۶۷</sup> (۱) - غلامحسین یوسفی: «تصویری از استاد فیاض»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۴، سال ۷ (۱۳۵۰)، ص ۷۱۷.

<sup>۵۶۸</sup> (۲) - همان.

دکتر فیاض در سال ۱۳۳۴ ه. ش از طرف وزارت فرهنگ مأموریت یافت دانشکده ادبیات مشهد را تأسیس کند و خود مدت نه سال ریاست این دانشکده را برعهده داشت. در ضمن در پایه گذاری و تکمیل کتابخانه دانشکده کوشید در برخی از این سال‌ها در دانشکده ادبیات مشهد تاریخ ادبیات فارسی، تاریخ تمدن و تاریخ ایران بعد از اسلام تدریس می‌کرد، چند سال نیز سرپرستی دانشکده علوم معقول و منقول را که خود در تأسیس آن همکاری مؤثر داشت، عهده‌دار بود. او از سال ۱۳۴۳ ه. ش به دانشگاه تهران برگشت و به مدیریت گروه ادیان و مذاهب در دانشکده الهیات و معارف اسلامی انتخاب شد تا اینکه در سال ۱۳۴۶ ه. ش بازنشسته شد و در مشهد اقامت گزید.<sup>۵۶۹</sup>

---

(۱) - غلامحسین یوسفی: «تصویری از استاد فیاض»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۴، سال ۷ (۱۳۵۰)، ص ۷۱۷.

(۲) - همان.

(۳) - همان / ۷۱۷.

ص: ۱۳۶

دکتر فیاض در سال ۱۳۴۷ ه. ش برای معالجه به سوئیس رفت و مدتی کوتاه در آنجا ماند. از بهمن‌ماه ۱۳۴۹ ه. ش دعوت دانشکده ادبیات مشهد را پذیرفت و در رشته فوق‌لیسانس زبان و ادبیات فارسی، سیر عقاید و آراء اسلامی و متون نثر فارسی را تدریس می‌کرد. دکتر فیاض در انجمن ادبی مشهد، انجمن ادبی ایران شرکت داشت و چندی ریاست انجمن ادبی بهار و ریاست هیأت تحریریه مجله آستان قدس رضوی و نیز نیابت رئیس انجمن قلم در خراسان را برعهده داشت و در هزاره ابن سینا (۱۳۳۳ ه. ش)، کنگره خواجه نصیر الدین طوسی (۱۳۳۵ ه. ش)، هزاره شیخ طوسی (۱۳۴۸ ه. ش) و بزرگداشت ابو الفضل بیهقی (۱۳۴۹ ه. ش) شرکت نمود و در برخی از آنها مقالاتی تحقیقی عرضه کرد.

او با بعضی از دوستان خویش چون مرحوم قاسم غنی در تصحیح تاریخ بیهقی و تألیف تاریخ عصر حافظ مشارکت داشت و نیز در دوره استانداری فرج الله بهرامی در خراسان با همراهی چند تن از فضلاء وقت به تألیف تاریخ مشهد همت گماشت که به چاپ نرسید. استاد فیاض در روز پنج شنبه چهارم شهریور ۱۳۵۰ ه. ش در مشهد درگذشت.<sup>۵۷۰</sup> و در رواق دارالسیاده مبارکه به خاک سپرده شد.<sup>۵۷۱</sup> به پاس خدمات فرهنگی وی کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد به کتابخانه «فیاض» موسوم گشت و به پیشنهاد این دانشکده مقرر گردید یکی از دبیرستان‌ها و نیز یکی از خیابان‌های مشهد به نام «دکتر علی اکبر فیاض» خوانده شود.<sup>۵۷۲</sup>

---

<sup>۵۶۹</sup> (۳) - همان / ۷۱۷.

<sup>۵۷۰</sup> (۱) - همان / ۷۱۹.

<sup>۵۷۱</sup> (۲) - علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۳۴۳.

<sup>۵۷۲</sup> (۳) - غلامحسین یوسفی: پیشین / ۷۱۹ - ۷۲۰.

از ویژگی‌های علمی استاد که می‌توان به آن اشاره نمود آنکه وی دوستدار حقیقت و آشنا به زبان‌های مختلف چون فرانسوی، روسی، انگلیسی، آلمانی و چینی بود. و در زمینه‌های مختلف علمی آگاهی داشت.

---

(۱) - همان / ۷۱۹.

(۲) - علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۳۴۳.

(۳) - غلامحسین یوسفی: پیشین / ۷۱۹ - ۷۲۰.

ص: ۱۳۷

در مطالعه و کسب دانش به تقلید و تعبد اعتقاد نداشت. او اهل اجتهاد و صاحب نظر بود. هر نکته را نقد و ارزیابی می‌کرد، فردی نوگرا و نواندیش، خوش سخن و فصیح بود در سخن گفتن ایجازی هنرمندانه داشت.<sup>۵۷۳</sup>

از آثار چاپ شده استاد فیاض می‌توان به این موارد اشاره کرد:

کتاب‌ها: بیهقی و تاریخ، تاریخ اسلام، تاریخ بیهقی، تصحیح تلویحات سهروردی، فهرست کتب منطق، محاضرات عن الشعر الفارسی و الحضارة الاسلامیه فی ایران، مقدمه بر دیوان ظهیر فاریابی، مقدمه بر رساله بحثی در تصوف دکتر قاسم غنی، مقدمه بر کتاب المصادر زوزنی، مقدمه بر مزارات خراسان، مقدمه بر المظاهر اللهیة صدر الدین محمد شیرازی، مقدمه بر نوای آگاهی.<sup>۵۷۴</sup> و مقالات: ابو مسلم خراسانی، ادب شوروی، ادبیات و زندگی، ترجمه تابوت‌ساز اثر پوشکین، تصوف در شعر فارسی، خبری از مشهد هزار سال پیش، دورنمای نقد ادبی، شعر امروز خراسان، شعر فارسی، قدیمی‌ترین کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی، گزنفن در بازگشت، نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی.<sup>۵۷۵</sup>

از اشعار اوست:

خرد را دگر روز بازار نیست

جهان را دگر با خرد کار نیست

یکی کارش اکنون به هنجار نیست

نبینی به گیتی که سر تا به پای

دل روشن و مغز هشیار نیست

تو گویی در این آدمی پیکران

---

<sup>۵۷۳</sup> (۱) - همان / ۷۰۸ - ۷۱۵.

<sup>۵۷۴</sup> (۲) - همان / ۷۲۰ - ۷۲۲؛ علی اکبر گلشن آزادی:

پیشین / ۴۴۴.

<sup>۵۷۵</sup> (۳) - همان / ۷۲۰ - ۷۲۲.

محمد جواد هوشیار

(۱) - همان / ۷۰۸ - ۷۱۵.

(۲) - همان / ۷۲۰ - ۷۲۲؛ علی اکبر گلشن آزادی:

پیشین / ۴۴۴.

(۳) - همان / ۷۲۰ - ۷۲۲.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۴۴.

ص: ۱۳۸

(۸۸) فیروزی شیرازی - علی (- پیش از ۱۲۹۶ ه. ق)

میرزا علی شیرازی فرزند میرزا رحیم «فخر الدوله» متخلص به «فیروزی» و به قولی «فخری» معروف به فیروزی شیرازی، شاعر غزلسرای دوره قاجار. وی در شیراز می‌زیسته.<sup>۵۷۷</sup>

پدرش میرزا رحیم (متوفی ۱۲۵۸ ه. ق) طبیب و شاعر بود.<sup>۵۷۸</sup> چون پدرش ندیم مجلس شاهزاده «فیروز میرزا» ملقب به «نصرة الدوله» (۱۲۳۳ - ۱۳۰۳ ه. ق) حاکم فارس بود<sup>۵۷۹</sup> بدان جهت فیروزی تخلص کرده است.<sup>۵۸۰</sup> فیروزی شیرازی در زادگاهش به تحصیل هر یک از علوم زمان خود پرداخت و جامع آن علوم شد<sup>۵۸۱</sup> آنگاه به حج رفت و سپس به شیراز و در

<sup>۵۷۶</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۴۴.

<sup>۵۷۷</sup> (۱) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: حدیقة الشعرا / ۲ / ۱۳۹۵؛ شیخ مفید: تذکره مرآت الفصاحة / ۴۸۶.

<sup>۵۷۸</sup> (۲) - ع. خیام‌پور: فرهنگ سخنوران / ۹۶؛ سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: پیشین / ۱ / ۲۷ - ۲۸؛ محمود میرزا قاجار: سفینه‌المحمود / ۵۰۵.

<sup>۵۷۹</sup> (۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۳ / ۱۱۰.

<sup>۵۸۰</sup> (۴) - سید احمد دیوان‌بیگی شیرازی: پیشین / ۲ / ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶.

<sup>۵۸۱</sup> (۵) - همان / ۲ / ۱۳۹۵.



اواخر عمر به مشهد آمد و در همین شهر (قبل از ۱۲۹۶ ه. ق) وفات نمود و به خاک سپرده شد.<sup>۵۸۲</sup> از خصوصیات او می‌توان به فضل و آراستگی اخلاقی او اشاره نمود.<sup>۵۸۳</sup>

بنا به گزارش احمد دیوان بیگی شیرازی (۱۲۹۶ ه. ق)، میرزا علی شیرازی صاحب دیوان شعری بوده است و از اشعار اوست:

گفتم ز غم عشق توام بیم ز جان است	گفتا چه توان کرد ره عشق چنان است
آوخ که به پیری دل ما برد به بازی	آن طفل که محبوب همه پیر و جوان است
آنان که رخ دوست نبینند چه بینند	افسوس ز عمری که به غفلت گذران است. <sup>۵۸۴</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: حدیقة الشعرا ۲ / ۱۳۹۵؛ شیخ مفید: تذکره مرآت الفصاحة / ۴۸۶.

(۲) - ع. خیام‌پور: فرهنگ سخنوران / ۹۶؛ سید احمد دیوان بیگی شیرازی: پیشین ۱ / ۲۷ - ۲۸؛ محمود میرزا قاجار: سفینه المحمود / ۵۰۵.

(۳) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۳ / ۱۱۰.

(۴) - سید احمد دیوان بیگی شیرازی: پیشین ۲ / ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶.

(۵) - همان ۲ / ۱۳۹۵.

(۶) - همان.

(۷) - شیخ مفید: پیشین / ۴۸۶.

---

<sup>۵۸۲</sup> (۶) - همان.

<sup>۵۸۳</sup> (۷) - شیخ مفید: پیشین / ۴۸۶.

<sup>۵۸۴</sup> (۸) - سید احمد دیوان بیگی: پیشین ۲ / ۱۳۹۶.

(۸) - سید احمد دیوان‌بیگی: پیشین ۲ / ۱۳۹۶.

ص: ۱۳۹

(۸۹) فیضی تربتی - علی (قرن ۱۰ ه. ق)

مولانا علی فیضی تربتی متخلص به «فیضی» شاعر اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری قمری. اصلش از شهرستان تربت حیدریه بود و بعضی او را گنابادی می‌دانند.<sup>۵۸۵</sup> در آغاز حیات برای کسب دانش به شهر هرات رفت و مدتی در آنجا به تحصیل پرداخت و سپس از آنجا به عراق و آذربایجان مسافرت کرد. چند گاهی نیز در تبریز اقامت داشت.<sup>۵۸۶</sup>

مولانا علی تربتی در عهد اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ه. ق) به هندوستان رفت و در ستایش اکبر شاه اشعاری سرود و هدایای زیادی گرفت و به شهرهای هند مسافرت کرد.<sup>۵۸۷</sup>

مولانا شعر را به غایت خوب می‌گفت و شیخ فیضی دکنی به استادی او گواهی داد و ایشان را در قطعه‌ای مدح گفت. تقی اوحدی در ستایش او گفته است: «آب و گل تربت وجودش از رشحات سحاب فیض گشته، و کعبه نمود بی‌بودش محبط انوار فیض گشته، خوش طبیعت عالی فطرت آمده، قبل از شیخ فیضی [دکنی] به این تخلص مستفیض شده» در غزل پیرو سبک شاعران پیشین خاصه ناصر خسرو، سعدی و حافظ بود و بر سبک آنان کلامی روان و دلپذیر می‌سرود.<sup>۵۸۸</sup>

سرانجام مولانا فیضی به مشهد آمد و مدتی در این شهر ماند تا اینکه در اوایل قرن دهم هجری و بنا به قولی

---

(۱) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: تذکره مجالس النفایس / ۱۴۵؛ احمد گلچین معانی:

کاروان هند ۲ / ۱۵۷۱؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۴ / ۲۹۳.

(۲) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۲۹۳.

---

<sup>۵۸۵</sup> (۱) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: تذکره مجالس النفایس / ۱۴۵؛ احمد گلچین معانی:

کاروان هند ۲ / ۱۵۷۱؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۴ / ۲۹۳.

<sup>۵۸۶</sup> (۲) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۲۹۳.

<sup>۵۸۷</sup> (۳) - رضا قلی خان هدایت: تذکره ریاض العارفین / ۳۸۵؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعة ۹ / ۸۵۴؛ محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۴ / ۳۸۴؛ سعید

نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۶۵۶.

<sup>۵۸۸</sup> (۴) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۱۴۵؛ رضا قلی خان هدایت: پیشین / ۳۸۵؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۵۷۱؛ ذبیح الله صفا:

پیشین ۴ / ۲۹۳.

(۳) - رضا قلی خان هدایت: تذکره ریاض العارفین / ۳۸۵؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعة ۹ / ۸۵۴؛ محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۴ / ۳۸۴؛ سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۶۵۶.

(۴) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۱۴۵؛ رضا قلی خان هدایت: پیشین / ۳۸۵؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۵۷۱؛ ذبیح الله صفا:

پیشین ۴ / ۲۹۳.

ص: ۱۴۰

دیگر در سال ۸۴۷ ه. ق بدرود حیات گفت.<sup>۵۸۹</sup> از مولانا فیضی دیوان شعری مشتمل بر غزلیات و قصاید در پنج هزار بیت باقی مانده است.<sup>۵۹۰</sup>

این اشعار از اوست:

صرف ره نیستی شده هستی ما

زاهد تو ز مستی منگر پستی ما

فرق است ز مستی تو تا مستی ما<sup>۵۹۱</sup>

ما مست محبتیم و تو مست غرور

و نیز از اشعار اوست:

غبار کوی توام گر بر آسمان شده‌ام

بلندمرتبه زین خاک آستان شده‌ام

که تا خبر شده‌ای، غایب از میان شده‌ام

ز شوق موی میانت چنان گداخت تنم

بیوی وصل تو سرگشته جهان شده‌ام

میپچ سر ز من ای شاخ گل که همچو نسیم

چو سایه منفعل از پیش او روان شده‌ام

نمود روی چو خورشید و من در آن حسرت

ز بس که در مرض هجر ناتوان شده‌ام

فغان که راه عدم هم نمی‌توانم رفت

<sup>۵۸۹</sup> (۱) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۲۹۳؛ سعید نفیسی:

پیشین ۱ / ۶۵۶؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۵۷۱.

<sup>۵۹۰</sup> (۲) - سام میرزا صفوی: تذکره تحفه سامی / ۲۱۱؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۸۵۹.

<sup>۵۹۱</sup> (۳) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۱۴۵، سام میرزا صفوی: پیشین / ۲۱۱، محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۴ / ۳۸۴.

عجب که از دل فیضی برون شود غم او

نمی‌شود، چکنم؟ بارها بر آن شده‌ام<sup>۵۹۲</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۲۹۳؛ سعید نفیسی:

پیشین ۱ / ۶۵۶؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۵۷۱.

(۲) - سام میرزا صفوی: تذکره تحفه سامی / ۲۱۱؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین ۹ / ۸۵۹.

(۳) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۱۴۵، سام میرزا صفوی: پیشین / ۲۱۱، محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۴ / ۳۸۴.

(۴) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۲۹۳.

ص: ۱۴۱

ق

(۹۰) قاطع بدخشانی - ندرعلی (قرن ۱۰ و ۱۱ ه. ق.)

مولانا ندرعلی (نادرعلی) بدخشانی، هنرمند نامی قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری قمری.<sup>۵۹۳</sup> وی از مردم بدخشان بود که به مشهد مهاجرت کرد و تا آخر عمر در این شهر زیست. در لباس درویشی می‌گشت و پیری به غایت نورانی و باصفا بود.<sup>۵۹۴</sup> خط مولانا میرعلی را آن‌چنان می‌برید که هیچ فرق و مزیتی بین آن بریده و قطعه دیده نمی‌شد.<sup>۵۹۵</sup>

مولانا شاگردان بسیاری داشت، ولی هیچ یک نتوانستند به حد مهارت او برسند.

فوت مولانا در اوایل قرن یازدهم هجری قمری در مشهد واقع شد.<sup>۵۹۶</sup>

---

<sup>۵۹۲</sup> (۴) - ذبیح الله صفا: پیشین ۴ / ۲۹۳.

<sup>۵۹۳</sup> (۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۳ / ۱۳۸۳؛ عبد الریف حقیقت: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی / ۸۶۳؛ اثر آفرینان ۶ / ۷۲.

<sup>۵۹۴</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۵۵ - ۱۵۶.

<sup>۵۹۵</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۵۵ - ۱۵۶، اثر آفرینان ۶ / ۷۲.

<sup>۵۹۶</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۵۵ - ۱۵۶، اثر آفرینان ۶ / ۷۲.

رسول سعیدی زاده

قاینی - ابو تراب - جلد اول

(۹۱) قاینی - محمد رضا (۹۹۵ - ۱۰۵۵ ه. ق)

محمد رضا قاینی فرزند حاج محبعلی سبزواری قاری، حافظ قرآن، ادیب و شاعر. وی در سال ۹۹۵ ه. ق

---

(۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۳ / ۱۳۸۳؛ عبد الرفیع حقیقت: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی / ۸۶۳؛ اثر آفرینان ۶ / ۷۲.

(۲) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۵۵ - ۱۵۶.

(۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۵۵ - ۱۵۶، اثر آفرینان ۶ / ۷۲.

(۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۵۵ - ۱۵۶، اثر آفرینان ۶ / ۷۲.

ص: ۱۴۲

متولد شد.<sup>۵۹۷</sup> و از دانشمندان عصر شاه عباس (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ه. ق) و شاه صفی (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ه. ق) می باشد. نخست قرائت را نزد پدرش سپس در روضه رضویه در نزد «محمد امین» فرا گرفت.<sup>۵۹۸</sup> او از حافظان قرآن و از قاریان حرم امام رضا علیه السلام و معلم زیباخوانی در مشهد بود. عاقبت در سال ۱۰۵۵ ه. ق در همین شهر درگذشت و در رواق پایین حرم امام رضا علیه السلام دفن گردید.<sup>۵۹۹</sup> از جمله شاگردان وی در قرائت «مصطفی بن ابراهیم قاری تبریزی» است.<sup>۶۰۰</sup> از آثار وی در تجوید قرآن می توان به این موارد اشاره نمود: «تحفة المحسنین»<sup>۶۰۱</sup> در یک شمامه و دوازده رائقه و یک شریطه که نسخه ای از آن در مدرسه خان بزرگ یزد و کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۳۹۷ موجود است.<sup>۶۰۲</sup>

---

<sup>۵۹۷</sup> (۱) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۷ / ۱۱۸.

<sup>۵۹۸</sup> (۲) - همان.

<sup>۵۹۹</sup> (۳) - آقابزرگ تهرانی: طبقات الاعلام الشیعه قرن ۱۱ / ۲۱۹.

<sup>۶۰۰</sup> (۴) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۷ / ۱۱۸؛ سید محسن امین: اعیان الشیعه ۹ / ۳۳۴.

<sup>۶۰۱</sup> (۵) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۷ / ۱۱۸.

<sup>۶۰۲</sup> (۶) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۳ / ۴۴۶؛ سید محسن امین: پیشین ۹ / ۳۳۴.

«حیات جاودانی»<sup>۶۰۳</sup> که شرحی منظوم است به پارسی بر کتاب «حرز الامانی و وجه التهانی فی القرائات السبع المثانی» مشهور به «قصیده شاطبیه» نوشته ابو محمد قاسم شاطبی - متوفی ۵۹۰ ه. ق -<sup>۶۰۴</sup> قاینی آن را در اواخر حیات شاه صفی (۱۰۵۰ - ۱۰۵۲ ه. ق) به نظم پارسی گزارش کرده که بیش از ۲۳۵۰ بیت می‌باشد<sup>۶۰۵</sup> و «منظومه راحت جان» در ۴۱۴ بیت که نسخه‌ای از آن به شماره ۶۱ و کتابت سال ۱۰۷۵ ه. ق در آستان قدس رضوی موجود می‌باشد.<sup>۶۰۶</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۷ / ۱۱۸.

(۲) - همان.

(۳) - آقابزرگ تهرانی: طبقات الاعلام الشیعه قرن ۱۱ / ۲۱۹.

(۴) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۷ / ۱۱۸؛ سید محسن امین: اعیان الشیعه ۹ / ۳۳۴.

(۵) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۷ / ۱۱۸.

(۶) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۳ / ۴۴۶؛ سید محسن امین: پیشین ۹ / ۳۳۴.

(۷) - سید محسن سعیدزاده: بزرگان قاین ۱ / ۵۲۳.

(۸) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۷ / ۱۱۸.

(۹) - حاجی خلیفه: کشف الظنون ۱ / ۶۴۶؛ اسماعیل پاشا بغدادی: هدیه العارفین ۱ / ۸۲۸.

(۱۰) - سید محسن سعیدزاده: پیشین ۱ / ۵۲۳.

ص: ۱۴۳

(۹۲) قدسی خراسانی (- ۱۲۷۰ ه. ق)

---

<sup>۶۰۳</sup> (۷) - سید محسن سعیدزاده: بزرگان قاین ۱ / ۵۲۳.

<sup>۶۰۴</sup> (۸) - آقابزرگ تهرانی: پیشین ۷ / ۱۱۸.

<sup>۶۰۵</sup> (۹) - حاجی خلیفه: کشف الظنون ۱ / ۶۴۶؛ اسماعیل پاشا بغدادی: هدیه العارفین ۱ / ۸۲۸.

<sup>۶۰۶</sup> (۱۰) - سید محسن سعیدزاده: پیشین ۱ / ۵۲۳.

قدسی خراسانی فقیه و خوشنویس قرن سیزدهم. قدسی خواهرزاده و شاگرد میرزا سنگلاخ خوبشانی می‌باشد. او در اسفراین به دنیا آمد و پس از طی مقدمات برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و در سی و سه سالگی در علوم فقه و اصول به کرسی استادی رسید. میرزا سنگلاخ او را به استانبول فراخواند و به وی خط نستعلیق و شکسته را آموخت، پس از مدتی اقامت در استانبول به مشهد برگشت و از آنجا به اسفراین رفت.

قدسی در سال ۱۲۷۰ ه. ق فوت کرد و در مشهد به خاک سپرده شد.<sup>۶۰۷</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۹۳) قدسی مشهدی - محمد جان (۹۸۹ یا ۹۹۰ - ۱۰۵۶ ه. ق)

حاجی محمد جان مشهدی متخلص به «قدسی» سقا و خزانه‌دار آستان قدس و شاعر قرن یازدهم مشهد. او انسانی پاک‌طینت و اصلش از مشهد مقدس بود.<sup>۶۰۸</sup> وی رئیس بقالان مشهد بود و به بقالی اشتغال داشت و از این راه به مال و ثروت بسیاری دست یافت و بیشتر اوقات با حکام مشهد همشینی می‌کرد. در مجالس بزرگان حاضر می‌شد، و به مرتبه خزانه‌داری و سقایی زوار امام رضا علیه السلام رسید.<sup>۶۰۹</sup> او ناچار بود از خزانه تهی آن حضرت پاسداری و گرفتاری‌های صیانت از موقوفات حرم را به جان دل بخرد.<sup>۶۱۰</sup>

---

(۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۶ / ۱۹۹؛ عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۵۴۳.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۲۶؛ محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۵۶۲؛ لطفعلی بیک آذر بیگدلی:

آتشکده آذر / ۹۶؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۲ / ۱۰۹۶.

(۳) - ملا عبد النبي فخر الزمانی قزوینی: تذکره میخانه / ۸۲۱ - ۸۲۲؛ محمد علی خزانه‌دار لو:

منظومه‌های فارسی / ۴۸۰؛ علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۲۵۸.

---

<sup>۶۰۷</sup> (۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۶ / ۱۹۹؛ عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۵۴۳.

<sup>۶۰۸</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۲۶؛ محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۵۶۲؛ لطفعلی بیک آذر بیگدلی:

آتشکده آذر / ۹۶؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۲ / ۱۰۹۶.

<sup>۶۰۹</sup> (۳) - ملا عبد النبي فخر الزمانی قزوینی: تذکره میخانه / ۸۲۱ - ۸۲۲؛ محمد علی خزانه‌دار لو:

منظومه‌های فارسی / ۴۸۰؛ علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۲۵۸.

<sup>۶۱۰</sup> (۴) - سید حسام‌الدین راشدی: تذکره شعرای - کشمیر ۳ / ۱۲۶۰؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۵ / ۱۱۴۸.

از آن وظیفه چه خیزد که پاره باید کرد  
خزانه‌دار که رنگ زرش به جای زرست  
خزانه‌داری من اسم بی‌مسمایی است  
ز من وظیفه نقدی اگر کنند طلب  
وظیفه دیدن مهر در خزینه بس است  
ز شرم اهل طلب تا کی از میان خود را  
به مال وقف چو بی‌برکتی فروشده‌ام  
ز رقعہ‌های عزیزان روم مرقع‌پوش  
اگر خزانه تهی شد ز نقد باکی نیست

هزار کفش برای برات صد دینار  
به کار خود شده حیران صورت دیوار  
و گرنه چون خجلم از رخ صغار و کبار  
جواب نیست جز اینم به زمره اختیار  
چه حاجتست به تصدیع درهم و دینار  
چو فرد باطل دفتر کسی کشد به کنار  
چنان‌که وقف بود بر سرم چو گل دستار  
چو نخل پیش عماری به کوچه و بازار  
پرست مخزن طبعم ز گوهر شهوار<sup>۶۱۱</sup>

قدسی در ایام جوانی به زیارت خانه خدا رفت، سپس دوباره به مشهد برگشت.<sup>۶۱۲</sup> در زمان تسلط تورانیان و ازبکان بر خراسان به عراق عجم و دیدار شاه عباس اول رفت و مورد مراحم شاهی قرار گرفت. پس از فتح خراسان در سال ۱۰۰۶ ه. ق دوباره به مشهد برگشت.<sup>۶۱۳</sup> وجود خونریزی و غارتگری در وطن موجب دلتنگی وی شد و قصد سفر نمود ولی دلتنگی مانع از این کار گردید.<sup>۶۱۴</sup>

جغد هم در کلبه من جا نمی‌گیرد ز ننگ  
کار من اندیشه خام است شب‌ها تا به روز  
کس ندارد یاد در عالم چنین جای خراب  
روزها افتاده‌ام تا شب به فکر ناصواب

<sup>۶۱۱</sup> (۱) - محمد جان قدسی: دیوان حاجی محمد جان قدسی مشهدی / ۱۱۱-۱۱۲.

<sup>۶۱۲</sup> (۲) - ملا عبد‌النبی فخر‌الزمانی قزوینی: پیشین / ۸۲۱-۸۲۲.

<sup>۶۱۳</sup> (۳) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۰۹۷.

<sup>۶۱۴</sup> (۴) - همان / ۲ / ۱۱۰۰.



داد از این ناامنی دوران که باشد بر حذر  
حادثات از حادثات و انقلاب از انقلاب  
صرف شد بر گفتن و دیدن مدارم روز و شب  
دیدنم خواب پریشان، گفتنم تعبیر خواب  
بهر مستی خاک هر ساعت میان این گروه  
تازه می‌گردد نزاع رستم و افراسیاب

---

- کشمیر ۳ / ۱۲۶۰؛ ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۵ / ۱۱۴۸.

(۱) - محمد جان قدسی: دیوان حاجی محمد جان قدسی مشهدی / ۱۱۱ - ۱۱۲.

(۲) - ملا عبد النبی فخر الزمانی قزوینی: پیشین / ۸۲۱ - ۸۲۲.

(۳) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۰۹۷.

(۴) - همان ۲ / ۱۱۰۰.

ص: ۱۴۵

این منم کز خارخار غربت و حبّ وطن  
مانده‌ام یک پای در دامان و یک پا در رکاب<sup>۶۱۵</sup>

چندی بعد به دعوت حاکم خراسان حسن خان شاملو روی به سوی هرات نهاد اما وقتی که برگشت از مرگ فرزند بیست  
ساله‌اش محمد باقر آگاه شد. و در سوگ او قصیده‌ای سرود.<sup>۶۱۶</sup>

قدسی در پنجاه سالگی<sup>۶۱۷</sup> از مشهد دلگیر شد.<sup>۶۱۸</sup> و دوباره به زیارت مکه معظمه رفت:

خیز قدسی بیش از این در قید این کشور مباحث  
مدتی بودی گرفتار وطن، دیگر مباحث

---

<sup>۶۱۵</sup> (۱) - محمد جان قدسی: پیشین / ۷۹ - ۸۰.

<sup>۶۱۶</sup> (۲) - همان / ۱۲۵ - ۱۳۵.

<sup>۶۱۷</sup> (۳) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۰۹۸.

<sup>۶۱۸</sup> (۴) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: پیشین / ۹۶؛ محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶.

جغد در ویرانه چون جا می‌دهد دیوانه را  
سایه بال‌ها یک چند گو بر سر مباحث

در حضر گر تنگ شد جای، سفر کن اختیار  
در دل دریا گره، چون آب در گوهر مباحث

عاقبت پابستگی دل‌بستگی بار آورد  
گر رود کشتی به طوفان، تابع لنگر مباحث<sup>۶۱۹</sup>

قدسی در سال ۱۰۴۲ ه. ق و بنا به قولی سال ۱۰۴۱ ه. ق که مصادف با سال پنجم جلوس شاه جهان بود.<sup>۶۲۰</sup> در «وسعت‌آباد» هند به درگاه شاهی راه یافت. شاه جهان به وی لقب «ملک الشعرايي» داد.<sup>۶۲۱</sup> قدسی در بدو ورود قصیده‌ای به مطلع زیر خواند:

ای قلم بر خود بیال از شادی و بگشا زبان  
در ثنای قبله دین ثانی صاحبقران

شاه جهان دستور داد تا دو هزار رویه و بنابر قولی هم‌وزن خودش که پنج هزار و پانصد رویه می‌شد طلا به او بدهند و مقرر ماهانه برایش معین کنند.<sup>۶۲۲</sup> مقامات دربار در مناسبت‌های

---

(۱) - محمد جان قدسی: پیشین / ۷۹ - ۸۰.

(۲) - همان / ۱۲۵ - ۱۳۵.

(۳) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۰۹۸.

(۴) - لطفعلی بیک آذر بیگدلی: پیشین / ۹۶؛ محمد ظاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶.

(۵) - محمد جان قدسی: پیشین / ۲۵۸ - ۲۵۹؛ احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۱۰۵ - ۱۱۰۶.

(۶) - محمد صالح کنبو: عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه ۳ / ۳۰۵؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین / ۳ / ۱۲۵۶.

(۷) - شیر علی خان لودی: تذکره مرآة الخيال / ۶۹؛ آزاد بلگرامی: تذکره سرو آزاد / ۶۱ - ۶۳.

---

<sup>۶۱۹</sup> (۵) - محمد جان قدسی: پیشین / ۲۵۸ - ۲۵۹؛ احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۱۰۵ - ۱۱۰۶.

<sup>۶۲۰</sup> (۶) - محمد صالح کنبو: عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه ۳ / ۳۰۵؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین / ۳ / ۱۲۵۶.

<sup>۶۲۱</sup> (۷) - شیر علی خان لودی: تذکره مرآة الخيال / ۶۹؛ آزاد بلگرامی: تذکره سرو آزاد / ۶۱ - ۶۳.

<sup>۶۲۲</sup> (۸) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۶۱ - ۶۳؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین / ۳ / ۱۲۳۷؛ ذبیح الله صفا:

پیشین / ۵ / ۱۱۴۹؛ عبد الحسین نوایی: ایران و جهان / ۱ / ۵۲۰.

(۸) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۶۱-۶۳؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۳۷؛ ذبیح الله صفا:

پیشین ۵ / ۱۱۴۹؛ عبد الحسین نوایی: ایران و جهان ۱ / ۵۲۰.

ص: ۱۴۶

مختلف نیز به وی انعام می‌دادند. در جشن بهبودی جهان‌آرا بیگم دختر شاه جهان خلعت و دو هزار روپیه گرفت.<sup>۶۲۳</sup>

از اموال زیادی که به دستش می‌رسید مبلغ کلانی را برای دو پسر و سایر بازماندگانش در مشهد می‌فرستاد.

قدسی در هند کمال عزت و منزلت یافت و همیشه در خدمت پادشاه و بزرگان و شعرا بود به گونه‌ای که ابو طالب آملی که دارای مرتبه ملک الشعرايي بود، برای مراعات حال قدسی در نزد پادشاه، پایین‌دست وی قرار می‌گرفت.<sup>۶۲۴</sup>

معروف است که به دستور شاه جهان اشعار وی را به مینای زمرد خام نگاشته و بر سرایرده پادشاهی آویزان نمودند.<sup>۶۲۵</sup>

قدسی از جمله سرآمدان مدیحه‌سرای عصر خویش بود.<sup>۶۲۶</sup> در لطافت الفاظ و عذوبت معانی و تازگی سخن بی‌مانند<sup>۶۲۷</sup> و در پرداختن شعر دارای طبع متین و در اداء کردن مضامین رنگین‌یگانه و از جهت هوش و ذکاوت بر دیگر شعرای عراق و خراسان برتر بود.<sup>۶۲۸</sup> قصیده و مثنوی زیاد داشت، ولی غزلیاتش مختصر بود و آنچه هست پر مغز می‌باشد.<sup>۶۲۹</sup> از مشخصات شعر قدسی استفاده از صنعت ارسال المثل است که اغلب به خوبی از عهده آن برآمده است:

عشق در مردن و در زیستن از من نبرید  
غلط است این‌که بود گور جدا، خانه جدا<sup>۶۳۰</sup>

بیشتر قصیده‌های وی در ستایش امامان و بعضی در مدح حاکم مشهد حسن خان شاملو بیگلربیگی، شاه جهان، ترکیب و ترجیع‌های در ساقی‌نامه، مرثیه پسرش و چند تن دیگر

<sup>۶۲۳</sup> (۱) - سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۴۵-۱۲۴۶، ۱۲۵۰؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۱۱۰.

<sup>۶۲۴</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶.

<sup>۶۲۵</sup> (۳) - سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۳۴.

<sup>۶۲۶</sup> (۴) - شیر علی خان لودی: پیشین / ۶۹.

<sup>۶۲۷</sup> (۵) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۰۹۷؛ محمد صالح کتبو: پیشین ۳ / ۳۰۵.

<sup>۶۲۸</sup> (۶) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۵۶۲.

<sup>۶۲۹</sup> (۷) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۶۱-۶۳؛ شبلی نعمانی: شعر العجم ۵ / ۲۳.

<sup>۶۳۰</sup> (۸) - محمد جان قدسی: پیشین، مقدمه / ۲۴، ۲۸، ۲۹.

---

(۱) - سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۴۵ - ۱۲۴۶، ۱۲۵۰؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۱۱۰.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶.

(۳) - سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۳۴.

(۴) - شیر علی خان لودی: پیشین / ۶۹.

(۵) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۰۹۷؛ محمد صالح کنبو: پیشین ۳ / ۳۰۵.

(۶) - محمد قدرت الله گوپاموی: پیشین / ۵۶۲.

(۷) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۶۱ - ۶۳؛ شبلی نعمانی: شعر العجم / ۲۳.

(۸) - محمد جان قدسی: پیشین، مقدمه / ۲۴، ۲۸، ۲۹.

ص: ۱۴۷

می‌باشد. ۶۳۱

مثنوی ظفرنامه به بحر متقارب در فتوحات شاه جهان که عمرش در اتمام آن کفاف نداد و کلیم کاشانی آن را به اتمام رساند. ۶۳۲

مثنوی در مدح بهار،<sup>۶۳۳</sup> مثنوی در ضعف و ناتوانی که شاعران دیگر از جمله طالب آملی و مسیح کاشانی از آن استقبال کردند،<sup>۶۳۴</sup> مثنوی در وصف باغ اکبرآباد یا آصف‌آباد و ساقی‌نامه به بحر متقارب.<sup>۶۳۵</sup>

مرگ قدسی را در هشتم ربیع الثانی سال ۱۰۵۶ ه. ق در لاهور ثبت کردند.<sup>۶۳۶</sup>

---

<sup>۶۳۱</sup> (۱) - ذبیح الله صفا: پیشین ۵ / ۱۱۵۱.

<sup>۶۳۲</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۵ / ۱۱۵۲، اثرآفرینان ۴ / ۳۳۴.

<sup>۶۳۳</sup> (۳) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۵ / ۱۱۵۲.

<sup>۶۳۴</sup> (۴) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۵۸.

<sup>۶۳۵</sup> (۵) - سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۹۷؛ اثرآفرینان ۴ / ۳۳۴.

<sup>۶۳۶</sup> (۶) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۶۱ - ۶۳؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۴۶، ۱۲۶۱ - ۱۲۶۹؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۱۱۰؛ محمد علی

خزانه‌دار لو: منظومه‌های فارسی / ۴۸۰.

بنا به قولی به سال ۱۰۵۵ ه. ق فوت کرد.<sup>۶۳۷</sup> سال‌ها بعد استخوان‌های قدسی را جمع کرده و به مشهد آوردند و در این شهر مدفون ساختند.<sup>۶۳۸</sup>

رسول سعیدی زاده

(۹۴) قدسی نژاد - غلامرضا (۱۳۰۴ - ۱۳۶۸ ه. ش)

غلامرضا میرزا جانی فرزند میرزا مهدی مشهدی<sup>۶۳۹</sup> شاعر مبارز مشهد و متخلص به «قدسی» و معروف به غلامرضا قدسی مشهدی. وی در سال ۱۳۰۴ ه. ش در شهر مشهد در خانواده‌ای متدین متولد شد.<sup>۶۴۰</sup> پدرش

---

(۱) - ذبیح الله صفا: پیشین ۵ / ۱۱۵۱.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۵ / ۱۱۵۲، اثر آفرینان ۴ / ۳۳۴.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۲۶؛ ذبیح الله صفا: پیشین ۵ / ۱۱۵۲.

(۴) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۵۸.

(۵) - سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۹۷؛ اثر آفرینان ۴ / ۳۳۴.

(۶) - آزاد بلگرامی: پیشین / ۶۱ - ۶۳؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۴۶، ۱۲۶۱ - ۱۲۶۹؛ احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۱۱۰؛ محمد علی خزانه‌دار لو: منظومه‌های فارسی / ۴۸۰.

(۷) - شیر علی خان لودی: پیشین / ۶۹.

(۸) - لطفعلی بیک آذر بیگدلی: پیشین / ۶۹؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۶۱؛ محمد علی خزانه‌دار لو: پیشین / ۴۸۰.

(۹) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۵۰.

---

<sup>۶۳۷</sup> (۷) - شیر علی خان لودی: پیشین / ۶۹.

<sup>۶۳۸</sup> (۸) - لطفعلی بیک آذر بیگدلی: پیشین / ۶۹؛ سید حسام الدین راشدی: پیشین ۳ / ۱۲۶۱؛ محمد علی خزانه‌دار لو: پیشین / ۴۸۰.

<sup>۶۳۹</sup> (۹) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۵۰.

<sup>۶۴۰</sup> (۱۰) - مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۱۹۳.

(۱۰) - مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۱۹۳.

ص: ۱۴۸

بازاری بود و نسبش به میرزا محمد جان قدسی شاعر عصر صفوی می‌رسد که به سال ۱۰۴۲ ه. ق در عهد شاه جهان به هند رفت.<sup>۶۴۱</sup>

وی پس از به پایان رساندن تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم حوزوی پرداخت، ادبیات را در نزد شیخ محمد تقی ادیب نیشابوری، فقه و اصول را نزد سید هاشم قزوینی و فلسفه و کلام را در دانشکده معقول و منقول فرا گرفت. پس از کسب گواهینامه مدرسی در مهدیه مرحوم عابدزاده به تدریس مشغول گردید ولی به علل سیاسی از کارش جلوگیری شد.<sup>۶۴۲</sup> وی در کانون نشر حقایق اسلامی فعالیت داشت و به مرحوم استاد محمد تقی شریعتی ارادت می‌ورزید.<sup>۶۴۳</sup>

قدسی از سن شانزده سالگی به سرودن شعر روی آورد، در انجمن‌های ادبی شرکت می‌جست. پس از مدتی با همکاری گروهی از دوستانش انجمن ادبی فردوسی را در مشهد پایه‌ریزی نمود.<sup>۶۴۴</sup> این انجمن از سال ۱۳۲۸ ه. ش به طور ثابت در خانه مرحوم سرگرد نگارنده مستقر شد. او مدتی نیز در محفل محمود فرخ شرکت می‌کرد و از سال ۱۳۲۹ ه. ش به کار در بازار مشغول گردید.<sup>۶۴۵</sup> قدسی فعالیت‌های سیاسی خود را از زمان نهضت ملی شروع کرد و با شعر خود از این نهضت

---

(۱) - غلامرضا قدسی: نغمه‌های قدسی، مقدمه / ۳۹.

(۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ غلامرضا قدسی: پیشین، مقدمه / ۳۹.

(۳) - غلامرضا قدسی: پیشین، مقدمه / ۳۹.

(۴) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ غلامرضا قدسی: پیشین / ۳۹.

(۵) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۳۹.

ص: ۱۴۹

---

<sup>۶۴۱</sup> (۱) - غلامرضا قدسی: نغمه‌های قدسی، مقدمه / ۳۹.

<sup>۶۴۲</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ غلامرضا قدسی: پیشین، مقدمه / ۳۹.

<sup>۶۴۳</sup> (۳) - غلامرضا قدسی: پیشین، مقدمه / ۳۹.

<sup>۶۴۴</sup> (۴) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ غلامرضا قدسی: پیشین / ۳۹.

<sup>۶۴۵</sup> (۵) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۳۹.

حمایت می‌نمود. برای جلب روستائیان و حضورشان در انتخابات مجلس شورای ملی و رأی دادن به کاندیداهای مردمی اشعاری به لهجه مشهدی می‌سرود و برایشان می‌خواند.<sup>۶۴۶</sup>

پس از کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ ه. ش، قدسی مبارزه سیاسی و مذهبی خود را ادامه داد. در جریان نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ به صفوف مبارزین پیوست و این امر منجر به دستگیری و زندانی شدن وی به مدت یک سال گردید.<sup>۶۴۷</sup>

در سال ۱۳۴۳ سید محمود فرخ شاعر مشهدی کارپردازی شرکت نساجی و نخریسی خسروی را به او واگذار کرد. قدسی در کنار کارهای اداری همچنان به مسایل سیاسی می‌پرداخت. حکومت طاغوت چون نتوانست او را با پول نرم کند به زور متوسل شد.<sup>۶۴۸</sup> در سال ۱۳۵۰ یا ۱۳۵۱ ه. ش برای بار دوم به زندان افتاد و مدت چهار سال از عمر خود را در زندانهای مشهد، قصر، قزل قلعه و اوین تهران سپری نمود.<sup>۶۴۹</sup> پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۵ ه. ش در دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران به کار ترجمه و تصحیح کتب پرداخت. وی از هم‌زمان حضرت آیت الله خامنه‌ای و استاد محمد تقی شریعتی و از یاران نزدیک دکتر علی شریعتی بود.<sup>۶۵۰</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال مدیریت کل اوقاف و یک سال نیز مدیریت کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان را به عهده داشت. بعد از آن از مشاغل اداری دست کشید و به خاطر تسلطی که بر ادبیات عربی و فارسی داشت به تدریس ادبیات و زبان فارسی در دانشکده ادبیات مشهد و سایر دانشکده‌ها روی آورد.<sup>۶۵۱</sup>

قدسی سفرهای چندی به کشورهای عربستان، سوریه، عراق و هندوستان کرد. انگیزه سفرش به هند انجام خدمات فرهنگی و یافتن دیوان اشعار

---

(۱) - همان؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳.

(۲) - همان.

(۳) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۰.

(۴) - همان.

---

<sup>۶۴۶</sup> (۱) - همان؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳.

<sup>۶۴۷</sup> (۲) - همان.

<sup>۶۴۸</sup> (۳) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۰.

<sup>۶۴۹</sup> (۴) - همان.

<sup>۶۵۰</sup> (۵) - همان.

<sup>۶۵۱</sup> (۶) - همان؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۵۰.

(۵) - همان.

(۶) - همان؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۵۰.

ص: ۱۵۰

جدش «محمد جان قدسی» بود.<sup>۶۵۲</sup> در سال‌های اخیر در مجالس و کنگره‌های ادبی و شعرخوانی شرکت می‌کرد.<sup>۶۵۳</sup>

قدسی شاعری خوش‌ذوق و توانا بود. مضامین شعری را نیکو و شیرین ادا می‌کرد و به شعر کلاسیک علاقه‌مند بود.

در طول عمرش به آزمودن شیوه‌های دیگر دست نزد، از بین قالب‌های شعری به غزل و از میان سبک‌ها بیشتر به هندی تمایل داشت. اشعار اجتماعی را استادانه می‌سرود.<sup>۶۵۴</sup> در بسیاری از اشعارش، جوانان را خطاب قرار می‌داد و روح امیدواری در آنان می‌دمید. و به مناسبت‌های گوناگون بالبداهه شعر در قالب رباعی می‌گفت. در سرودن ماده تاریخ استاد بود. او اشعار فارسی و عربی بسیاری از حفظ بود، اما هیچ وقت شعرهای خود را به حافظه نمی‌سپرد.<sup>۶۵۵</sup>

قدسی شاعری آزاده و متدین و عارفی وارسته و دل‌آگاه، خون‌گرم و زودجوش و خوش‌محضر و شجاع بود. مناعت طبع و استغنائی بسیار و دستی گشاده داشت. در دوستی یکروی و یکرنگ بود. اگر کسی حاجتی داشت در حد توانایی در برآوردن آن می‌کوشید و می‌گفت در این‌گونه موارد باید از آبروی خود مایه گذاشت. منصف بود و انتقاد را قبول می‌کرد اما در دو سال آخر عمرش به سبب پاره‌ای تألمات، بسیار حساس و زودرنج شده بود و کوچکترین ایراد را بر شعر خود نمی‌پذیرفت.<sup>۶۵۶</sup>

آثار و نوشته‌های قدسی در دستبردهای مکرر ساواک به منزلش از بین رفت.<sup>۶۵۷</sup> خودش می‌گفت که در زندان اوین دفتری ساختم ولی زندانبانان با نیرنگ و فریب آن را از من گرفتند و دیگر باز پس ندادند. مثنوی

---

(۱) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۰، مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳.

(۲) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۳.

(۳) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۵۰.

---

<sup>۶۵۲</sup> (۱) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۰، مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳.

<sup>۶۵۳</sup> (۲) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۳.

<sup>۶۵۴</sup> (۳) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۵۰.

<sup>۶۵۵</sup> (۴) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۲ - ۴۳.

<sup>۶۵۶</sup> (۵) - همان / ۴۰ - ۴۱.

<sup>۶۵۷</sup> (۶) - همان / ۴۲، علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۵۰.



(۴) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۲ - ۴۳.

(۵) - همان / ۴۰ - ۴۱.

(۶) - همان / ۴۲، علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۵۰.

ص: ۱۵۱

مرغ حق، غزلی با مطلع: بوی گل‌های چیده می‌آید، چند شعر برای فرزندان و نیز تعدادی رباعی از جمله اشعار آن مجموعه است. آنچه از اشعار قدسی برجای مانده است، بیشتر مربوط به سال‌های بعد از ۱۳۵۵ ه. ش می‌باشد.<sup>۶۵۸</sup>

از آثار وی می‌توان به «یاران پیامبر» چاپ انتشارات بعثت در سال ۱۳۵۶ ه. ش، دیوان شعر به نام «نغمه‌های قدسی» که از طرف اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان با مقدمه مهرداد اوستا و به کوشش محمد قهرمان در سال ۱۳۷۰ ه. ش چاپ شد، «دیوان خواجه شمس الدین محمد»، «در سوگ آن بزرگ» و نیز دو کتاب «شعر امروز خراسان» و «غزل معاصر ایران» اشاره کرد.<sup>۶۵۹</sup>

قدسی پس از ۶۴ سال زندگانی در این جهان فانی، سرانجام در عصر روز سه‌شنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۶۸ ه. ش به سکت قلبی درگذشت. روز بعد جسدش در یکی از غرفه‌های صحن نو در حرم رضوی در کنار «جودی» شاعر مخلص اهل بیت علیهم السلام به خاک سپرده شد.<sup>۶۶۰</sup>

از غزلیات قدسی مشهدی است:

بیا قرار دل بی‌قرار هم باشیم	بیا قرار دل بی‌قرار هم باشیم
نسیم لطف، شکوفا کند دل ما را	نسیم لطف، شکوفا کند دل ما را
کنون که محفل عالم تهی ز روشنی است	کنون که محفل عالم تهی ز روشنی است
دهیم آینه دل جلا ز مهر و وفا	دهیم آینه دل جلا ز مهر و وفا
کنیم هم چو جوانی به پیری از هم یاد	کنیم هم چو جوانی به پیری از هم یاد
به روز حادثه غمخوار و یار هم باشیم	به روز حادثه غمخوار و یار هم باشیم
چو برگ‌های گلی گر کنار هم باشیم	چو برگ‌های گلی گر کنار هم باشیم
چراغ انجمن شام تار هم باشیم	چراغ انجمن شام تار هم باشیم
ز روی صدق و صفا دوستدار هم باشیم	ز روی صدق و صفا دوستدار هم باشیم
فرح فزای خزان و بهار هم باشیم	فرح فزای خزان و بهار هم باشیم

<sup>۶۵۸</sup> (۱) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۲.

<sup>۶۵۹</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳.

<sup>۶۶۰</sup> (۳) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۳؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ علی اکبر گلشن آزادی:

پیشین / ۴۵۰.

به جام ما چو به جز خون نریخت ساقی دهر

بیا که لاله صفت داغدار هم باشیم

چراغ مهر، پس از مرگ هم فروغ دهد

اگر که شعله شمع مزار هم باشیم

چو در زمانه به دل‌ها قرار «قدسی» نیست

بیا قرار دل بی‌قرار هم باشیم<sup>۶۶۱</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۲.

(۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳.

(۳) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۴۳؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۱۹۳؛ علی اکبر گلشن آزادی:

پیشین / ۴۵۰.

(۴) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۸۵.

ص: ۱۵۲

قریب - گرگانی - محمد حسین، جلد اول

(۹۵) قزوینی - سلطان الفقرا (قرن ۱۰ ه. ق)

سلطان الفقرا شاعر غزلسرای قزوین در عهد شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ ه. ق). او نخست صراف می‌کرد و مردی درویش مشرب بود. سفری به هند رفت و در بازگشت به ایران وارد دربار شاه طهماسب شد و مورد توجه او قرار گرفت، سپس به مشهد آمد و از سوی شاه برای او مقرری تعیین شد، وی در مشهد بود تا درگذشت. در شعر از سبک حافظ (متوفی ۷۹۱ ه. ق) پیروی کرده و برخی از ابیات او را جواب گفته است.<sup>۶۶۲</sup>

او در جواب این بیت حافظ:

---

<sup>۶۶۱</sup> (۴) - غلامرضا قدسی: پیشین / ۸۵

<sup>۶۶۲</sup> (۱) - اسکندر بیک منشی: عالم‌آرای عباسی ۱ / ۲۹۲.

غلام همت آن رند عافیت سوزم

که در گداصفتی کیمیاگری داند<sup>۶۶۳</sup>

گوید:

فنای مطلقم اکسیر کیمیای بقاست

خوشا کسی که چنین کیمیاگری داند<sup>۶۶۴</sup>

و نیز در پاسخ این بیت حافظ:

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند

گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند<sup>۶۶۵</sup>

می گوید:

در این خانه که بر روی کسی بسته نشد

چه توان گفت ملایک در میخانه زدند<sup>۶۶۶</sup>

البته لازم به ذکر است که نخستین منبعی که شرح حال سلطان الفقرا را آورده، عالم‌آرای عباسی است. دیگران چون سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر و احمد گلچین معانی در کاروان هند با بهره‌گیری از همین منبع شرح حال او را نوشته‌اند.<sup>۶۶۷</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - اسکندر بیک منشی: عالم‌آرای عباسی / ۱ / ۲۹۲.

(۲) - دیوان حافظ به اهتمام ابو القاسم انجوی / ۱۱۷.

(۳) - اسکندر بیک منشی: پیشین / ۱ / ۲۹۲.

(۴) - دیوان حافظ / ۷۷.

---

<sup>۶۶۳</sup> (۲) - دیوان حافظ به اهتمام ابو القاسم انجوی / ۱۱۷.

<sup>۶۶۴</sup> (۳) - اسکندر بیک منشی: پیشین / ۱ / ۲۹۲.

<sup>۶۶۵</sup> (۴) - دیوان حافظ / ۷۷.

<sup>۶۶۶</sup> (۵) - اسکندر بیک منشی: پیشین / ۱ / ۲۹۲.

<sup>۶۶۷</sup> (۶) - ر. ک: سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران / ۱ / ۴۶۱؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند / ۱ / ۵۶۵.

(۵) - اسکندر بیک منشی: پیشین ۱ / ۲۹۲.

(۶) - ر. ک: سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۴۶۱؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۵۶۵.

ص: ۱۵۳

(۹۶) قصاب کاشانی - سعید (- پیش از ۱۱۶۴ ه. ق)

سعید قصاب کاشانی متخلص به «قصاب» شاعر قرن دوازدهم هجری.<sup>۶۶۸</sup>

قصاب آمده است ز کاشان به زیر خاک      سنگی که نرخ گوهر آمل شکسته است<sup>۶۶۹</sup>

وی از معاصرین و شاگردان صائب تبریزی<sup>۶۷۰</sup> است. و از اشعارش برمی آید که شغل قصابی داشته است:

گوسپند او منم قصاب در این انتظار      می نماید دیر قربانم نمی دانم چرا  
رو مکن از گله قربانیان قصاب را      جان من بی سگ در این صحرا شبانی مشکل  
است<sup>۶۷۱</sup>

قصاب چندی در هندوستان بود.

نیست اصلا رحم در دل گلرخان هند را      بی سبب قصاب خود را در عذاب انداخته

وی شاعری پراحساس بود و با آنکه سواد کافی نداشت، اشعار دلنشینی از طبع موزون او به یادگار مانده است.<sup>۶۷۲</sup>

شعر زیادی در حافظه خود داشت و به مجالس شعرا می رفت و غزل می سرود.

---

<sup>۶۶۸</sup> (۱) - حزین لاهیجی: تذکره المعاصرین / ۳۸۳؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۶۰.

<sup>۶۶۹</sup> (۲) - ابن یوسف شیرازی: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ۳ / ۴۷۴.

<sup>۶۷۰</sup> (۳) - همان؛ احمد منزوی: فهرست نسخه های خطی فارسی ۳ / ۲۴۸۴؛ ع- خیامپور: فرهنگ سخنوران / ۲۷۰.

<sup>۶۷۱</sup> (۴) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۸۳.

<sup>۶۷۲</sup> (۵) - آقابزرگ تهرانی: الذریعة ۹ / ۴۵۱؛ عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۶۰.

شعرهایش را در نزد میرزا صایبا می‌خواند. در استعمال لفظ و رعایت قافیه دقت می‌نمود و از عهده ربط کلام و روانی سخن برمی‌آمد. شعر و سخن او همانند یکدیگر بود و میان کلام و شعرش چندان فرقی نبود.<sup>۶۷۳</sup> او شاعری رنگین خیال و سخنوری خوش‌گفتار بود.<sup>۶۷۴</sup>

کلیات اشعار وی در سال ۱۱۷۶ ه. ق مشتمل بر هزار و پانصد بیت در اختیار کتابخانه احمد شاه پادشاه دهلی

---

(۱) - حزین لاهیجی: تذکره المعاصرین / ۳۸۳؛ عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۶۰.

(۲) - ابن یوسف شیرازی: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی ۳ / ۴۷۴.

(۳) - همان؛ احمد منزوی: فهرست نسخه‌های خطی فارسی ۳ / ۲۴۸۴؛ ع- خیامپور: فرهنگ سخنوران / ۲۷۰.

(۴) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۸۳.

(۵) - آقابزرگ تهرانی: الذریعة ۹ / ۴۵۱؛ عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۶۰.

(۶) - حزین لاهیجی: پیشین / ۲۲۱؛ عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۶۰.

(۷) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۸۳.

ص: ۱۵۴

گذاشته شد.<sup>۶۷۵</sup> دیوان اشعار قصاب کاشانی به همت حسین یرتو بیضایی در سال ۱۳۳۸ ه. ش در تهران به چاپ رسید. قصاب کاشانی در آخر عمرش مقیم مشهد مقدس شد و از سرودن شعر دست کشید و در کهنسالی در آنجا فوت کرد.<sup>۶۷۶</sup> مرگ وی را قبل از سال ۱۱۶۴ ه. ق ذکر کردند.<sup>۶۷۷</sup>

از اوست:

دماغ جان پریشان می‌شود از بوی این صحرا

ز سنبل بند بر دل می‌گذارد موی این صحرا

---

<sup>۶۷۳</sup> (۶) - حزین لاهیجی: پیشین / ۲۲۱؛ عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۶۰.

<sup>۶۷۴</sup> (۷) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۸۳.

<sup>۶۷۵</sup> (۱) - همان.

<sup>۶۷۶</sup> (۲) - همان / ۲۲۱؛ آقابزرگ تهرانی: پیشین / ۹ / ۴۵۱.

<sup>۶۷۷</sup> (۳) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۶۰.

کدامین شکرین لب گرد بارانداز این وادی  
 که می جوشد به جای آب شیر از جوی این صحرا  
 به هرسو می کند تا چشم کار افتاده فرش گل  
 چو شبنم می توان مالید روبروی این صحرا  
 گلستان را به بلبل بخش و شیرین را به خسرو ده  
 برو دنبال مجنون گیر و رو کن سوی این صحرا  
 ز بس مانده است باز از هر طرف چشم تماشایی  
 به جای سیزه مزگان می چرد آهوی این صحرا  
 جنون را پیشه کن قصاب و غم را تیشه بر پا زن  
 که عشرت می توانی کرد در پهلوی این صحرا<sup>۶۷۸</sup>

رسول سعیدی زاده

(۹۷ قمی - سدید (قرن ۱۱ ه. ق.)

سدید قمی فرزند حکیم رکن الدین قمی طبیب و شاعر صاحب دیوان. وی در قرن یازده هجری می زیست.<sup>۶۷۹</sup>

پدرش نیز شاعر و صاحب کتاب «نجم اللثالی» در طب است که در قم درگذشت. سدید قمی مانند پدرش از اطبای دربار شاهان صفوی بود و تا سال ۱۰۸۳ ه. ق که آغاز تألیف تذکره نصر آبادی است زنده بود.<sup>۶۸۰</sup>

بنا به گفته خودش آرزو داشته است در مشهد مقدس مدفون گردد.

(۱) - همان.

(۲) - همان / ۲۲۱؛ آقازرگ تهرانی: پیشین / ۹ / ۴۵۱.

(۳) - عبد الرفیع حقیقت: پیشین / ۴۶۰.

(۴) - ابو نصر شیبانی کاشانی: قصاب کاشانی، ارمان، شماره ۳، سال ۱۸، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

(۵) - ع - خیامپور: فرهنگ سخنوران / ۲۶۳.

(۶) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۵۰.

<sup>۶۷۸</sup> (۴) - ابو نصر شیبانی کاشانی: قصاب کاشانی، ارمان، شماره ۳، سال ۱۸، ص ۲۲۰ - ۲۲۱.

<sup>۶۷۹</sup> (۵) - ع - خیامپور: فرهنگ سخنوران / ۲۶۳.

<sup>۶۸۰</sup> (۶) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۵۰.

اگر از آسمان ریزد سدید یکدگر جسمم  
هما برچیند از خاک خراسان استخوانم را<sup>۶۸۱</sup>

با توجه به اینکه این شعر را در مشهد سروده است، احتمال دارد وی در این شهر مدفون باشد اما خبر مستندی از سال فوت و محل دفن وی در دست نیست. این رباعی از اوست:

بلبل اگر به شاخ گلش آشیان گمست  
نازم به دل که در خم زلف بتان گمست

دستی که نیست در حرکت نبض همتش  
انگار کن که در ته خاک استخوان گمست<sup>۶۸۲</sup>

محمد جواد هوشیار

(۹۸) قوچانی - سلیم (- ۱۲۵۰ ه. ق)

میرزا سلیم قوچانی شاعر و خطاط قرن سیزدهم هجری.<sup>۶۸۳</sup> در قوچان چشم به جهان باز کرد.<sup>۶۸۴</sup> خط را به غایت تند و تیز و باظرافت می نوشت. خط نستعلیق را استوار می نگاشت و از این جهت در روزگارش بی نقصان بود. از ذوق شعری نیز برخوردار بود و شعر می گفت.<sup>۶۸۵</sup>

میرزا سلیم خود را وقف هنرش کرده بود و اندیشه دیگری نداشت. از صبح تا شب کارش خوشنویسی بود. در پند و اندرز فردی ناصح و خردمند بود.<sup>۶۸۶</sup>

او پس از عمری زحمات بی شمار به مرضی سخت گرفتار شد و سرانجام در سال ۱۲۵۵ ه. ق در قوچان درگذشت، جسدش را به مشهد مقدس منتقل و در این شهر دفن کردند.<sup>۶۸۷</sup>

<sup>۶۸۱</sup> (۱) - همان.

<sup>۶۸۲</sup> (۲) - همان / ۵۰.

<sup>۶۸۳</sup> (۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۱ / ۲۸۲.

<sup>۶۸۴</sup> (۴) - علی حیدری: رجال و مشاهیر قوچان / ۲۴۶.

<sup>۶۸۵</sup> (۵) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۸۲؛ علی حیدری:

پیشین / ۲۴۶.

<sup>۶۸۶</sup> (۶) - علی حیدری: پیشین / ۲۴۶.

<sup>۶۸۷</sup> (۷) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۸۲؛ علی حیدری:

میرزا سنگلاخ در وصف میرزا سلیم گوید:

---

(۱) - همان.

(۲) - همان / ۵۰.

(۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۱ / ۲۸۲.

(۴) - علی حیدری: رجال و مشاهیر قوچان / ۲۴۶.

(۵) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۸۲؛ علی حیدری:

پیشین / ۲۴۶.

(۶) - علی حیدری: پیشین / ۲۴۶.

(۷) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۸۲؛ علی حیدری:

پیشین / ۲۴۶ - ۲۴۷.

ص: ۱۵۶

وی چون عماد بنده خط تو صد هزار

مانند بحر رسم سخارا به یادگار

حلم تو صنعتی است ز الطاف کردگار<sup>۶۸۸</sup>

ای از تو صد عماد به خرگاه خوش خطی

از همت بلند تو چرخ و زمین گرفت

علم تو قدر نیست برون از خیال و وهم

رسول سعیدی زاده

---

(۱) - علی حیدری: پیشین / ۲۴۶ - ۲۴۷.

پیشین / ۲۴۶ - ۲۴۷.

<sup>۶۸۸</sup> (۱) - علی حیدری: پیشین / ۲۴۶ - ۲۴۷.



(۹۹) کاشانی - باقرا (- پیش از ۱۰۸۱ ه. ق)

باقرا کاشانی متخلص به «خلیل» شاعر قرن یازدهم هجری و معاصر شاه عباس دوم. وی در شهر کاشان متولد شد. کمال صلاحیت را داشت و در نهایت تقوی بود. در سال ۱۰۶۰ ه. ق به مشهد مقدس مهاجرت کرد و تا آخر عمر در این شهر زیست و به عبادت و ریاضت مشغول گردید.<sup>۶۸۹</sup>

باقرا به دلیل کج خلقی مقبولیت عام نداشت، با این حال شاعری توانا بود و اشعار موزون و یکدست دارد، شعر بسیار می‌گفت و دیوان شعرش مشتمل بر چهار هزار بیت می‌باشد.<sup>۶۹۰</sup> باقرا بیش از هفتاد سال عمر کرد.<sup>۶۹۱</sup> فوت باقرا دو سال قبل از تاریخ تألیف تذکره نصر آبادی بوده است<sup>۶۹۲</sup> که به احتمال زیاد در ۱۰۸۱ ه. ق اتفاق افتاده است.

از رباعیات اوست:

هرچند که حاصلت می و جام آمد	نومید مشو لطف خدا عام آمد
صد سال اگر دویده‌ای در ره کفر	در برگشتن توان به یک گام آمد <sup>۶۹۳</sup>

(۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۳۲؛ ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۰۸؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۰۹.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۲.

(۳) - ولی قلی بن داود قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۸.

<sup>۶۸۹</sup> (۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۳۲؛ ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۰۸؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۰۹.

<sup>۶۹۰</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۲.

<sup>۶۹۱</sup> (۳) - ولی قلی بن داود قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۸.

<sup>۶۹۲</sup> (۴) - نصرآبادی: پیشین / ۳۳۲.

<sup>۶۹۳</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۲.

(۴) - نصرآبادی: پیشین / ۳۳۲.

(۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۳۲.

ص: ۱۵۸

چون شکر در آب و در آتش سپند

نالہ عاشق رساتر یا کمند<sup>۶۹۴</sup>

کہ می بسیار رنگین می کند دیوانہ آرایی

مرا مهمان پسند افتاده است از خانہ آرایی<sup>۶۹۵</sup>

چند باشم، چند باشم، چند چند

ای کہ مشهوری به صیادی بگو

دل دیوانہ ام دارد سر پیمانہ آرایی

به فکر کار و سامان است هرکس را کہ می بینم

رسول سعیدی زاده

(۱۰۰) کامی سبزواری (ح ۹۷۵ - ۱۰۱۴ ه. ق)

کامی سبزواری فرزند خواجه یحیی شاعر و سخنور نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری. وی در حدود ۹۷۵ ه. ق در سبزواری متولد شد، پدرش از محله میدان شهر سبزواری بود و به شغل بقالی اشتغال داشت. هنگام استیلای ازبکان بر خراسان پدرش به هندوستان رفت.<sup>۶۹۶</sup> مولانا کامی که در آن زمان دوازده سال داشت، در نزد یکی از اقوام خود بسر برد تا اینکه به سن رشد رسید. در سبزواری شعر و ادب آموخت و به توانایی‌های خاص شعری دست یافت. وی با شاعران هم‌عصر خود چون «مولانا کمالی خیاط» - متوفی ۱۰۲۰ ه. ق، - «شهودی» - زنده در ۱۰۰۰ ه. ق - و «میر مقصود کله» به مشاعره می‌پرداخت.<sup>۶۹۷</sup> مدتی در سبزواری ماند تا اینکه در سال ۹۹۳ ه. ق به سیستان رفت و در ضمن تربیت «ملک محمود خان» والی سیستان قرار گرفت.

بعد از دو سال (سال ۹۹۵ ه. ق) برای دیدار پدرش به هندوستان سفر کرد و در نزد «احسان خان عالیشان میرزا عبد الرحیم خان خانان» شعر آموخت.<sup>۶۹۸</sup>

<sup>۶۹۴</sup> (۱) - محمد علی مصباحی نائینی: پیشین / ۳ / ۲۰۹.

<sup>۶۹۵</sup> (۲) - ولی قلی شاملو: پیشین / ۲ / ۱۰۸ - ۱۰۹.

<sup>۶۹۶</sup> (۳) - احمد گلچین معانی: کاروان هند / ۲ / ۱۱۵۲.

<sup>۶۹۷</sup> (۴) - همان / ۲ / ۱۱۵۳.

<sup>۶۹۸</sup> (۵) - همان / ۲ / ۱۱۵۳.

به سبب رنجشی که از سوی خان خانان به او شد، هندوستان را به قصد خراسان ترک گفت و مردم مقدم او را گرامی

---

(۱) - محمد علی مصباحی نائینی: پیشین ۳ / ۲۰۹.

(۲) - ولی قلی شاملو: پیشین ۲ / ۱۰۸ - ۱۰۹.

(۳) - احمد گلچین معانی: کاروان هند ۲ / ۱۱۵۲.

(۴) - همان ۲ / ۱۱۵۳.

(۵) - همان ۲ / ۱۱۵۳.

ص: ۱۵۹

داشتند. «باقی نهایندی» از جمله کسانی است که در سال ۱۰۱۴ ه. ق با وی ملاقات داشته است.<sup>۶۹۹</sup> در همان سال (۱۰۱۴ ه. ق) هنگام مراجعت به سبزوار کشته شد.<sup>۷۰۰</sup> و به قولی در مشهد وفات نمود.<sup>۷۰۱</sup>

او فردی باهوش، زودرنج، کم حوصله<sup>۷۰۲</sup> و دارای طبیعت عالی، فطرتی بلند و خاطری دلپسند بود.<sup>۷۰۳</sup> بعضی از تذکره‌نویسان او را با کامی سبزواری که معاصر با مولانا جامی (متوفی ۸۹۸ ه. ق) بوده، یکی دانسته‌اند.<sup>۷۰۴</sup>

طبق گزارش باقی نهایندی، دیوان شعر او به خط صاحب دیوان، در کتابخانه خانخانان موجود بوده است.<sup>۷۰۵</sup>

معانی غریب و بدایع شعری بسیاری در اشعارش به چشم می‌خورد.<sup>۷۰۶</sup>

از اوست:

---

<sup>۶۹۹</sup> (۱) - همان ۲ / ۱۱۵۴.

<sup>۷۰۰</sup> (۲) - همان.

<sup>۷۰۱</sup> (۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۸۱.

<sup>۷۰۲</sup> (۴) - امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم ۲ / ۸۲۲.

<sup>۷۰۳</sup> (۵) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۱۵۵.

<sup>۷۰۴</sup> (۶) - لطفعلی بیک آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۶۹؛ محمد علی مدرس تبریزی: ریحانه‌الادب ۵ / ۳۷؛ ع - خیامپور: فرهنگ سخنوران / ۴۸۳.

<sup>۷۰۵</sup> (۷) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۱۵۴.

<sup>۷۰۶</sup> (۸) - امین احمد رازی: پیشین ۲ / ۸۲۲.

می‌رسد مست و جهان‌سوز که دارد قدرت

که سر راه به آن شعله آتش گیرد<sup>۷۰۷</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۰۱) کفاش خراسانی - رمضانعلی (- ۱۳۱۴ ه. ش)

رمضانعلی متخلص به «کفاش» شاعر نامدار خراسان. وی در شهر مشهد می‌زیست، اگرچه سواد لازم نداشت ولی شعر را نیکو می‌گفت.<sup>۷۰۸</sup>

وی برای اینکه منت دیگران را نبرد به شغل کفاشی روی آورد و تخلص شعری خود را از شغلش گرفت.<sup>۷۰۹</sup>

---

(۱) - همان / ۲ / ۱۱۵۴.

(۲) - همان.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۲۸۱.

(۴) - امین احمد رازی: تذکره هفت اقلیم / ۲ / ۸۲۲.

(۵) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۱۵۵.

(۶) - لطفعلی بیک آذر بیگدلی: آتشکده آذر / ۶۹؛ محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب / ۵ / ۳۷؛ ع - خیامپور: فرهنگ سخنوران / ۴۸۳.

(۷) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۱۵۴.

(۸) - امین احمد رازی: پیشین / ۲ / ۸۲۲.

(۹) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۸۱؛ احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۱۵۷.

(۱۰) - اثر آفرینان / ۵ / ۴۲.

---

<sup>۷۰۷</sup> (۹) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۲۸۱؛ احمد گلچین معانی: پیشین / ۲ / ۱۱۵۷.

<sup>۷۰۸</sup> (۱۰) - اثر آفرینان / ۵ / ۴۲.

<sup>۷۰۹</sup> (۱۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۶۷.

صد بار به چشم تو خورد نیش درفش

کفاش اگر بر سر هر بخیه کفش

سازد ز طمع روی سفید تو بنفش

بهتر که به نزد ناکسی چرخ کبود

با آنکه کفاش فرنگی دوز بود، ولی کارش رونقی نداشت و عمرش به قناعت سپری شد. و این را می‌توان از اشعاری که سرود به دست آورد:

که شد خراب مرا خانه از تو خانه خراب<sup>۷۱۰</sup>

خدای خانه‌ات، ای نسیه‌بر، خراب کند

می‌گویند در دوره تشکیل نظام جدید، به سربازخانه رفت و هشت سال مدام در آنجا کفش‌دوزی سربازان را انجام داد. وی یک سفر به سبزوار کرد و برای بیتوته سر قبر حاجی ملا هادی سبزواری متخلص به اسرار رفت. در آنجا علاقه‌مند شد به دیدار ضیاء الحق نوه مرحوم ملا هادی برود، ضیاء الحق به خادمان دستور داد تا او را راهنمایی کنند، کفاش این رباعی را نزد وی فرستاد:

در جمع رسیدگان عالم کغم

در زیر همای چرخ تخم لقم

کی لایق دیدار ضیاء الحقم

با این تن خسته و لباس ناشور

ضیاء الحق دستور داد تا یک دست لباس نو برایش ببرند تا بعد از استحمام آن را بپوشد و نزدش برود. ملازمت ضیاء الحق یک سال به طول کشید و وی دوباره به مشهد بازگشت. کسانی که کفاش را دیده‌اند، می‌گویند وی مردی فقیر و کتیف بود و چون خانه‌ای نداشت در کاروانسراها بسر می‌برد.

کفاش در سال ۱۳۱۴ ه. ش در مشهد فوت کرد. معروف است که در شب درگذشت خود به پسرش گفت:

امشب مواظب باش تا پای مرا به طرف قبله بگردانی. شهرت کفاش بیشتر به خاطر سرودن قصیده‌ای در خرابی اوضاع داخلی آستان قدس با ردیف «یا امام رضا» است.<sup>۷۱۱</sup> از آثار دیگر وی می‌توان به دو منظومه مخمس «دعانامه» و «نفرین‌نامه» اشاره کرد.<sup>۷۱۲</sup>

این قطعه از قصیده معروف «یا امام

(۱) - همان.

(۲) - همان.

(۳) - اثر آفرینان ۴۲ / ۵.

ص: ۱۶۱

رضا» ی اوست:

ز بی حسابی اوباش یا امام رضا	شد آنچه بود نهان فاش یا امام رضا
دو سال دیگر اینقدر مفتخور که تراست	بفکر گنبد خود باش یا امام رضا
ترا که این همه قرض است حرف من بشنو	مگیر این همه فراش یا امام رضا
یساول در مطبخ که بدتر از خولیت	یکی دگر بنشان جاش یا امام رضا
بوقت صرف پلو حرف خادمان اینست	که جوجه نیست چرا لاش یا امام رضا
به یک و دو سه من ماش و یک دو من شالی	کنند جای پلو ماش یا امام رضا
به دیگ قرمه سبزی کنند گوشت ولی	به قدر دانه‌ی خشخاش یا امام رضا <sup>۷۱۳</sup>

رسول سعیدی زاده

(۱۰۲) کوثر قمی - عبد الکریم (۱۲۵۶ - ۱۳۱۴ ه. ق)

مولانا میرزا عبد الکریم قمی متخلص به کوثر معروف به «کوثر قمی» عارف و شاعر دوره ناصری و شاگرد غلامرضا شیشه‌گر<sup>۷۱۴</sup> او به سال ۱۲۵۶ ه. ق / ۱۲۱۹ ه. ش در شهر قم متولد گردید. در زادگاهش به تحصیل مقدمات علوم دینی

<sup>۷۱۱</sup> (۲) - همان.

<sup>۷۱۲</sup> (۳) - اثر آفرینان ۴۲ / ۵.

<sup>۷۱۳</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین.

پرداخت. آنگاه رهسپار نجف شد و در آن حوزه به فراگیری فقه، اصول، فلسفه مشغول گردید.<sup>۷۱۵</sup> بعد از مدتی به ایران بازگشت و در همدان ساکن گردید سپس به حج رفت، بعد به مشهد آمد.<sup>۷۱۶</sup> در شهر مشهد افرادی چون آصف الدوله شیرازی حاکم خراسان (متوفی ۱۳۰۴ ه. ق.)، حاج میرزا حبیب خراسانی (متوفی ۱۳۲۷ ه. ق.)، سید حسین عرب نائب التولیه آستان قدس رضوی (متوفی ۱۳۳۵ ه. ق.) و حاج ملاباشی ترک با او در ارتباط بودند.<sup>۷۱۷</sup>

مولانا عبد الکریم در پنجاه سالگی به سال ۱۳۱۴ ه. ق / ۱۲۷۶ ه. ش در مشهد درگذشت و در دار الضیافه حرم

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین.

(۲) - میرزا عبد الکریم قمی: دیوان / ۱۴۰، ۲۹۴.

(۳) - همان / ۵-۶.

(۴) - همان / ۹-۱۰.

(۵) - همان / ۱۰-۱۱.

ص: ۱۶۲

امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.<sup>۷۱۸</sup>

از آثارش می‌توان به «حاشیه قاموس»، «حاشیه برهان قاطع»، «مراحل السالکین» و دیوان شعر تحت عنوان «دیوان کوثر» اشاره کرد. نسخه خطی یادشده به شماره ۲۸۹۴۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. این دیوان به کوشش میرزا غلامرضا کوثر فرزند ایشان - که فردی آگاه به علوم تجربی و علاقه‌مند به دارو سازی بود،<sup>۷۱۹</sup> و در دی‌ماه ۱۳۴۴ ه. ش درگذشت، - به سال ۱۳۴۰ ه. ش در مشهد چاپ گردید. اشعار او مشتمل بر ۶۵۰۰ بیت قصیده، غزل، رباعی می‌باشد. دیوان کوثر با قصیده‌ای در مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام آغاز می‌گردد.

این اشعار از اوست:

---

<sup>۷۱۴</sup> (۲) - میرزا عبد الکریم قمی: دیوان / ۱۴۰، ۲۹۴.

<sup>۷۱۵</sup> (۳) - همان / ۵-۶.

<sup>۷۱۶</sup> (۴) - همان / ۹-۱۰.

<sup>۷۱۷</sup> (۵) - همان / ۱۰-۱۱.

<sup>۷۱۸</sup> (۱) - همان / ۱۱-۱۲.

<sup>۷۱۹</sup> (۲) - سید علی محمد سجادی: حاصل اوقات / ۷۳۴.

ز آندم که خوردم آبی، از چشمه محبت  
 کوتاه نظر نباشد، اندر خور ره عشق  
 از دست شهوت نفس، خود را رهان چو یوسف  
 در راه عشق جانان، باید درید ای جان  
 ای یار دل نوازم، ای شمع جان گدازم  
 زیر زبر چو کردم، اوراق مصحف دهر  
 گر فی المثل خطیبی، ببند دهان تنگت  
 این نکته از فقیری، خوش آمدم که می گفت  
 امروز اگر ز غفلت، خفتی به بستر ناز  
 در هیچ ملک کوثر نشنیدم و ندیدم

ریزد فلک بکامم، پیوسته زهر محنت  
 این راه را بیاید، رندی بلندهمت  
 کاین ره نمی توان رفت، الا بیای عصمت  
 هر دم چو ماه کنعان، پیراهنی ز تهمت  
 از در در آ و دل را، بیرون ببر ز ظلمت  
 روی تو صفحه ای بود، صد آیه اش ز رحمت  
 اندر زبانش افتد، از بس شگفت لکنت  
 در فقر کوش که از فقر، روزی رسی به دولت  
 بیدار سازدت مرگ، فردا ز خواب غفلت  
 الا که در خراسان، درویش بی محبت<sup>۷۲۰</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱) - همان / ۱۱ - ۱۲.

(۲) - سید علی محمد سجادی: حاصل اوقات / ۷۳۴.

(۳) - میرزا عبد الکریم قمی: پیشین / ۱۱۲ - ۱۱۳.

ص: ۱۶۳

(۱۰۳) کوه بنانی کرمانی - مظفر (- ۱۰۷۱ ه. ق)

مولانا مظفر فرزند ملا شهاب الدین کوه بنانی کرمانی شاعر مثنوی گوی، خیال پرداز، صاحب دیوان، متخلص به «قانعی». وی به سال ۱۰۷۱ ه. ق درگذشت و در مشهد به خاک سپرده شد. از آثارش می توان به کتاب «یوسف و زلیخا» و «ساقی نامه» - که بالغ بر پانزده هزار بیت است - اشاره نمود.<sup>۷۲۱</sup>

<sup>۷۲۰</sup> (۳) - میرزا عبد الکریم قمی: پیشین / ۱۱۲ - ۱۱۳.



(۱) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۵۵ - ۱۵۶.

ص: ۱۶۴

گ

(۱۰۴) عصمت (حدود ۱۲۵۰ - ۱۳۱۰ ه. ش)

عصمت شاعر نیمه اول قرن چهاردهم هجری. در یکی از خانواده‌های متوسط مشهد متولد شد.

در کودکی همراه خانواده خود به عراق رفت و در کربلا ساکن گردید. در نوجوانی با مردی از خاندان گرایلی نیشابور که مقیم کربلا بود ازدواج نمود.

شوهرش مردی شاعر و ادیب بود، سرودن شعر را در کنار او آغاز نمود و در بازگشت به مشهد به شاعری پرداخت. وفات وی قبل از ۱۳۱۰ ه. ش در حدود شصت سالگی و در مشهد اتفاق افتاد. از عصمت گرایلی یک دفتر شعر شامل غزلیات، قطعه، مثنوی و رباعی در حدود هزار بیت باقی مانده است.<sup>۷۲۲</sup>

این اشعار از اوست:

تا رخ یار مرا در نظر است	دو جهان در نظرم مختصر است
تا توانی مرو اندر ره عشق	وادی عشق دلا پرخطر است
بسکه گریم ز فراقش شب و روز	دائما دامنم از اشک تر است
قسمتم خون جگر هست از عشق	اینم از خوان قضا محضر است
نیست غایب ز نظر روی نگار	هرکجا می‌نگرم جلوه‌گر است
زاهدا طعنه مزین بر من مست	تو چه دانی که شورم بسر است

<sup>۷۲۱</sup> (۱) - ولی قلی شاملو: قصص الخاقانی ۲ / ۱۵۵ - ۱۵۶.

<sup>۷۲۲</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۸۷.

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۸۷.

ص: ۱۶۵

خوشدلم ز آنکه جهان در گذر است

جاودان نیست غم و شادی دهر

شجر فضل و هنر بی ثمر است<sup>۷۲۳</sup>

شکوه عصمت چه نمایی ز هنر

محمد جواد هوشیار

(۱۰۵) گلچین معانی - احمد (۱۲۹۵ - ۱۳۷۹ ه. ش)

احمد گلچین معانی فرزند علی اکبر، متخلص به «گلچین» استاد دانشگاه، محقق و شاعر معاصر. وی در هیجدهم دی ماه ۱۲۹۵ ه. ش در تهران ولادت یافت. در سال ۱۳۱۳ ه. ش پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در اداره کل ثبت اسناد و املاک وارد خدمت شد ولی دانش اندوزی را رها نکرد و از محضر میرزا محمد خان عنقا، میرزا محمد خان قزوینی، علامه دهخدا، عباس اقبال آشتیانی، شیخ محمد باقر الفت اصفهانی، سید محمد غمام همدانی، محمد فیاض همدانی، ملک الشعرا بهار، ادیب السلطنه سمیعی، شیخ مهدی الهی قمشه‌ای و شیخ محمد رضا توفیق یزدانی بهره برد.<sup>۷۲۴</sup>

شروع آشنایی گلچین با نسخ خطی از سال ۱۳۱۴ ه. ش شروع شد. او در سال ۱۳۴۳ ه. ش تعداد ۱۵ نسخه خطی و ۱۳۰ نسخه چاپی خود را وقف کتابخانه آستان قدس کرد.<sup>۷۲۵</sup> در آن هنگام وی عضو «انجمن ادبی حکیم» به

---

(۱) - همان / ۳۸۷ - ۳۸۸.

(۲) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

همچو آینه‌سرا پا غرق حیرت کن مرا، وقف میراث جاویدان، شماره ۱، سال ۲، (۱۳۷۳)، ص ۱۱۷ - ۱۲۱.

---

<sup>۷۲۳</sup> (۱) - همان / ۳۸۷ - ۳۸۸.

<sup>۷۲۴</sup> (۲) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

همچو آینه‌سرا پا غرق حیرت کن مرا، وقف میراث جاویدان، شماره ۱، سال ۲، (۱۳۷۳)، ص ۱۱۷ - ۱۲۱.

<sup>۷۲۵</sup> (۳) - رمضانعلی شاکری: گنج هزار ساله / ۹۷.

ص: ۱۶۶

سرپرستی وحید دستگردی بود. گلچین از سیزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد. در پانزده سالگی رسماً وارد دنیای شعر شد و آثارش را در روزنامه‌های «نسیم شمال» و «توفیق» منتشر کرد. با امیری فیروزکوهی و رهی معیری معاشرت و مصاحبت داشت.<sup>۷۲۶</sup> مدتی با افرادی مانند میرزا احمد خان اشتری، محمد علیخان بامداد، احمد بهمنیار، جلال الدین همایی در معیت چند تن از شعرا و فضلا جلسات هفتگی سیار داشت. پس از فوت وحید دستگردی در منزل محمد علی ناصح به پیشنهاد گلچین معانی «انجمن ادبی ایران» را تأسیس و به ثبت رسانید. در سال ۱۳۲۵ ه. ش به دعوت رئیس فرهنگستان، حسین سمیعی ادیب السلطنه، همراه با یکصد و بیست تن از ادبا و دانشمندان «انجمن ادبی فرهنگستان» را تشکیل و تا زمان تعطیلی که مصادف با مرگ ادیب السلطنه بود دبیر اول ریاست دبیرخانه را داشت.<sup>۷۲۷</sup>

گلچین معانی پس از بیست و شش سال خدمت در اداره کل ثبت و احراز پست دادستانی انتظامی سردفترداران، عضویت اصلی در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر مال الاجاره‌ها، از اول اسفند ۱۳۳۸ ه. ش به کتابخانه مجلس شورای ملی انتقال و در پایان سال ۱۳۴۲ ه. ش به تقاضای خود بازنشسته گردید. وی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۸ ه. ش بعد از ظهرها در کتابخانه ملی ملک اشتغال داشت. در مرداد ۱۳۴۳ ه. ش به دعوت نایب التولیه وقت آستان قدس برای تنظیم و تدوین فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی به مشهد مهاجرت و دوازده سال در این کتابخانه خدمت نمود. نیمی از این مدت سمت مشاور فرهنگی دو نایب التولیه را داشت. در سال ۱۳۶۵ ه. ش به پیشنهاد شورای دانشکده ادبیات و علوم انسانی

---

(۱) - اثرآفرینان / ۵ - ۷۴ - ۷۵.

(۲) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

پیشین / ۱۱۷.

ص: ۱۶۷

دانشگاه فردوسی و تأیید شوراهای دیگر به تدریس دوره‌های فوق لیسانس و دکترای زبان و ادبیات فارسی دعوت شد و درس‌های:

---

<sup>۷۲۶</sup> (۱) - اثرآفرینان / ۵ - ۷۴ - ۷۵.

<sup>۷۲۷</sup> (۲) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

پیشین / ۱۱۷.

چگونگی استفاده از نسخه‌های خطی فارسی، تطور شعر فارسی در عصر صفوی و فرهنگ‌نویسی فارسی به وی محوّل گردید.<sup>۷۲۸</sup>

گلچین طی مدت چهل سال، با تلاش و کوشش فراوان، توانست مجموعه‌ای از تذکره‌های، فارسی مشتمل بر ۳۵۰ جلد جمع‌آوری کند و بر تعداد زیادی از آنها حواشی مفصلی نوشت. اما بر اثر نیاز، آن مجموعه بی نظیر را در مهرماه ۱۳۵۲ ه. ش به قیمت چهل و پنج هزار تومان فروخت.

گلچین معانی سرانجام در سال ۱۳۷۹ ه. ش بدرود حیات گفت و جسدش را در حرم رضوی مدفون ساختند. آثار گلچین را می‌توان به پنج دسته تألیف، تصحیح و تحشیه، نسخه‌شناسی، تصنیف و مقاله تقسیم کرد.

تألیفات وی عبارتند از:

«گلزار معانی» مجموعه‌ای حاوی نخبه آثار مشاهیر علم و ادب ایران و خوشنویسان در دوره جنگ جهانی دوم به خط مؤلف همراه با عکس نویسندگان و تراجم برخی از آنان، «رساله تحقیقی گلشن راز و شروح مختلف آن»، «شهر آشوب در شعر فارسی» مشتمل بر شهر آشوب‌سرایان و شهر آشوب‌های آنان - شهر آشوب به دسته اشعاری گفته می‌شود که مخاطب شاعر صاحبان حرفه‌ها مانند خیاط، کفاش، زرگر و ... است و اغلب مضامین اجتماعی و اقتصادی جامعه توسط شاعر با زبان استعاره بیان می‌شود. -

این کتاب به عنوان بهترین کتاب در سال ۱۳۴۸ ه. ش شناخته شد، «مکتب وقوع در شعر فارسی»، «دبیاچه انیس الارواح» در موسیقی با شواهد منظوم، «تذکره پیمانه» که ذیلی است بر تذکره میخانه و مشتمل بر شصت و دو ساقی

---

(۱) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

پیشین / ۱۱۷.

ص: ۱۶۸

نامه با ذکر احوال دقیق و آثار شعرای عصر صفوی که به هندوستان مسافرت و یا مهاجرت کردند، «مضامین مشترک در شعر فارسی»، «با ساقیان می‌الست»، مجموعه‌ای از ناب‌ترین ساقی‌نامه‌های عرفانی در ۳۱۰ صفحه نیز از آثار دیگر ایشان می‌باشند.

---

<sup>۷۲۸</sup> (۱) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

پیشین / ۱۱۷.

کارهای تصحیحی و تحشیه‌های گلچین عبارتند از: «تذکره یخچالیه» تألیف میرزا محمد علی مذهب اصفهانی (متوفی ۱۲۷۳ ه. ق.)، «لطائف الطوائف» نوشته فخر الدین علی صفی بیهقی (متوفی ۹۳۹ ه. ق.)، «تاریخ ملازاده» در ذکر مزارت بخارا، «تذکره میخانه» ملا عبد النبی فخر الزمانی قزوینی (متوفی ۱۰۲۸ ه. ق.)، رساله در بیان «کاغذ و مرکب و رنگ‌های الوان» که از متون کهن است و در نشریه ادبیات تبریز چاپ شد، «تذکره منظوم رشحه» سروده محمد باقر رشحه اصفهانی، «کنوز الاسرار»، «رموز الاحرار شرح منظوم»، «السوانح فی معانی العشق» احمد غزالی طوسی، «رساله در احوال آل بنجیر» از خانواده‌های معروف سادات شیراز،<sup>۷۲۹</sup> «احوال و آثار صادق تفرشی» همراه با منظومه آتشکده، «دیوان جلال عضد»، «احوال و آثار ملک الشعراء غزالی مشهدی». آثار نسخه‌شناسی استاد گلچین معانی عبارتند از: «فهرست دویست و شش مجموعه خطی کتابخانه مجلس»، «فهرست بخشی از کتاب‌های شادروان عبد الحسین بیات»، «راهنمای گنجینه قرآن آستان قدس رضوی» در معرفی دویست و پانزده قرآن خطی از قرن سوم تا قرن چهارم هجری، «جلد هفتم و هشتم فهرست کتب خطی آستان قدس»، «فهرست فرهنگ‌نامه‌های خطی آستان قدس. تصنیفات ایشان عبارتند از:

«مجموعه اشعار فکاهی، سیاسی، انتقادی و اجتماعی» که با امضای مستعار در جراید مختلف به چاپ رسید، «دیوان گلچین»، «تکمله امثال و حکم»، «مجموعه یادداشت‌های پراکنده».

---

(۱) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۲ / ۷۴۵.

ص: ۱۶۹

گلچین بیش از یکصد مقاله ادبی، فنی، تاریخی، کتاب‌شناسی در مجلات معتبر داخل و خارج از کشور منتشر کرده است: گلگشت و تماشا، عنوان صفحه‌ای ادبی در مجله «تهران مصور» که مسئولیت آن را گلچین معانی داشت، شاعران گمنام شیرازی، ترجمه احوال و منتخب اشعار پنجاه و یک شاعر شیرازی و فارسی که در روزنامه پارس شیراز از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۶۱ به چاپ رسید، حواشی مفصلی بر تذکره‌های فارسی و تصحیح اشتباهات تذکره نویسان، سنگ تراش ژاپنی.<sup>۷۳۰</sup> و ...

رسول سعیدی‌زاده

گلستانه - سید محمد علی - جلد اول

(۱۰۶) گلشن آزادی - علی اکبر (۱۲۸۰ - ۱۳۵۳ ه. ش)

---

<sup>۷۲۹</sup> (۱) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۲ / ۷۴۵.

<sup>۷۳۰</sup> (۱) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

علی اکبر آزادی متخلص به «گلشن» نویسنده، روزنامه‌نگار، محقق و شاعر. وی فرزند محمد معروف به بمانعلی<sup>۳۱</sup> بازرگان معروف خراسان و یزدی الاصل است. پدرش در مشهد متولد و در تربت حیدریه رشد و در سن بیست و هفت سالگی (۱۳۲۶ ه. ش) فوت کرد. و گلشن آزادی در سال ۱۳۱۹ ه. ق / ۱۲۸۰ ه. ش در تربت حیدریه چشم به جهان گشود و در پنج سالگی برای فراگیری فارسی و عربی به مکتب سیدی پیر به نام «مشلول» رفت.

در هفت سالگی پدر خود را از دست داد

---

(۱) - احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد):

پیشین / ۱۱۷.

(۲) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۸۶.

ص: ۱۷۰

و به تجارت روی آورد. در چهارده سالگی برحسب گرایش ذاتی به شعر و شاعری روی آورد و از محضر محمد حسین سهیلی، احمد بهمینیار و با مکاتبه از محمود فرخ استفاده برد. وقوع جنگ جهانی اول و اشغال تربت حیدریه و قسمت‌هایی از خراسان و ایران موجب برانگیختن احساسات وطن‌پرستی وی گردید و در شانزده سالگی به خبر نگاری روی آورد و به دنیای سیاست و عضویت در حزب دموکرات کشیده شد.

در سال ۱۲۹۸ ه. ش در حالی که هیجده سال بیشتر نداشت به مشهد مهاجرت کرد، در ابتدا مدیریت داخلی روزنامه «مهرمنیر» ارگان حزب دموکرات به مسئولیت اسماعیل منیر مازندرانی و مدیریت «روزنامه شرق ایران» را به مسئولیت رفعت التولیه شهیدی که از صاحب‌منصبان آستان قدس بود به عهده گرفت. در سال ۱۳۰۱ ه. ش روزنامه «فکر آزاد» به صاحب امتیازی بهمینیار کرمانی (یا احمد دهقان) را بنیان نهاد و تا دو سال چاپ آن را ادامه داد. پس از تعطیلی روزنامه «فکر آزاد» متصدی روزنامه «خورشید» به مسئولیت مرتضی میرزا قهرمان متخلص به «شکسته» شد. در شهریور ۱۳۰۴ ه. ش با اصرار و فشار فرمانده لشکر شرق امتیاز روزنامه «آزادی» را گرفت و پنجاه سال آن را به طور مرتب منتشر ساخت. در سال اول انتشار روزنامه «آزادی» مدتی به کلات نادری تبعید شد اما به زودی عفو و با احترام به مشهد مراجعت کرد.

---

<sup>۳۱</sup> (۲) - عبد الرفیع حقیقت: فرهنگ شاعران زبان پارسی / ۴۸۶.

مسافرت‌های داخلی گلشن بیشتر برای شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارهای مختلف بود. یک‌بار به «عشق‌آباد» به نمایندگی از طرف دولت و بار دیگر به «کلن» آلمان برای عمل چشم و دیدار فرزند رفت.<sup>۷۳۲</sup> سرانجام گلشن آزادی در سال ۱۳۵۲ ه. ش چشم از جهان فرویست و در باغ رضوان مشهد به خاک سپرده شد.<sup>۷۳۳</sup>

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۸۱.

(۲) - احمد گلچین معانی: گلزار معانی / ۶۱۵.

ص: ۱۷۱

گلشن علاوه بر نوشتن هزاران مقاله کوتاه و بلند، «گلشن ادب» که تذکره‌ای از شعرای خراسان در طول دوازده قرن است، جلد سوم این مجموعه که شامل شرح حال شاعران خراسان در قرن چهاردهم هجری است با عنوان «صد سال شعر خراسان» با تکلمه و تصحیح احمد کمالپور در سال ۱۳۲۳ توسط مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس چاپ شده است. اثر دیگر او «گلشن آزادی» شامل سی مقاله اجتماعی و ادبی است که به کوشش شهاب فردوسی در سال ۱۳۲۰ ه. ش به چاپ رسید.

«دیوان اشعار» شامل پنج هزار بیت که در سال ۱۳۳۲ ه. ش چاپ شده است.

«داستان‌ها و داستان‌ها» در شرح حال و قصص زندگی شاهان، خلفا و امیران.

«شهری که به خون خلفا ساخته شده است»، «در تهران چه دیدم و چه شنیدم» مربوط به سفرنامه سال ۱۳۴۱ ه. ش مؤلف به تهران، و نیز به نظم در آوردن قسمتی از دستور زبان فارسی برای تسهیل کار متعلمان که پس از گم شدن قسمت عمده آن در سفر تبریز، ناتمام ماند. مثنوی «شاهان وارون بخت» بر وزن مخزن الاسرار حکیم نظامی با مطلع:

مرز امید دل امیدوار

ای کرم تاج سر افتخار

و مثنوی دیگری به نام «گلشن شوق» بر وزن هفت‌پیکر حکیم الیاس نظامی گنجوی و «داستان‌ها از باستان‌ها» شامل قسمتی از خاطرات سیاسی وی، در شمار کارهای دیگر گلشن آزادی است. از خدمات و فعالیت‌های اجتماعی ایشان می‌توان به عضویت در جمعیت شیر و خورشید ایران، عضویت و دبیری شورای عالی فرهنگ (آموزش و پرورش) خراسان، عضویت در هیأت تئاتر خورشید اشاره کرد.<sup>۷۳۴</sup>

---

<sup>۷۳۲</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۴۸۱.

<sup>۷۳۳</sup> (۲) - احمد گلچین معانی: گلزار معانی / ۶۱۵.

<sup>۷۳۴</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۸۱.

از اشعار اوست:

کاش در پیری دل از وصل جوانان شاد بود

گر چنین می بود دل از بند غم آزاد بود

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۴۸۱.

ص: ۱۷۲

چند با تحقیر در ویرانه‌ی ما بنگرید

روزگاری بود کاین ویرانه هم آباد بود

دیدید آخر خرمن هستی خسرو را بسوخت

شعله آهی کاندلر سینه فرهاد بود

یاد ایام جوانی آتشم بر جان زند

کاشکی آن صفحه‌ها، کمتر مرا در یاد بود

دستگیری کن ز پا افتادگان عشق را

خاصه بدبختی که دانی کشته بیداد بود

خدمت دل کن اگر گنج بقا خواهی که سود

بود شاگردی که او خدمتگر استاد بود

حالیه محروم از بندم چو می شد گر ز بخت

آشیانم گلشن اندر معبر صیاد بود؟<sup>۷۳۵</sup>

رسول سعیدی زاده

---

(۱) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۶۱۵ - ۶۱۶.

ص: ۱۷۳

م

مازندرانی - محمد صالح - جلد اول (۱۰۷) مانی مشهدی (- ۹۱۳ ه. ق)

---

<sup>۷۳۵</sup> (۱) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۶۱۵ - ۶۱۶.



مانی مشهدی نقاش، خطاط، صنعتگر و شاعر.<sup>۷۳۶</sup> وی از مردم مازندران بود که در عهد امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ه. ق) در مشهد و هرات می‌زیسته است، پدرش کارخانه کاسه‌گری داشت.<sup>۷۳۷</sup>

مانی نخست به کاسه‌گری مشغول بود.<sup>۷۳۸</sup> و در نقش تصاویر بر روی کاسه و ظرف لعابی از تبحر برخوردار بود.<sup>۷۳۹</sup>

سپس به شعر روی آورد و به خدمت «ابوالمحسن میرزا» مشهور به «کیک میرزا» فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا (۸۷۵-۹۱۲ ه. ق)، در آمد و از مداحان و نزدیکان او شد.<sup>۷۴۰</sup>

عاقبت وی به همراه ابوالمحسن میرزا سال ۹۱۳ ه. ق در مشهد به دست ازبکان کشته شد.<sup>۷۴۱</sup> دیوان اشعارش

---

(۱) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: تذکره مجالس النفایس / ۶۷.

(۲) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۳۱۲-۳۱۳.

(۳) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۶۷؛ سام میرزای صفوی: تذکره تحفه سامی / ۲۰۱.

(۴) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۲ / ۵۸۵.

(۵) - سام میرزای صفوی: پیشین / ۲۰۱؛ آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۱۶۳.

(۶) - سام میرزای صفوی: پیشین / ۲۰۱-۲۰۲؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۳۰.

ص: ۱۷۴

بیشتر در قالب غزل است.<sup>۷۴۲</sup>

این شعر از اوست:

---

<sup>۷۳۶</sup> (۱) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: تذکره مجالس النفایس / ۶۷.

<sup>۷۳۷</sup> (۲) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۳۱۲-۳۱۳.

<sup>۷۳۸</sup> (۳) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۶۷؛ سام میرزای صفوی: تذکره تحفه سامی / ۲۰۱.

<sup>۷۳۹</sup> (۴) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۲ / ۵۸۵.

<sup>۷۴۰</sup> (۵) - سام میرزای صفوی: پیشین / ۲۰۱؛ آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۱۶۳.

<sup>۷۴۱</sup> (۶) - سام میرزای صفوی: پیشین / ۲۰۱-۲۰۲؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۳۰.

<sup>۷۴۲</sup> (۱) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۹۵۳.

ز بشر به حسن و صورت چو تو ای پسر نباشد

چه بشر که حور رضوان ز تو خوبتر نباشد<sup>۷۴۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۰۸) مایل هروی - غلامرضا (۱۳۰۱-۱۳۷۴ ه. ش)

میر غلامرضا هروی فرزند قاسم، شاعر، نویسنده، مترجم، کتابشناس و تاریخ‌نگار افغانی. وی در فروردین ۱۳۰۱ ه. ش در شهر هرات افغانستان چشم به جهان گشود.<sup>۷۴۴</sup> خانواده وی از جمله میرزایان سادات آن شهر به شمار می‌رفت.<sup>۷۴۵</sup> دوره‌های دبستان و دبیرستان را در زادگاهش گذراند، سپس برای ادامه تحصیل به دانشسرای کابل که دار المعلمین نامیده می‌شد، راه یافت و با دریافت شهادت‌نامه‌ی تحصیلی از دانش‌سرا به هرات بازگشت و به شغل آموزگاری و معلمی در زادگاهش و نیز در شهر فراه پرداخت.<sup>۷۴۶</sup> در سال ۱۳۳۱ ه. ش به کابل رفت و به وزارت فرهنگ منتقل و در انجمن تاریخ افغانستان سرگرم تحقیق در تاریخ عصر تیموریان شد.<sup>۷۴۷</sup> در همین

---

(۱) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۹۵۳.

(۲) - سام میرزای صفوی: پیشین / ۲۰۱؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۷۰۵.

(۳) - نجیب مایل هروی: برگ بی‌برگی (یادنامه استاد رضا مایل هروی) / ۱۳؛ دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۵۷.

(۴) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۳.

(۵) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۳؛ دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۵۷؛ چنگیز پهلوان (یادی از استاد مایل هروی): کلک، ش ۶۸ - ۷۰، آبان ۱۳۷۴ / ۴۱۸.

(۶) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۱۸.

ص: ۱۷۵

---

<sup>۷۴۳</sup> (۲) - سام میرزای صفوی: پیشین / ۲۰۱؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۷۰۵.

<sup>۷۴۴</sup> (۳) - نجیب مایل هروی: برگ بی‌برگی (یادنامه استاد رضا مایل هروی) / ۱۳؛ دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۵۷.

<sup>۷۴۵</sup> (۴) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۳.

<sup>۷۴۶</sup> (۵) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۳؛ دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۵۷؛ چنگیز پهلوان (یادی از استاد مایل هروی): کلک، ش ۶۸ - ۷۰، آبان ۱۳۷۴ / ۴۱۸.

<sup>۷۴۷</sup> (۶) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۱۸.

دوره بود که سالی چندبار به لحاظ مطالعات میدانی و بررسی آثار عصر تیموری به هرات می‌رفت. او با همراهی فکری سلجوقی، آخوند محمد علی عطار هروی خوشنویس هفت قلمی کوفی‌نویس معاصر، غواس، توفیق هروی، علی اصغر شبیر و مشعل نقاش معاصر، توانست هویت تاریخی هرات را احیا کند.<sup>۷۴۸</sup> وی از متخصصان برجسته و نامدار تاریخ تیموریان بود و در سال ۱۳۳۳ ه. ش بازرس مدارس شهری کابل شد.

مدیریت مجله‌های خراسان، کتاب، حجت و بنیاد چاپ و نشر انیس<sup>۷۴۹</sup> و همچنین برای مدتی مدیریت مجله آریانا را به عهده داشت. و از سال ۱۳۵۳ ه. ش به عضویت آکادمی علوم افغانستان درآمد.

مایل هروی از بنیان‌گذاران انجمن ادبی هرات بود، و توانست از این طریق در راه اشاعه زبان و ادب فارسی در افغانستان خدمات چشمگیری انجام دهد.<sup>۷۵۰</sup> مایل هروی در مدت اقامتش در کابل توانست در پی نشر آثارش با محققان و دانشمندان ایران، ترکیه، هندوستان، تاجیکستان و شوروی، پیوستگی‌های فرهنگی برقرار سازد.

پیوندهای فرهنگی او خصوصا با دانشمندان ایران مانند زنده‌یاد دکتر نائل خانلری، مجتبی مینوی، محمد تقی دانش‌پژوه، دکتر مجتهدزاده و دکتر محمود شهابی سبب شد چندین بار به ایران سفر کند و برخی از تحقیقات و پژوهش‌های خود را در ایران منتشر سازد.<sup>۷۵۱</sup>

هروی در سال ۱۳۶۶ بر اثر عدم امنیت سیاسی و اجتماعی، افغانستان را ترک نمود و به آمریکا نزد فرزندانش رفت<sup>۷۵۲</sup> و چند سال در آنجا زیست.

مثنوی‌ها و قصیده‌هایی که وی در سال‌های اقامت در آمریکا به نظم

---

(۱) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۴.

(۲) - دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۵۷.

(۳) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۱۸.

(۴) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۷.

---

<sup>۷۴۸</sup> (۱) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۴.

<sup>۷۴۹</sup> (۲) - دانشنامه ادب فارسی ۳ / ۸۵۷.

<sup>۷۵۰</sup> (۳) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۱۸.

<sup>۷۵۱</sup> (۴) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۷.

<sup>۷۵۲</sup> (۵) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۱۹.

درآورد، حاکی از آن است که او هرگز با راه و رسم زندگی آن سامان انس و الفت نیافت. او همواره آمریکا را «قفس طلایی» که سرمایه را خدای بشر ساخته، خوانده است.<sup>۷۵۳</sup> در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ بیماری بر او چیره شد و سرانجام بنا به تمایل خود، در تابستان ۱۳۷۴ به مشهد نزد فرزندش نجیب مایل هروی که از جمله دست پروردگان وی در عرصه دانش، تحقیق و تألیف و تصحیح می‌باشد، آمد.<sup>۷۵۴</sup>

استاد مایل هروی پس از سال‌ها تلاش و زحمت برای اعتلای فرهنگ و دانش کشورش سرانجام در تاریخ هفتم دی‌ماه ۱۳۷۴ در مشهد درگذشت و در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.<sup>۷۵۵</sup> هروی در طول حیاتش کتاب‌ها و مقاله‌های بسیار نگاشت که در کشورهای افغانستان، ایران، شبه قاره هند و ترکیه به چاپ رسید، برخی از آثار او بدین قرار است: امواج هریوا (سرودهایی از شعر کلاسیک و سینمایی که در میانه سال‌های ۱۳۲۸ - ۱۳۴۲ گفته شده است)، کابل ۱۳۴۲، ققنوس (سرودهای پس از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۸) کابل ۱۳۵۹، مجموعه اشعار. از تألیفات دیگر او می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: معرفی جراید و مجلات افغانستان، شرح حال آثار و مناظرات امام فخر رازی، فهرست کتب مطبوع افغانستان، آینه تجلی، شرح حال و آثار امیر حسینی غوری هروی، سیاه موی، لیتان، مریم، میرزایان برناباد، تاریخ ملوک کرت، گنجینه خطوط، راهنمای تاریخ افغانستان، لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی. او بجز آثار فوق تصحیح و تحقیق چندین کتاب فارسی و نگارش مقالات متعدد و چاپ آن در آریانا، کتاب خراسان، راهنمای کتاب، یغما، وحید، هنر و مردم را به عهده

---

(۱) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۷.

(۲) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۸.

(۳) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۸؛ مریم آقا شیخ: گلزار مشاهیر / ۶۱۴.

---

<sup>۷۵۳</sup> (۱) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۷.

<sup>۷۵۴</sup> (۲) - چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۸.

<sup>۷۵۵</sup> (۳) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۱۸؛ مریم آقا شیخ: گلزار مشاهیر / ۶۱۴.

<sup>۷۵۶</sup> (۱) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۲۲ - ۲۴؛ چنگیز پهلوان: پیشین / ۴۱۸؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۶۱۶.

نمونه شعری از مایل هروی:

در خون من غرور نیاکان نهفته است  
خشم و ستیز رستم‌دستان نهفته است  
پنداشتی که ریشه پیوند من گسست  
در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است  
حالی دل مرا تو ز تاب‌وتوان مران  
شیر ژیان میان نیستان نهفته است<sup>۷۵۷</sup>

\*\*\*

هستم در این دو سه روز در آستانه مرگ  
شکر خدای گشتم اکنون روانه مرگ  
دنیاست مادر ما، فرزند را ببلعد  
آنکه ز ناتوانی، رفتم به خانه مرگ  
رنج زمان زیاد است، آدم بود غم‌آلود  
در بانگ رستخیزان خیزم ز شانه مرگ  
ما مرغکان غافل از دام کجا گریزان  
ز آغاز تا به آنجا خوردیم دانه مرگ  
جایی که ننگ و نام است، مرگ را به مرگ کشتن  
مایل ترسد از مرگ، هم از بهانه مرگ<sup>۷۵۸</sup>

علی‌جان سکندری

مجتهد خراسانی - میرزا حبیب‌الله - جلد اول

(۱۰۹) مجتهدزاده - سید علیرضا (۱۳۰۱-۱۳۷۲ ه. ش)

دکتر حاج سید علیرضا مجتهدزاده فرزند سید ابو طالب استاد دانشگاه فردوسی مشهد. وی در سال ۱۳۰۱ ه. ش در شهر قاین متولد و در سن شش سالگی پدرش را از دست داد و تحت

---

(۱) - نجیب مایل هروی: پیشین / ۲۲-۲۴؛ چنگیز بهلوان: پیشین / ۴۱۸؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۶۱۶.

(۲) - سه شعر از زنده‌یاد میر غلامرضا مایل هروی، کلک شماره ۷۱-۷۲، سال ۷۴، ص ۲۹۰.

---

<sup>۷۵۷</sup> (۲) - سه شعر از زنده‌یاد میر غلامرضا مایل هروی، کلک شماره ۷۱-۷۲، سال ۷۴، ص ۲۹۰.

<sup>۷۵۸</sup> (۳) - همان.

(۳) - همان.

ص: ۱۷۸

سرپرستی عمومی خود درآمد. دوران ابتدایی و متوسطه را در شهر بیرجند به اتمام رسانید و پس از آن به استخدام اداره فرهنگ بیرجند درآمد بعد به عنوان رئیس فرهنگ قاینات مشغول به کار شد.<sup>۷۵۹</sup>

پس از پنج سال خدمت به مشهد منتقل گردید و ضمن تدریس در دبیرستان‌های فردوسی و شاهرزای مشهد در دانشکده ادبیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به اخذ درجه لیسانس در ادبیات فارسی نایل گردید.

در سال ۱۳۲۸ ه. ش به تهران سفر کرد و ضمن تدریس در دبیرستان‌های تجریش و قلهک دوره دکترای ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران با بهره‌وری از دانش استادان معروفی مانند استاد جلال الدین همایی، بدیع الزمان فروزانفر و سعید نفیسی به پایان رسانید.<sup>۷۶۰</sup>

در سال ۱۳۳۵ ه. ش به مشهد مقدس برگشت و یکی از اعضای مؤسس و مؤثر دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد شد و به تدریس در این دانشکده و دانشکده‌های ادبیات فارسی، علوم ریاضی و علوم پزشکی پرداخت. پس از چندی بار دیگر به تدریس و تحقیق خود ادامه داد.

وی در سمت استادی بارها به مسافرت‌های علمی در خارج از کشور از جمله به کشورهای عراق، عربستان، فرانسه، سوریه، پاکستان و مصر رفت و در دانشگاه الازهر مصر سخنرانی و مصاحبه نمود. در دوران تدریس و تحقیق خویش آثار ادبی به این شرح به رشته تحریر درآورده است: تصحیح دیوان حکیم نزاری قهستانی، تصحیح طرب المجالس، تصحیح اشعار شهر آشوب (مروارید)، بحث در کلمه بغداد، تألیف مجموعه کتاب درسی نظم و نثر فارسی برای تدریس در دانشکده‌های ادبیات و علوم و الهیات و معارف اسلامی. از ایشان مقالاتی در مجله‌های

---

(۱) - سید احمد مجتهدزاده: دست‌نوشته.

(۲) - همان.

ص: ۱۷۹

نامه آستان قدس، نامه فرهنگ خراسان و مجله دانشکده ادبیات مشهد<sup>۷۶۱</sup> به چاپ رسیده است.

---

<sup>۷۵۹</sup> (۱) - سید احمد مجتهدزاده: دست‌نوشته.

<sup>۷۶۰</sup> (۲) - همان.

دکتر مجتهدزاده پس از یک عمر تلاش علمی بی‌وقفه عاقبت در سال ۱۳۶۸ ه. ش به علت سکنه ناقص زمین گیر و خانه‌نشین شد. در این دوران چهار ساله، اساتید دانشجویان و دوستان از او دیدن می‌کردند و خود نیز قبل از ظهر روزهای جمعه در محفل شعرا و ادبا در منزل مرحوم محمود فرخ شرکت می‌جست. سرانجام در ساعت ۲ بامداد روز شنبه ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۷۲ ه. ش دار فانی را وداع گفت و روز بعد در میان اندوه دانشگاهیان، فرهنگیان، دانشجویان و اقشار مختلف فرهنگ دوست جنازه‌اش تشییع و در صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.<sup>۷۶۲</sup>

علی‌جان سکندری - ابراهیم زنگنه

مدرس - عبد الرحمن - جلد اول مدرس - میرزا محمد تقی - جلد اول مدرس یزدی - سید جلال - جلد اول

(۱۱۰) مذهب مشهدی - غیاث الدین محمد (- ۹۴۲ ه. ق)

مولانا غیاث الدین محمد مذهب مشهدی نقاش، خطاط و مذهب قرن دهم هجری و از شاگردان سلطانه‌علی مشهدی.<sup>۷۶۳</sup> او در مشهد می‌زیست و عاقبت در جمادی الاولی سال ۹۴۲ ه. ق در همین شهر وفات یافت و در کنار قبر استادش به خاک سپرده شد.

مذهب مشهدی را باید از واضعان هنر افشان در نقاشی دانست.<sup>۷۶۴</sup> از آثار

---

(۱) - همان، ر. ک: نامه آستان قدس، شماره‌های ۲۶ سال ۱۳۴۵، ۳۶ سال ۱۳۵۲؛ نامه فرهنگ خراسان شماره ۶ سال ۱۳۲۲؛ مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۲ و ۳ و ۴ سال ۱۳۴۵.

(۲) - سید احمد مجتهدزاده: پیشین.

(۳) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۵۱۲.

(۴) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۴۵.

ص: ۱۸۰

---

<sup>۷۶۱</sup> (۱) - همان، ر. ک: نامه آستان قدس، شماره‌های ۲۶ سال ۱۳۴۵، ۳۶ سال ۱۳۵۲؛ نامه فرهنگ خراسان شماره ۶ سال ۱۳۲۲؛ مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۲ و ۳ و ۴ سال ۱۳۴۵.

<sup>۷۶۲</sup> (۲) - سید احمد مجتهدزاده: پیشین.

<sup>۷۶۳</sup> (۳) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۵۱۲.

<sup>۷۶۴</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۴۵.

اوست: یک قطعه مرقع از سید احمد مشهدی (متوفی ۹۸۶ ه. ق) به قلم نیم دو دانگ خوش با رقم: «مشقه العبد الفقیر الحقیق المذنب غیاث الدین المشهدی المذهب غفر ذنوبه» و نیز سه قطعه از مرقع بهرام میرزا (متوفی ۹۵۵ ه. ق) به قلم سه دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش و متوسط با رقم‌های: «العبد الفقیر المذنب غیاث الدین المذهب» و «مشقه العبد غیاث الدین المشهدی غفر ذنوبه» و «العبد المذنب غیاث الدین المذهب» که این قطعات در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول موجود است.<sup>۷۶۵</sup>

امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ه. ق) وزیر سلطان حسین بایقرا از شاگردان مذهب مشهدی است و به وی ارادت داشته و او را مورد توجه و عنایت خود قرار می‌داده است.<sup>۷۶۶</sup>

محمد جواد هوشیار

مروج خراسانی - علی اکبر - جلد اول

(۱۱۱) مسعودی خراسانی - محمد حسن (۱۲۵۵-۱۳۳۴ ه. ش)

محمد حسن مسعودی خراسانی نماینده مجلس شورا و سنا، شاعر و ادیب مشهدی، فرزند «مسعود خان» و نوه محمد حسین خان مستوفی محمد حسن در سال ۱۲۵۵ ه. ش در مشهد تولد یافت، بعد از اتمام تحصیلات

---

(۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۵۵۹.

(۲) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۱ / ۴۱۵.

ص: ۱۸۱

مقدماتی به تحصیل ادبیات فارسی و ریاضیات پرداخت. وی در جوانی به استخدام آستان قدس رضوی درآمد.<sup>۷۶۷</sup>

چون فرد لایق و کارآمدی بود در اغلب مأموریت‌ها معاونت مستوفی جد خود را می‌نمود و پیش از مشروطیت چندبار فرماندار مشهد شد. او در اوایل مشروطیت در صف آزادیخواهان درآمد. ادارات شهربانی و شهرداری مشهد را تأسیس و انجمن‌های شهری و ایالتی و ولایتی را در مشهد ایجاد نمود.<sup>۷۶۸</sup> در دوره هفتم از درگز به وکالت مجلس رسید و متوالیا هفت

---

<sup>۷۶۵</sup> (۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۵۵۹.

<sup>۷۶۶</sup> (۲) - محمد علی کریم‌زاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۱ / ۴۱۵.

<sup>۷۶۷</sup> (۱) - باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران ۳ / ۱۴۳۳.

<sup>۷۶۸</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۲۴.



دوره وکیل مجلس شد.<sup>۷۶۹</sup> در انتخابات اولین دوره مجلس سنا به مقام سناتوری از خراسان رسید.<sup>۷۷۰</sup> سرانجام وی در فروردین ماه ۱۳۳۴ ه. ش در مشهد درگذشت.<sup>۷۷۱</sup> وی از رجال مورد احترام و آزاده خراسان بود. عادت داشت که هر شب تا سپیده دم بیدار و مشغول مطالعه باشد. در شعر و ماده تاریخ مهارت خاصی داشت.

نمونه غزل وی:

غزلی بخوان که در وی اثری نهفته باشد	سخنی بگو که با ما دگری نگفته باشد
بگشا زبان شیرین، بفشان گهر بدامان	گهری که تا بدین دم دگری نسفته باشد
اگرم ز گلشن دل دهی آن یگانه غنچه	بہزار بار بہتر ز گل شکفته باشد
تو ز سرمه محبت نتوان کشی به چشمی	که بخواب جهل و غفلت شب و روز خفته باشد
در دل کسی تواند بمقام دوستی زد	که ز خویش کذب و نخوت بتمام رفته باشد
سخن و حدیث واعظ نکند اثر مر آنرا	که بگوش جان ز جانان سخنی شنفته باشد <sup>۷۷۲</sup> .

علی جان سکندری

---

(۱) - باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران ۳ / ۱۴۳۳.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۲۴.

(۳) - باقر عاقلی: پیشین ۳ / ۱۴۳۳؛ مهدی بامداد:

شرح حال رجال ایران ۵ / ۲۳۹.

---

<sup>۷۶۹</sup> (۳) - باقر عاقلی: پیشین ۳ / ۱۴۳۳؛ مهدی بامداد:

شرح حال رجال ایران ۵ / ۲۳۹.

<sup>۷۷۰</sup> (۴) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۹؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۲۴.

<sup>۷۷۱</sup> (۵) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۹.

<sup>۷۷۲</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۲۵.

(۴) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۹؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۲۴.

(۵) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۲۳۹.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۲۵.

ص: ۱۸۲

(۱۱۲) مشهدی - ابو المعالی (- بعد از ۱۱۴۵ ه. ق)

میرزا ابو المعالی مشهدی فرزند سید السادات میرزا ابو محمد، شاعر و از رؤسای خدام آستان قدس رضوی.<sup>۷۷۳</sup>

وی در قرن دوازدهم هجری می‌زیست و حزین لاهیجی (متوفی ۱۱۸۰ ه. ق) در مدت اقامت سه ساله‌اش در مشهد که از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۴۵ ه. ق به طول انجامید، با وی معاشرت داشت و خصوصیات اخلاقی وی از جمله صداقت در گفتار و رفتار و برخورد مناسب با مردم را از اخلاقیات او می‌داند.<sup>۷۷۴</sup>

از آنجا که در شرح حال ابو المعالی اشاره دارد که مدت سه سال در مشهد مانده و ورود او به مشهد ۱۱۴۲ ه. ق بوده است، بنابراین ابو المعالی مشهدی باید بعد از ۱۱۴۵ ه. ق فوت کرده باشد.

این دو بیت از اوست:

ز بس یاد تو در دل نقش ما شد چون نگین ما را

نمی‌گردد به جز نام تو حرفی دل‌نشین ما را

ز دولت نیست جز تشویق خاطر حاصلی دیگر

بزرگی مایه طوفان بود پیوسته دریا را<sup>۷۷۵</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۱۳) مشهدی - باقر (- ۱۰۷۰ ه. ق)

میرزا شاه باقر فرزند میرزا عرب مشهدی<sup>۷۷۶</sup> شاعر و متخلص به حاصل و از سادات مشهد و خادم آستان قدس رضوی. وی در روزگار پادشاهی جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ ه. ق) به هندوستان مهاجرت کرد<sup>۷۷۷</sup> و در آنجا در خدمت شاهزاده «مرادبخش» (۱۰۶۸ ه. ق) قرار گرفت و به نیابت وی به زیارت مشهد آمد<sup>۷۷۸</sup> و به کربلا، بصره و

<sup>۷۷۳</sup> (۱) - حزین لاهیجی: تذکره المعاصرین / ۱۸۹.

<sup>۷۷۴</sup> (۲) - همان.

<sup>۷۷۵</sup> (۳) - همان / ۱۹۰.

---

(۱) - حزين لاهيجى: تذکره المعاصرین / ۱۸۹.

(۲) - همان.

(۳) - همان / ۱۹۰.

(۴) - محمد مظفر حسين صبا: تذکره روز روشن / ۹۸.

(۵) - محمد قدرت الله گوياموى: تذکره نتایج الافکار / ۱۸۹.

(۶) - محمد طاهر نصرآبادى: تذکره نصرآبادى / ۱۴۰.

ص: ۱۸۳

بندر سورت سفر نمود.<sup>۷۷۹</sup> ميرزا محمد طاهر نصرآبادى، ميرزا محمد صادق ميناي اصفهانى مؤلف «صبح صادق» و محمد عارف دارابى شيرازى مؤلف «لطائف الخيال» از معاصران وى مى‌باشند.<sup>۷۸۰</sup>

هرچند تذکره‌نویسان سال وفات وى را به اختلاف ۱۱۳۰، ۱۱۱۴، ۱۱۰۰، ۱۱۴۰ ه. ق ذکر کرده‌اند،<sup>۷۸۱</sup> به نظر مى‌رسد وى در سال ۱۰۷۰ ه. ق در مشهد در گذشته است.<sup>۷۸۲</sup>

از آثار ایشان مى‌توان به ديوان شعر<sup>۷۸۳</sup> و مثنوى ميخانه اشاره کرد. وى اين مثنوى را در برابر «ساقى‌نامه» ظهورى ترشيزى (متوفى ۱۰۲۴ ه. ق) سروده است.<sup>۷۸۴</sup>

اين اشعار از اوست:

---

<sup>۷۷۶</sup> (۴) - محمد مظفر حسين صبا: تذکره روز روشن / ۹۸.

<sup>۷۷۷</sup> (۵) - محمد قدرت الله گوياموى: تذکره نتایج الافکار / ۱۸۹.

<sup>۷۷۸</sup> (۶) - محمد طاهر نصرآبادى: تذکره نصرآبادى / ۱۴۰.

<sup>۷۷۹</sup> (۱) - احمد گلچين معانى: کاروان هند / ۱ / ۳۱۲.

<sup>۷۸۰</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادى: پيشين / ۱۴۰: احمد گلچين معانى: پيشين / ۱ / ۳۱۲.

<sup>۷۸۱</sup> (۳) - محمد قدرت الله گوياموى: پيشين / ۱۸۹: آقا بزرگ تهراني: الذريعه / ۹ / ۲۲۰: لغتنامه دهخدا ذيل حاصل.

<sup>۷۸۲</sup> (۴) - احمد گلچين معانى: پيشين / ۱ / ۳۱۲.

<sup>۷۸۳</sup> (۵) - آقابزرگ تهراني: پيشين / ۹ / ۲۲۰.

<sup>۷۸۴</sup> (۶) - احمد گلچين معانى: پيشين / ۱ / ۳۱۲.

باید چو برق خنده‌زنان از جهان گذشت

توان چو ابر بر سر دنیا گریستن

<sup>۷۸۵</sup> سحر چو شمع سیه روی گشت دانستم

که هرکه پرده‌داری کرد زود رسوا شد <sup>۷۸۶</sup>

محمد جواد هوشیار

مشهدی - برهان الدین - جلد اوّل

(۱۱۴) مشهدی - رستم‌علی (- ۹۷۰ ه. ق)

مولانا رستم‌علی مشهدی خطاط، کاتب و خواهرزاده استاد بهزاد (متوفی ۹۴۱ ه. ق) نقاش معروف. <sup>۷۸۷</sup> وی در هرات متولد شد. <sup>۷۸۸</sup> مولانا نستعلیق را

---

(۱) - احمد گلچین معانی: کاروان هند / ۱ / ۳۱۲.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۴۰؛ احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۳۱۲.

(۳) - محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۱۸۹؛ آقا بزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۲۲۰؛ لغتنامه دهخدا ذیل حاصل.

(۴) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۳۱۲.

(۵) - آقا بزرگ تهرانی: پیشین / ۹ / ۲۲۰.

(۶) - احمد گلچین معانی: پیشین / ۱ / ۳۱۲.

(۷) - همان، محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۱۸۹.

(۸) - لغتنامه دهخدا، ذیل حاصل.

(۹) - حسن بیگ روملو: احسن التواریخ / ۱۸۶؛ میرخواند: روضة الصفا / ۸ / ۵۷۹.

---

<sup>۷۸۵</sup> (۷) - همان، محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۱۸۹.

<sup>۷۸۶</sup> (۸) - لغتنامه دهخدا، ذیل حاصل.

<sup>۷۸۷</sup> (۹) - حسن بیگ روملو: احسن التواریخ / ۱۸۶؛ میرخواند: روضة الصفا / ۸ / ۵۷۹.

<sup>۷۸۸</sup> (۱۰) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۲۰۷ - ۲۰۸.

(۱۰) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۲۰۷-۲۰۸.

ص: ۱۸۴

خوش می‌نوشت.<sup>۷۸۹</sup> و در کتابت مهارت داشت چنانکه نوشته‌اند وی مدتی در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا (۸۷۵-۹۱۲ ه. ق) در هرات<sup>۷۹۰</sup> و همچنین در کتابخانه بهرام میرزا صفوی (متوفی ۹۵۶ ه. ق) و فرزندش ابو الفتح سلطان ابراهیم میرزا (۹۴۶-۹۸۴ ه. ق) در مشهد به کتابت مشغول بود.<sup>۷۹۱</sup>

رستم‌علی مشهدی عاقبت در سال ۹۷۰ ه. ق در مشهد درگذشت و در کنار سلطانه‌لی مشهدی، موازی پای مبارک حضرت رضا علیه السلام مدفون گردید.<sup>۷۹۲</sup>

فرزندش «محبعلی نائی» نیز هنرمند بود.<sup>۷۹۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۱۵) مشهدی - سلطانه‌لی (۸۴۱-۹۲۶ ه. ق)

مولانا سلطانه‌لی مشهدی ملقب به نظام الدین، معروف به «سلطان الخطاطین» و «قبلة الكتاب»، از علما و مشاهیر خطاطان و خوشنویسان خط نستعلیق است. در سال ۸۴۱ ه. ق در مشهد متولد شد و در خدمت اظهر هروی با هنر خطاطی آشنا شد.<sup>۷۹۴</sup>

برحسب استعداد ذاتی و پشتکار شهره آفاق شد و در اثر همین شهرت سال ۸۶۵ ه. ق سلطان ابو سعید گورکانی او را به هرات برد و پس از مرگ گورکانی در دربار سلطان حسین میرزا بایقرا و خدمت وزیرش امیر علیشیرنویسی به مدت چهل سال به کتابت مشغول بود و در کتابخانه مخصوص سلطان به استنساخ اشتغال

(۱) - سید محسن امین: اعیان الشیعه ۶/ ۴۷۳؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب ۳/ ۲۵۱.

(۲) - مهدی بیانی: پیشین / ۲۰۸.

<sup>۷۸۹</sup> (۱) - سید محسن امین: اعیان الشیعه ۶/ ۴۷۳؛ محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه‌الادب ۳/ ۲۵۱.

<sup>۷۹۰</sup> (۲) - مهدی بیانی: پیشین / ۲۰۸.

<sup>۷۹۱</sup> (۳) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۲۵.

<sup>۷۹۲</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۰؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲/ ۷۱۹.

<sup>۷۹۳</sup> (۵) - سام میرزای صفوی: تذکره تحفه سامی / ۱۴۰، مهدی بیانی: پیشین / ۲۰۸.

<sup>۷۹۴</sup> (۶) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۴/ ۴۲۹.

(۳) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۲۵.

(۴) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۰؛ محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۹.

(۵) - سام میرزای صفوی: تذکره تحفه سامی / ۱۴۰، مهدی بیانی: پیشین / ۲۰۸.

(۶) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانة الادب ۴ / ۴۲۹.

ص: ۱۸۵

داشت.<sup>۷۹۵</sup> و خود را کاتب سلطان می‌نامید.

او در دربار سلطان حسین از احترام خاصی برخوردار بود و تمام کتیبه‌های مساجد هرات و دیگر آثار خیریه زمان سلطان حسین و وزیرش امیر علیشیر نوایی به خط نستعلیق اوست. سلطان محمدنور، سلطان محمد خندان، سلطان محمد ابریشمی، علاء الدین محمد، زین الدین محمد و محمد قاسم از مشاهیر شاگردان او هستند.<sup>۷۹۶</sup> سلطان علی بعد از تصرف هرات توسط شاهی بیگ ازبک در سال ۹۱۳ ه. ق به مشهد بازگشت<sup>۷۹۷</sup> و دهم ربیع الاول سال ۹۲۶ ه. ق در ۸۵ سالگی درگذشت. خواند میر فوت او را ۹۱۹ ه. ق نوشته است.<sup>۷۹۸</sup> او در محاذی پایین پای حضرت نزدیک پنجره‌ی فولاد به خاک سپرده شد.<sup>۷۹۹</sup>

وی شعر می‌گفت و رساله‌ای در باب خط و تعلیم آن به نظم از او باقی مانده است.

از اشعار اوست:

از جوانی به خط بدی میلیم      عشق خط راند از مزه سیلم<sup>۸۰۰</sup>

غلامرضا جلالی مشهدی - سید برهان الدین - جلد اول

(۱۱۶) مشهدی - طاهر عطار (- زنده ۱۰۴۴ ه. ق)

<sup>۷۹۵</sup> (۱) - خواند میر: حبیب السیر ۴ / ۳۵۲.

<sup>۷۹۶</sup> (۲) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۴ / ۴۲۹.

<sup>۷۹۷</sup> (۳) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۲۱.

<sup>۷۹۸</sup> (۴) - خواند میر: پیشین ۴ / ۵۳۲.

<sup>۷۹۹</sup> (۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۷۲۱.

<sup>۸۰۰</sup> (۶) - همان.

طاهر عطار مشهدی شاعر و از شاگردان امتی تربتی (زنده ۱۰۰۶ ه. ق.) وی در مشهد به عطاری مشغول بود و در دوران جوانی در مشهد درگذشت.<sup>۸۰۱</sup> وی صاحب دیوان است.<sup>۸۰۲</sup>

---

(۱) - خواند میر: حبيب السیر ۴ / ۳۵۲.

(۲) - محمد علی مدرس تبریزی: پیشین ۴ / ۴۲۹.

(۳) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۲۱.

(۴) - خواند میر: پیشین ۴ / ۵۳۲.

(۵) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۷۲۱.

(۶) - همان.

(۷) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۰۵، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر

۷۶ /

(۸) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۶۴۲.

ص: ۱۸۶

این اشعار از اوست:

از فریب باغبان غافل مباش ای عندلیب  
پیش از این من هم در این باغ آشیانی داشتم<sup>۸۰۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۱۷) مشهدی - عبد الوهاب (قرن ۹ ه. ق.)

---

<sup>۸۰۱</sup> (۷) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۰۵، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر

۷۶ /

<sup>۸۰۲</sup> (۸) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۶۴۲.

<sup>۸۰۳</sup> (۹) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۰۵، محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۱۸.

مولانا عبد الوهاب مشهدی شاعر، خطاط و قاضی قرن نهم هجری<sup>۸۰۴</sup> و معاصر با ابو القاسم بابر تیموری (۸۵۳-۸۶۱ ه. ق.)<sup>۸۰۵</sup> او شاعری صاحب دیوان،<sup>۸۰۶</sup> کاتب، خطاط، صاحب فضل و قاضی شهر مشهد بود و عاقبت در همین شهر درگذشت و مدفون گردید.<sup>۸۰۷</sup>

در صنعت شعری استاد بود چنانکه بیشتر شعرای مشهد شاگرد قاضی بودند.<sup>۸۰۸</sup> کتیبه به خط او در قلعه عماد- از قلاع مستحکم واقع در نواحی غربی افغانستان فعلی که در دوره تیموریان به علت استحکام و استواری برای خزاین و دفائن سلطنتی در نظر گرفته شده بود.<sup>۸۰۹</sup>

- موجود است.<sup>۸۱۰</sup>

از اشعار اوست:

جان از لب لعل تو دل از سر زلفت  
جوینده آب خضر و عمر درازند<sup>۸۱۱</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۹) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۰۵، محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب / ۳ / ۲۱۸.

(۱۰) - ع - خیام پور: فرهنگ سخنوران / ۳۸۱.

(۱۱) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران / ۱ / ۳۲۹.

(۱۲) - آقابرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۷۰۳.

---

<sup>۸۰۴</sup> (۱۰) - ع - خیام پور: فرهنگ سخنوران / ۳۸۱.

<sup>۸۰۵</sup> (۱۱) - سعید نفیسی: تاریخ نظم و نثر در ایران / ۱ / ۳۲۹.

<sup>۸۰۶</sup> (۱۲) - آقابرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۷۰۳.

<sup>۸۰۷</sup> (۱۳) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: تذکره مجالس النفایس / ۲۶ / ۲۰۱.

<sup>۸۰۸</sup> (۱۴) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۲۰۱.

<sup>۸۰۹</sup> (۱۵) - خواند میر: حبیب السیر / ۴ / ۲۶، ۳۱، ۴۱، ۵۴، ۷۷؛ کمال الدین عبد الرزاق سمرقندی:

مطلع السعدین و مجمع البحرین / ۹۴۸.

<sup>۸۱۰</sup> (۱۶) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۲۰۱.

<sup>۸۱۱</sup> (۱۷) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۲۶.



(۱۳) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: تذکره مجالس النفایس / ۲۶، ۲۰۱.

(۱۴) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۲۰۱.

(۱۵) - خواند میر: حبیب السیر / ۴، ۲۶، ۳۱، ۴۱، ۵۴، ۷۷؛ کمال الدین عبد الرزاق سمرقندی:

مطلع السعیدین و مجمع البحرین / ۹۴۸.

(۱۶) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۲۰۱.

(۱۷) - میر نظام الدین علیشیر نوایی: پیشین / ۲۶.

ص: ۱۸۷

(۱۱۸) مشهدی - علیرضا (- پیش از ۹۸۶ ه. ق)

علیرضا مشهدی شاگرد میرزا سید احمد مشهدی (متوفی ۹۸۶ ه. ق).<sup>۸۱۲</sup>

خطاط و خوشنویس وی در اوایل دوره صفویه در مشهد می زیسته است.<sup>۸۱۳</sup>

و بنا به گزارش قاضی احمد قمی «وی بسیار خوش می نوشت».<sup>۸۱۴</sup>

بعد از آنکه سید احمد مشهدی در سال ۹۸۴ ه. ق به قزوین رفت،<sup>۸۱۵</sup> علیرضا مشهدی در مشهد ماند و کمی بعد در همین شهر درگذشت.<sup>۸۱۶</sup>

از آثار وی یک قطعه مرقع به قلم پنج دانگ جلی و نیم دو دانگ عالی با رقم: «العبد علی رضا مشهدی» و یک قطعه از مرقع دیگر به قلم سه دانگ و کتابت خوش با رقم: «کتبه العبد علی رضا مشهدی حسب فرموده مولانا حاجی، مرقوم شکسته رقم گشت». این دو قطعه در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول موجود است.<sup>۸۱۷</sup> همچنین اشعاری که مولانا عبدی گنابادی

<sup>۸۱۲</sup> (۱) - حبیب الله فضائلی: اطلس خط / ۴۸۲.

<sup>۸۱۳</sup> (۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۲۶.

<sup>۸۱۴</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۹۱.

<sup>۸۱۵</sup> (۴) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۴۶.

<sup>۸۱۶</sup> (۵) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۹۳.

<sup>۸۱۷</sup> (۶) - مهدی بیانی: پیشین / ۴۶۷.

(زنده ۹۸۴ ه. ق) در رثای میر منشی (متوفی ۹۹۰ ه. ق) پدر قاضی احمد قمی سروده است به خط مولانا علی رضا مشهدی است.<sup>۸۱۸</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۱۹) مشهدی - محمد امین (- زنده ۱۰۰۶ ه. ق)

مولانا محمد امین مشهدی شاعر، خطاط، کاتب و نقاش.<sup>۸۱۹</sup> و مذهب کتابخانه آستان قدس رضوی.<sup>۸۲۰</sup> وی در

---

(۱) - حبیب الله فضائلی: اطلس خط / ۴۸۲.

(۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۷۲۶.

(۳) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۹۱.

(۴) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۴۶.

(۵) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۹۳.

(۶) - مهدی بیانی: پیشین / ۴۶۷.

(۷) - قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ ۲ / ۷۳۵ - ۷۳۶.

(۸) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۵۱، ۲۴۸ - ۲۴۹.

(۹) - محمد علی کریمزاده تبریزی: احوال و آثار

ص: ۱۸۸

ضمن تذهیب، جدول‌سازی و صنعت عکس صاحب ابتکار و مخترع اولیه عکس‌های هفت‌رنگ به شمار می‌آید، او همچنین در ابرسازی مهارت داشت.<sup>۸۲۱</sup>

---

<sup>۸۱۸</sup> (۷) - قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ ۲ / ۷۳۵ - ۷۳۶.

<sup>۸۱۹</sup> (۸) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۵۱، ۲۴۸ - ۲۴۹.

<sup>۸۲۰</sup> (۹) - محمد علی کریمزاده تبریزی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران ۳ / ۱۲۰۵.

محمد امین بعد از حمله ازبکان - در سال ۹۹۷ ه. ق - به خراسان، مدتی با خانواده‌اش به هند رفت و آنجا سال‌ها در کتابخانه «خان خانان» (محمد رحیم خان بن بیرام خان قرامانلو) به تذهیب کتاب‌ها پرداخت و پس از آرامش خراسان در زمان شاه عباس (۱۰۰۶ ه. ق) به مشهد آمد.<sup>۸۲۲</sup> و در همین شهر درگذشت.<sup>۸۲۳</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۲۰) مشهدی - میرزا مهدی (- زنده ۱۱۴۱ ه. ق)

میرزا مهدی مشهدی شاعر و متخلص به «عالی». ایشان در مشهد زاده شد و در این شهر درگذشت.<sup>۸۲۴</sup>

دیوانش باقی نمانده است.

در وصف او آورده‌اند: «در وادی سخنوری قدرت او به کمال بود در تمام مملکت خراسان نظیر نداشت، شعر بسیار گفته و از هر قسم نظم...»<sup>۸۲۵</sup>

وی شعر زیاد سروده است که به گفته خودش شامل سی هزار بیت بوده است.<sup>۸۲۶</sup>

این اشعار از اوست:

آنچنان کز نظر انداخته‌ام دنیا را

نیست ممکن که تواند دگری بردارد

شعله طور نماید به نظر هر رگ سنگ<sup>۸۲۷</sup>

پرتو حسن تو گر جلوه کند در رگ سنگ

محمد جواد هوشیار

---

نقاشان قدیم ایران ۳ / ۱۲۰۵.

---

<sup>۸۲۱</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۴۸.

<sup>۸۲۲</sup> (۲) - احمد گلچین معانی: کاروان هند / ۱ / ۱۱۹.

<sup>۸۲۳</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۴۸.

<sup>۸۲۴</sup> (۴) - حزین لاهیجی: تذکرة المعاصرین / ۱۸۸؛ آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۱۲.

<sup>۸۲۵</sup> (۵) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۵۰.

<sup>۸۲۶</sup> (۶) - همان / ۳۵۰.

<sup>۸۲۷</sup> (۷) - همان / ۱۸۸.

(۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۴۸.

(۲) - احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۱۱۹.

(۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۴۸.

(۴) - حزین لاهیجی: تذکرة المعاصرین / ۱۸۸؛ آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۱۲.

(۵) - حزین لاهیجی: پیشین / ۳۵۰.

(۶) - همان / ۳۵۰.

(۷) - همان / ۱۸۸.

ص: ۱۸۹

(۱۲۱) مشهدی - نعمت الله (- زنده ۱۰۱۵ ه. ق)

مولانا نعمت الله مشهدی خطاط و شاعر مشهدی. پدرش از نزدیکان شاه عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ه. ق) بود.

نخست در مشهد نزد «میرزا احمد مشهدی» (متوفی ۹۸۶ ه. ق) خط آموخت بعد به قزوین رفت و مدتی نزد «علیرضا عباسی» (زنده ۱۰۲۵ ه. ق) به تعلیم خط پرداخت.<sup>۸۲۸</sup> پس از آنکه شاه عباس مشهد را در سال ۱۰۰۶ ه. ق تسخیر نمود، نعمت الله به مشهد آمد.<sup>۸۲۹</sup>

هنگام تألیف «گلستان هنر» حدود (۱۰۰۴ - ۱۰۱۵ ه. ق) در قید حیات بوده است.

این رباعی از اوست:

از دیر بسوی کعبه می آیم باز

از اهل حقیقتم نه از اهل مجاز

جان در کف و دل در آستین می آیم

سویت به هزار حاجت و عجز و نیاز<sup>۸۳۰</sup>

<sup>۸۲۸</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۲۶ - ۱۲۷.

<sup>۸۲۹</sup> (۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۳۷؛ سید محسن امین: اعیان الشیعه ۱۰ / ۲۲۵؛ محمد علی مصباحی نائینی:

تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۲۵.

<sup>۸۳۰</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۲۷.

(۱۲۲) مصور مشهدی - علیقلی (۱۲۲۷ - بعد از ۱۲۹۴ ه. ق)

حاجی میرزا علیقلی فرزند رضا قلی پیکرتراش، نقاش و شاعر متخلص به «مصور». وی در سال ۱۲۲۷ ه. ق در تهران به دنیا آمد. در آغاز جوانی به مشهد مهاجرت نمود. در این شهر نقاشی و شاعری آموخت و تا آخر عمر در مشهد می‌زیست.<sup>۸۳۱</sup> مصور در فنون نقاشی و شبیه‌سازی مهارت فراوانی داشت. قلمدان و قاب‌آینه نیز می‌ساخت. طبع شعر داشت و به مناسبت نقاشی تخلص خود را «مصور»

---

(۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۲۶ - ۱۲۷.

(۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۳۷؛ سید محسن امین: اعیان الشیعه ۱۰ / ۲۲۵؛ محمد علی مصباحی نائینی:

تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۲۵.

(۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۲۷.

(۴) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۲۲.

ص: ۱۹۰

نهاد.<sup>۸۳۲</sup> مصور از نوادر زمان و بسیار خوش صحبت و مهربان بود.<sup>۸۳۳</sup> فوت مصور در اواخر قرن سیزدهم هجری قمری در مشهد واقع شد.

وی به حضور محمد شاه قاجار رسید و قصیده‌ای در مدح شاه با صفحه‌ای نقاشی تقدیم کرد که مورد توجه وی قرار گرفت، تصویری از محمد شاه کشید و یک قصیده تهنیت در سال ۱۲۷۳ ه. ق درباره فتح هرات سرود.<sup>۸۳۴</sup> از آثار دیگر او می‌توان به

---

<sup>۸۳۱</sup> (۴) - محمد علی مصباحی نائینی: تذکره مدینه الادب ۳ / ۲۲۲.

<sup>۸۳۲</sup> (۱) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار ۴ / ۱۲۸۵.

<sup>۸۳۳</sup> (۲) - رضا قلی خان هدایت: مجمع الفصحا ۵ / ۹۵۲.

<sup>۸۳۴</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۴۰.

تصویر پیرمرد چوپانی با آبرنگ که به عصایی تکیه داده و چند گوسفند را مراقبت می‌کند با رقم «عمل علی مصور متخلص» و قلمدان زیبایی با تاریخ ۱۲۹۴ ه. ق اشاره کرد.<sup>۸۳۵</sup>

این اشعار از اوست:

دوش دلبر بی‌حجاب آمد ز در چون آفتاب	کافتاب از شرم رویش مستتر شد در سحاب
بی‌سحاب آمد مکدر آفتاب اندر نظر	ز انزمان کز در درآمد بی‌حجاب آن آفتاب
با رخی کز وی مگوی و با قدی که از وی می‌رس	با دهانی کو مجوی و با میانی کو میاب
روی نیکویش چو گلشن، گلشنی از باغ خلد	موی خوش بویش چو خرمن، خرمنی از مشک ناب
روز و شب با نور ظلمت کی قرین با هم شوند	از قران روی و موی وی عیان شیئی عجاب <sup>۸۳۶</sup>

رسول سعیدی‌زاده

مظلوم - واعظ کرمانشاهی - محمد علی، جلد اول

(۱۲۳) معرف اصفهانی - آقا ملک (- ۱۰۰۲ ه. ق)

آقا ملک اصفهانی شاعر و متخلص به «معرف». ایشان مردی صاحب‌کمال، خوش‌سخن، شوخ‌طبع، از سلسله معرفان اصفهان و برادر آقا صفی معرف

---

(۱) - میرزا محمد علی حبیب‌آبادی: مکارم الآثار ۴ / ۱۲۸۵.

(۲) - رضا قلی خان هدایت: مجمع الفصحا ۵ / ۹۵۲.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۴۰.

---

<sup>۸۳۵</sup> (۴) - اثر آفرینان ۵ / ۲۴۸.

<sup>۸۳۶</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۴۰ - ۵۴۱.

(۴) - اثر آفرینان / ۵ / ۲۴۸.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۴۰ - ۵۴۱.

ص: ۱۹۱

است.<sup>۸۳۷</sup> وی مدتی وزیر «فرهاد بیگ» حاکم اصفهان بود.<sup>۸۳۸</sup> بعد از آنکه فرهاد بیگ مورد غضب شاه عباس (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ه. ق) قرار گرفت و کشته شد، شاه اموال آقا ملک را گرفت و او ناچار به مشهد آمد و مدت‌ها در آنجا متواری بود تا آنکه با وساطت «حاتم بیگ اعتماد الدوله» (متوفی ۱۰۱۹ ه. ق) شاه عباس از تقصیرش گذشت و در مشهد ماند<sup>۸۳۹</sup> و در سال ۱۰۰۲ ه. ق درگذشت.<sup>۸۴۰</sup>

این رباعی را آقا ملک در مدح حاتم بیگ گفته است:

و ز جود زمانه ساغرش پر می‌کرد

حاتم که سخاش اسم همت حی کرد

این بود که روزگار نامش طی کرد<sup>۸۴۱</sup>

می‌خواست که با تواش بود شرکت اسم

فرزندش تقی اصفهانی فردی شاعر، صاحب‌دیوان و خطاط بود.<sup>۸۴۲</sup> که بعد از درگذشت پدرش به هند رفت و در سال ۱۰۱۳ ه. ق در آنجا چشم از جهان فرو بست.<sup>۸۴۳</sup>

معزای اصفهانی نیز فرزند دیگر آقا ملک، صاحب‌کمال و حافظ خمسه و شاهنامه بود که در ۱۰۲۴ ه. ق در «آگره» وفات یافت.<sup>۸۴۴</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۲۴) مقبل گلیپگانی (قرن ۱۲ و ۱۳ ه. ق)

<sup>۸۳۷</sup> (۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۳۰.

<sup>۸۳۸</sup> (۲) - همان؛ محمد منجم یزدی: تاریخ عباسی / ۹۳.

<sup>۸۳۹</sup> (۳) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۰.

<sup>۸۴۰</sup> (۴) - آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۲۱۶.

<sup>۸۴۱</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۰ - ۱۳۱.

<sup>۸۴۲</sup> (۶) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۷۳.

<sup>۸۴۳</sup> (۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۱؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۲۳۰.

<sup>۸۴۴</sup> (۸) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۳۱۶.

گلپایگانی از شعرای قرن دوازدهم و سیزدهم هجری گلپایگان. وی در شعر تخلص «مقبل» داشت. از اشعار بر جای

---

(۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۳۰.

(۲) - همان؛ محمد منجم یزدی: تاریخ عباسی / ۹۳.

(۳) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۰.

(۴) - آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۲۱۶.

(۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۰ - ۱۳۱.

(۶) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۷۳.

(۷) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۱۳۱؛ احمد گلچین معانی: کاروان هند ۱ / ۲۳۰.

(۸) - احمد گلچین معانی: پیشین ۲ / ۱۳۱۶.

ص: ۱۹۲

مانده از او می توان گفت که از شاعران مدیحه گو و مرثیه سرای اهل بیت عصمت و طهارت است.

قبرش میان صحن عتیق مقابل ایوان طلا است و لوح سنگ قبرش از سنگ خارای ممتاز بسیار بزرگ می باشد.

این اشعار از اوست:

در یگانه دریای مجمع البحرين	به خون تپیده کرب و بلا امام حسین
نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت	نه شاه تشنه لبان پر جلال طاقت داشت
هوا ز جور مخالف چو قیرگون گردید	عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید
بلند مرتبه شاهی ز صدر زین افتاد	اگر غلط نکنم عرش بر زمین افتاد <sup>۸۴۵</sup>

---

<sup>۸۴۵</sup> (۱) - محمد هاشم خراسانی: منتخب التواریخ / ۷۰۶؛ حسین عمادزاده اصفهانی: زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ۲ / ۳۴۵.



رسول سعیدی زاده

مؤنن - محمد علی - جلد اول موسوی گرمارودی - محمد علی - جلد اول

(۱۲۵) مولانا خیالی (- ۹۵۱ ه. ق)

مولانا خیالی شاعر ترک‌زبان دوره صفوی. او مردی فقیر و درویش، نیک نفس، خیرخواه و از نزدیکان سام میرزا صفوی (۹۸۴ ه. ق) بود. وی سال ۹۵۱ ه. ق در قزوین درگذشت و در مشهد مدفون گردید. دیوان اشعارش بیشتر در قالب غزل، قصیده و مثنوی است.

از اوست:

نارنجی لباس ایچره گلور اول مه تابان  
التونغه توتولیمش شانه سین بیر دور غلطان  
دردر آسلو سر گوشنیده نگار و نک  
یا ای له قرین بولمیش ایکی کوب رخشان<sup>۸۴۶</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱) - محمد هاشم خراسانی: منتخب التواریخ / ۷۰۶؛ حسین عمادزاده اصفهانی: زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام / ۲ / ۳۴۵.

(۲) - سام میرزای صفوی: تذکره تحفه سامی / ۳۴۷ - ۳۴۸.

ص: ۱۹۳

مولوی قندهاری - محمد حسن - جلد اول

(۱۲۶) میر خدیوی - علی اصغر (- ۱۳۷۲ ه. ش)

حاج سید علی اصغر میر خدیوی، شاعر و هنرمند خراسانی.<sup>۸۴۷</sup> وی عهده‌دار خدمات دولتی در طول سالیان دراز در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و رادیوی مشهد بود.<sup>۸۴۸</sup>

<sup>۸۴۶</sup> (۲) - سام میرزای صفوی: تذکره تحفه سامی / ۳۴۷ - ۳۴۸.

<sup>۸۴۷</sup> (۱) - درگذشت شاعر و هنرمند خراسانی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۰، سال ۱۰، ص ۶۷؛ مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۴۶۷.

میر خدیوی در روز دوم دی‌ماه ۱۳۷۲ ه. ش دار فانی را وداع گفت.

پیکرش به وسیله فرهنگیان، هنرمندان و مردم مشهد تشییع و در صحن قدس حرم رضوی به خاک سپرده شد.<sup>۸۴۹</sup>

از میر خدیوی یازده جلد کتاب چاپ شده است.<sup>۸۵۰</sup> از آثار اوست: «پند و لطیفه بخوانید و بخندید و پندهای آن را نیز به کار بندید»، چاپ ۱۳۷۲ مشهد، «خنده و گوهر»، «مجموعه‌ای از لطایف و حکایات تاریخی، عرفانی، ادبی»، چاپ ۱۳۶۹، «رؤیای جوانی و غم پیری»: آثار ارزنده‌ای از شعرای نامی ایران، چاپ ۱۳۷۱، «کشکول خنده»، «اشعار مشهدی»: گزیده شیرین‌ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجه مشهدی از آداب و رسوم مردم خراسان چاپ ۱۳۶۲ مشهد، «جنگ خنده»: گنجینه اشعار و لطایف شیرین فکاهی چاپ ۱۳۷۰، «غزل و رباعی»، «گزیده آثار ادبی شعراء

---

(۱) - درگذشت شاعر و هنرمند خراسانی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۰، سال ۱۰، ص ۶۷؛ مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۴۶۷.

(۲) - کیهان فرهنگی: پیشین، خراسان:

۳ / ۱۰ / ۱۳۷۲، ص ۱۱.

(۳) - همان.

(۴) - همان.

ص: ۱۹۴

و ادبای فارسی‌زبان از قرن پنجم تا عصر حاضر»، چاپ ۱۳۶۵ مشهد، «سی سال پشت صحنه تئاتر»، «از هرچمن گلی و از هرخرمن خوشه‌ای»، تهران ۱۳۷۱ ه. ش، «نمک و نمکدان»، «مجموعه اشعار فکاهی» مشهد ۱۳۶۸ ه. ش، «حاضر جوابی‌های شیرین».<sup>۸۵۱</sup>

از اشعار اوست:

---

<sup>۸۴۸</sup> (۲) - کیهان فرهنگی: پیشین، خراسان:

۳ / ۱۰ / ۱۳۷۲، ص ۱۱.

<sup>۸۴۹</sup> (۳) - همان.

<sup>۸۵۰</sup> (۴) - همان.

<sup>۸۵۱</sup> (۱) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۴۶۷.

من به درگاه خدا غیر از گنه کاری نکردم	لیک دلشادم که هرگز مردم آزاری نکردم
شرم دارم از خدا و زین همه اعمال زشتم	هرچه کردم بر کسی ظلم و ستم کاری نکردم
گرچه از مال جهان همواره دستم بود خالی	شکوه‌ای از رنج و فقر و ذلت و خواری نکردم
گر نبردم بهره از شب‌زنده‌داری و عبادت	هرگز اندر صورت ظاهر ریاکاری نکردم
در درون خود اگر خونابه‌ی دل شد نصیبم	اشک خود را نزد هر دون‌همتی جاری نکردم
افتخارم اینکه دایم با ادیبان می‌نشستم	کوته‌اندیشان پست سفله را یاری نکردم
گر نبودم ثروت و مکنت برای بذل و بخشش	لیک ز ایثار صفا و مهر خودداری نکردم
عقده‌ی دل را بر هرکس گشودم برملا شد	محرم دل بودم اما فاش اسراری نکردم
حاصل عمرت خدیوی چیست؟ برگو این حقیقت	کامدم، رفتم ولی کار سزاواری نکردم <sup>۸۵۲</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۱۲۷) میردامادی سده‌ی - محمد رضا (۱۳۰۰-۱۳۳۳ ه. ش)

سید محمد رضا میردامادی فرزند حاج میرزا محمود طبیب سده‌ی شاعر و مداح اهل بیت: متخلص به «ایمن».

ایشان به سال ۱۳۰۰ ه. ش در سده از توابع اصفهان متولد شد، بعد از اندکی تحصیل در اصفهان به خراسان آمد و در شهر مشهد ساکن گردید. عاقبت در فروردین ۱۳۳۳ ه. ش / رجب ۱۳۷۲ ه. ق در همین شهر درگذشت و به خاک سپرده شد.

در زمان تشرف به آستان حضرت

(۱) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۴۶۷.

(۲) - علی اصغر میرخدیوی: غزل و رباعی گزیده آثار ادبی شعرا / ۳۲۶.

ص: ۱۹۵

<sup>۸۵۲</sup> (۲) - علی اصغر میرخدیوی: غزل و رباعی گزیده آثار ادبی شعرا / ۳۲۶.

ثامن الائمة على بن موسى الرضا عليه السلام اشعاری سروده است که دو بیت آن چنین است:

علی بن موسی شاهنشاه اورنگ او ادنی  
که با مهرش چه باک از عالمی باشند اعدایم  
بجز مهر و ولای مرتضی و آل پاک او  
به بازار دو عالم با کسی خود نیست سودایم<sup>۸۵۲</sup>

محمد جواد هوشیار میرزا داود - جلد اول میرزا عسکری - جلد اول

(۱۲۸) میر مفلسی مشهدی (- قبل از ۸۹۶ ه. ق)

میر مفلسی شاعر غزلسرا و متخلص به مفلسی. وی از سادات مشهد مقدس بود که در قرن نهم هجری<sup>۸۵۴</sup> عهدشاه سلطان حسین بایقرا تیموری (۸۷۵-۹۱۲ ه. ق می زیست. قبل از سال ۸۹۶ ه. ق وفات یافته و مزارش در مشهد<sup>۸۵۵</sup> در لنگر خواجه خضر است.<sup>۸۵۶</sup> محلی که امروزه برای ما شناخته شده نیست و در هیچ منبعی تاریخی یا منابع مربوط به جغرافیای تاریخی مشهد از آن ذکری به میان نیامده است.

این دو بیت از اوست:

بلای مرگ و اندوه قیامت  
چه چنبر ساخت ما را نخل قامت<sup>۸۵۷</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱) - سید مصلح الدین مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان / ۷۵-۷۸.

(۲) - ع - خیام پور: فرهنگ سخنوران / ۵۵۸.

(۳) - میر نظام الدین علیشیرنویسی: تذکره مجالس النفایس / ۲۰۳؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۰۸۷.

(۴) - میر نظام الدین علیشیرنویسی: پیشین / ۳۰.

<sup>۸۵۲</sup> (۱) - سید مصلح الدین مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان / ۷۵-۷۸.

<sup>۸۵۴</sup> (۲) - ع - خیام پور: فرهنگ سخنوران / ۵۵۸.

<sup>۸۵۵</sup> (۳) - میر نظام الدین علیشیرنویسی: تذکره مجالس النفایس / ۲۰۳؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۰۸۷.

<sup>۸۵۶</sup> (۴) - میر نظام الدین علیشیرنویسی: پیشین / ۳۰.

<sup>۸۵۷</sup> (۵) - همان / ۲۹-۳۰، ۲۰۳.

نادری - محمد حسین - جلد سوم ناظر - محمد مهدی - جلد سوم

(۱۲۹) نایی هروی - محب علی (- ۹۷۳ ه. ق)

محب علی نایی متخلص به هراتی فرزند و شاگرد رستم علی مشهدی تقاش، خطاط، شاعر و نوازنده قرن دهم هجری. اصل ایشان از هرات<sup>۸۵۸</sup> و از استادان چهل‌گانه هنر خوشنویسی کتابخانه بایسنقر میرزا بود.<sup>۸۵۹</sup> خط نستعلیق جلی و خفی را خوب می‌نوشت و کتابدار و خوشنویس کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا صفوی در مشهد بود.<sup>۸۶۰</sup> و به همین مناسبت «ابراهیمی» رقم می‌کرد.<sup>۸۶۱</sup> محب علی فردی بلندپرواز بود و به کتابداری قناعت نمی‌کرد و در مزاج شاهزاده داخل و در امور مملکت‌داری تصرف می‌کرد. پس از هشت سال که در خدمت شاهزاده ابراهیم میرزا، بود شاه طهماسب وی را عزل و به قزوین فرا خواند.<sup>۸۶۲</sup> مدتی ملازمت سام میرزا را داشت، سپس شاه طهماسب وی را ملازم سید بیگ معروف به سید منصور

---

(۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۵۰.

(۲) - میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۵۰.

(۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

(۴) - میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

(۵) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

---

<sup>۸۵۸</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۵۰.

<sup>۸۵۹</sup> (۲) - میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۵۰.

<sup>۸۶۰</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

<sup>۸۶۱</sup> (۴) - میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

<sup>۸۶۲</sup> (۵) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

نمود. <sup>۸۶۳</sup> مولانا پس از مدتی اقامت در قزوین اجازه زیارت به عتبات عالیات را یافت و بعد از سفر دوباره به قزوین بازگشت. <sup>۸۶۴</sup> محب‌علی بی‌پروا، خوش طبع و ظریف‌پرداز بود. مفردات خطش متانت لازم را دارد ولی کرسی خط یعنی برابری و محاذات حروف را ندارد.

اگرچه لطافت قلمش از بسیاری از استادان خط بیشتر است، ولی در شعر ابیات سست و بی‌بنیان دارد. مولانا نی را نیز خوب می‌نواخت، و از این‌رو به «نایی» مشهور گشت. <sup>۸۶۵</sup>

فوت مولانا نایی پس از مراجعت از زیارت عتبات به سال ۹۷۳ ه. ق در قزوین واقع شد. در تاریخ فوتش قطعه‌ای گفته‌اند که به وسیله استاد میر سید احمد مشهدی بر سنگ قبر او نوشته شد:

یا رب به صدر جنت او را مقام بادا

رفت از جهان فانی ملا محب‌علی حیف

در آخرت الهی با احترام بادا

چون نزد اهل دنیا مقبول و محترم بود

ملا محب‌علی را شافع امام بادا <sup>۸۶۶</sup>

تاریخ سال فوتش پرسیدم از خرد گفت

جسد مولانا را از قزوین به مشهد مقدس نقل و در پایین پای مبارک امام رضا علیه السلام در جنب قبر پدرش رستم علی مشهدی و سلطان علی مشهدی دفن کردند. <sup>۸۶۷</sup>

رسول سعیدی‌زاده

نجومیان - اسماعیل - جلد اول

(۱۳۰) نصاص اروسانی - محمد قاسم (- پیش از ۱۱۴۵ ه. ق)

محمد قاسم نصاص اروسانی شاعر و سخنور <sup>۸۶۸</sup> اواخر دوره صفوی و اوایل افشار است. حزین لاهیجی (متوفی

(۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۶۱۶ - ۶۱۷.

<sup>۸۶۳</sup> (۱) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۲ / ۶۱۶ - ۶۱۷.

<sup>۸۶۴</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

<sup>۸۶۵</sup> (۳) - مهدی بیانی: پیشین ۲ / ۶۱۶ - ۶۱۷.

<sup>۸۶۶</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰.

<sup>۸۶۷</sup> (۵) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

<sup>۸۶۸</sup> (۶) - حزین لاهیجی: تذکرة المعاصرین / ۲۲۵.

(۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

(۳) - مهدی بیانی: پیشین / ۲ - ۶۱۶ - ۶۱۷.

(۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰.

(۵) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۰، میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۶.

(۶) - حزین لاهیجی: تذکرة المعاصرین / ۲۲۵.

ص: ۱۹۸

۱۱۸۰ ه. ق) در مدت اقامت سه ساله‌اش در مشهد که از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۴۵ ه. ق به طول انجامید با وی معاشرت داشت و او را فردی عابد، زاهد و عارف یافته بود.<sup>۸۶۹</sup> از گزارش حزین لاهیجی بدست می‌آید که وی قبل از ۱۱۴۵ ه. ق در مشهد درگذشت.

فرد دیگری به نام محمد قاسم سراجای اصفهانی معاصر با شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه. ق) وجود داشته که در فن نقاشی مهارت داشته است و در حدود ۱۰۸۶ ه. ق زنده بوده است.<sup>۸۷۰</sup> وی را نباید با محمد قاسم نصاص اروسانی یکی محسوب کرد.

از آنجا که حزین این تذکره را به شاعران ایرانی که دارای مذهب شیعه اثنا عشریه بوده‌اند، اختصاص داده است، نصاص اروسانی را باید از شاعران شیعی امامی دانست.

از اشعار اوست:

صرف گداز کردم عهد جوانی خویش      چون شمع در عذابم ز آتش‌زبانی خویش<sup>۸۷۱</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۳۱) نصرت خراسانی - عبد الحسین (۱۲۵۱ - ۱۳۳۴ ه. ش)

<sup>۸۶۹</sup> (۱) - همان.

<sup>۸۷۰</sup> (۲) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۳۹؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۳۵۱؛ عبد الباقی نهاوندی: مآثر رحیمی / ۷۳۷ - ۷۳۸؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه / ۹ / ۴۳۶.

<sup>۸۷۱</sup> (۳) - همان / ۲۲۵.

میرزا عبد الحسین خان نصرت خراسانی شاعر معاصر خراسان، مشهور به منشی‌باشی و متخلص به «نصرت».

وی فرزند محمد خان امین وظایف مستوفی اصفهانی است. در سال ۱۲۵۱

---

(۱) - همان.

(۲) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۱۳۹؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۳۵۱؛ عبد الباقي نهاوندی: مآثر رحیمی / ۷۳۷-۷۳۸؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۴۳۶.

(۳) - همان / ۲۲۵.

ص: ۱۹۹

ه. ش در اصفهان متولد شد. پدر و اجدادش شغل استیفاء را در اصفهان داشتند و از طرف مادر نوه خواهر «معمد الدوله نشاط» بود. چون پدرش مسئولیت امانت وظایف را در مشهد به دست آورد در سن هفت سالگی همراه با او به مشهد آمد و برای همیشه در این شهر اقامت گزید.

نصرت خراسانی مدت چهارده سال فقه را در نزد حاج میرزا حبیب مجتهد خراسانی و فلسفه را در نزد حاج محمد علی فاضل، حاج غلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمد خادم‌باشی از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری و کلام را در محضر ملا محمد صادق حکمی سبزواری، تحصیل نمود. در ادبیات و انشاء نیز به مهارت بسیاری دست یافت به گونه‌ای که در همان زمان معروف به منشی‌باشی شد. با حافظه عجیبی که داشت در بیست سالگی جوان دانشمند و فاضلی شد و انواع خطوط را خوب می‌نوشت.<sup>۸۷۲</sup>

در ۲۱ سالگی به تهران و از آنجا همراه با میرزا صدرا نجد السلطنه به شیراز رفت و منشی مخصوص محمد تقی رکن الدوله برادر ناصر الدین شاه و حاکم فارس شد. بعد از آنکه رکن الدوله حکومت خراسان را به دست آورد، با وی به مشهد آمد و در مشهد مشغول به کار گردید. در اوایل مشروطیت مقام ریاست دفتر ایالت خراسان را به عهده گرفت.<sup>۸۷۳</sup>

سرودن قصایدی در مدح قوام السلطنه موجب سردی رابطه‌اش با تقی زاده استاندار وقت خراسان شد. در سال ۱۳۱۰ ه. ش ابتدا به فرمانداری کاشمر و بعد به ریاست دفتر استانداری کرمان و معاونت ایالت مازندران مأمور گشت. در تیرماه ۱۳۱۳ ه. ش از سمت هایش عزل و به فرمانداری درگز منصوب شد. در سال ۱۳۱۴ ه. ش از او خواسته شد تا کاندیدای نمایندگی

---

<sup>۸۷۲</sup> (۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۱۳۹ - ۱۴۰؛ علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۶۵.

<sup>۸۷۳</sup> (۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۵ - ۵۶۶.



---

(۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۱۳۹ - ۱۴۰؛ علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۵۶۵.

(۲) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۵ - ۵۶۶.

ص: ۲۰۰

مجلس شورای ملی شود ولی او از پذیرفتن آن خودداری کرد و طی نامه‌ای به وزارت کشور تقاضای بازنشستگی نمود. سرانجام پس از پنجاه سال خدمت چون راه و روش اهل زمانه را پیروی نمی‌کرد با ماهی سیصد ریال او را بازنشسته کردند.<sup>۸۷۴</sup>

وی به همراه گروهی از جمله:

غلامرضا خان دره‌گری (درگری)، صید علی خان دره‌گری (درگری)، حاج میرزا آقا جواهر و حاجی زرگر، انجمن ادبی خراسان را به وجود آوردند.

اعضای انجمن اگرچه از جهت سیاسی به دو گروه مشروطه‌خواه و مشروعه خواه تقسیم می‌شدند، اما دوستی خود را حفظ و به جلسات دوره‌ای خویش در منازل یکدیگر ادامه می‌دادند.<sup>۸۷۵</sup>

نصرت خراسانی بعدها برای معالجه چشم سفری به فرانسه نمود.<sup>۸۷۶</sup> او فردی قانع بود و تعصب زیادی در دین داشت.

تا آخر عمرش در طلب علم و دانش بود. در هر موضوعی که به میان می‌آمد چندین آیه از قرآن یا ابیات شعر مثنوی را به مناسبت می‌خواند و مکرر غزلیات سعدی را استقبال می‌کرد.

سرانجام نصرت خراسانی در ۱۵ خرداد سال ۱۳۳۴ ه. ش در سن ۸۵ سالگی در مشهد درگذشت. استادان بزرگی چون بهار، فرخ، دانش و شکسته از شاگردان او بودند.<sup>۸۷۷</sup>

از آثار نصرت می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: مثنوی «فروزنده» بر وزن حدیقه سنایی چاپ ۱۳۳۱ ه. ش، «فرازنده» در ردّ فرقه بهائیت، «جامع المتفرقه» یا «جامع المتفرقات» به سبک کشکول شیخ بهایی که چاپ نشد، «دیوان شعر» که در سال

---

<sup>۸۷۴</sup> (۱) - همان.

<sup>۸۷۵</sup> (۲) - مهدی بامداد: پیشین / ۵ - ۱۳۹ - ۱۴۰.

<sup>۸۷۶</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۶.

<sup>۸۷۷</sup> (۴) - مهدی بامداد: پیشین / ۵ - ۱۳۹ - ۱۴۰؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۶.

۱۳۴۷ ه. ش به همت فرزندش عبد الرضا نصرت در تهران چاپ شد و کتابی در شرح شعرای هفت گانه عرب که از میان رفته است.<sup>۸۷۸</sup>

(۱) - همان.

(۲) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۱۳۹ - ۱۴۰.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۶.

(۴) - مهدی بامداد: پیشین ۵ / ۱۳۹ - ۱۴۰؛ علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۶.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۶.

ص: ۲۰۱

از اشعار نغز نصرت است:

هرآن چه میوه تلخ آورد نباید کشت	شنیدم از لب دهقان پیر پاک سرشت
چنان مکن که بود کار زشت و صورت زشت	چو صورت تو بود زشت کار نیکو کن
قضا چه رفته و بر لوح ما قلم چه نوشت <sup>۸۷۹</sup>	چه آگهی است ترا و مرا که بر سر ما

رسول سعیدی زاده

(۱۳۲) نقیب الممالک شیرازی - احمد (۱۲۳۸ - ۱۳۰۲ ه. ق)

حاجی میرزا احمد نقیب الممالک شیرازی متخلص به «نقیب» و ملقب به نقیب الاشراف. وی فرزند درویش حسن نقیب الممالک اول صاحب کتاب «امیر ارسلان نامدار»، از فضلا و شعرای معروف قرن سیزدهم شیراز و از ندمای ناصر الدین شاه قاجار، در سال ۱۲۳۸ ه. ق در شیراز متولد شد.<sup>۸۸۰</sup>

<sup>۸۷۸</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۵۶۶.

<sup>۸۷۹</sup> (۱) - همان / ۵۶۹.

<sup>۸۸۰</sup> (۲) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۴۶۲؛ محمد حسین رکن زاده آدمیت:

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۴ / ۷۱۱؛ شیخ مفید: تذکره مرآت الفصاحه / ۶۶۳.

نقیب از سن کودکی شروع به تحصیل علم کرد و انواع علوم عربی و ادبی را آموخت. وی مردی ادیب و بذله گو بود که اشعار زیادی از شعرای متقدم و متأخر از حفظ داشت. در فنون شعری از امثال و اقران خود پیشی گرفت و شعر فصیح و بلیغ می‌گفت.<sup>۸۸۱</sup>

از غزلیات اوست:

دل بر اورنگ تجرد تاج دارایی گرفت  
گشت بی‌همتا نخست آنگاه یکتایی گرفت

---

(۱) - همان / ۵۶۹.

(۲) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۴۶۲؛ محمد حسین رکن‌زاده آدمیت:

دانشمندان و سخن‌سرایان فارس ۴ / ۷۱۱؛ شیخ مفید: تذکره مرآت الفصاحه / ۶۶۳.

(۳) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۲، محمد حسین رکن‌زاده آدمیت: پیشین ۴ / ۷۱۱.

ص: ۲۰۲

تاخت با تنها در اقلیم بدن تا ملک جان	ترک تنها کرد و ملک جان به تنهایی گرفت
بر سر تخت قناعت بی‌مناعت رخت بست	با ندرایی کلید گنج‌دارایی گرفت
شد ز بی‌کبر و ریایی در حریم کبریا	ترک خودرایی نمود آن‌گه خودآرایی گرفت
دید در کثرت چو وحدت یافت در امکان وجوب	بر گلیم فقر اکلیل شهنشاهی گرفت
دید یک جایی تنافی بحر و بر صیاد عشق	دام در دریا فکند و صید صحرایی گرفت
بندگی شایسته باشد ای نقیب اما کجا؟	پیش مولایی کزو هر بنده مولایی گرفت <sup>۸۸۲</sup>

---

<sup>۸۸۱</sup> (۳) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۲، محمد حسین رکن‌زاده آدمیت: پیشین ۴ / ۷۱۱.

<sup>۸۸۲</sup> (۱) - محمد حسین رکن‌زاده آدمیت: پیشین ۴ / ۷۱۱.

تقیب را هفت‌بند شعر در انتقاد از طبقات مردم است. اسامی بندهای آن عبارت است از: اصولیه، شبستانی، شیخیه، مطریه، قماریه، خماریه و شکاریه.

از اشعار بند اصولیه اوست:

ساقیا فصل زمستان آمد و ماه صیام	باده در این فصل واجب گشت و در این مه حرام
امر دایر شد میان حرمت و حکم و وجوب	خیز که استفتا کنیم از حضرت شیخ الانام
شد محرم واجب و واجب محرم چاره چیست	مجمع شد امر و نهی آخر چه ترجیح از کدام؟ <sup>۸۸۳</sup>

تقیب دارای مراتب فضل بسیار بود، به گونه‌ای که نصایح او به‌ویژه در رجال دولتی عصر قاجار مؤثر واقع می‌شد.<sup>۸۸۴</sup>  
وی در اواخر عمرش پس از حج و زیارت عتبات عالیات، به مشهد مشرف و در ردیف خادمان حضرت ثامن الائمه علیه السلام قرار گرفت.<sup>۸۸۵</sup>

بنا به قولی فوت تقیب الممالک در سال ۱۳۰۰ ه. ق در مشهد واقع شد.<sup>۸۸۶</sup>

اما گروهی می‌گویند پس از آنکه تقیب در سال ۱۳۰۲ ه. ق به اصفهان مراجعت کرد، درگذشت.<sup>۸۸۷</sup> از تقیب دو فرزند به

---

(۱) - محمد حسین رکن‌زاده آدمیت: پیشین ۴ / ۷۱۱.

(۲) - همان ۴ / ۷۱۴.

(۳) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۲.

(۴) - شیخ مفید: پیشین / ۶۶۴.

---

<sup>۸۸۳</sup> (۲) - همان ۴ / ۷۱۴.

<sup>۸۸۴</sup> (۳) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۲.

<sup>۸۸۵</sup> (۴) - شیخ مفید: پیشین / ۶۶۴.

<sup>۸۸۶</sup> (۵) - محسن امین: اعیان الشیعه ۳۰ / ۱۹۷.

<sup>۸۸۷</sup> (۶) - فرصت الدوله شیرازی: آثار عجم / ۲۶۲؛ محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۲؛ فرصت الدوله شیرازی: تذکره شعرای دارالعلم شیراز / ۳۱۰؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعة ۳ / ۱۹۷.

(۵) - محسن امین: اعیان الشیعه ۳۰ / ۱۹۷.

(۶) - فرصت الدوله شیرازی: آثار عجم / ۲۶۲؛ محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۲؛ فرصت الدوله شیرازی: تذکره شعرای دارالعلم شیراز / ۳۱۰؛ آقابزرگ تهرانی: الذریعة ۳ / ۱۹۷.

ص: ۲۰۳

نام‌های میرزا مهدی ناظم و حاج میرزا علی مجد الحکماء که از اطباء درباری بود، باقی ماند.<sup>۸۸۸</sup>

از آثار نقیب‌منثوبی است در «ده دفتر» که در آن از اخلاق معاصرین خویش انتقاد کرده. دیوان شعر او با خط نسخ شامل چهار هزار بیت و ۳۰۶ صفحه به شماره ۱۰۸۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. گزیده‌ای از دیوان نقیب با نام «باده بی‌غبار» در سال ۱۳۴۱ ه. ق به صورت سنگی به چاپ رسیده است.<sup>۸۸۹</sup>

رسول سعیدی‌زاده

نوقانی - علی اکبر - جلد اول

نهایندی - محمد - جلد اول

نهایندی - محمد - جلد اول

(۱۳۳) نیشابوری - سلیم کاتب (- ۹۹۰ ه. ق)

مولانا سلیم کاتب، خطاط و شاعر عصر صفوی. اصل وی از مردمان حبشه و پدرش از غلامان میر جمال‌الدین صدر استرآبادی بود که در اوایل سلطنت شاه طهماسب به مرتبه صدارت رسید. مولانا سلیم چون دارای استعداد ذاتی بود، به مشق خط روی آورد و در جرگه شاگردان مولانا شاه محمود نیشابوری در آمد و تعلیم خوشنویسی از او فراگرفت تا اینکه خود از استادان نستعلیق‌نویس شد. در قطعه‌نویسی و رنگ‌نویسی (تذهیب) و کتابت استاد بود. در خوشنویسی هم‌ردیف سلطان محمد نور است.<sup>۸۹۰</sup> در کتابت خفی روش استاد خود شاه محمود را پیروی می‌کرد، ولی مایه آن کمتر از کتابت خفی سلطان محمد نور است.<sup>۸۹۱</sup>

او پیوسته در مشهد می‌زیست و

<sup>۸۸۸</sup> (۱) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۳.

<sup>۸۸۹</sup> (۲) - فرصت الدوله شیرازی: پیشین / ۲۶۲؛ محمد حسین رکن‌زاده آدمیت: پیشین ۴ / ۷۱۱.

<sup>۸۹۰</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۴؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۱ / ۲۸۲.

<sup>۸۹۱</sup> (۴) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۲۸۳.

---

(۱) - محمد معصوم شیرازی: پیشین ۳ / ۴۶۳.

(۲) - فرصت الدوله شیرازی: پیشین / ۲۶۲؛ محمد حسین رکن‌زاده آدمیت: پیشین ۴ / ۷۱۱.

(۳) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۴؛ مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان ۱ / ۲۸۲.

(۴) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۲۸۳.

ص: ۲۰۴

سرانجام در سال ۹۹۰ ه. ق در این شهر فوت کرد.<sup>۸۹۲</sup> از شاگردان برجسته وی می‌توان از شاه محمد مشهدی نام برد.<sup>۸۹۳</sup>

از آثار مولانا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک نسخه خمسه نظامی به قلم کتابت خوش با رقم و تاریخ «تمت الكتاب المسمی به شرف‌نامه ... فی ۱۵ من شهر شعبان المعظم سنه احدی و ستین و تسعمائه و انا العبد المذنب الراجی سلیم، غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه» در موزه آثار اسلامی و ترک، استانبول، یک قطعه به قلم کتابت جلی خوش در مجموعه سلطان القرائی تهران، سه قطعه در مرقع‌های مختلف به قلم سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول، یک قطعه از مرقع مالک دیلمی به قلم دو دانگ و کتابت خوش، در همان کتابخانه، دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی به قلم سه دانگ و دو دانگ و کتابت خوش، یک نسخه چهل حدیث و ترجمه فارسی آن به قلم نیم دو دانگ و کتابت خفی رنگه در مجموعه مهدی بیانی.<sup>۸۹۴</sup>

رسول سعیدی‌زاده

(۱۳۴) نیشابوری - شاه محمود (- بعد از ۹۷۶ ه. ق)

مولانا نظام الدین شاه محمود مشهدی، مشهور و متخلص به «زرین قلم» نیشابوری، خوشنویس و شاعر قرن دهم هجری. وی خواهرزاده و شاگرد مولانا عبدی نیشابوری است.

معروف است که مولانا عبدی در ایام کودکی مولانا شاه محمود، همیشه در حالت تغییر و اعراض به وی می‌گفت:

---

<sup>۸۹۲</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۴.

<sup>۸۹۳</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۴؛ مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۲۸۳؛ میرزا حبیب اصفهانی:

تذکره خط و خطاطان / ۱۲۹.

<sup>۸۹۴</sup> (۳) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۲۸۳ - ۲۸۴.

ای بدبخت سعی کن تا خوشنویس شوی، اگر مثل من نمی‌نویسی مانند این

(۱) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۴.

(۲) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۴؛ مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۸۳؛ میرزا حبیب اصفهانی:

تذکره خط و خطاطان / ۱۲۹.

(۳) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۸۳ - ۲۸۴.

ص: ۲۰۵

سلطان علیک و میر علیک بنویس.<sup>۸۹۵</sup>

مولانا کوشش کرد و هم‌ردیف میر علی سلطان قرار گرفت.<sup>۸۹۶</sup> آثارش لطافت شیوه سلطان علی را داشت و از لحاظ استواری و یکنواختی شیوه میرعلی را دارا بود.<sup>۸۹۷</sup> اشتیاق وی به مشق کردن آن قدر بود که شب‌های تابستان از اول شب تا صبح در زیر نور مهتاب می‌نشست و مشق جلی می‌کرد.

در اواخر عمر به ضعف بینایی دچار شد و از عینک استفاده می‌کرد.<sup>۸۹۸</sup> در کتابت خطوط بی‌نظیر و در قطعه‌نویسی جلی و خفی استاد بود.<sup>۸۹۹</sup> در خفی و غبار مخترع سبکی است که بعدها بابا شاه اصفهانی (۹۰۹ ه. ق) آن را تکمیل کرد.<sup>۹۰۰</sup>

مولانا در نزد شاه اسماعیل اول از منزلت خاصی برخوردار بود. برای شاه اسماعیل یک نسخه شاهنامه فردوسی کتابت کرد که موجب خوش‌آیندی وی گردید.<sup>۹۰۱</sup> در جنگ چالدران که در سال ۹۲۰ ه. ق اتفاق افتاد، همراه او بود. در این جنگ شاه اسماعیل دستور داد تا شاه محمود و بهزاد نقاش را در غاری پنهان کنند او حفظ آن دو را بر مال و خزاین خود مقدم داشت.<sup>۹۰۲</sup>

<sup>۸۹۵</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۸۷؛ قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۵۰.

<sup>۸۹۶</sup> (۲) - همان.

<sup>۸۹۷</sup> (۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۱ / ۲۹۸.

<sup>۸۹۸</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۸۹.

<sup>۸۹۹</sup> (۵) - همان / ۸۷.

<sup>۹۰۰</sup> (۶) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۹۸ - ۲۹۹.

<sup>۹۰۱</sup> (۷) - همان / ۱ / ۲۹۷ - ۲۹۸.

<sup>۹۰۲</sup> (۸) - همان / ۱ / ۲۹۷.

مولانا شاه محمود در روزگار جوانی و ایام ترقی ملازم رکاب شاه طهماسب صفوی بود و به کتابت با کاتبان و نقاشان در کتابخانه سلطنتی مشغول بود. هنگامی که اردوی شاهی در تبریز بود، مولانا در مدرسه نصریه (نصیرییه)<sup>۹۰۳</sup> در بالاخانه و در جانب شمال آن بسر می‌برد. اما بعدها که شاه طهماسب اول به خاطر مهمات کشوری از جمله خطوط مشق و نقاشی دلگیر شده بود،

---

(۱) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۸۷؛ قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۵۰.

(۲) - همان.

(۳) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۱ - ۲۹۸.

(۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۸۹.

(۵) - همان / ۸۷.

(۶) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ - ۲۹۸ - ۲۹۹.

(۷) - همان / ۱ - ۲۹۷ - ۲۹۸.

(۸) - همان / ۱ - ۲۹۷.

(۹) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۳۱.

ص: ۲۰۶

مولانا رخصت اقامت در مشهد مقدس را طلبید و در مدرسه قدمگاه حضرت واقع در چهارباغ سکونت اختیار کرد.

مولانا بیست سال در این مدرسه بسر برد. در این مدت عمرش به زیارت و عبادت و کتابت قطعات و تربیت شاگردان گذشت.<sup>۹۰۴</sup> از شاگردان معروف وی می‌توان به سلیم نیشابوری، حاج محمد تبریزی، محمد حسین باخرزی، سلطان محمود تربتی، قطب الدین یزدی و قاضی احمد قمی اشاره کرد.<sup>۹۰۵</sup>

---

<sup>۹۰۳</sup> (۹) - میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۳۱.

<sup>۹۰۴</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۸۸ - ۸۹.

<sup>۹۰۵</sup> (۲) - همان / ۸۹؛ مهدی بیانی: پیشین / ۱ - ۲۹۸.



طبق گفته معاصرانش، شاه محمود دارای اوصاف حمیده و صفات پسندیده بود.<sup>۹۰۶</sup> وی تا آخر عمر مجرد زیست و در مشهد خویشاوندی نداشت. از هیچ جا درآمدی کسب نمی‌کرد و زندگیش به وسیله حق‌الکتابه می‌گذشت.<sup>۹۰۷</sup>

مولانا ذوق شعری داشت، قصیده و غزل و رباعی را نیکو می‌سرود. ابیاتش پانصد بیت است که اکثر آنها در کتاب «تذکره الشعراء» قاضی احمد قمی آمده است.<sup>۹۰۸</sup>

او را قصیده‌ای است در مدح امام رضا علیه السلام که در پای مناره در راهرو دارالسیاده نصب شده است:

الهی همه عمر محمود کاتب	اگرچه به عصیان سیه کرده دفتر
به حرف خطایش خط عفو درکش	به حق علی بن موسی بن جعفر
ترحم که هستم قلیل البضاعه	به غفلت بسر برده اوقات یک‌سر
دمادم ز یاد گناهان ماضی	به اشک ندامت کنم چهره را تر
به فضل خود ای پادشاه خطابخش	به خط خطایش بکش خط سراسر <sup>۹۰۹</sup>

از غزلیات اوست:

باز طواف کعبه کوی تو دارم آرزو	مسجد و محراب ابروی تو دارم آرزو
--------------------------------	---------------------------------

---

(۱) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۸۸ - ۸۹.

(۲) - همان / ۸۹؛ مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۹۸.

(۳) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۹۶.

---

<sup>۹۰۶</sup> (۳) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۹۶.

<sup>۹۰۷</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۸۸.

<sup>۹۰۸</sup> (۵) - همان / ۸۹.

<sup>۹۰۹</sup> (۶) - همان / ۸۸ - ۸۹؛ قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۵۰.

(۴) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۸۸.

(۵) - همان / ۸۹.

(۶) - همان / ۸۸ - ۸۹؛ قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۵۰.

ص: ۲۰۷

می‌دهم جان در دم آخر من بی‌صبر و دل  
حرفی از نقل سخن‌گوی تو دارم آرزو  
بوی مشک چین نمی‌خواهد دلم ز آنرو که من  
نکته زلف سمن بوی تو دارم آرزو  
دل نیاساید مرا از دیدن سرو سهی  
راستی را، سرو دل جوی تو دارم آرزو  
بی‌گل رویت نبینم سوی گل، چون حالتی  
گل چکار آید، گل روی تو دارم آرزو<sup>۹۱۰</sup>

هرچند قاضی احمد قمی فوت او را در سال ۹۷۲ ه. ق آورده است<sup>۹۱۱</sup> اما با توجه به تاریخ استنساخ رساله حاتمیه ملا حسین کاشفی که به خط شاه محمود نوشته شده است، فوت مولانا بعد از سال ۹۷۶ ه. ق در مشهد واقع شد.

جسدش را در جنب قبر مولانا سلطان علی مشهدی در پایین پای مبارک امام رضا علیه السلام و نزدیک پنجره گنبد میر علی شیر دفن کردند.

آثار مولانا شاه محمود بسیار زیاد و فراوان است، آنها را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم کرد: الف: کتاب‌ها ب:

رسالات ج: مرقعات د: قطعات متفرقه.

از کتاب‌ها: یک نسخه دیوان امیر شاهی سبزواری، به قلم کتابت خفی عالی با رقم و تاریخ «کتبه العبد المذنب شاه محمود غفر الله و ستر عیوبه، فی شهر سنه احدی و خمسین و تسعمائه بدار السلطنه تبریز» در کتابخانه سلطنتی تهران.<sup>۹۱۲</sup> و یک

<sup>۹۱۰</sup> (۱) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۳۰۶.

<sup>۹۱۱</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۸۹؛ قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۵۰.

<sup>۹۱۲</sup> (۳) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۲۹۹.

نسخه خمسه نظامی به خط غبار برای کتابخانه شاه طهماسب صفوی که تمام استادان عصر به یکدستی و پاکیزگی آن معترفند، با تصویرگری بهزاد نقاش در حاشیه<sup>۹۱۳</sup> موجود است.

از رسالات: یک نسخه رساله حاتمیه ملا حسین کاشفی به قلم کتابت خوش با رقم و تاریخ «تمت الرسالة الحاتمیه فی تاریخ شعبان المعظم سنه ۹۷۶، کتبه العبد المذنب شاه محمود الکتاب (کذا) غفر له» در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران موجود است.

---

(۱) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۳۰۶.

(۲) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۸۹؛ قاضی احمد قمی: خلاصه التواریخ / ۴۵۰.

(۳) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۲۹۹.

(۴) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۸۸؛ میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۱.

ص: ۲۰۸

و از مرقعات و قطعات: یازده قطعه به قلم‌های دو دانگ و نیم و کتابت خفی و ممتاز و عالی و خوش، با رقم‌های «شاه محمود النیشابوری» و «شاه محمود» و «محمود» و «شاه محمود نیشابوری» و یکی با تاریخ ۹۶۵ ه. ق در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است. و ۹۳ قطعه از مرقع امیر غیب بیک، به قلم‌های از چهاردانگ تا غبار ممتاز و عالی، همگی با رقم، از جمله «جهت» فرزند ارجمند محمد حسین تحریر شد، العبد شاه محمود النیشابوری، با تاریخ ۹۲۹ ه. ق و ... در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول می‌توان اشاره کرد.<sup>۹۱۴</sup>

رسول سعیدی زاده

(۱۳۵) نیشابوری - عطاء الله (- ۹۱۹ ه. ق)

سید امیر برهان الدین عطاء الله نیشابوری متخلص به «عطایی»<sup>۹۱۵</sup> وی در نیشابور متولد شد، در جوانی به هرات رفت و به کسب علم عروض و صنایع و بدایع شعری پرداخت و در آن علم مهارت یافت، سپس در مدرسه‌های «اخلاصیه» و

---

<sup>۹۱۳</sup> (۴) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۸۸؛ میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۲۴۱.

<sup>۹۱۴</sup> (۱) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۳۰۴ - ۳۰۵.

<sup>۹۱۵</sup> (۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۵۴.

«سلطانیه» به تدریس مشغول گردید.<sup>۹۱۶</sup> در پایان زندگی نابینا شد و از هرات به مشهد آمد.<sup>۹۱۷</sup> اواسط شوال ۹۱۹ ه. ق در همانجا درگذشت.<sup>۹۱۸</sup> و در رواق دارالسیاده دفن شد.<sup>۹۱۹</sup>

از جمله آثار وی «رساله قافیه» و «صنایع و بدایع شعری» است.<sup>۹۲۰</sup>

این قطعه از اوست:

به حمد الله که شد حاصل جهان را رونق کامل  
ز فرّ رافت شامل ز عدل خسرو عادل

---

(۱) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۳۰۴ - ۳۰۵.

(۲) - محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۵۵۴.

(۳) - خواند میر: حبیب السیر ۴ / ۳۵۳.

(۴) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۵۵۴.

(۵) - خواند میر: پیشین ۴ / ۳۵۳، غلامرضا ریاضی: دانشوران خراسان / ۲۸۰.

(۶) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۴.

(۷) - خواند میر: پیشین ۴ / ۳۵۳؛ سعید نفیسی:

تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۳۲۴، ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۵ / ۴۰۱.

ص: ۲۰۹

---

<sup>۹۱۶</sup> (۳) - خواند میر: حبیب السیر ۴ / ۳۵۳.

<sup>۹۱۷</sup> (۴) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۵۵۴.

<sup>۹۱۸</sup> (۵) - خواند میر: پیشین ۴ / ۳۵۳، غلامرضا ریاضی: دانشوران خراسان / ۲۸۰.

<sup>۹۱۹</sup> (۶) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۷۱۴.

<sup>۹۲۰</sup> (۷) - خواند میر: پیشین ۴ / ۳۵۳؛ سعید نفیسی:

تاریخ نظم و نثر در ایران ۱ / ۳۲۴، ذبیح الله صفا: تاریخ ادبیات در ایران ۵ / ۴۰۱.

شه غازی که در هیجا چو شد پیدا هژیر آسا

شوند از بیم او اعدا چو رو به خائف و بی دل

سپهر سلطنت سلطان حسین آن صفدر میدان

که نام رستم‌دستان ز دستانش شده باطل<sup>۹۲۱</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۳۶) نیلی - رجبعلی (ح ۱۱۹۴ - ۱۲۸۴ ه. ق)

حاج رجبعلی معروف به «نیلی» عارف معروف قرن سیزدهم هجری. وی از هرات به اصفهان آمد و چون به تجارت نیل اشتغال داشت، به «نیلی» مشهور شد. در خدمت حسین علی شاه، در عرفان به درجه کمال رسید و سرمایه مادی خود را در این راه صرف نمود، سپس به مشهد آمد و مقیم گردید و جمعی از صاحب‌دلان در خدمتش قرار گرفتند. او متجاوز از ۹۰ سال زندگی کرد و سال ۱۲۸۴ ه. ق در مشهد دار فانی را وداع گفت و در رواق شیخ بهایی مجاور حرم حضرت رضا علیه السلام مدفون گردید. به یاد شخصیت عرفانی او در شاه‌نشین سمت چپ بر ازاره‌ای از سنگ این کتیبه منقور گردید: «راقد این مرقد شریف و ضجیع ... قدوة العارفين و زبده السالکین کاشف الاسرار و البقین و حاوی اسرار الحقائق و الدین کامل فی معرفة الله و الهادی الی صراط الله اشرف الحاج و المعتمرین المستغرق فی انوار رب العالمین حاج رجبعلی نیلی البسه الله تعالی حلل النور و اسکنه دار السرور فی ذیحجة سال ۱۲۸۴ ه. ق»<sup>۹۲۲</sup>

ابراهیم زنگنه

(۱) - خواند میر: پیشین ۳۵۳ / ۴.

(۲) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۲۳۷.

ص: ۲۱۰

و

واعظ - مهدی متخلص به واعظ - جلد اول

واعظ کرمانشاهی - محمد علی - جلد اول

<sup>۹۲۱</sup> (۱) - خواند میر: پیشین ۳۵۳ / ۴.

<sup>۹۲۲</sup> (۲) - محمد معصوم شیرازی: طرائق الحقایق ۳ / ۲۳۷.

(۱۳۷) هراتی - کمال الدین حسین (- ۹۷۴ ه. ق)

حافظ کمال الدین حسین واحد العین از خطاطان نستعلیق نویس معروف خراسان و ترکستان و به قولی خواننده قرن دهم هجری است.<sup>۹۲۳</sup> کمال الدین در اصل از دار السلطنه هرات بود و از آنجا به مشهد آمد.<sup>۹۲۴</sup>

هراتی از یک چشم نابینا بود. در نوشتن خطوط شش گانه (نسخ، ثلث و نستعلیق و ...) مهارت داشت ولی در تحریر نستعلیق استاد کامل و سرآمد زمان محسوب می شد.<sup>۹۲۵</sup> نمونه خط نستعلیق وی دیده نشد اما خط ثلث او ممتاز و نسخ هایش عالی است.<sup>۹۲۶</sup>

در علم اکسیر متبحر و در لاجورد شویی ماهر بود. قرآن را از حفظ داشت و آن را بسیار خوش می خواند. گویند در مجلس شاه طهماسب اول، ذکر خوش خوانی وی شد. پادشاه امر کرد تا مقداری قرآن تلاوت کند. کمال الدین گفت: خواندگیم ام نمی آید. شاه را از این صراحت جواب خوش آمد و

---

(۱) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۵۶۴.

(۲) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ عبدالمحمد اصفهانی ایرانی: پیدایش خط و خطاطان / ۲۱۳.

(۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۴۷.

(۴) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۱ / ۱۶۹؛ عبد الرفیع حقیقت: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی / ۸۷۳.

---

<sup>۹۲۳</sup> (۱) - عباس سرمدی: دانشنامه هنرمندان ایران / ۵۶۴.

<sup>۹۲۴</sup> (۲) - قاضی احمد قمی: گلستان هنر / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ عبدالمحمد اصفهانی ایرانی: پیدایش خط و خطاطان / ۲۱۳.

<sup>۹۲۵</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ میرزا حبیب اصفهانی: تذکره خط و خطاطان / ۱۴۷.

<sup>۹۲۶</sup> (۴) - مهدی بیانی: احوال و آثار خوشنویسان / ۱ / ۱۶۹؛ عبد الرفیع حقیقت: تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی / ۸۷۳.

دستور داد تا تمام وسایل و مایحتاج زندگی از اسب، استر، اشتر، و خیمه به او بدهند، هراتی در عین فقر از پذیرفتن آنها خودداری کرد.<sup>۹۲۷</sup> این قول بیشتر تذکره‌نویسان متأخر است که از کتاب گلستان هنر گرفته‌اند. اما عبدالمحمد خان ایرانی گوید: شاه را از این سخن خوش نیامد و او را براند.<sup>۹۲۸</sup> کمال‌الدین حسین بسیار درویش و از خود گذشته بود، پیاده سفر می‌کرد و نم‌پوش بود.

سفری به دار المؤمنین قم کرد و مدتی در آنجا زیست. از قم به اردوی شاه طهماسب در قزوین پیوست و پس از گردش در چندین شهر سرانجام به خراسان برگشت.<sup>۹۲۹</sup>

فوت مولانا کمال‌الدین حسین در سال ۹۷۴ ه. ق هنگامی که قصد بازگشت به شهر هرات را داشت، در مشهد مقدس واقع شد. جسدش را در مشهد دفن کردند.<sup>۹۳۰</sup> از آثار کمال‌الدین حسین می‌توان به یک نسخه از کلمات قصار امیر المؤمنین علیه السلام و دو قطعه به قلم ثلث نیم دو دانگ و نسخ کتابت ممتاز و عالی در کتابخانه سلطنتی به رقم:

«... کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی فی المشهد المقدس به تاریخ شهر ربیع الاول سنه ثلاث و ثلاثین و تسعمائه» و «مشقه الفقیر کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی» و کتیبه صفه صاحب به خط ثلث عالی در مسجد جامع اصفهان به قلم سه دانگ به رقم «انجام یافت فی تاریخ سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائه، کتبه کمال‌الدین حسین الحافظ الهروی»، و یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول، به قلم ثلث سه دانگ جلی و نسخ و رقاع ممتاز با رقم: «مشقه العبد کمال‌الدین حسین حافظ هروی» اشاره کرد.<sup>۹۳۱</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۴۷.

(۲) - عبدالمحمد اصفهانی ایرانی: پیشین / ۲۱۳.

(۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۴۷.

(۴) - همان، مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۱۶۹.

---

<sup>۹۲۷</sup> (۱) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۴۷.

<sup>۹۲۸</sup> (۲) - عبدالمحمد اصفهانی ایرانی: پیشین / ۲۱۳.

<sup>۹۲۹</sup> (۳) - قاضی احمد قمی: پیشین / ۱۰۳ - ۱۰۴؛ میرزا حبیب اصفهانی: پیشین / ۱۴۷.

<sup>۹۳۰</sup> (۴) - همان، مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۱۶۹.

<sup>۹۳۱</sup> (۵) - مهدی بیانی: پیشین / ۱ / ۱۶۹.

(۵) - مهدی بیانی: پیشین ۱ / ۱۶۹.

ص: ۲۱۳

ی

(۱۳۸) یتیم همدانی - محمود (قرن ۱۱ ه. ق)

ملا محمود همدانی شاعر و متخلص به «یتیم»<sup>۹۳۲</sup> وی در قرن یازدهم هجری می‌زیسته است. در بروجرد متولد گردید.<sup>۹۳۳</sup> برخی منابع نسبت او را یزدجری منسوب به یزدجرد یکی از روستاهای کاغه بخش درود شهرستان بروجرد، دانسته‌اند.<sup>۹۳۴</sup> وی در عهد «اورنگ‌زیب» (۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ ه. ق) به هندوستان سفر کرد.<sup>۹۳۵</sup> پس از مدتی به اصفهان آمد و همانجا درگذشت.<sup>۹۳۶</sup> اما صاحب کتاب تذکره روز روشن به نقل از آفتاب عالم‌تاب (تألیف ۱۲۶۹ ه. ق) وی را محمود پهلوان مشهدی دانسته که مردی دلیر بوده و سرانجام به دست داروغه مشهد کشته شده است.<sup>۹۳۷</sup>

از آثار او دیوان شعری است.<sup>۹۳۸</sup>

مشمول بر دوازده هزار بیت که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره (۳۶۳۵) موجود و در فهرست آن کتابخانه مذکور است. آغاز و

---

(۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۹۵.

(۲) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر ۲ / ۹۹؛ آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۳۴۹.

(۳) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۷۹۱؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۹۴۰.

(۴) - ع - خیام‌پور: فرهنگ سخنوران / ۶۵۶.

---

<sup>۹۳۲</sup> (۱) - محمد طاهر نصرآبادی: تذکره نصرآبادی / ۳۹۵.

<sup>۹۳۳</sup> (۲) - لطفعلی بیگ آذر بیگدلی: آتشکده آذر ۲ / ۹۹؛ آفتاب رای لکهنوی: تذکره ریاض العارفین ۲ / ۳۴۹.

<sup>۹۳۴</sup> (۳) - محمد قدرت الله گویاموی: تذکره نتایج الافکار / ۷۹۱؛ محمد مظفر حسین صبا: تذکره روز روشن / ۹۴۰.

<sup>۹۳۵</sup> (۴) - ع - خیام‌پور: فرهنگ سخنوران / ۶۵۶.

<sup>۹۳۶</sup> (۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۹۵؛ محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۷۹۱.

<sup>۹۳۷</sup> (۶) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۹۴۰.

<sup>۹۳۸</sup> (۷) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۳۰۷.



(۵) - محمد طاهر نصرآبادی: پیشین / ۳۹۵؛ محمد قدرت الله گویاموی: پیشین / ۷۹۱.

(۶) - محمد مظفر حسین صبا: پیشین / ۹۴۰.

(۷) - آقابزرگ تهرانی: الذریعه ۹ / ۱۳۰۷.

ص: ۲۱۴

انجامش این است:

سینه خود زخم از دست تو چاک آنجا

روز محشر که روم با دل غمناک آنجا

هشیار نگردی تو دگر تا هستی<sup>۹۳۹</sup>

ای خواجه که از غرور دولت مستی

محمد جواد هوشیار

یزدی - عبد الله - جلد اول یوسفی - غلامحسین - بخش دوم

---

(۱) - احمد گلچین معانی: کاروان هند ۲ / ۱۵۵۱.

ص: ۲۱۵

بخش دوم: دانشوران

ص: ۲۱۷

آ

(۱۳۹) آموزگار - سید اسماعیل (۱۲۹۶ - ۱۳۷۶ ه. ش)

سید اسماعیل آموزگار فرزند حاج سید احمد رضوی متصدی جامع گوهرشاد (متوفی ۱۳۲۰ ه. ش)،<sup>۹۴۰</sup> در سال ۱۲۹۶ ه. ش در مشهد متولد شد.

---

<sup>۹۳۹</sup> (۱) - احمد گلچین معانی: کاروان هند ۲ / ۱۵۵۱.

<sup>۹۴۰</sup> (۱) - شجره نامه خاندان آموزگار - اسناد خاندان.

مراحل رشد و نمو خود را در مشهد گذراند. او نخستین شماره روزنامه «سیاه و سفید» را روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۰ ه. ش منتشر ساخت.

این روزنامه به صورت هفتگی در چاپخانه زوار به چاپ می‌رسید و دفتر آن در خیابان پهلوی (آزادی) پشت دادسرا قرار داشت.<sup>۹۴۱</sup>

آموزگار در انجمن روزنامه‌نگاران خراسان - که در سال ۱۳۲۶ ه. ش تشکیل شده بود.<sup>۹۴۲</sup> - و نیز در باشگاه لاینز عضویت داشت.<sup>۹۴۳</sup> در آذرماه

---

(۱) - شجره‌نامه خاندان آموزگار - اسناد خاندان.

(۲) - حسین الهی: روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ / ۲۱۵.

(۳) - همان / ۹۲.

(۴) - غلامرضا جلالی: مشهد در بامداد نهضت امام خمینی / ۴۹.

ص: ۲۱۸

۱۳۴۳ ه. ش وی به دلیل فعالیتی مقبول دربار از سوی تیمسار علی معارفی نشان ترویج دریافت کرد.<sup>۹۴۴</sup> آموزگار خادم امام هشتم علیه السلام بود که به همین دلیل پس از اینکه در تهران فوت نمود، جنازه وی به مشهد منتقل گردید و در صحن آزادی به خاک سپرده شد.<sup>۹۴۵</sup> وی اهل قلم بود و مقالاتی از ایشان در نامه آستان قدس نشر یافته است.<sup>۹۴۶</sup>

علی‌جان سکندری

---

(۱) - همان / ۶۲.

---

<sup>۹۴۱</sup> (۲) - حسین الهی: روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ / ۲۱۵.

<sup>۹۴۲</sup> (۳) - همان / ۹۲.

<sup>۹۴۳</sup> (۴) - غلامرضا جلالی: مشهد در بامداد نهضت امام خمینی / ۴۹.

<sup>۹۴۴</sup> (۱) - همان / ۶۲.

<sup>۹۴۵</sup> (۲) - روزنامه خراسان ۱۳ / ۹ / ۷۶.

<sup>۹۴۶</sup> (۳) - نامه آستان قدس، دوره هفتم، شماره ۲ و ۳ و نیز آبان ۱۳۴۶.

(۲) - روزنامه خراسان ۱۳ / ۹ / ۷۶.

(۳) - نامه آستان قدس، دوره هفتم، شماره ۲ و ۳ و نیز آبان ۱۳۴۶.

ص: ۲۱۹

۱

(۱۴۰) احتشام کاویانیان - ماشاء الله (ح ۱۲۸۵ - ۱۳۴۹ ه. ش)

حاجیه ماشاء الله دختر حاج میرزا علی مجلل التولیه و همسر محمد احتشام کاویانیان مؤلف شمس الشموس. پدر ماشاء الله میرزا علی مجلل التولیه از رجال برجسته و خدمتگزار آستان قدس بود که املاک آستان قدس را در اجاره داشت و در شب ۲۲ رجب سال ۱۳۴۱ ه. ق به دلیل مخالفت با اندیشه‌های کمونیستی به دست شخص ناشناسی در مشهد ترور شد و در حرم مدفون گردید.<sup>۹۴۷</sup> سال تولد حاجیه ماشاء الله قبل از ۱۲۹۰ ه. ش بوده است. وی در جوانی به ازدواج محمد کاویانیان درآمد که از سال ۱۲۸۰ ه. ش به خدمت در آستان قدس مشغول شده بود.

حاجیه ماشاء الله در کنار پرداختن به امور منزل و زندگی مشترک با شوهرش که پنجاه سال طول کشید در عرصه امور مذهبی فعالیت‌های زیادی انجام داد، رفع حاجت افراد نیازمند و تشویق بانوان به فراگیری علوم اسلامی و آشنایی با مذهب شیعه را سرلوحه کار خود قرار داد. او در سفرهای زیادی که به عتبات و حجاز انجام داد علاوه بر زیارت قبور ائمه شیعه در عراق و زیارت سوره و بیت الله الحرام با علمای بزرگی همچون آیت الله حاج

---

(۱) - محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۱۲۴ - ۱۲۵.

ص: ۲۲۰

سید محسن حکیم، آیت الله سید محمود شاهرودی و آیت الله حاج سید حسین مکی دیدار کرد. در مشهد نیز با آیات عظام دیدار و ارتباط داشت. علاقه او به امور مذهبی و کوشش در گسترش مذهب تشیع باعث شد تا مؤسسه دینی و مذهبی «عصمتیه» را جهت تحصیل بانوان جوان دایر نماید. او همچنین مشوق اصلی همسر خود در تدوین کتاب‌های شمس الشموس، چهارده معصوم و انقلاب مشروطیت خراسان بود و در نگارش و تنظیم کتاب‌های او شرکت داشت. محمد احتشام کاویانیان به این نکته که او زنی مشروطه‌خواه بوده است، اشاره می‌کند.

---

<sup>۹۴۷</sup> (۱) - محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۱۲۴ - ۱۲۵.

حاجیه ماشاء الله سرانجام در نیمه شب عید فطر سال ۱۳۴۹ ه. ش پس از زیارت حرم مطهر و بازگشت به خانه، سکت قلبی کرد و در رواق دار العزه حرم مطهر به خاک سپرده شد.<sup>۹۴۸</sup>

رجبعلی یحیایی

(۱۴۱) اسدی - حسین (۱۲۹۱ - ۱۳۵۱ ه. ش)

دکتر حسین اسدی فرزند محمد ولی اسدی (مصباح السلطنه) پزشک حاذق در سال ۱۲۹۱ ه. ش در شهر بیرجند متولد شد. تحصیلات خود را در علم پزشکی در بلژیک به اتمام رسانید. پس از مراجعت به ایران در مشهد به مداوای بیماران پرداخت و استاد دانشکده پزشکی مشهد شد. وی در مدت کوتاهی در رشته خود شهرت به‌سزایی

(۱) - همان / ۶۰۱.

ص: ۲۲۱

پیدا کرد و بیماران از اطراف و اکناف خراسان برای مداوا به مطب او می‌رفتند و با حسن خلق، صداقت، بلندنظری و مناعت طبع وی روبرو می‌شدند. به هیچ وجه در قیدوبند مادیات نبود. اگر به او حق طبابت نمی‌پرداختند هرگز مطالبه نمی‌کرد و در عوض سؤال می‌نمود هزینه نسخه را دارید یا خیر؟ اگر جواب منفی می‌شنید خود کمک مالی به بیمار می‌کرد. او پزشکی حاذق بود. در تشخیص و درمان بیماری معجزه می‌کرد. کمتر بیماری بود که با نسخه اول یا دوم او بهبود نیابد. اخلاقش موجب شده بود که مورد توجه و علاقه مردم قرار بگیرد و از محبوبیت عمومی برخوردار شود، همین محبوبیت وسوسه‌ای شد که سیاست را جانشین طبابت کند. کاندیدای انتخاب مجلس شورای ملی گردید. در دوره نوزدهم و بیستم از درگزر وکیل شد. در ادوار بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم از مشهد به مجلس رفت و به حقوق مجلس قانع بود. پزشکی که درد مردم را مداوا می‌کرد، تدریجاً دوستان خراسان به دور او جمع شدند و اوقاتش به مصرف مواد مخدر می‌گذشت وی چنان اسیر منقل و وافور شد تا جایی که نمی‌توانست برای معالجه خودش اقدامی کند.<sup>۹۴۹</sup> در ۶۳ سالگی بر اثر بیماری کبد در تهران درگذشت و جنازه ایشان به مشهد منتقل و در روز ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۱ ه. ش در رواق دار العزه به خاک سپرده شد.<sup>۹۵۰</sup>

<sup>۹۴۸</sup> (۱) - همان / ۶۰۱.

<sup>۹۴۹</sup> (۱) - باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران ۱ / ۹۶.

<sup>۹۵۰</sup> (۲) - علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۳۴۴.

اسدی داماد امیر معصوم حسام الدوله خزیمه علم بود. پس از مرگش همسرش به جای او به وکالت مجلس انتخاب گردید.<sup>۹۵۱</sup>

غلامرضا جلالی

---

(۱) - باقر عاقلی: شرح حال رجال سیاسی و نظامی ایران / ۱ / ۹۶.

(۲) - علی مؤتمن: تاریخ آستان قدس / ۳۴۴.

(۳) - باقر عاقلی: پیشین / ۱ / ۹۶.

ص: ۲۲۲

(۱۴۲) امین‌زاده - مهدی (۱۳۲۸ - ۱۳۶۰ ه. ش)

شهید مهدی امین‌زاده دکتر اقتصاد و چهره مبارز انقلاب اسلامی و از شهدای دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران. وی در سال ۱۳۲۸ ه. ش در شهر قاین در خانواده‌ای متدین متولد شد و تا سال ۱۳۴۴ ه. ش که سیکل اول دبیرستان را گرفت در آنجا بود. سپس به منظور ادامه تحصیل به مشهد آمد و در دبیرستان فردوسی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۷ ه. ش موفق به اخذ دیپلم طبیعی شد. سال بعد در رشته اقتصاد و علوم سیاسی وارد دانشگاه گردید.

امین‌زاده در دوران دانشگاه بر ضد رژیم منفور پهلوی مبارزه می‌کرد و همواره با دیگر دانشجویان مسلمان در تشکیل جلسات مذهبی و سیاسی سهم به‌سزایی داشت. او در سال ۱۳۵۱ ه. ش از دانشگاه ملی ایران به اخذ لیسانس اقتصاد نایل گردید و در همان سال برای ادامه تحصیلات به آمریکا رفت و در دانشگاه واشنگتن به تحصیل پرداخت. وی در آمریکا ضمن سعی و تلاش در فراگیری دروس دانشکده، لحظه‌ای از مطالعه کتاب‌های مذهبی و سیاسی غفلت نداشت.

دکتر امین‌زاده قرآن و نهج البلاغه را محور فعالیت تبلیغی خود قرار داده بود و یکی از اعضای مهم و فعال اتحادیه انجمن‌های اسلامی اروپا و آمریکا شمرده می‌شد و با اغلب گروه‌های علنی و مخفی رژیم پهلوی ارتباط داشت و به طور گسترده‌ای دست به تکثیر جزوات سیاسی مذهبی در بین

ص: ۲۲۳

دانشجویان می‌زد و در همین حال از تکمیل دانش خود غفلت نداشت و بر این اعتقاد بود که برای ساختن ایران اسلامی به وجود متخصصین متعهد و با تقوا نیاز فراوان است. او پس از پنج سال تحصیل در آمریکا به اخذ دکترای اقتصاد نایل آمد و

---

<sup>۹۵۱</sup> (۳) - باقر عاقلی: پیشین / ۱ / ۹۶.

بعد از هجرت امام خمینی؛ از نجف به پاریس، آمریکا را به قصد پاریس ترک گفت و مدتی با دیگر همزمانش به عنوان مترجم فعالیت داشت. پس از سفر تاریخی امام به ایران، راهی وطن شد و با دیگر همزمانش همچون شهید دکتر اسد الله زاده معاون وزارت بازرگانی در حزب جمهوری اسلامی شاخه مشهد در کنار روحانیانی مبارز مانند حجت الاسلام سید عبد الکریم هاشمی نژاد به فعالیت پرداخت و در راه شناساندن اسلام اصیل به جامعه از هیچ گونه تلاشی فرو گذار نکرد.

دکتر امین زاده در مهرماه ۱۳۵۸ ه. ش پس از تصویب شورای انقلاب به سمت عضو هیأت مدیره شرکت گسترش خدمات بازرگانی و سرپرست معاونت فنی وزارت بازرگانی تعیین شد و با مدیریت صحیح و انقلابی که داشت، فعالیت‌های چشمگیرش پیوسته زبازد بود تا این که در شبانگاه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ ه. ش در انفجار حزب جمهوری اسلامی ایران به اتفاق ۷۲ تن دیگر از جمله شهید دکتر بهشتی به درجه رفیع شهادت رسید. جنازه‌اش را به مشهد منتقل کردند و پس از تشییع باشکوهی همراه با شهدای همزمش حجت الاسلام دکتر صادقی، علی اکبر دهقان و دکتر اسد الله زاده در غرفه شماره ۵ صحن آزادی آستان قدس رضوی به خاک سپردند.<sup>۹۵۲</sup>

ابراهیم زنگنه

---

(۱) - روزنامه خراسان، ۲۸ تیرماه ۱۳۶۰، مشاهدات عینی نگارنده.

ص: ۲۲۴

ب

(۱۴۳) بزرگ‌نیا - علی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۱ ه. ش)

علی بزرگ‌نیا «صدرالتجار» فرزند حاج عبدالحسین تهرانی و برادر محمد دانش بزرگ‌نیا در سال ۱۳۱۴ ه. ق / ۱۲۷۶ ه. ش متولد و در مشهد تحصیلات خود را به پایان برد و وارد تجارت و سیاست گردیده و در ۱۳۰۸ ه. ش از بجنورد به وکالت مجلس شورای ملی برگزیده شد. او در سال ۱۳۱۷ ه. ش با برادر خود دانش بزرگ‌نیا

مجبور به توقف در تهران گشت و چهار دوره از سبزواری به وکالت مجلس انتخاب و به خدمات ملی مشغول شد.

صدرالتجار مردی شریف، مهربان و ظریف بود که گاهی غزل می‌سرود و در پنجم تیرماه ۱۳۵۱ ه. ش با سکت قلبی درگذشت و جنازه او را به مشهد آوردند و در این شهر دفن کردند.

از اوست:

---

<sup>۹۵۲</sup> (۱) - روزنامه خراسان، ۲۸ تیرماه ۱۳۶۰، مشاهدات عینی نگارنده.

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۵۵.

ص: ۲۲۵

ح

(۱۴۴) حائری - عبد الهادی (۱۳۱۴ - ۱۳۷۲ ه. ش)

عبد الهادی حائری مورخ، نویسنده و استاد برجسته تاریخ دانشگاه مشهد، نواده دختری مرحوم شیخ عبد الکریم حائری یزدی مؤسس حوزه علمیه قم (۱۲۷۶ - ۱۳۵۵ ه. ق). به گفته خودش در آخرین سال‌های حکومت رضا خان پهلوی در شهر مذهبی قم<sup>۹۵۴</sup> و به قولی در ۱۳۱۴ ه. ش متولد گردید.<sup>۹۵۵</sup> زندگی در خانواده‌ای روحانی در دوران حکومت استبدادی رضا خان و مسایلی از قبیل فشار بر مذهبیین و کشف حجاب، از اولین مسایلی بود که دوران کودکی وی را تحت تأثیر قرار داد. اشغال ایران توسط متفقین و پیامدهای ناشی از حضور این نیروها در عرصه‌های اقتصادی، نظامی و فرهنگی جامعه آن روز ایران، روح او را به عنوان یک نوجوان ایرانی و مسلمان به خود معطوف داشت.<sup>۹۵۶</sup> به‌ویژه که بیگانگان از

---

(۱) - عبد الهادی حائری: آنچه گذشت / ۱۱.

(۲) - مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۲۶۵.

(۳) - عبد الهادی حائری: پیشین / ۱۱ - ۴۶.

ص: ۲۲۶

---

<sup>۹۵۳</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۵۵.

<sup>۹۵۴</sup> (۱) - عبد الهادی حائری: آنچه گذشت / ۱۱.

<sup>۹۵۵</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۲۶۵.

<sup>۹۵۶</sup> (۳) - عبد الهادی حائری: پیشین / ۱۱ - ۴۶.

حس برتری‌جویی فراوانی نیز برخوردار بودند و تأسیسات و سازمان‌های بنیادی دولتی را در اختیار خود گرفته بودند. آزاد شدن فضای سیاسی در پی سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ ه. ش مراد به شخصیت‌ها و محافل مذهبی، وی را با مسایل روز ایران و جهان اسلام به تدریج آشنا ساخت. گرچه در آن سال‌ها وی از تحصیلات کلاسیک برخوردار نبود و فقط از سواد مکتب‌خانه‌ای و تا حدودی حوزوی بهره می‌برد، اما پیوند با نشریاتی از قبیل سالنامه نور دانش و مجله آیین اسلام و روزنامه‌های دنیای اسلام، پرچم اسلام، ندای حق و صدر اسلام، نگرش وی را به سوی یک اسلام توانا برای رویارویی با دشواری‌های نوین زمان فراخواند.

از همین زمان بود که دست به قلم برد. ابتدا با نگارش خاطرات اجتماعی و سیاسی آغاز کرد و سپس کوشید وارد عرصه روزنامه‌نگاری شود. از جمله در سال ۱۳۲۷ ه. ش به همراه برادرش مقاله‌ای در باره «علت واپس‌گرایی اسلام و مسلمانان» نوشت. آنچه وی را به حرفه روزنامه‌نگاری علاقه‌مند ساخت، قتل محمد مسعود روزنامه‌نگار معروف بود. او همچنین سعی کرد اشعار مذهبی و قصیده‌هایی درباره شخصیت‌های صدر اسلام و وضع آشفته جهان اسلام بسراید. هرچند به گفته خود او آن اشعار از ظرافت برخوردار نبود، ولی نشانگر مسایل مورد توجه وی در آن روزهاست. او در یکی از سروده‌های خود در سال ۱۳۲۷ ه. ش جهان مسلمین را سیاه و تاریک و زندگی آنان را فلاکت‌بار دیده و مسلمانان را به بیداری جهت چاره اندیشی و رهایی از آن وضع فراخوانده است.<sup>۹۵۷</sup>

او در اوایل جوانی خویش به ناتوانی کشورهای اسلامی پی برد و همین مسایل، زیرساخت‌های ذهنی وی را در آینده شکل داد. حائری در

---

(۱) - همان / ۷۲.

ص: ۲۲۷

مذمت شیفتگی بیش از حد ایرانیان به تمدن غرب در سال ۱۳۲۸ ه. ش اشعاری سرود و در شعری دیگر افراد «مفتون» و «مجنون» غرب را که از این سرزمین‌ها دانش نمی‌آموختند به باد انتقاد گرفت.<sup>۹۵۸</sup> ترور نافرجام محمد رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۲۷ ه. ش و برخی مسایل روزمره دیگر سبب شد وی درصدد برآید تا از طریق خواندن کتاب و روزنامه‌ها آگاهی‌های بیشتری پیرامون ایران، سیاست جهانی، استعمار و چشم و هم‌چشمی‌های شوروی و انگلیس به دست آورد. تلاش امپریالیسم جهت تأسیس کشوری به نام اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی، واکنش مسلمانان جهان به‌ویژه خاورمیانه و تلاش علمایی نظیر آیت الله خوانساری و آیت الله کاشانی در حمایت از آرمان مردم فلسطین، بیشتر ذهن وی را به مسایل جهان اسلام معطوف کرد بطوری که از دیدگاه خود او سال ۱۳۲۸ ه. ش سالی پراهمیت و آینده‌ساز و ملامال از رویدادهای

---

<sup>۹۵۷</sup> (۱) - همان / ۷۲.

<sup>۹۵۸</sup> (۱) - همان / ۷۴.



در خور نگرش و فراموش‌نشدنی<sup>۹۵۹</sup> در زندگی وی محسوب می‌گردد. زیرا در این سال وی با مصدق و ملی‌گرایان و تلاش آنها جهت مبارزه با استبداد و استعمار، و همچنین آیت‌الله کاشانی که از تبعید لبنان بازگشته بود آشنا شد، و با شرکت در مجامع عمومی بر اطلاعات خویش افزود. در همین سال مدرک ششم ابتدایی را گرفت و اولین مقاله‌اش را درباره علل عقب‌ماندگی ایران به چاپ رساند وی در آن مقاله «تعقیب نکردن روش نیاکان و پیروی کردن از افکار اروپاییان» را دو علت اساسی عقب‌ماندگی ایران دانست. هرچند آن مقاله را نمی‌توان در شمار کارهای جدی وی به شمار آورد ولی از دیدگاه خود او اولین مقاله‌ای درخور تأمل و قابل‌توجه بوده است و از آن در مصاحبه با کیهان فرهنگی در سال ۱۳۷۱ ه. ش به عنوان اولین مقاله خود

---

(۱) - همان / ۷۴.

(۲) - کیهان فرهنگی، شماره ۸۹، سال ۹ (مهر ۱۳۷۱)، ص ۵.

ص: ۲۲۸

که موضوعش غرب‌زدگی بوده است، یاد می‌کند.<sup>۹۶۰</sup> او در این سال‌ها در کارگاه نساجی در قم کار می‌کرد. سپس از این کار دست می‌کشید و در کتابخانه عمومی شهر قم به کار پرداخت و این امر باعث دستیابی وی به کتاب‌ها و مجلات بیشتری شد. در سال ۱۳۲۹ ه. ش با مجله حیات مسلمین به همکاری پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ه. ش مقاله‌ای علیه شناسایی دولت اسرائیل از سوی دولت ساعد نوشت و با یک سری از مقالات دیگر کوشید نشان دهد، نوجوانی نویسنده و مذهبی است که درد دین دارد. همچنین در مقاله‌ای از گسترش فساد و فحشا در جامعه آن روز ایران انتقاد کرد. مقالاتی نیز راجع به شرح حال علمای قم و مقالاتی در عرصه سیاسی - اجتماعی برای روزنامه قانون نوشت. سپس به تهران رفت تا تحولات عصر مصدق را در آن شهر و نیز زادگاه خود پیگیری کند. گرایش او به یکی از نمایندگان طرفدار مصدق که از قم کاندیدا شده بود او را کاملاً وارد مسایل سیاسی کرد. به دلیل راه نیافتن نماینده مورد نظرش به مجلس شورای ملی با تنی چند از دوستانش در مقابل مجلس شورای ملی بست نشست.

حائری پس از شکست جبهه ملی در مرداد سال ۱۳۳۲ ه. ش، سرخورده از سیاست به دنبال کار و تحصیل خویش رفت و در شهریور سال ۱۳۳۲ ه. ش پدرش را از دست داد. دوران سربازی خود را در دادرسی ارتش که او را با پاره‌ای دیگر از مشکلات جامعه آن روز ایران آشنا کرد، گذراند. در سال ۱۳۳۶ ه. ش در رشته معقول و منقول دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از اتمام تحصیلات، چند سال در اداره بهداشت مشهد مشغول کار شد و در همین زمان کتاب ابن مقفع نوشته حنا

---

<sup>۹۵۹</sup> (۲) - کیهان فرهنگی، شماره ۸۹، سال ۹ (مهر ۱۳۷۱)، ص ۵.

<sup>۹۶۰</sup> (۱) - همان.

الفاخوری را از عربی به فارسی برگرداند و منتشر کرد.<sup>۹۶۱</sup> اما تحولات جهان و خاورمیانه به‌ویژه ملی شدن کانال سوئز و تلاش‌های آمریکایی‌ها و

---

(۱) - همان.

(۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۶۵.

ص: ۲۲۹

انگلیسی‌ها برای سلطه بر ایران، سرکوبی ملی - مذهبی‌ها، قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ ه. ش، از آخرین تحولاتی بود که قبل از سفر وی به خارج از کشور بر او اثر نهاد. در دوره کارشناسی پژوهشی، را با راهنمایی استاد زرین‌کوب پیرامون تاریخ اسلام نوشت.<sup>۹۶۲</sup> در سال ۱۳۴۳ ه. ش موفق به گرفتن بورس از دانشگاه کانادا برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد شد، سپس دکترای اسلام و خاورشناسی را در دانشگاه مک‌گیل گذراند.

رساله فوق‌لیسانس خود را با عنوان «خواجه نصیر الدین طوسی و نقش او در حمله به بغداد» نوشت که مورد توجه واقع شد. پس از اتمام کارشناسی ارشد در همان دانشگاه به تحصیل در مقطع دکترا پرداخت و رساله خویش را در زمینه «تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق» به پایان رسانید که از معتبرترین کتاب‌ها درباره تاریخ مشروطه ایران قلمداد می‌شود و به دو زبان انگلیسی و فارسی چاپ شده است. علت گرایش وی به چنین موضوعی به گفته خود وی این بوده که در خارج متوجه می‌شود که به مطالعات مربوط به «شیعه‌شناسی» و «ایران‌شناسی» خیلی کم توجه شده است. او چون به زبان عربی و فارسی مسلط بود، سعی می‌کند به مشروطیت از دیدگاه علمای دینی به‌ویژه آرای آیت‌الله نائینی در کتاب تنبیه الامة و تنزیه الملة بپردازد. او علاوه بر تدریس در مک‌گیل، مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی مشغول تدریس و تحقیق شد.<sup>۹۶۳</sup>

دکتر عبد الهادی حائری در سال ۱۳۵۷ ه. ش به ایران بازگشت و در کنار تدریس، در گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد لحظه‌ای از نوشتن باز نایستاد و مهم‌ترین نگرانی وی ترس از ناتمام ماندن پژوهش‌های علمیش بود. ثمره یک عمر تلاش خستگی‌ناپذیر او، شرکت در یازده

---

(۱) - کیهان فرهنگی: پیشین / ۵.

---

<sup>۹۶۱</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۶۵.

<sup>۹۶۲</sup> (۱) - کیهان فرهنگی: پیشین / ۵.

<sup>۹۶۳</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۶۵.

کنفرانس جهانی و نگارش سی و پنج مقاله و اثر به زبان انگلیسی و شش کتاب به زبان فارسی می‌باشد. عنوان کامل کتاب‌ها و مقالات و عناوین کنفرانس‌های جهانی وی در کیهان فرهنگی (سال ۱۳۷۱ ه. ش) و نیز یادگار نامه دکتر حائری در مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی مشهد و همچنین کتاب خودآگاهی و تاریخ پژوهی (۵۰۳ - ۵۰۸) به چاپ رسیده است.

در طول سال‌های اقامت در کانادا و آمریکا پژوهش پیرامون جهان اسلام و چهره‌ها و اندیشه‌های مسلمانان از مهمترین مسایل مورد کاوش دکتر حائری است که به صورت مقاله یا سخنرانی در گردهمایی‌ها و کنفرانس‌ها ارائه داد و یا در دائرة المعارف اسلام چاپ لیدن و دائرة المعارف ایرانیکا به چاپ رساند. از جمله این مقالات می‌توان به آزادی، آقا نجفی قوچانی، آقا خان کرمانی، حاج ملا محمد اشرفی اصفهانی، میرزا محمد تقی خان امیرکبیر، شیخ مرتضی انصاری، حاج حسین آقا طباطبایی بروجردی، آخوند ملا کاظم خراسانی و ملا محمد باقر مجلسی اشاره کرد که به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند. تعدادی از این مقالات به فارسی ترجمه و در کتابی با عنوان «خودآگاهی و تاریخ پژوهی» که یادنامه ایشان است، از طرف دانشگاه تهران و مؤسسه دانش و پژوهش ایران به چاپ رسیده است. از مهمترین کتاب‌های ایشان، کتاب‌های زیر را می‌توان ذکر کرد:

آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه‌گران، گذری بر نوشته‌های پارسی در دو سده پیشین.

این کتاب پس از فوت ایشان در سال ۱۳۷۴ ه. ش توسط جهاد دانشگاهی مشهد به چاپ رسیده است، آنچه گذشت نقشی از نیم قرن تکاپو.

زندگینامه شخصی ایشان است در سال‌های آخر عمر و از روی یادداشت‌هایی که در طول زندگی تهیه کرده بود به رشته تحریر درآورده و در سال ۱۳۷۲ ه. ش در تهران و توسط

انتشارات معین به چاپ رسیده است، ایران و جهان اسلام. عنوان کتاب دیگری است که پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها را شامل می‌شود و در سال ۱۳۶۸ ه. ش توسط مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی در مشهد منتشر گردید.

تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی.

در سال ۱۳۶۸ ه. ش و توسط مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی منتشر شده است. تشیع و مشروطیت.

که عنوان رساله دکترای ایشان بود و قبلاً به انگلیسی منتشر شده است در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۴ ه. ش توسط انتشارات آستان قدس رضوی منتشر شده است. نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب. که در تهران به سال ۱۳۶۷ ه. ش و توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده از مهمترین کتاب‌های ایشان است و در سال ۱۳۶۹ ه. ش به عنوان کتاب سال انتخاب شد.

سرانجام مرحوم حائری در ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۲ ه. ش پس از گذراندن چند سال بیماری سرطان خون، در مشهد درگذشت و در صحن انقلاب در حرم مطهر به خاک سپرده شد. دکتر حائری که در سال ۱۳۵۳ ه. ش با خانم دکتر زهرا افشارنژاد، استاد دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد ازدواج کرده بود، به هنگام فوت دو فرزند دختر داشت.<sup>۹۶۴</sup>

کتاب‌های مرحوم حائری به‌ویژه کتاب «نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب» و کتاب «تشیع مشروطیت و نقش ایرانیان مقیم عراق» در ردیف کتاب‌های آکادمیک قرار دارد و جزو منابع دانشجویان به‌ویژه در رشته‌های تاریخ و علوم سیاسی درآمده‌اند. استاد عبد الهادی حائری بدون شک یکی از اساتید برجسته‌ای بود که در دو زمینه تدریس و پژوهش و با توجه به تسلطی که بر زبان‌های عربی و انگلیسی داشت، ایده‌هایی تازه به شاگردان خود داد و تأثیرات بسیار عمیقی بر دانشجویان

---

(۱) - عبد الهادی حائری: پیشین / ۴۸۰.

ص: ۲۳۲

خود نهاد که اینک بسیاری از آنان جزو مدرسان و اساتید برجسته شمرده می‌شوند و در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌های مختلف کشور به تدریس تاریخ اشتغال دارند.

رجبعلی یحیایی

(۱۴۵) حامد مقدم - احمد (۱۳۲۹ - ۱۳۸۰ ه. ش)

دکتر احمد حامد مقدم مبارز، نویسنده، پژوهشگر و مدیر گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد. سال ۱۳۲۹ ه. ش در مشهد متولد گردید. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مشهد وارد دانشگاه تهران شد و تحصیلات خود را در رشته علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی ادامه داد. در دوران تحصیل ضمن شرکت در محافل دینی - مذهبی همراه با جریان‌های دانشجویی پیروان خط امام در مبارزات سیاسی علیه رژیم شاه همکاری داشت. او بارها به زندان رفت، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به سمت مدیر گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد

---

<sup>۹۶۴</sup> (۱) - عبد الهادی حائری: پیشین / ۴۸۰.

منسوب شد و تا سال ۱۳۷۸ ه. ش عهده‌دار این مسئولیت بود. علاوه بر این مدیرکل امور دانشجویی دانشگاه فردوسی، ریاست دوره‌های شبانه دانشگاه فردوسی و معاون آموزشی دانشکده ادبیات را به عهده داشت.<sup>۹۶۵</sup>

در سال ۱۳۷۰ ه. ش به خدمت در آستان قدس رضوی درآمد علاوه بر این

---

(۱) - روزنامه قدس، ۳۰ مرداد ۱۳۸۰.

ص: ۲۳۳

در مراکز چون مرکز خراسان‌شناسی آستان قدس رضوی، شورای اجتماعی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، جهاد سازندگی و شورای فرهنگی شهرداری مشهد منشأ تحولات بی‌شمار گردید. از خدمات ارزنده او می‌توان به «مؤسسه خدمات مشاوره‌ای جوانان و پژوهش‌های اجتماعی آستان قدس رضوی» اشاره نمود.

سرانجام دکتر احمد حامد مقدم روز یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۸۰ ه. ش در مشهد درگذشت و در حرم رضوی دفن گردید. از مرحوم دکتر حامد مقدم چند اثر برجای مانده است از آن جمله:

پژوهشی در نظام حمایتی اسلام، توسعه روستایی و مشارکت، سنت‌های اجتماعی در قرآن، طرح پژوهشی بررسی و طراحی نظام خدمات‌رسانی روستایی استان خراسان در ۹ مجلد، طرح تحقیقاتی برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد در ۶ مجلد، کتاب دانش اجتماعی سال چهارم دبیرستان رشته ادبیات و اقتصاد<sup>۹۶۶</sup> و مقالات «بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، «پژوهشی پیرامون مفاهیم و اصطلاحات جمعی قرآن»، «جنگ از دیدگاه قرآن»، «درآمدی بر اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی»، «طرح جامعه‌شناسی در قرآن کریم»، «طرح زیربنا و پایه‌های اساسی جامعه اسلامی»، «منشأ زندگی اجتماعی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی»، «نظری به موقعیت‌های اجتماعی لازم برای تحقق توسعه اقتصادی سریع و برنامه‌ریزی شده» که در مجلات دانشکده ادبیات مشهد و مشکوة آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است، از آثار ایشان می‌باشد.<sup>۹۶۷</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - همان.

---

<sup>۹۶۵</sup> (۱) - روزنامه قدس، ۳۰ مرداد ۱۳۸۰.

<sup>۹۶۶</sup> (۱) - همان.

<sup>۹۶۷</sup> (۲) - مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۵ شماره ۳، سال ۱۷ شماره ۱-۲، سال ۲۱ شماره ۲، سال ۲۵ شماره ۱-۲ و مجله مشکوة شماره‌های ۷، ۹، ۱۱،

۱۷، ۲۳، ۲۴-۲۵.

(۲) - مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال ۱۵ شماره ۳، سال ۱۷ شماره ۱-۲، سال ۲۱ شماره ۲، سال ۲۵ شماره ۱-۲ و مجله مشکوة شماره‌های ۷، ۹، ۱۱، ۱۷، ۲۳، ۲۴-۲۵.

ص: ۲۳۴

حسینی بجنوردی - اسماعیل - جلد اول

(۱۴۶) حکاک - شیر محمد (ح ۱۲۲۳ ه. ش -)

حاج محمد شیر محمد کوزه‌کنانی معروف به «حکاک» فرزند حاج محمد کاظم کوزه‌کنانی از افراد خیر و نیکوکار قرن سیزدهم خراسان بود که سال‌ها به شغل فیروزه‌تراشی و تجارت فیروزه در جوار حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام اشتغال داشت. وی در حدود سال ۱۲۲۳ ه. ش در مشهد در خانواده‌ای روحانی و متدین متولد شد و پس از رشد و تحصیلات لازم مذهبی به اتفاق پدر و چهار برادرش به نام‌های حاج صادق، حاج محمد حسین، آقا کوچک و حاج محمد رضا در تیمچه حکاک‌ها واقع در گوشه صحن آزادی (نو) به شغل فیروزه‌تراشی و تجارت آن مشغول گردید و تولیدات را شخصا به شهرهای کلکته و بمبئی صادر می‌نمود و در عوض کالاهایی نظیر پارچه چینی و نیز چرخ خیاطی به ایران وارد می‌کرد.

او در جوانی ازدواج نمود که ثمره آن دو دختر به نام‌های حاجیه بی‌بی بتول و خانم آغا هستند که اولی به همسری حاج محمد جعفر کاتوزی و دومی به ازدواج حاجی صالح‌پور درآمد.

مرحوم حاج شیر محمد حکاک در حدود پنجاه سالگی به علت علاقه زیادی که به حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام و خاندان عصمت و طهارت داشت، قسمتی از ثروت خود را مانند زمین‌ها و باغ‌های روستای «شقا» واقع در بین خیابان خواجه ربیع و کوی طلاب و یکی از خانه‌های خود واقع در «دربند علیخان» که شخصا بر اثر تلاش فراوان اقتصادی از راه تجارت اندوخته بود، وقف نمود و مقرر داشت درآمد آنها را صرف مواردی نظیر: برگزاری مجالس و اطعام در مجلس حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام، کمک به مستضعفان و مستمندان، فراهم نمودن ازدواج پسرانی که سید باشند، اطعام سادات، قربانی

ص: ۲۳۵

نمودن گوسفند همه‌ساله در عید قربان، اعزام همه‌ساله افراد متشرع و صالحی که خود امکان رفتن به زیارت عتبات عالیات را نداشته باشند، گماشتن قاری قرآن بر سر مزار واقف در رواق دار السیاده حرم مطهر، بنمایند.

تولیت موقوفات را به عهده برادرش حاج محمد رضا و نظارت را به برادر دیگرش آقا کوچک واگذار نمود و

سپس حاج شیخ مرتضی بجنوردی و دو دخترش، تولیت و نظارت را عهده دار بودند. پس از دخل و تصرفات دولت پهلوی، تحت عنوان اصلاحات ارضی، باقیمانده آن در اختیار اداره اوقاف قرار گرفت. این مرد خیر و نیکوکار پس از عمری طولانی عاقبت در مشهد درگذشت و در رواق دار السیاده حرم مطهر مدفون گردید.

ابراهیم زنگنه

ص: ۲۳۶

خ

(۱۴۷) خواجه‌یون - محمد کاظم (۱۳۱۷-۱۳۷۲ ه. ش)

محمد کاظم خواجه‌یون استاد دانشگاه و نویسنده. سال ۱۳۱۷ ه. ش در خانواده‌ای مذهبی در مشهد زاده شد.

پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه به دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال ۱۳۴۱ ه. ش به دریافت دانشنامه لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد، پس از آن با سمت دبیری به کار در آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آباده تدریس کرد.<sup>۹۶۸</sup> چندی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۵۴-۱۳۵۶ ه. ش دوره‌های فوق لیسانس و دکترای رشته مطالعات اسلامی را به پایان برد. دکتر خواجه‌یون از سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۷ ه. ش به تدریس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت. پس از پیروزی انقلاب

---

(۱) - مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۲۷۱؛ «درگذشت دکتر خواجه‌یون»، آئینه پژوهش، شماره ۲۲، سال ۱۳۷۲، ص ۱۱۱.

ص: ۲۳۷

اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکده ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. او نزدیک به نه سال در این سمت باقی ماند و پس از آن در سمت معاون دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد انجام وظیفه کرد و همزمان با آن عضویت هیأت‌امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و سرپرستی شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ وزارت آموزش عالی را عهده‌دار بود.<sup>۹۶۹</sup> همچنین درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکده ادبیات مشهد تدریس می‌کرد و در کنار آن به امور اجرایی و اداری دانشگاه فردوسی مشهد نیز

---

<sup>۹۶۸</sup> (۱) - مریم آقا شیخ محمد: گلزار مشاهیر / ۲۷۱؛ «درگذشت دکتر خواجه‌یون»، آئینه پژوهش، شماره ۲۲، سال ۱۳۷۲، ص ۱۱۱.

<sup>۹۶۹</sup> (۱) - «درگذشت دکتر خواجه‌یون» / ۱۱۱-۱۱۲.

می‌پرداخت.<sup>۹۷۰</sup> وی همچنین از آغاز فعالیت‌های کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد، زیر نظر استاد محمد تقی شریعتی، به فعالیت‌های مذهبی در این کانون روی آورد. در هیأت‌مدیره انصار الحجه، (مؤسسه خیریه‌ای برای رسیدگی به وضع یتیمان)، انجمن حمایت از زندانیان مشهد و هیأت امنای اداره اوقاف مشهد عضویت داشت. او همواره خود را مدیون استاد محمد تقی شریعتی می‌دانست.<sup>۹۷۱</sup>

خواجویان نشریه‌ای تخصصی در زمینه پژوهش‌های تاریخی بنیان گذارد که از سال ۱۳۶۸ ه. ش با نام «فصلنامه مطالعات تاریخی» منتشر شده است.

ایشان روز ۱۳ آبان ۱۳۷۲ ه. ش در مشهد به علت سکت قلبی درگذشت و در حرم رضوی به خاک سپرده شد.<sup>۹۷۲</sup>

مهمترین اثر دکتر خواجویان کتاب «تاریخ تشیع» است، همچنین چندین مقاله پژوهشی از وی در فصلنامه مطالعات تاریخی و نیز مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد به چاپ رسیده است که عبارتند از: «اوضاع اجتماعی جامعه اسلامی همزمان با دوران امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام»،

---

(۱) - «درگذشت دکتر خواجویان» / ۱۱۱-۱۱۲.

(۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۷۱.

(۳) - درگذشت دکتر خواجویان / ۱۱۲.

(۴) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۷۱-۲۷۲.

ص: ۲۳۸

«پژوهشی پیرامون آراء ابن خلدون درباره امویان»، «پژوهشی پیرامون آراء برخی مورخان درباره قیام مختار»، «چه راهی در پیش گیریم»، «سخنی چند درباره علل سقوط امویان»، «نگاهی گذرا بر نظر مورخان درباره قیام مختار»، «نگرشی بر نهضت عباسیان».<sup>۹۷۳</sup>

---

<sup>۹۷۰</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۷۱.

<sup>۹۷۱</sup> (۳) - درگذشت دکتر خواجویان / ۱۱۲.

<sup>۹۷۲</sup> (۴) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۷۱-۲۷۲.

<sup>۹۷۳</sup> (۱) - درگذشت دکتر خواجویان / ۱۱۲، ر.ک:



(۱) - درگذشت دکتر خواجه‌یوان / ۱۱۲، ر. ک:

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۳ و ۴، سال ۱۸ (۱۳۶۴)، شماره ۴، سال ۱۹ (۱۳۶۵)، شماره ۱-۲، سال ۲۰ (۱۳۶۶) و نیز فصلنامه مطالعات تاریخی شماره‌های ۱، ۳، ۹، ۱۰.

ص: ۲۳۹

ر

رجایی بخارایی - احمد علی - بخش اول

(۱۴۸) رضوی - سید اطهر عباس (۱۳۰۰-۱۳۶۹ ه. ش)

سید اطهر عباس رضوی متولد ۱۳۰۰ ه. ش / ۱۹۲۱ م. از اساتید برجسته تاریخ شبه‌قاره هند است که در مراکز علمی اروپا و آمریکا شهرت دارند ایشان تحصیل کرده دانشگاه اسلامی علی‌گره هند و دانشگاه لندن است.

سید اطهر رضوی قبل از سال ۱۳۴۶ ه. ش / ۱۹۶۷ م در دانشگاه‌های جواهر لعل نهرو دهلی‌نو و دانشگاه اسلامی علی‌گره تاریخ قرون وسطی و تاریخ استقلال هند را تدریس و به عنوان رئیس گروه تاریخ دانشگاه کشمیر واقع در شهر سری‌نگر انجام وظیفه می‌نمود و سپس به دعوت دانشگاه ملی استرالیا واقع در شهر کانبرا تاریخ هند را تدریس می‌کرد.

در بین سالهای ۱۳۳۴-۱۳۴۱ ه. ش / ۱۹۵۵-۱۹۶۲ م «تاریخ قرون وسطی هند» را به زبان هندی در ده جلد تألیف نمود و توسط دانشگاه اسلامی علی‌گره به چاپ رسید. به تقاضای دولت ایالتی اتار پرادش هند «تاریخ نهضت استقلال هند در منطقه اتار پرادش» را در شش جلد بین سالهای ۱۳۳۶-۱۳۴۰ ه. ش / ۱۹۵۷-۱۹۶۱ م به زبان انگلیسی تألیف نمود. کتابهای دیگر ایشان به شرح زیر می‌باشد:

ص: ۲۴۰

۱- جنبشهای اسلامی در شمال هند در قرنهای ۱۶ و ۱۷ میلادی.

۲- تاریخ فتح پورسیکری.

۳- ترجمه هندی مقدمه ابن خلدون.

۴- ترجمه هندی حقایق هندی.

۵- تاریخ اندیشه اسلامی در دوران امپراتور اکبر.

۶- تاریخ صوفیان هند در دو جلد.

۷- شیعه در هند در دو جلد که جلد اول آن توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۶ ه. ش به چاپ رسید.

۸- شاه ولی‌الله دهلی دهلوی و عصر وی.

۹- زندگانی شاه عبد‌العزیز دهلوی.

۱۰- انقلاب اسلامی ایران این کتاب در سال ۱۳۵۸ ه. ش چاپ شد و یکی از بهترین کتابهایی است که در حمایت انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی ۱ به زبان انگلیسی تألیف شده است.

علاوه بر این از پرفسور اطهرعباس رضوی چندین مقاله در «تاریخ اسلام دانشگاه کامبریج»، «تاریخ فرهنگی هند» و «جهان اسلام» چاپ شده است و دکتر حسین رییس السادات چندین مقاله پرفسور اطهرعباس رضوی را به فارسی ترجمه و در فصلنامه مشکوة به چاپ رسانده است.

مرحوم پرفسور رضوی از شیعیان مخلص بود و ارادت خاصی به امام رضا علیه السلام داشت و چندین بار برای زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام به مشهد مقدس مسافرت نمود و سرانجام سال ۱۳۶۹ ه. ش / اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در آخرین سفر خود به مشهد مقدس وفات یافت و در حرم مطهر امام رضا علیه السلام مدفون شد. مرحوم پرفسور رضوی حسینی‌ی بزرگی در شهر علی‌گره هند تأسیس کرده است.

ص: ۲۴۱

ز

(۱۴۹) زوآر- حسین (۱۲۷۵-۱۳۵۹ ه. ش)

حسین زوار نویسنده و شاعر. وی در سال ۱۲۷۵ ه. ش در خانواده‌ای اهل علم و ادب چشم به جهان گشود.

پدرش حاج نوروزعلی معروف به کتاب‌فروش در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ه. ق) در بازار بین الحرمین تهران به کار کتاب و روزنامه اشتغال داشت، و کتب و مجلات را از شهرهایی چون قاهره و برلین وارد می‌کرد. در

جریان انقلاب مشروطه، او که در زمره آزادیخواهان فعالیت می‌کرد به منظور فرار از آزار هیأت حاکمه، مجبور به ترک تهران و عزیمت به مشهد گردید، و در این شهر رحل اقامت افکند و نام خانوادگی زوار را برگزید.

شادروان حسین زوار تحصیلات اولیه را در تهران و ادامه آن را در مدرسه «ملی» که پدرش از بنیانگذاران آن بود، گذراند. در این دوران بین او و شادروان غلامرضا ریاضی و شادروان یحیی ریحان از شاعران خراسانی که از

ص: ۲۴۲

شاگردان همین مدرسه بودند، الفتی حاصل شد. او به سبب علاقه و عنایتی که به مطالعه تاریخ و ادبیات ایران داشت، در ادامه فعالیت پدرش مبادرت به فروش کتاب در داخل صحن مسجد گوهرشاد و سپس در بازار زنجیر مدتی نیز در کوچه ارگ کوچک حمام مستشار، نمود و پس از آن کتاب‌فروشی و انتشارات زوار را در خیابان ارگ مشهد و سپس در سال ۱۳۲۲ ه. ش انتشارات زوار را در تهران خیابان باب همایون میدان سپه تأسیس کرد که مدیریت آن با فرزند ارشد ایشان اکبر زوار بود.

حسین زوار بنیانگذار صنف چاپخانه‌دار، کتابفروش و لوازم التحریر مشهد و صنعت چاپ خراسان و نیز بانی شرکت تعاونی فروشندگان کتاب و

لوازم التحریر مشهد می‌باشد. وی علاوه بر چاپ و انتشار انواع کتب معتبر تاریخی، ادبی، اجتماعی، علمی و غیره به چاپ و انتشار کتاب‌های درسی دبستانی و دبیرستانی مشهد اهتمام داشت. کتاب‌هایی نیز چون «منتخبی از دیوان نظامی گنجوی» از وی به یادگار مانده است.

ایشان در پنجم آذرماه ۱۳۵۹ ه. ش دار فانی را وداع گفت و در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه علیه السلام مدفون گردید.

اینک برخی از فرزندان و نوادگان وی در ادامه فعالیت ایشان به کار چاپ و نشر اشتغال دارند.<sup>۹۷۴</sup>

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - اسناد و دست‌نوشته مصطفی زوار.

ص: ۲۴۳

س

(۱۵۰) سالاری - احمد (۱۲۸۲ - ۱۳۳۵ ه. ش)

---

<sup>۹۷۴</sup> (۱) - اسناد و دست‌نوشته مصطفی زوار.

دکتر احمد سالاری فرزند دکتر حسین سالاری پزشک و استاد دانشگاه مشهد. وی در اول مهرماه سال ۱۲۸۲ ه. ش در خانواده‌ای متدین در مشهد متولد شد و تحصیلات ابتدایی را در مشهد و دوره متوسطه را در دار الفنون تهران به پایان رسانید. سپس در سال ۱۳۰۶ ه. ش برای تحصیل رشته پزشکی به کشور فرانسه عزیمت کرد و در سال ۱۳۱۶ ه. ش پس از اخذ درجه دکترای پزشکی از دانشگاه پاریس به ایران مراجعت و به استخدام وزارت بهداشتی درآمد. او خدمات پزشکی خویش را در مشهد آغاز نمود و همراه برادرانش برای تأسیس آموزشگاه عالی بهداشتی و دانشکده پزشکی تلاش نمود و خود در این دانشکده سال‌ها سمت استادی بیماری‌های داخلی را داشت و در کنار طبابت و تدریس نیز چند سالی ریاست بهداشتی استان خراسان را عهده‌دار بود و در این سمت خدمات بهداشتی زیادی به مردم این استان ارائه نمود. او در روز ۲۳ تیرماه سال ۱۳۳۵ ه. ش در مشهد درگذشت و جنازه‌اش در صحن عتیق

ص: ۲۴۴

به خاک سپرده شد.<sup>۹۷۵</sup>

ابراهیم زنگنه

(۱۵۱) سالاری - حسین (۱۲۳۴ - ۱۳۲۱ ه. ش)

دکتر حسین سالاری ملقب به «معتد الحکماء» فرزند آیت الله مرحوم حاج ابو القاسم یزدی، پزشک و رئیس دار الشفای حرم مطهر رضوی. وی در سال ۱۲۳۴ ه. ش در خانواده‌ای روحانی در تفت چشم به جهان گشود و برای تحصیلات علوم دینی به حوزه علمیه یزد رفت و بعد از مرگ پدر به جای او به امامت جماعت پرداخت اما چون پیوسته هوای دانش پزشکی در سر می‌پروراند، برای ادامه تحصیلات پزشکی به اصفهان و تهران رفت و بعد از اخذ درجه دکترای پزشکی در تهران، به عنوان پزشک لشکر همراه عده‌ای از سربازان به مشهد آمد. او پس از پایان دوره خدمت وظیفه قصد مراجعت به یزد داشت، در این هنگام همسر رکن الدوله تولیت آستان قدس رضوی و والی خراسان به بیماری مشکلی دچار شد و از جانب والی از وی دعوت به عمل آمد. پس از چند روز، بیمار درمان شد و تولیت آستان قدس به عنوان سپاسگزاری، یک عبا و قرآن برای ایشان فرستاد و از او خواست که به عنوان رئیس دار الشفای حضرت رضا علیه السلام در مشهد اقامت نماید و ایشان در مشهد ماند. از آن تاریخ مدت ۳۵ سال به عنوان رئیس دار الشفای حضرت رضا علیه السلام انجام وظیفه کرد.

سرانجام در سال ۱۳۲۱ ه. ش دار فانی را وداع گفت و جنازه‌اش در صحن نو به خاک سپرده شد. دکتر رضا سالاری، دکتر احمد سالاری، دکتر علی سالاری، دکتر محمود سالاری و سرهنگ مهدی سالاری فرزندان وی هستند.<sup>۹۷۶</sup>

ابراهیم زنگنه

<sup>۹۷۵</sup> (۱) - اطلاعات گرفته شده از خاندان سالاری توسط محمد حسین سالاری دبیر آموزش و پرورش.

<sup>۹۷۶</sup> (۲) - همان.

---

(۱) - اطلاعات گرفته شده از خاندان سالاری توسط محمد حسین سالاری دبیر آموزش و پرورش.

(۲) - همان.

ص: ۲۴۵

(۱۵۲) سالاری - رضا (۱۲۷۵ - ۱۳۳۱ ه. ش)

دکتر رضا سالاری فرزند دکتر حسین سالاری پزشک، استاد دانشگاه و از بنیانگذاران دانشکده پزشکی مشهد. وی در سال ۱۲۷۵ ه. ش در مشهد در خانواده‌ای متقی و خادم آستان قدس رضوی پا به عرصه حیات نهاد، دوره دبستان را در مشهد به پایان رسانید. دوره متوسطه را در دار الفنون تهران طی کرد. پس از گذراندن دوره آلیانس فرانسه برای ادامه تحصیل پزشکی وارد دار الفنون تهران شد و چون به اخذ دکترای پزشکی عمومی نایل آمد برای اخذ درجه تخصصی عازم کشور فرانسه شد و پس از مدتی از دانشگاه پاریس به اخذ درجه تخصص جراحی عمومی نایل گردید.

آنگاه به ایران مراجعت کرد و در مشهد به خدمت پزشکی پرداخت. او از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۱ ه. ش در بخش جراحی بیمارستان امام رضا علیه السلام به عنوان رئیس و پزشک متخصص انجام وظیفه نمود. در همین مدت نیز استادی جراحی مدرسه عالی بهداری و دانشکده پزشکی مشهد را به عهده داشت و در ضمن همه فعالیت‌ها شغل طبابت را یکی از وظایف انسانی خویش می‌دانست و از بعضی بیماران مستضعف علاوه بر این‌که وجهی دریافت نمی‌کرد، هزینه درمان آنها را نیز می‌پرداخت. او سرانجام در شب ۲۱ ماه رمضان سال ۱۳۷۱ ه. ق/ خرداد سال ۱۳۳۱ ه. ش در مشهد دار فانی را وداع گفت و جنازه‌اش در صحن عتیق

ص: ۲۴۶

حرم حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.<sup>۹۷۷</sup>

ابراهیم زنگنه

(۱۵۳) سالاری - علی (۱۲۸۹ - ۱۳۵۲ ه. ش)

دکتر علی سالاری فرزند دکتر حسین سالاری پزشک و استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد. وی روز سیزدهم شهریور سال ۱۲۸۹ ه. ش متولد شد. دوره ابتدایی را در سال ۱۳۰۳ ه. ش و تحصیلات متوسطه را در سال ۱۳۰۹ ه. ش در دبیرستان دانش مشهد به پایان رسانید. سپس برای ادامه تحصیل راهی تهران شد و در دانشکده پزشکی به تحصیل مشغول گردید و در

---

<sup>۹۷۷</sup> (۱) - اطلاعات گرفته شده از خاندان سالاری توسط محمد حسین سالاری دبیر آموزش و پرورش.

سال ۱۳۱۵ ه. ش به اخذ درجه دکترای پزشکی نایل آمد. بعد از انجام خدمت وظیفه عمومی در ضمن انجام وظایف درمانی از آبان سال ۱۳۱۸ ه. ش به مدت شش سال با سمت معاونت بهداری شهرداری مشهد و بعد با سمت ریاست بهداری انجام وظیفه نمود. و از سال ۱۳۲۳ ه. ش در سمت معاونت بخش مامایی و بیماری‌های زنان بیمارستان شاهرضا (امام رضا) وابسته به دانشکده پزشکی مشغول به کار شد و در همین سمت بود که به فرانسه رفت و دوره‌های تکمیلی و تخصصی مامایی و بیماری‌های زنان را در زایشگاه بودلوک و بیمارستان بروکا پاریس و دانشکده پزشکی پاریس در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۱ ه. ش طی نمود

---

(۱) - اطلاعات گرفته شده از خاندان سالاری توسط محمد حسین سالاری دبیر آموزش و پرورش.

ص: ۲۴۷

و به ایران مراجعت کرد. از سال ۱۳۳۵ ه. ش ریاست بخش مامایی و بیماری‌های زنان را عهده‌دار شد.

مرحوم دکتر سالاری در کنار کارهای درمانی و اداری از سال ۱۳۲۰ ه. ش در آموزشگاه عالی بهداری به تدریس اشتغال داشت و از سال ۱۳۲۵ ه. ش با سمت دانشیار دانشگاه تهران مأمور خدمت در آموزشگاه عالی بهداری مشهد شد و از سال ۱۳۳۱ ه. ش نیز در دانشکده پزشکی مشهد تدریس مامایی را به عهده گرفت و در سال ۱۳۳۵ ه. ش در همین رشته به درجه استادی ارتقاء یافت و از سال ۱۳۴۲ ه. ش ریاست گروه مامایی و بیماری‌های زنان را با داشتن سمت ریاست آموزشگاه عالی مامایی مشهد به عهده داشت. وی در کنار همه فعالیت‌های درمانی و آموزشی و اداری، سرپرستی زایشگاه خانوادگی شیر و خورشید سرخ مشهد را نیز اداره می‌کرد.

دکتر علی سالاری پس از ۶۳ سال زندگی روز دوم فروردین‌ماه سال ۱۳۵۲ ه. ش دار فانی را در مشهد وداع گفت و در صحن نو (آزادی) به خاک سپرده شد.<sup>۹۷۸</sup>

ابراهیم زنگنه

(۱۵۴) سالاری - محمود (۱۲۷۷ - ۱۳۶۷ ه. ش)

محمود سالاری فرزند دکتر حسین سالاری، استاد زبان فرانسه. وی دی

---

(۱) - اطلاعات گرفته شده از خاندان سالاری توسط محمد حسین سالاری دبیر آموزش و پرورش.

---

<sup>۹۷۸</sup> (۱) - اطلاعات گرفته شده از خاندان سالاری توسط محمد حسین سالاری دبیر آموزش و پرورش.

ماه سال ۱۲۷۷ ه. ش در مشهد چشم به جهان گشود پس از دوره دبستان در مشهد دبیرستان را در دار الفنون تهران به پایان رسانید. سپس وارد آلیانس فرانسه شد و پس از پنج سال تحصیل به دریافت دیپلم آلیانس نایل آمد. او به خراسان مراجعت کرد و از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۱ ه. ش در پیشکاری مالیه (دارایی) خراسان به خدمت مشغول شد و از سال ۱۳۰۱ ه. ش از وزارت مالیه برکنار شد و به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) درآمد و تا آخر عمر در سمت دبیری و استادی زبان فرانسه در دبیرستان‌های فردوسی، ابن یمین (حکمت)، شاهرضا (دکتر شریعتی)، فروغ (هفتم تیر)، ایراندخت (آزادگان)، دانشسرای مقدماتی پسران و دختران مشهد، آموزشگاه عالی بهداری، دانشکده پزشکی و دانشکده معقول و منقول مشهد به تدریس زبان فرانسه مشغول بود.

مرحوم سالاری در سال ۱۳۳۷ ه. ش بازنشسته شد با این حال تا سال ۱۳۳۹ ه. ش در دانشکده پزشکی مشهد تدریس می‌کرد. او تدریس در کلاس و هدایت جوانان را بر پست اداری ترجیح می‌داد. وی تا آخر عمر افتخار تشریف و خادمی حرم مطهر حضرت ثامن الحجج علیه السلام را داشت و در چهارم تیرماه سال ۱۳۶۷ ه. ش درگذشت و جنازه‌اش در صحن نو (آزادی) به خاک سپرده شد.<sup>۹۷۹</sup>

ابراهیم زنگنه

(۱۵۵) سامی‌راد- حسین (۱۲۸۴-۱۳۶۸ ه. ش)

دکتر حسین سامی‌راد فرزند اسماعیل خان، تحصیلات ابتدایی را در بجنورد به پایان برد و دوره دبیرستان را در دار الفنون گذراند. در سال ۱۳۰۵ در میان نخستین گروه دانشجویان اعزامی به خارج از ایران، برای طی دوره پزشکی و گرفتن تخصص به پاریس

(۱) - همان.

رهسپار گردید و پس از اخذ تخصص در رشته بیماری‌های کودکان و گذراندن دوره «مالاریاشناسی» از ایتالیا به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۶ پس از پایان خدمت نظام، مأمور تأسیس بهداری خراسان گردید و هم‌زمان با آغاز جنگ دوم جهانی، ریاست بیمارستان امام رضای مشهد را به عهده گرفت و برای جبران کمبود پزشک در خراسان و تأسیس آموزشگاه عالی بهداری که هسته اولیه دانشگاه فردوسی را تشکیل می‌داد، اقدام نمود. پس از تأسیس دانشکده پزشکی مشهد و دانشگاه فردوسی به مدت ۲۸ سال ضمن تدریس، ریاست مؤسسات علمی را نیز به عهده داشت.

در سال ۱۳۴۲ به نمایندگی مردم مشهد به مجلس شورای ملی رفت و چون عنوان استادی دانشگاه تهران را یافته بود، در آن دانشگاه به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۵۰ بازنشسته شد. از جمله مشاغل اجتماعی او می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست جمعیت شیر و خورشید سرخ مشهد (۱۳۲۷-۱۳۳۹)؛ تأسیس درمانگاه خیریه رازی در مشهد (در زمان جنگ جهانی دوم)؛ ریاست جمعیت حمایت از جذامی‌های مشهد، عضویت در هیئت‌مدیره انجمن مبارزه با سل در مشهد؛ عضویت در هیئت‌مدیره انجمن تعاون بهداشتی در مشهد.<sup>۹۸۰</sup>

دکتر سامی‌راد در سال ۱۳۶۸ ه. ش در مشهد درگذشت و در حرم مطهر رضوی دفن گردید.<sup>۹۸۱</sup>

---

(۱) - مریم آقا شیخ محمد، گلزار مشاهیر زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران / ۳۵۶.

(۲) - قدرت الله روشنی زعفرانلو: سفرنامه‌های لهام الدوله بجنوردی / ۱۷۰-۱۷۱.

ص: ۲۵۰

دکتر سامی‌راد تألیفاتی در زمینه علوم پزشکی و تربیتی دارد و مقالاتی از وی در نشریات علمی کشورهای مختلف منتشر شده است. از جمله آثارش می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: راه پرورش کودکان (۱۳۲۲)؛ سلامتی و بیماری کودکان (۱۳۳۴)؛ تشخیص برنکو پنومونی سلی و غیرسلی (به زبان فرانسوی، پایان‌نامه تحصیلی).

علی سکندری

ص: ۲۵۱

ش

(۱۵۶) شاملو - علی (۱۲۸۴ - ۱۳۷۶ ه. ش)

پزشکی که طبابت را از غرفه‌های حرم مطهر آغاز کرد. در گذشته نه‌چندان دور شهر مشهد خیلی کوچک و کم جمعیت بود، به همین دلیل پزشکان به سهولت در دسترس بیماران قرار داشتند در آن زمان تعداد پزشکان از شمار انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. سرآمد آنها نیز میرزا غلامعلی صدر الاطباء (۱۳۰۲ ه. ش)<sup>۹۸۲</sup> پدر مرحوم دکتر علی شاملو بود که ابتدا در غرفه‌های صحن نو طبابت می‌کرد. پزشکان آن زمان با گرفتن نبض و دیدن زبان و تجربه‌های شخصی، بیماران را مداوا می‌کردند.

---

<sup>۹۸۰</sup> (۱) - مریم آقا شیخ محمد، گلزار مشاهیر زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران / ۳۵۶.

<sup>۹۸۱</sup> (۲) - قدرت الله روشنی زعفرانلو: سفرنامه‌های لهام الدوله بجنوردی / ۱۷۰-۱۷۱.

<sup>۹۸۲</sup> (۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۵ / ۱۷۲.



در سال ۱۲۹۸ ه. ش مدرسه دار الفنون امیرکبیر، «مدرسه طب» نام گرفت و داوطلبان با مدرک دیپلم می‌توانستند به مدرسه طب راه پیدا کنند و دوره دکترا را بگذرانند؛ پس از آن مدرسه طب، دانشکده پزشکی نامیده شد و دوره آن شش سال گردید.

---

(۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۱۷۲.

ص: ۲۵۲

دکتر علی شاملو در شمار ۱۰ پزشکی بود که از دانشکده پزشکی تهران فارغ التحصیل شد و مجوز طبابت دریافت کرد.

این طبیب عالی قدر در دفترچه خاطراتش این گونه نوشته است:

«خانواده ما معروف به شاملو است.

شاملو ایل بزرگی بوده که در زمان صفویه به انضمام چند ایل دیگر مجموعاً قشون قزلباش را تشکیل می‌دادند. عده‌ای از شاملوها در زمان صفویه حکومت هرات را داشتند. آنچه مسلم است خانواده ما از زمان نادر شاه در مشهد سکونت داشتند و اجداد ما خطاط و نویسنده بودند، زیرا دستخطهای زیبایی از آنها به یادگار مانده است. به‌رحال این‌جانب علی شاملو روز چهارشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۴ ه. ق مطابق ۱۸ خرداد ۱۲۸۴ ه. ش در مشهد متولد شدم. آموختن را از مکتب‌خانه آغاز کردم. تحصیلات ابتدایی را نیز در مشهد گذراندم؛ سپس برای ادامه تحصیل به تهران رفتم. در تهران پس از پایان تحصیلات متوسطه وارد دانشکده پزشکی شدم.

در سال ۱۳۰۸ ه. ش از دانشکده پزشکی فارغ التحصیل شدم. پس از آن برای خدمت در شرکت نفت به مسجد سلیمان رفتم. پس از مدتی دوباره به تهران برگشتم وارد ارتش شدم. مدتی هم ریاست بهداری سبزوار را به عهده داشتم.

در سال ۱۳۱۲ به مشهد برگشتم و مشغول طبابت شدم. چهار دختر و دو پسر دارم و پسرانم حرفه طبابت را انتخاب کرده‌اند».<sup>۹۸۳</sup>

دکتر فریدون شاملو درباره زندگی علمی و حالات و رفتار پدرش می‌گوید: «مرحوم پدرم، پزشکی انسان دوست، عارف و خادم امام هشتم علیه السلام بود. وی از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۷۶ ه. ش در مشهد به شغل شریف طبابت اشتغال داشت و در این مدت هرگز برای مادیات طبابت نکرد.

به یاد دارم زمانی به عمل جراحی نیاز پیدا کرد و باید مدتی از طبابت

---

<sup>۹۸۳</sup> (۱) - دفترچه خاطرات دکتر علی شاملو.

---

(۱) - دفترچه خاطرات دکتر علی شاملو.

ص: ۲۵۳

کناره می‌گرفت، قرار شد مطب او را من اداره کنم. پدرم مرتباً سفارش می‌کرد و می‌گفت هوای بیماران کم‌بضاعت را داشته باش نسخه گران نویسی و از داروهای ترکیبی برای آنها تجویز کن که بضاعت تهیه آن را داشته باشند؛ همچنین سفارش می‌کرد طبابت را صبح زود شروع کن، چون بیماران شب تا صبح را با بیماری سر کرده‌اند و طاقت ندارند تا نیمروز صبر کنند. خود ایشان هم با اینکه خادم امام هشتم علیه السلام بود و اغلب شب‌ها را در حرم مطهر کشیک داشت صبح خیلی زود در مطب حضور می‌یافت، چون دلش راضی نمی‌شد بیمارانش را لحظه‌ای منتظر بگذارد.

برای حق ویزیت هم مبلغی تعیین نکرده بود بلکه هرکس هرچه برایش مقدور بود روی میز می‌گذاشت و پدرم اصلاً به آن توجهی نمی‌کرد.

بدین طریق تمام عمر بابرکتش را صرف طبابت و خدمت به خلق کرد و سرانجام در سال ۱۳۷۶ ه. ش به رحمت ایزدی پیوست و پیکرش در حرم مطهر ثامن الائمه علیه السلام به خاک سپرده شد.

از دکتر شاملو کتابخانه بزرگی شامل کتاب‌های تاریخی، ادبی و پزشکی به زبان‌های فارسی، فرانسه و عربی بجای ماند که بنا به وصیت خود او به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شد.<sup>۹۸۴</sup>

علی جان سکندری

(۱۵۷) شاملو - میرزا غلامعلی (۱۲۱۲ - ۱۳۰۲ ه. ش)

میرزا غلامعلی خطاط و پزشک و مشهور به صدر الاطباء. او فرزند ابراهیم شاملو است. در سال ۱۲۱۲ ه. ش زاده شد پدرش رفوگر و از خدام کشیک دوم آستان قدس رضوی بود. میرزا غلامعلی از کودکی به تحصیل پرداخت و در نزد استادان زمان خود با علوم ادبی و معقول و منقول آشنا شد و در زمینه هنر خط، کار کرد و به علت علاقه به رشته

---

(۱) - مصاحبه با فرزندش فریدون شاملو.

ص: ۲۵۴

پزشکی، برای تحصیل عازم تهران شد.<sup>۹۸۵</sup> در تهران چند سالی نزد پزشکان معروف آن زمان چون «آقا بابا رشتی ملک الاطباء» متوفی ۱۲۸۹ ه. ق، «میرزا سید رضی سمنانی حکیم‌باشی نظام» متوفی ۱۳۰۴ ه. ق و «میرزا ابو القاسم اصفهانی سلطان الحکماء» متوفی ۱۳۲۲ ه. ق که از اطباء خاص ناصر الدین شاه بودند،<sup>۹۸۶</sup> به تحصیل و تکمیل طب قدیم پرداخت و پس از اینکه اجازه‌نامه‌هایی از هریک از آنان گرفت و ملقب به «صدر الاطباء» شد<sup>۹۸۷</sup> به همراه امیر حسین خان شجاع الدوله حاکم قوچان و رئیس ایل زعفرانلو که در تهران بود به قوچان رفت و پزشک مخصوص وی گردید پس از هفت سال اقامت در قوچان به مشهد آمد و در همین شهر مقیم گردید و مدت پنجاه سال به طبابت اشتغال داشت و در این رشته در خراسان شهرتی یافت وی سالها در یکی از غرفه‌های صحن نو (آزادی) به کار طبابت مشغول بود.<sup>۹۸۸</sup>

نامبرده مردی خودساخته و جدی بود.

وی در سال ۱۳۰۲ ه. ش در نود سالگی در مشهد درگذشت.<sup>۹۸۹</sup>

فرزندش ابراهیم شاملو «دبیر اعظم» شاعر و خطاط بود و مدتی کارگزاری قوچان و نیشابور را به عهده داشت و در ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۴۶ ه. ش درگذشت.<sup>۹۹۰</sup>

محمد جواد هوشیار

---

(۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۱۷۱.

(۲) - همان ۳ / ۲۰.

(۳) - همان ۵ / ۱۷۱ - ۱۷۳.

(۴) - مصاحبه با نوه ایشان (فریدون شاملو).

(۵) - همان ۵ / ۱۷۳.

(۶) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۱۶.

---

<sup>۹۸۵</sup> (۱) - مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۵ / ۱۷۱.

<sup>۹۸۶</sup> (۲) - همان ۳ / ۲۰.

<sup>۹۸۷</sup> (۳) - همان ۵ / ۱۷۱ - ۱۷۳.

<sup>۹۸۸</sup> (۴) - مصاحبه با نوه ایشان (فریدون شاملو).

<sup>۹۸۹</sup> (۵) - همان ۵ / ۱۷۳.

<sup>۹۹۰</sup> (۶) - علی اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۳۱۶.

(۱۵۸) شریعتی مزینانی - محمد تقی (۱۲۸۶ - ۱۳۶۶ ه. ش)

استاد محمد تقی شریعتی، اندیشمند و مفسر قرآن، سال ۱۲۸۶ شمسی در یک خانواده روحانی در مزینان از توابع سبزوار چشم به جهان گشود. مقدمات را نزد پدرش شیخ محمد مزینانی و عموی خود آموخت و سال ۱۳۰۶ برای ادامه تحصیل به مشهد آمد و در مدرسه فاضل خان حجره گرفت. پس از آشنایی با ادبیات در محضر میرزا عبد الجواد نیشابوری و شیخ محمد تقی نیشابوری، از درس آیات میرزا مهدی اصفهانی، شیخ هاشم قزوینی، شیخ کاظم دامغانی، حاج میرزا احمد مدرس و ارتضا با علوم دینی آشنا شد. تا اینکه مدرسه فاضل خان را به عنوان حفظ آثار قدیمه بستند و طلاب را از آنجا اخراج کردند.<sup>۹۹۱</sup>

استاد به تدریس در مدارس جدید رو آورد و به موازات آن به فراگیری علوم دینی ادامه داد. پس از شهریور ۱۳۲۰ که فعالیت‌های سیاسی آزاد شده بود، به مبارزه علیه حزب توده پرداخت و با تدریس در دانشسرا که مرکز فعالیت حزب توده شده بود، از پیشروی حزب توده پیشگیری کرد و بعداً در فاصله سالهای ۱۳۳۷ - ۱۳۴۰ ه. ش به دعوت دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد، در آنجا نهج البلاغه و تفسیر قرآن تدریس کرد.

(۱) - استاد محمد تقی شریعتی مدافع شریعت در برابر الحاد و طاغوت، کیهان فرهنگی، مصاحبه با استاد بهمن ۱۳۶۳ شماره

۱۱ ص ۶

استاد شریعتی در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۴۱ پس از ۳۰ سال تدریس بازنشسته شد. او در طول دوران فعالیت علمی و فرهنگی خود، ضمن تدریس در سال ۱۳۲۳ کانون نشر حقایق اسلامی را در مشهد تأسیس کرد. در سال ۱۳۲۸ که جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق تشکیل شد و موضوع «ملی شدن صنعت نفت» جمعیتی بنام «جمعیت‌های هیئت متولفه اسلامی» در مشهد شکل گرفت و استاد به عنوان موسس کانون نشر حقایق اسلامی در آن شرکت کرد و مدتی بعد در شمار کاندیداهای دوره هفدهم مجلس شورای ملی مطرح شد ولی انتخابات ابطال گردید.

در شهریور ۱۳۳۶ سازمان امنیت استاد را همراه فرزندش دکتر علی شریعتی و ۱۵ تن دیگر از سران نهضت مقاومت ملی بازداشت و به زندان قزل قعله برد. پس از مدتی استاد آزاد شد و به مشهد بازگشت. مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی از ایشان خواست تا مجلس تفسیر خود را در منزل ایشان ادامه دهد و خود نیز از باب تشویق مردم، بعضی شبها در مجلس شرکت میکرد و این جلسه سه سال ادامه یافت.

<sup>۹۹۱</sup> (۱) - استاد محمد تقی شریعتی مدافع شریعت در برابر الحاد و طاغوت، کیهان فرهنگی، مصاحبه با استاد بهمن ۱۳۶۳ شماره ۱۱ ص ۶

مرحوم محمد تقی شریعتی از آنجا که معتقد بود در برابر عوام روش اثباتی باید داشت نه نفیسی و به جای تخطئه افکار آنها باید راه در ستتر را به آنها شناساند، در عاشورای ۱۳۴۰ دسته‌ای حدود ده هزار نفر از روشنفکران، دانشجویان و بازاریان را با شعارهایی برگزیده از سخنان امام حسین علیه السلام و نهج البلاغه به سمت حرم امام رضا علیه السلام راه‌اندازی کرد. نتیجه این شد که سال ۴۱ بعد از رسیدن دسته راه‌پیمایان به صحن عتیق، از سخنرانی استاد جلوگیری کردند و در سال ۱۳۴۲ پیش از محرم مانع حرکت او شدند و همان سال ایشان به دعوت استاد شهید مرتضی مطهری و توصیه آیت الله العظمی میلانی به تهران رفت و در حسینیه ارشاد به تبلیغ پرداخت و

ص: ۲۵۷

علاوه بر آنجا مدتی نیز در زمان بازداشت آیت الله سید محمود طالقانی، بجای ایشان در ماه رمضان در مسجد هدایت تفسیر گفت. کتاب خلافت و ولایت در قرآن و سنت، تفسیر نوین، وحی و نبوت در قرآن، چرا حسین قیام کرد، امامت در نهج البلاغه از آثار اوست. دکتر علی شریعتی تنها فرزند ذکور اوست که بطور مرموز در انگلیس در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ در ۴۴ سالگی کشته شد. استاد در غم از دست دادن علی گریست و پس از ۸۰ سال تلاش در عصر دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۶۶ به دار بقا شتافت و در غرفه‌ای از صحن آزادی حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

غلامرضا جلالی

(۱۵۹) شکورزاده بلوری - ابراهیم (۱۳۰۳ - ۱۳۸۱ ه. ش)

دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری، استاد زبان و ادبیات فرانسه، محقق و پژوهشگر. وی در سال ۱۳۰۳ ه. ش در تربت حیدریه چشم به جهان گشود.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان رضائیه تربت و تحصیلات متوسطه را در مشهد به اتمام رسانید. در آغاز جوانی چند سال در خدمت آستان قدس رضوی بود و مشاغلی از قبیل ریاست امور اداری و مالی بیمارستان امام رضا علیه السلام، ریاست اداره اراضی و مستغلات و ریاست خزانه و موزه آستان قدس را برعهده داشت.<sup>۹۹۲</sup> ایشان ضمن خدمت در آستان قدس، همواره

(۱) - حاج محمد احتشام کاویانین: شمس الشموس / ۳۶۰.

ص: ۲۵۸

به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشکده ادبیات، الهیات و پزشکی اشتغال داشت.<sup>۹۹۳</sup>

<sup>۹۹۲</sup> (۱) - حاج محمد احتشام کاویانین: شمس الشموس / ۳۶۰.

<sup>۹۹۳</sup> (۱) - «شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۱۲۴ - ۱۲۵، سال ۳۲، ص ۷.

شکورزاده در سال ۱۳۳۹ ه. ش به قصد ادامه تحصیل در رشته زبان و ادبیات فرانسه و اخذ درجه لیسانس در این رشته در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد ثبت نام کرد و حائز رتبه اول گردید و در سال ۱۳۴۳ ه. ش موفق به اخذ مدرک لیسانس شد. او در سال ۱۳۵۰ ه. ش به قصد ادامه تحصیل و اخذ درجه دکترا به کشور فرانسه عزیمت نمود و در سال ۱۳۵۴ ه. ش موفق به اخذ درجه دکترای زبان فرانسه از دانشگاه سوربن پاریس شد. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۵ ه. ش به عنوان «مربی» زبان و ادبیات فرانسه، از ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۴ ه. ش به عنوان «استادیار»، از ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۰ ه. ش به عنوان «دانشیار» و از سال ۱۳۷۱ ه. ش به عنوان «استاد» مشغول خدمت در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد بود. و در همین سال شورای انقلاب فرهنگی و کمیته جذب نخبگان، وی را به عنوان «استاد نخبه» انتخاب کرد.<sup>۹۹۴</sup>

دکتر شکورزاده بیش از چهل سال سابقه تدریس داشت و در طول این مدت وظیفه خود را همواره به بهترین صورت انجام داد. و به خاطر حسن خدمت و نظم و دقتی که در کار خود داشته، موفق به دریافت تقدیر نامه‌هایی از وزارت فرهنگ، آموزش عالی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشگاه فردوسی مشهد شد. او به چند زبان زنده دنیا تسلط داشت و همواره نسبت به مشکلات و کمبودها با دیدی انتقادی و دلسوزانه نگاه می‌کرد. وی علاوه بر تألیف کتب و مقالات متعدد در رشته زبان و ادبیات فرانسه تحقیقات مفصلی نیز در «فرهنگ عامه» یا

---

(۱) - «شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۱۲۴-۱۲۵، سال ۳۲، ص ۷.

(۲) - همان، بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۶۷.

ص: ۲۵۹

«فولکلور» خراسان داشته است.

علاقه‌اش به فرهنگ خراسان باعث شد که افسانه‌ها، امثال، عقاید و رسوم، سنن محلی، جشن‌ها، اشعار و دو بیتی‌هایی را که می‌شنید از همان کودکی آنها را در دفتر مخصوص یادداشت کند. او از همان اوان جوانی دریافته بود که لهجه‌های محلی، فرهنگ عامه، آداب و رسوم و هنرهای ملی رو به نابودی و فراموشی است. از این رو به جمع‌آوری فولکلور خراسان از طریق سفر، مصاحبه، شرکت در مجالس مختلف، همنشینی با قشرها و گروه‌های مختلف شهری و روستایی پرداخت.<sup>۹۹۵</sup>

سه تألیف مهم وی در زمینه فرهنگ خراسان عبارتند از: «عقاید و رسوم مردم خراسان» که در سال ۱۳۴۸ ه. ش برنده جایزه بهترین کتاب سال در رشته علوم اجتماعی و مردم‌شناسی شد، «ترانه‌های روستایی خراسان» و «افسانه‌های عامیانه

---

<sup>۹۹۴</sup> (۲) - همان، بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۶۷.

<sup>۹۹۵</sup> (۱) - فرزانه سجادیپور: گفتگو با دکتر ابراهیم شکورزاده محقق و پژوهشگر، روزنامه خراسان، ش ۱۴۴۵۹، یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۷۸، ص ۸.

خراسان». آخرین کتاب در سال ۱۹۷۵ م به زبان فرانسه در مجموعه انتشارات انستیتو مطالعات ایرانی دانشگاه سوربن پاریس منتشر شد.<sup>۹۹۶</sup>

استاد شکورزاده علاوه بر سه کتاب فوق چندین کتاب مهم و معتبر نیز تألیف کرد. از دیگر آثار وی می‌توان از کتب زیر یاد کرد: «ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آنها» که جایزه سال کتاب جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داد.<sup>۹۹۷</sup> «مواعظ و حکم سعدی در بوستان و گلستان با ترجمه و معادل‌های فرانسوی»، «صرف افعال و مورد استعمال زمان‌ها زمان‌ها در فرانسه»، «فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی به زبان فارسی و فرانسه» که از طرف دانشگاه تهران به عنوان کتاب برجسته سال ۱۳۷۷ ه. ش دانشگاهی برگزیده شد و به دریافت جایزه و لوح

---

(۱) - فرزانه سجادیپور: گفتگو با دکتر ابراهیم شکورزاده محقق و پژوهشگر، روزنامه خراسان، ش ۱۴۴۵۹، یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۷۸، ص ۸.

(۲) - شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری / ۷.

(۳) - فرزانه سجادیپور: پیشین / ۹.

ص: ۲۶۰

تقدیر مفتخر شد.<sup>۹۹۸</sup> شکورزاده بیش از سی مقاله تحقیقی در رشته زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ عامه و علوم اسلامی به زبان‌های فارسی، فرانسه و انگلیسی نوشته است. برخی از مقالات فرهنگ عامه دائرة المعارف ایرانیکا acinari aideapolcycnE به قلم اوست.

دکتر شکورزاده در کارهای هنری نیز دستی توانا داشت و موفق به دریافت جایزه هنری در نقاشی و طراحی نیز شده است. از جمله کارهای هنری و نقاشی‌های او می‌توان به ترسیم آرم مخصوص مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی و تهیه و ترسیم نقش «لا اله الا الله» برای درب ورودی دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد و نیز تهیه رسم الخط فرانسه - انگلیسی اشاره کرد که در سال ۱۳۴۱ ه. ش در مشهد چاپ شده است.

استاد شکورزاده در مجمع بین المللی مطالعات فرانسوی (f.e.i.a) (در کشور فرانسه و نیز در مجمع بین المللی تحقیق در داستان‌های فولکلوریک) i.r.n.F.S (که مرکز آن در شهر گوتنگن آلمان است عضویت داشت.<sup>۹۹۹</sup> دکتر شکورزاده در

---

<sup>۹۹۶</sup> (۲) - شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری / ۷.

<sup>۹۹۷</sup> (۳) - فرزانه سجادیپور: پیشین / ۹.

<sup>۹۹۸</sup> (۱) - شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری / ۸.

<sup>۹۹۹</sup> (۲) - همان.

سینارهای مختلف علمی نیز شرکت می‌کرد. از جمله آنها شرکت در سمینار بین المللی زبان و ادبیات فرانسه در آذرماه ۱۳۶۹ ه. ش و پنجمین کنگره تحقیقاتی ایرانی در شهریور ۱۳۵۳ ه. ش می‌باشد. وی در سال ۱۳۶۳ ه. ش جهت تکمیل «فرهنگ اصطلاحات علوم و معارف اسلامی» فرصت مطالعاتی گرفته به کشورهای فرانسه و آمریکا مسافرت کرد. او پس از عمری تحقیق و پژوهش و تدریس در روز ۲۲ اردیبهشت سال ۸۱ در اثر سانحه تصادف در مشهد دار فانی را وداع گفت و در حرم مطهر امام رضا علیه السلام در صحن

---

(۱) - شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری / ۸.

(۲) - همان.

(۳) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۶۷.

ص: ۲۶۱

جمهوری به خاک سپرده شد.

سید حسن حسینی

(۱۶۰) شهیدی - حسن (۱۲۸۳ - ۱۳۷۸ ه. ش)

دکتر سید حسن شهیدی فرزند سید محمود مشیر، استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد، شاعر و خطاط. او از نوادگان میرزا مهدی شهید است که سال‌ها در سمت استادی به جامعه پزشکی خدمت نمود. وی سال ۱۲۸۳ ه. ش در مشهد و در خانواده‌ای مذهبی و مرفه متولد شد. دوره مقدماتی و ادبیات عرب را در نزد ادیب نیشابوری معروف به ادیب اول به پایان رسانید.

سپس دوره متوسطه را در همین شهر طی نمود. آنگاه جهت اخذ دکترای پزشکی در سال ۱۳۰۸ ه. ش عازم فرانسه گردید و در شهر نانسی پس از اخذ مدرک (پ، ت، آ) از دانشکده علوم وارد دانشکده پزشکی همان شهر گردید و در سال ۱۳۱۶ ه. ش دوره پزشکی را به اتمام رساند و به عنوان دانشجوی ممتاز معرفی گردید. پایان نامه تحصیلی وی تحت عنوان «انفکسیون اریون تجربی» بود که نظر بر اهمیت آن به هزینه دانشکده پزشکی نانسی به صورت کتاب منتشر شد.



شهیدی در ضمن اقامت در فرانسه مدتی در سرویس بیمارستان‌های عفونی زیر نظر پروفیسور دولار در مورد ویروس‌ها تحقیق نمود و در همین ایام بررسی جدیدی در مورد اثر استرکینین در معالجه مسمومیت از باربیتوریک‌ها نمود در نتیجه این تحقیقات ارزنده تقدیم آکادمی علوم فرانسه و سوسپته بیولوژی نانسی گردید و بعد از مراجعت

ص: ۲۶۲

به ایران مدتی سرپرست بهداری شهربانی خراسان و بیمارستان منتصریه و آزمایشگاه بیمارستان شاهرضا (امام رضا) شد. در ابتدای جنگ جهانی دوم بیماری‌های مقاربتی در مشهد شیوع پیدا نمود به کمک همکاران خویش دکتر سامی‌راد، دکتر ضیایی و دکتر محمد تقی رادپور، انجمن تعاون و بهداشتی تشکیل داد و کمک‌های ارزنده‌ای به بیماران نمود. در سال ۱۳۲۰ ه. ش بیماری تیفوس اگز ماناتیک و تب راجعه در استان خراسان شایع شد و ایشان با کمک افراد خیر، جمعیت مبارزه با این بیماری تشکیل داد و خدمات ارزنده‌ای ارائه نمود. او در سال ۱۳۲۱ ه. ش به عنوان دبیر و مدیرعامل جمعیت شیرخورشید در آمد و در موقع بروز زلزله در باخرز و سیل در مشهد و نیشابور به اقشار آسیب دیده کمک نمود.

همزمان با تأسیس آموزشگاه عالی بهداری در سال ۱۳۱۸ ه. ش تدریس شیمی و بیولوژی بیماری‌های داخلی به عهده ایشان واگذار گردید. در سال ۱۳۲۵ ه. ش با تأسیس دانشکده پزشکی به عنوان دانشیار، تدریس تراپوتیک به عهده ایشان واگذار شد و در سال ۱۳۳۶ ه. ش به عنوان استاد دانشکده پزشکی برگزیده شد.

دکتر شهیدی مسئولیت‌های اجرایی متعددی از جمله سرپرستی اداره بازرسی دانشگاه، سرپرست موقت دانشکده کشاورزی، رئیس دانشکده پزشکی مشهد و معاون دانشگاه مشهد و نیز در سال‌های ۱۳۷۱ ه. ش به بعد عضویت ایرانسرای فردوسی را به عهده داشتند. در خلال استادی ایشان چندین سفر مطالعاتی به خارج از کشور نمود و در گروه پروفیسور لونکر و پروفیسور سولیه و پروفیسور تیلن و پروفیسور گیل در مورد بیماری‌های قلب و عروق در پاریس و استکهلم و انگلستان تحقیق نمود و مدت چهار سال عضو هیئت علمی مجله طبی خاورمیانه و طب عمومی و مجله دانشکده پزشکی مشهد بود. وی بیش از نیم قرن در خدمت

ص: ۲۶۳

دانشگاه به تعلیم و تربیت دانشجویان پزشکی پرداخت و بنیانگذار رشته قلب‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی مشهد بود.<sup>۱۰۰۱</sup>

دکتر شهیدی علاوه بر اطلاعات وسیع پزشکی و مطالعه مستمر مجلات پزشکی از خطاطان و خوشنویسان و نیز از ادبا و شعرای معاصر بود که کتاب «گلشن راز» سروده شیخ محمود شبستری را به خط نستعلیق بسیار زیبایی به رشته تحریر درآورده است.

این کتاب اکنون در نزد دختر ارشدش خانم گیتی شهیدی موجود است. آلبوم خطوط متفرقه ایشان نیز جمع‌آوری شده و هم‌اکنون در نزد دختر دیگرش خانم مینا شهیدی نگهداری می‌شود.

از رباعیات اوست:

یک‌چند میان کوجه بازی کردیم	یک‌چند هوای سرفرازی کردیم
القصه در این دار فنا روزی چند	ما نیز هوای دست‌درازی کردیم
اوضاع جهان در هم و آشفته ز چیست	مسئول چنین وضع بگوئید که کیست
هرروز پریشانی ما بیش ز پیش	راه و روش چرخ چرا رو به بدی است

در خانه دکتر شهیدی به روی همه علما و فضلا، ادبا، شعرا و دوستان باز بود. صبح روزهای پنجشنبه هر هفته نشست علمی و دوستانه‌ای مرکب از پزشکان صمیمی وی و بعدازظهر روزهای جمعه نشست علمی دیگری از علما، فضلا، ادبا و شعرا در منزلش تشکیل می‌شد که جلسه روزهای پنجشنبه هنوز بعد از مرگش توسط فرزندان او ادامه دارد. ایشان خادم افتخاری حضرت رضا علیه السلام بود. نمازش را سروقت می‌خواند و از غیبت پرهیز کامل داشت، حسرت زندگی مردم را نمی‌خورد، زیاده‌طلب نبود و بطور کلی از لحاظ نظم و ترتیب در خانواده‌اش سرمشق دیگران بود. حافظه بسیار قوی داشت و حتی در اواخر عمر از همان حافظه دوران جوانی خویش برخوردار بود و با وجود کهولت سن فراموشکاری

---

(۱) - نشریه داخلی سازمان نظام پزشکی مشهد، تابستان ۱۳۷۸ / ۳۲.

ص: ۲۶۴

به سراغش نیامده بود و تا یک روز قبل از مرگش در مطب خود به کار طبابت اشتغال داشت.

دکتر شهیدی پس از عمری خدمت و وارستگی سرانجام در ۲۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۸ ه. ش به علت بیماری ریه در بیمارستان قائم درگذشت و روز شنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه در صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام به خاک سپرده شد. ۱۰۰۲

ابراهیم زنگنه

(۱۶۱) شیخ - مرتضی (۱۲۸۶ - ۱۳۵۵ ه. ش)

---

۱۰۰۲ (۱) - اطلاعات خانم اقدس شهیدی خواهرزاده و خانم مینا شهیدی دختر مرحوم دکتر شهیدی.

دکتر مرتضی شیخ در سال ۱۲۸۶ ه. ش در تهران به دنیا آمد. دوران کودکی و همچنین تحصیلات خود را تا سطح مدرسه عالی طب در آنجا ادامه داد و با درجه دکترای طب فارغ التحصیل شد. پدر ایشان به شغل زرگری مشغول بود و پس از آنکه به دلایلی دچار مشکل مالی گشت، دکتر شیخ ضمن تحصیل به پدر کمک می نمود. از همین زمان بود که با مشکلات طبقه محروم آشنا شد و گویی با خود عهد بست تا تمامی توان خود را صرف این قشر نماید. دکتر علاوه بر این، چون برادری دلسوز از سه خواهر و برادرش نیز نگهداری نمود تا هریک با تحصیلات مناسب به مشاغل شریفی چون آموزگاری و خدمت در پرورشگاه‌ها و خدمات انسانی دیگر اشتغال یافتند. همچنین برادر مرحوم دکتر به خدمت در ارتش درآمد و خود

---

(۱) - اطلاعات خانم اقدس شهیدی خواهرزاده و خانم مینا شهیدی دختر مرحوم دکتر شهیدی.

ص: ۲۶۵

نیز از آنجا که معتقد بود عاطفی ترین حرفه جهت یاری مردم پزشکی است همین شغل را برگزید. وی پس از اخذ درجه دکترا به خدمت سربازی احضار شد. سپس به ماکو و مراغه رفت و در عزیمت در سیستان و بلوچستان به خدمت پرداخت و موفق به تأسیس بیمارستان دولتی گردید تا مردم مستضعف آن دیار بتوانند از خدمات رایگان بهره‌مند گردند. دکتر پس از ازدواج از طریق بهداری به مشهد منتقل و در کارخانه قند مشغول به خدمت شد.

محدودیت میزان خدمت‌رسانی دکتر را بر آن داشت تا در نقاط محروم شهر چندین مطب افتتاح کند. این مطب‌ها ابتدا در میدان شهدای امروز و سپس در نقاط محروم دیگری چون سرشور، فلکه برق و محله نوغان تأسیس شدند.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا فقط در نقاط محروم مطب زده‌اید؟ می‌گفت:

چون مردم امکان آمدن به مطب مرا ندارند و ایاب‌وذهاب ایجاد هزینه می‌کند لذا من به میان آنها رفته‌ام. دکتر مرتضی شیخ ۶۹ سال در میان مردم زیست و با مردم خندید و با آنها بیشتر از آنها گریست. در رنج‌ها التیامی به دردها و دست پر عطفش همیشه یاری‌بخش افتادگان بود. دکتر روحی عظیم و متواضع داشت. در مقابل مریض‌هایش با فروتنی رفتار می‌کرد گویی چون یکی از آنهاست. به حق عاشق مردم بود و به تمامی آنان که عاشق مردم بودند عشق می‌ورزید و در مقابل آنان که وابستگی شدیدی به مسایل مادی داشتند شدیداً جبهه می‌گرفت و اعتقاد راسخ داشت که مفهوم زندگی واقعی خدمت به مردم محروم است و خدمت به افراد ثروتمند چندان برایش ارزشی نداشت چرا که معتقد بود برای خدمت به این افراد پزشکان زیادی حاضرند. برخورد ایشان با اختلاف سن و روحیه بیماران فرق می‌کرد. او با جوانان آنگونه برخورد می‌کرد که گویی همسن آنان است و این‌گونه بود که به راحتی با اقشار مختلف رابطه برقرار می‌کرد و در

ص: ۲۶۶

یک کلام عاشق مردم بود. سبزی فروشی می‌گوید: ابتدا که دکتر در محله سرشور مطب باز کرده بود و من هنوز ایشان را نمی‌شناختم هرروز قبل از رفتن به مطب نزد من می‌آمد و قیمت سبزی‌ها را یادداشت می‌کرد اما خرید نمی‌کرد پس از چند روز حوصله‌ام سر رفت و با کمی پرخاش به او گفتم: مگر تو بازرسی که هرروز می‌آیی و وقت مرا می‌گیری؟ وی گفت خیر من دکتر شیخ هستم و قیمت سبزیجات را برای آن می‌پرسم تا ارزانترین را برای بیماران خود تجویز کنم.

از دکتر خدیو جم نقل است: روزی در مطب دکتر بومد و او برای بیمارانش آب پاچه تجویز می‌کرد. از ایشان پرسیدم چرا به جای سوپ جوجه آب پاچه تجویز می‌کنید؟ ایشان گفتند چون برای جبران ضعف بدن بیمار مانند سوپ جوجه مؤثر است و مهمتر آنکه پاچه گوسفند ارزان است. روزی در اواخر عمر که دکتر در بستر بیماری بود و همانجا هم بیمار می‌دید یکی از فرزندان وی به ایشان پیشنهاد کرد حداقل ویزیت را ۵ تومان کنید. دکتر در جواب گفت: عزیزم من یا دیوانه‌ام یا پیغمبرم، اگر دیوانه‌ام با دیوانه‌کاری نمی‌توانید بکنید و اگر پیغمبرم بی‌خود می‌کنید به پیغمبر خدا دستور می‌دهید.

روزی مردی از دکتر سؤال می‌کند: شما چرا با این سن و خستگی ناشی از کار از موتورسیکلت استفاده می‌کنید؟ دکتر در جواب گفت: منزل مریض‌هایی که من به عیادتشان می‌روم آن قدر پیچ در پیچ است و کوچه‌های تنگ دارد که هیچ ماشینی از آن نمی‌تواند عبور کند بنابراین مجبورم با موتور به عیادتشان بروم.

در سال ۱۳۵۲ ه. ش دکتر به علت بیماری سخت بستری گردید و مردم به طور خودجوش برای وی مراسم دعا برپا نمودند. دکتر شیخ در سال ۱۳۵۵ ه. ش پس از چند سال بیماری به دیار حق شتافت. و پس از فوت ایشان مراسم تشییع بسیار باشکوهی برای وی به عمل آوردند که تا آن زمان شهر مشهد چنین مراسمی به خود ندیده بود.

ص: ۲۶۷

علیرغم اینکه دکتر سفارش کرده بود وی را در قبرستان عمومی شهر دفن کنند. استاندار وقت دستور داد که پیکر وی را در حرم مطهر به خاک بسپارند.

علی سکندی

ص: ۲۶۸

ص

(۱۶۲) صادقی - رضا (۱۳۵۶ - ۱۳۷۶ ه. ش)

رضا صادقی فرزند حسن برگزیده یازدهمین المپیاد ریاضی. وی اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۶ ه. ش در مشهد به دنیا آمد. در پنج سالگی در زادگاه پدر و مادرش چکنه سفلی از توابع نیشابور، قرآن را فراگرفت. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شهید

هاشمی نژاد چکنه و راهنمایی را در مدرسه پیام انقلاب و شهید مفتاح و دبیرستان را در مرکز استعدادهای درخشان مشهد به اتمام رساند.

او توانست به مسابقات قرآن و نهج البلاغه و مسابقات علمی در سطح شهرستان و ناحیه راه یابد و مورد توجه محافل علمی قرار گرفت.

در یازدهمین المپیاد ریاضی و چهارمین المپیاد کامپیوتر استانی، به کسب مدال نقره کامپیوتر و مدال طلای ریاضی مرحله کشور (بهمن ۱۳۷۲) موفق شد و از آزمون کنکور برای ورود به دانشگاه معاف گردید و به عضویت تیم ریاضی ایران درآمد. وی در سی و

ص: ۲۶۹

پنجمین المپیاد ریاضی هنگ‌کنگ بین ۶۹ کشور شرکت‌کننده موفق به دریافت مدال نقره شد و در تیرماه ۱۳۷۳ (۱۹۹۴ م) مدال طلای دوازدهمین المپیاد ریاضی و مدال طلای پنجمین المپیاد کامپیوتر کشوری (بهمن ماه ۱۳۷۳) را به دست آورد و مجدد به عضویت تیم ریاضی درآمد و مدال طلای سی و ششمین المپیاد جهانی ریاضی در تورنتوی کانادا را بین ۷۱ کشور شرکت‌کننده (تیرماه ۱۳۷۴ / ۱۹۹۵ م) کسب کرد.

از اول مهر ۱۳۷۴ با انتخاب خودش در رشته ریاضی محض دانشکده ریاضی صنعتی شریف مشغول تحصیل شد و اهم فعالیت‌های او عبارتند از:

تحصیل زبان فرانسه علاوه بر دروس دانشگاهی جهت آشنایی به دو زبان خارجی. مدرس تمرین ریاضی یک دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶.

مدرس دوره‌ای آموزشی المپیاد ریاضی باشگاه جوانان دانش‌پژوه ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶. بورسیه مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات ۱۳۷۴ - ۱۳۷۶.

نویسنده ریاضی عمومی (۲) به گواهی دکتر یحیی تابش که ناپدید شده است.

دانشجوی برگزیده دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۶ - ۱۳۷۷. ارائه مقاله (اعداد ساختی - جهان منتهایی) در اولین سمینار ریاضی کشور در دانشگاه شهید چمران اهواز ۲۴ / ۱۲ / ۷۶.

شرکت وی در سمینار ریاضی کشور در دانشگاه شهید چمران آخرین دستاوردی بود که سرانجام پس از دفاع از مقاله و ختم سمینار در بازگشت از اهواز به تهران سحرگاه ۲۶ / ۱۲ / ۷۶ اتوبوس حامل دانشجویان صنعتی شریف به دره سقوط کرد. صادقی ۱۲ روز قبل از حادثه در ۱۴ / ۱۲ / ۷۶ در شعری از مرگ چنین سخن گفته است:

در گورهای نمناک زمزمه‌ای

مرگ چنگال تیز می‌کند از برای دریدنم

به نجوا بازگو می‌کنند...

مردگان رسیدن عضوی جدید را

ص: ۲۷۰

او به اتفاق شش نفر دیگر به نام‌های آرمان بهرامیان، فرید کابلی، علیرضا سایبان، علی حیدری، مرتضی رضایی، مجتبی لطفعلی‌زاده مهرآبادی به لقاء الله پیوستند. پیکرش با مساعدت آیت الله واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی در قطعه شهدای حرم رضوی در صحن جمهوری به خاک سپرده شد. ۲

مدال جهانی و ۴ مدال کشوری وی با احکام مربوطه پس از فوت او توسط پدرش به آستان قدس اهداء شد.

مدال‌های وی در موزه آستان قدس نگهداری می‌شود.

قطعه شعر زیر از آخرین سروده‌هایی است که در ۱۹ / ۱۲ / ۷۶ یعنی ۷ روز قبل از فوتش با عنوان «مرگ شیرین است» سروده است:

که برگ‌های رقصان،

در آن هنگام

برایم گودالی بکنید

درختان را وداع می‌گویند

که بستری از برگ

در آن هنگام

کلاغ‌ها را به آسمان خون گرفته دعوت کنید

برای خفتن ابدیم آماده می‌شود

که در میان خش‌خش برگ‌ها خواب خوش  
می‌کنم

در آن هنگام

به سوی گونه‌هایم روانه کنید

قطرات باران را

که در بستر خویش آرام می‌گیرم

و آنگاه

بر روی آسمان بگسترانید

چادر پرستاره شب را

و سکوت را با من تنها گذارید

رضا از لحاظ رفتاری و طرز تفکر، فردی بود پرسشگر که منتظر جواب می‌ماند و جواب را با درک و منطق خودش مورد ارزیابی قرار می‌داد و تجزیه و تحلیل می‌کرد. از وقت خودش کمال استفاده را می‌برد. موقع مطالعه چنان سرگرم می‌شد که از آنچه پیرامونش می‌گذشت بی‌اطلاع می‌ماند.

خستگی درس را با مطالعه درسی یا با کتابی دیگر برطرف می‌کرد. با آگاهی و با هدف مشخص رشته تحصیلی خود را

ص: ۲۷۱

انتخاب می‌کرد. در مطالعه و درس خواندن سخت‌کوش و دارای پشتکار عجیبی بود. موفقیت‌های خود را بروز نمی‌داد. او هیچ‌گاه از کسب موفقیت علمی مغرور نشد. ساده‌زیست و ساده پوش بود. کتاب را از همه چیز بیشتر دوست داشت. مسایل المپیاد بویژه ریاضی رضا را از مسایل دینی و اعتقادی دور نکرد. شکست را مایه پیروزی می‌دانست و در واقع پیروزی رضا از شکست آغاز شد. راستگو، امانتدار و پاک بود. او با اینکه چند دعوت‌نامه از کشورهای خارجی دریافت کرد هیچ‌وقت آرزوی رفتن به خارج را نکرد چون به سرزمین نیاکان خود ایران علاقه‌مند بود. رضا فقط در ریاضی موفق نبود بلکه اگر ادامه می‌داد موفقیت او در ادبیات، شعر و فیزیک کمتر از ریاضی نبود. اشعاری که سروده است گویای این مدعاست.<sup>۱۰۰۳</sup>

علی‌جان سکندری

---

(۱) - حسن صادقی: یادبود زنده‌یاد رضا صادقی؛ روزنامه قدس ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۷۶؛ روزنامه خراسان ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۷۶.

ص: ۲۷۲

ط

(۱۶۳) طبیب سرکار خاصه - سید احمد (- ۱۱۳۴ ه. ق)

میرزا سید احمد طبیب از اطبای قرن دوازدهم هجری وی عنوان «طبیب سرکار خاصه» پیدا کرد و در سال ۱۱۳۴ ه. ق چشم از جهان فروبست و در حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام واقع در پایین پای مبارک مدفون گردیده است.<sup>۱۰۰۴</sup>

ابراهیم زنگنه

---

<sup>۱۰۰۳</sup> (۱) - حسن صادقی: یادبود زنده‌یاد رضا صادقی؛ روزنامه قدس ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۷۶؛ روزنامه خراسان ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۷۶.

<sup>۱۰۰۴</sup> (۱) - محمد علی خان سدید السلطنه مینایی:

---

(۱) - محمد علی خان سدید السلطنه مینابی:

پیشین / ۲۲۸.

ص: ۲۷۳

ع

(۱۶۴) عدالتی شریف - محمد تقی (۱۳۲۴ - ۱۳۸۳ ه. ش)

دکتر محمد تقی عدالتی شریف استاد دانشگاه، ستاره‌شناس، مؤلف و محقق مدیر گروه جغرافیا و نجوم بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

وی در ۳۱ تیرماه ۱۳۲۴ ه. ش در خانواده‌ای مذهبی در مشهد به دنیا آمد.

پدرش حسن به شغل نساجی اشتغال داشت که از یزد به مشهد مهاجرت کرده بود. دکتر عدالتی تحصیلات ابتدایی تا متوسطه را در مدارس مشهد گذرانید.<sup>۱۰۰۵</sup>

از سال ۱۳۴۶ ه. ش در مقطع کارشناسی رشته فیزیک در دانشگاه فردوسی مشهد به ادامه تحصیل پرداخت.<sup>۱۰۰۶</sup> پس از اتمام دوره کارشناسی در سال ۱۳۵۰ ه. ش به عنوان کارمند کتابخانه و در سال‌های

---

(۱) - محمد رضا قصابیان: یادی از زنده‌یاد دکتر محمد تقی عدالتی، مجله مشکوة، شماره ۸۳، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۲۹؛ پرونده پرسنلی دکتر عدالتی در کارگزینی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.

(۲) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

ص: ۲۷۴

۱۳۵۲ ه. ش تا ۱۳۵۴ ه. ش به عنوان کارشناس آزمایشگاه فیزیک در دانشکده علوم مشغول به کار شد. سال ۱۳۵۳ ه. ش برای ادامه تحصیل به لندن رفت و در دانشگاه دورهام انگلستان در رشته کیهان‌شناسی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد

---

<sup>۱۰۰۵</sup> (۱) - محمد رضا قصابیان: یادی از زنده‌یاد دکتر محمد تقی عدالتی، مجله مشکوة، شماره ۸۳، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۲۹؛ پرونده پرسنلی دکتر عدالتی در کارگزینی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.

<sup>۱۰۰۶</sup> (۲) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.



گردید.<sup>۱۰۰۷</sup> از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ ه. ش موفق به اخذ دکترای فیزیک ستارگان از دانشگاه منچستر انگلستان شد.<sup>۱۰۰۸</sup> رساله دکترای او «تعیین عناصر هندسی فیزیک ستارگان دوتایی» بود.<sup>۱۰۰۹</sup> پس از بازگشت به ایران دوباره در دانشگاه فردوسی مشهد با سمت هیأت علمی به تدریس و تحقیق در رشته فیزیک و نجوم پرداخت.<sup>۱۰۱۰</sup> دکتر عدالتی دوره‌های کتابداری و فیزیک نجومی و کیهان‌شناسی را در سال ۱۳۵۱ و ۱۳۷۰ ه. ش در تهران و تحقیقاتی در آنالیز و فتومتری سیستم دوتایی مشاهده و آنالیز سیستم دوتایی را در طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۱ ه. ش گذرانید. وی همچنین فرصت‌های مطالعاتی خویش را در زمینه ستارگان دوتایی امریکا لیکلس نبراسکا سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۸ ه. ش به پایان برد.<sup>۱۰۱۱</sup>

دکتر عدالتی علاوه بر تدریس و تحقیق در دانشگاه فردوسی مشهد، ریاست شورای تقویم کشور، عضو شورای استهلال دفتر مقام معظم رهبری، مدیر گروه جغرافیا و نجوم بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، عضویت در هیأت تحریریه مجله مشکوة، مؤسس و مسئول انجمن نجوم آماتوری آستان قدس را برعهده داشت.<sup>۱۰۱۲</sup> فعالیت‌های علمی و پژوهشی وی در زمینه‌های نجوم و تأسیس رصدخانه و همکاری با مجامع علمی -

---

(۱) - محمد رضا قصابیان: پیشین / ۱۲۹؛ بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

(۲) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

(۳) - همان.

(۴) - محمد رضا قصابیان: پیشین / ۱۲۹.

(۵) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

(۶) - روزنامه قدس ۱۵ / ۶ / ۱۳۸۳، ص ۷.

ص: ۲۷۵

---

<sup>۱۰۰۷</sup> (۱) - محمد رضا قصابیان: پیشین / ۱۲۹؛ بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

<sup>۱۰۰۸</sup> (۲) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

<sup>۱۰۰۹</sup> (۳) - همان.

<sup>۱۰۱۰</sup> (۴) - محمد رضا قصابیان: پیشین / ۱۲۹.

<sup>۱۰۱۱</sup> (۵) - بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور / ۱۹۶.

<sup>۱۰۱۲</sup> (۶) - روزنامه قدس ۱۵ / ۶ / ۱۳۸۳، ص ۷.

پژوهشی داخل و خارج کشور سبب شد تا در سال ۱۳۸۲ ه. ش به عنوان استاد نمونه کشور از دانشگاه فردوسی مشهد شناخته شود و چندین لوح سپاس و تقدیرنامه از مراکز علمی و پژوهشی داخل و خارج دریافت نماید.

فعالیت‌های علمی او را می‌توان در چند محور یادآور شد:

الف- ترجمه و تألیف بیش از ۵۰ کتاب در موضوعات نجوم و اختر فیزیک، اوقات شرعی و استهلال که ۳۴ کتاب در ده سال همکاری وی در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ و منتشر گردیده است و مقداری دیگر آماده چاپ می‌باشد.

ب- نگارش ۱۷ مقاله به زبان انگلیسی چاپ شده در نشریات معتبر کشورهای خارجی و مجامع بین‌المللی و چند کتاب در دست چاپ.

ج- نگارش ۲۶ مقاله به زبان فارسی در نشریات معتبر دانشگاهی و مراکز پژوهشی به چاپ رسیده که حدود ۱۰ مقاله در فصلنامه مشکوة بوده است.

د- شرکت در بیش از ۳۵ سمینار و کنفرانس علمی داخلی و خارجی.<sup>۱۰۱۳</sup>

ه- ارائه و اجرای بیش از ۱۶ طرح پژوهشی - علمی.

دکتر عدالتی به لحاظ اخلاقی انسانی وارسته، متدین و مردم‌دار بود و به دانشجویانش علاقه‌ای خاص داشت.

وی خوشرو و خیرخواه مردم بود.

خانواده‌اش نسبت به کارهای خیری که می‌کرد اطلاعی نداشتند. ستاره عمر ستاره‌شناس بزرگ ایران ناگهان افول کرد و در ۱۹ شهریورماه ۱۳۸۳ ه. ش به دنبال عارضه مغزی از این دنیا رخت بست و در حرم مطهر رضوی دفن گردید.

علی‌جان سکندری

---

(۱) - محمد رضا قصابیان: پیشین / ۱۲۹.

ص: ۲۷۶

ف

---

<sup>۱۰۱۳</sup> (۱) - محمد رضا قصابیان: پیشین / ۱۲۹.

(۱۶۵) فاطمی - سید محمد تقی (۱۲۸۳ - ۱۳۷۴ ه. ش)

پرفسور سید محمد تقی فاطمی فرزند حسین، ریاضی‌دان بنام معاصر.

وی در سال ۱۲۸۳ ه. ش در اصفهان در خانواده‌ای تحصیل کرده متولد شد و در دامان مادری پرهیزکار پرورش یافت.

پدرش کارمند اداره فرهنگ و اوقاف بود. او خواندن و نوشتن را در خانه فرا گرفت، پس از تأسیس دبیرستان «صارمیه» در کلاس پنجم آن دبیرستان به تحصیل پرداخت و چون دارای هوش و نبوغ بود در کلاس‌های پایین‌تر نیز تدریس می‌کرد و خود از وجود استادان مشهور فیزیک شیمی و ریاضی، مانند مهندس علی ریاضی و غلامحسین زیرک‌زاده و استاد جلال الدین همایی بهره گرفت. در سال ۱۳۰۵ یا ۱۳۰۶ ه. ش در مسابقه محصلین اعزام به خارج که از طرف وزارت جنگ ترتیب یافته بود شرکت کرد و با رتبه اول برای تحصیل در رشته ریاضی به پاریس اعزام شد. چون در آن وقت فرانسه دیپلم ایران را به رسمیت

ص: ۲۷۷

نمی‌شناخت، ناگزیر دوباره در آخرین سال دبیرستان به تحصیل پرداخت، به زودی پی بردند که استعداد و معلومات او در حد بالایی است و می‌تواند برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی راه یابد. او پس از شش سال تحصیل در پاریس در سال ۱۳۱۲ ه. ش به عنوان نخستین فرد ایرانی به درجه دکترای ریاضی نایل آمد و به ایران بازگشت.

پرفسور فاطمی مدتی به تدریس در مدارس نظام پرداخت ولی طولی نکشید که بر اثر اقدامات وزارت فرهنگ و فعالیت‌های دکتر عیسی صدیق اعلم، ریاست وقت دانشسرای عالی به دانشگاه تهران منتقل شد و در دانشکده علوم، دانشسرای عالی و دانشکده فنی به تدریس مکانیک استدلالی، ریاضی عمومی و آنالیز پرداخت و چند ماهی هم مدیرکل فنی وزارت فرهنگ شد و چون علاقه به انجام کارهای اداری نداشت از آن سمت استعفا داد و بار دیگر به تدریس روی آورد.

پرفسور فاطمی تنها ایرانی بود که در فرانسه در رشته ریاضی «آگرژه» شد و چنان به امر تعلیم و تربیت علاقه‌مند بود که در آغاز خدمت، برای دوره ابتدایی کتاب ریاضی نوشت و حدود سال ۱۳۱۸ ه. ش با محسن هنربخش کتاب حساب دبستان را تألیف کرد. وی از شدت علاقه به امر آموزش خود به دبستان‌ها می‌رفت و با دانش‌آموزان کار می‌کرد و چنان در قلب دانش‌آموزان و آموزگاران جای گرفته بود، که نام ایشان پیوسته با تدریس درس ریاضی همراه بود. او حدود ۲۶ جلد کتاب ریاضی همراه آذرنوش، هنربخش، باقر نحوی و احمد بیرشک برای دبیرستان‌های کشور به رشته تحریر درآورد که بعضی از آنها تا سال ۱۳۵۶ ه. ش در دبیرستان‌ها تدریس می‌شد.

دکتر فاطمی پس از ۴۵ سال تدریس در دانشگاه‌ها و تربیت‌معلم تهران و دانشگاه فردوسی مشهد، در سال ۱۳۵۷ ه. ش بازنشسته شد.

از دکتر فاطمی علاوه بر آثار ریاضی، سه کتاب در مکانیک استدلالی منتشر

شده است. او تا زنده بود از توجه به علم و آموزش غفلت نورزید.

فاطمی در اواخر عمر در مشهد مقیم شد و در شمار خادمان افتخاری حضرت رضا علیه السّلام درآمد و روزهای چهارشنبه هر هفته به حرم مطهر مشرف می‌شد. ولی چند ماه آخر عمر که نمی‌توانست از خانه بیرون برود، در گوشه پنجره اتاقش واقع در خیابان پاسداران (جم) مشهد می‌ایستاد و از دور خدمت مخدوم خود عرض ارادت می‌کرد. تا اینکه پس از ۹۱ سال زندگی، نیمه‌شب هفدهم آذر ۱۳۷۴ ه. ش در مشهد درگذشت و جنازه‌اش در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه السّلام به خاک سپرده شد.<sup>۱۰۱۴</sup>

ابراهیم زنگنه

#### (۱۶۶) فراهانی - تاج‌ماه‌بیگم (- ۱۲۸۲ ه. ق)

حاجیه تاج‌ماه‌بیگم دختر میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی (متوفی ۱۲۳۷ ه. ق).<sup>۱۰۱۵</sup> وزیر دانشمند دوره فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه. ق).<sup>۱۰۱۶</sup> و خواهر حاجی میرزا موسی خان متولی‌باشی آستان قدس رضوی (۱۲۲۰-۱۲۶۲ ه. ق).<sup>۱۰۱۷</sup> خطاط، ادیب، خیر و نیکوکار عصر قاجار.<sup>۱۰۱۸</sup>

از جمله فعالیت‌های خیرخواهانه او، وقف کتابخانه خصوصی خود به آستان قدس رضوی است که در ماه شعبان ۱۲۶۲ ه. ق صورت گرفت.<sup>۱۰۱۹</sup>

تذکره‌نویسان شماره کتاب‌هایی را که از سوی او به آستان قدس رضوی هدیه

(۱) - مجله یکان، شماره ۲۶، ص ۱-۴، کیهان علمی، شماره ۲، سال ۴، ص ۳۰-۴۰.

(۲) - محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۳۲۴.

(۳) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانه الادب / ۴ / ۳۹۲.

<sup>۱۰۱۴</sup> (۱) - مجله یکان، شماره ۲۶، ص ۱-۴، کیهان علمی، شماره ۲، سال ۴، ص ۳۰-۴۰.

<sup>۱۰۱۵</sup> (۲) - محمد احتشام کاویانیان: شمس الشموس / ۳۲۴.

<sup>۱۰۱۶</sup> (۳) - محمد علی مدرس تبریزی: ریحانه الادب / ۴ / ۳۹۲.

<sup>۱۰۱۷</sup> (۴) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس / ۲ / ۵۱۵؛ مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران / ۴ / ۱۶۵.

<sup>۱۰۱۸</sup> (۵) - بوران فرخ‌زاد: کارنامی زنان کارای ایران / ۲۱۵.

<sup>۱۰۱۹</sup> (۶) - محمد احتشام کاویانیان: پیشین / ۳۲۴؛ رمضانعلی شاکری: گنج هزار ساله / ۹۴.

(۴) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: مطلع الشمس ۲ / ۵۱۵؛ مهدی بامداد: شرح حال رجال ایران ۴ / ۱۶۵.

(۵) - پوران فرخزاد: کارنمای زنان کارای ایران / ۲۱۵.

(۶) - محمد احتشام کاپانیان: پیشین / ۳۲۴؛ رمضانعلی شاکری: گنج هزار ساله / ۹۴.

ص: ۲۷۹

شده است بسیار دانسته‌اند. ۱۰۲۰

تاج‌ماه‌بیگم در جمادی الاولی ۱۲۸۲ ه. ق درگذشت و در رواق پشت سر امام رضا علیه السلام در کنار برادرش دفن گردید. ۱۰۲۱

محمد جواد هوشیار

فیاض - علی اکبر - بخش اول

---

(۱) - پوران فرخزاد: پیشین / ۲۱۵.

(۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۵۱۶ - ۵۱۷.

ص: ۲۸۰

ق

(۱۶۷) قوامی شهیدی - حسین (۱۳۰۱ - ۱۳۵۸ ه. ش)

دکتر حسین قوامی شهیدی فرزند قوام استاد دانشگاه علوم پزشکی مشهد. وی از نوادگان مرحوم میرزا مهدی شهید (متوفی ۱۲۱۸ ه. ق) است که سال‌ها در سنگر تعلیم و تربیت به جامعه پزشکی خدمات شایانی انجام داده است. وی در سال ۱۳۰۱ ه. ش در مشهد در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. به دبستان رفت، سپس دوره متوسطه را در رشته ریاضی به پایان رسانید. آنگاه برای ادامه تحصیلات به تهران عزیمت نمود و پس از سه سال از دانشکده علوم تهران به اخذ درجه لیسانس ریاضی نایل آمد.

---

۱۰۲۰ (۱) - پوران فرخزاد: پیشین / ۲۱۵.

۱۰۲۱ (۲) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: پیشین ۲ / ۵۱۶ - ۵۱۷.

پس از برگشت، مدتی در دبیرستان‌های مشهد به تدریس ریاضی پرداخت ولی چون به مایه اندک علمی راضی نبود، جهت تکمیل تحصیلات خود به سوئیس رفت، در آنجا تغییر رشته داد و به تحصیلات پزشکی پرداخت بعد از اخذ درجه دکترای پزشکی و تخصص جراحی استخوان در سوئیس برای آشنایی و تکمیل تحصیلات و تجارب خود در بیمارستان‌های انگلیس به کار مشغول گردید. پس از چندی به ایران بازگشت ابتدا به بیمارستان شاهرضا (امام رضا علیه السلام) و سپس در بیمارستان قائم مشهد به خدمت مشغول شد و در دانشکده پزشکی مشهد نیز تدریس می‌کرد. قبل از انقلاب اسلامی، مدتی ریاست بیمارستان قائم را به عهده

ص: ۲۸۱

داشت و در کنگره‌های علمی در خارج از کشور شرکت می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ ه. ش برای شرکت در کنگره جراحان به پاریس رفت ولی به محض رسیدن به فرودگاه پاریس حالش دگرگون شد و بلافاصله وی را به تهران برگردانده و در بیمارستان قلب تهران بستری نمودند، اما طولی نکشید در بهمن همان سال در این بیمارستان زندگی را وداع گفت، جنازه‌اش به مشهد منتقل و پس از تشییع در صحن آزادی (نو) حرم مطهر امام رضا علیه السلام به خاک سپرده شد.<sup>۱۰۲۲</sup>

علی‌جان سکندری

---

(۱) - استفاده از اطلاعات خانم اقدس شهیدی خواهر دکتر قوامی شهیدی و خواهرزاده دکتر حسن شهیدی.

ص: ۲۸۲

م

(۱۶۸) مجتهدی - سید ابو الفضائل (۱۳۰۹ - ۱۳۸۴ ه. ق)

دکتر سید ابو الفضائل مجتهدی فرزند فقیه عارف مرحوم آیت الله میرزا محمود حسینی زنجانی امام‌جمعه زنجان در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در شهر زنجان متولد گردید.

علت تغییر نام فامیلی از حسینی زنجانی به مجتهدی به جهت این است که پدرشان در مجلس شورای ملی علیه سیاست‌های رضا شاه به مخالفت برخاست رضا شاه بدلیل مخالفت‌های آیت الله حسینی زنجانی دستور داد تا مناسب حساس دولتی به اولادش واگذار نگردد.

از این رو مرحوم سید ابو الفضائل تصمیم گرفت که فامیلی را به مجتهدی تغییر دهد تا بتواند در خدمت مردم قرار گیرد.

---

<sup>۱۰۲۲</sup> (۱) - استفاده از اطلاعات خانم اقدس شهیدی خواهر دکتر قوامی شهیدی و خواهرزاده دکتر حسن شهیدی.

دکتر مجتهدی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد، سپس وارد دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و پس از پایان دوره کارشناسی حقوق سیاسی از این

ص: ۲۸۳

دانشگاه موفق شد مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت را اخذ نماید.

دکتر مجتهدی با سمت مدیریت آموزش شرکت ملی نفت ایران به کار مشغول شد و مسؤول دانشجویان بورسیه شرکت نفت گردید که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام می‌شدند. وی در سال ۱۳۵۰ ه. ش با حفظ سمت آموزشی طی ماموریت چهار ساله به انگلستان اعزام و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ دکتری فلسفه و معارف اسلامی از دانشگاه ساسکس انگلستان گردید. منزلش در لندن در شب‌های جمعه مرکز اجتماع مسلمانان شهر بود و دانشمندان و اسلام‌شناسان بزرگی چون استاد رضا روزبه - که از اساتید مرحوم مجتهدی در دوره تحصیلات دانشگاهی به شمار می‌رفت - در آن مکان به ایراد سخنرانی می‌پرداختند. وی در سال ۱۳۵۱ به خادمی آستان قدس رضوی مفتخر گردید. دکتر مجتهدی بجز زبان فارسی، به زبانهای ترکی، فرانسه، انگلیسی و عربی تسلط داشت در سال ۱۳۵۸ به خدمت در وزارت امور خارجه مامور گشت و در سمت اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در کشور هندوستان به خدمتگزاری مشغول شد.

دکتر مجتهدی به علت بیماری قلبی از سیاست کناره‌گیری کرد و بازنشسته شد ولی به اصرار دوستانی که روحیه قوی خدمتگزاری را در ایشان سراغ داشتند در سال ۱۳۶۰ و دوران بازنشستگی جذب سازمان اقتصاد اسلامی گردید. در سال ۱۳۷۰ ه. ش در دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به تدریس متون معارف اسلامی به زبان انگلیسی اشتغال داشت و از استادان بنام دانشکده و مورد توجه و علاقه قلبی دانشجویان بود، وی همزمان با تدریس در دانشگاه مشغول ترجمه و نوشتن کتابهای در احقاق حق ائمه اطهار علیهم السّلام و معرفی مقامات معنوی ایشان بود. از آثار به جای مانده دکتر مجتهدی می‌توان به

ص: ۲۸۴

کتابهای زیر اشاره کرد.

- ۱- سخنی کوتاه درباره صحابی جلیل القدر امام علی بن موسی الرضا احمد بن ابی نصر بزنطی.
- ۲- ترجمه بشارت نبوی به شیعیان علوی - تألیف عماد الدین ابو جعفر محمد طبری امامی.
- ۳- شناخت و انحراف ترجمه رساله الاربعین فی احوال النصاب و المخالفین تألیف و میر فیض الله تفرشی.
- ۴- ترجمه معیار الشریک در قرآن تألیف برادر بزرگوارشان آیت الله العظمی سید عز الدین زنجانی.

۵- شرح دعای صنمی قریش، قنوت شبانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.

۶- سرگذشت بانوی بزرگوار شهید بنت الهدی صدر.

۷- ترجمه مسند امام جواد گردآوری حجت الاسلام عزیز الله عطاردی.

۸- سرگذشت مرحوم پدر بزرگوارش آیت الله سید محمود حسینی زنجانی امام جمعه فقید زنجانی دکتر مجتهدی در اواخر عمرش مشهد مقدس را برای اقامت دائمی خود برگزید و سرانجام بر اثر بیماری قلبی که داشت شب جمعه ۲۳ / ۴ / ۱۳۸۴ پس از اقامه نماز جماعت و در میان جلسه تفسیر و قرائت قرآن در منزل خویش و بین شاگردانش چشم از جهان فرو بست و به لقاء الله پیوست و پس از عمری تلاش مفید در راه جدش در زیر ایوان طلا صحن جمهوری اسلامی حرم مطهر امام رضا علیه السلام آرام گرفت.

مرحوم دکتر مجتهدی نسخه نفیس و خطی صحیفه سجاده به خط مرحوم پدرش را به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی وقف نموده از وی دو فرزند دختر و پسر به یادگار مانده است که هر دو فرزند دکتر مجتهدی از تحصیلات عالی برخوردار هستند.

علی سکندری

منجم باشی - عبد الحسین - جلد اول

ص: ۲۸۵

(۱۶۹) منجم خراسانی - محمد اسماعیل (۱۲۲۴ - ۱۲۸۷ ه. ق)

محمد اسماعیل ازغدی معروف به «منجم خراسانی» فرزند ابو القاسم نوه حاج محمد بی‌خنده ازغدی بود که در علم هیئت و نجوم استخراج تقویم و نیز در تقوا و زهد و قداست شهرت داشت. این علم در خاندان او به احفاد و نوادگانش انتقال یافت و فرزندان ایشان در مشهد به نجومیان شهرت دارند. پس از حاج محمد پسرش ابو الحسن طبیب کار علمی او را ادامه داد و بعد از وی محمد اسماعیل که برادرزاده و داماد ابو الحسن بود جانشین مقام علمی او گردید.

منجم خراسانی مدت ۳۵ سال به استخراج تقویم اشتغال داشته است.

اعتماد السلطنه در مآثر و الآثار در مورد او می‌نویسد: «مولانا محمد اسماعیل منجم مشهدی در هیأت و اعمال نجومیه و احکام آن بی‌نظیر بود، به حدی که گویا از وراء پرده نازک به نشاء غیب نظر می‌نمود». <sup>۱۲۳</sup> میرزا عبد الرحمن مدرس از وی این پیشگویی را نقل می‌کند: «آسمان امسال یک ثلث از باران خود را نخواهد بارید و زمین یک ثلث از زراعت خود را

<sup>۱۲۳</sup> (۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۲۰۸.



نخواهد رویاند و سال دیگر دو ثلث از زراعت نروید و سال سوم چنان قحط شود که مردم از گرسنگی بمیرند و دیگران ایشان را از خاک برنگیرند و خدا را شکر که من زنده نخواهم بود». این پیش‌بینی‌ها همه اتفاق افتاد و خودش قبل از قحط سالی درگذشت.

مرحوم منجم در اوایل سال ۱۲۸۷ ه. ق در سن ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست<sup>۱۰۲۴</sup> و جنازه او را در صحن عتیق حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام مدفون ساختند او دارای خط خوشی بود و کتاب‌هایی را استنساخ نموده است که

---

(۱) - محمد حسن خان اعتماد السلطنه: المآثر و الآثار / ۲۰۸.

(۲) - میرزا عبد الرحمن مدرس: تاریخ علمای خراسان / ۱۱۶-۱۱۷.

ص: ۲۸۶

از جمله قرآنی به خط ثلث در قطع رحلی می‌باشد.

او دو پسر به نام محمد مهدی و ابراهیم داشت که محمد مهدی در علم نجوم به مرحله استادی رسید.

محمد اسماعیل منجم با اسماعیل ازغدی متوفای ۱۲۳۱ ه. ق متفاوت است.

ابراهیم زنگنه

(۱۷۰) مؤیدقرشی - محمود (۱۲۹۳-۱۳۴۵ ه. ش)

دکتر سید محمود مؤیدقرشی استاد دانشگاه و پزشک متبحر خراسانی. وی فرزند میرزا آقا و نواده میرزا حسن خان حافظ الصحه است. در سال ۱۲۹۳ ه. ش در قوچان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش و در شهر مشهد دنبال کرد. در سال ۱۳۱۴ ه. ش در دانشکده پزشکی در رشته زنان و زایمان مشغول تحصیل گردید و پایان‌نامه دکترای خود را تحت عنوان «درمان آماس درون‌شامه زهدان پس از زایمان و پس از افکندن جنین با هورمون فولیکولر» به اتمام رسانید.

وی دوره‌های تخصصی ویژه را در بیمارستان‌های تهران فراگرفت و در سال ۱۳۲۰ ه. ش فارغ‌التحصیل شد.

در بدو خدمت پزشکی دو سال در شهر قوچان فعالیت کرد، سپس در بیمارستان امام رضای مشهد به سمت رئیس بخش چشم‌پزشکی منصوب گردید.

---

<sup>۱۰۲۴</sup> (۲) - میرزا عبد الرحمن مدرس: تاریخ علمای خراسان / ۱۱۶-۱۱۷.

دکتر مؤیدقرشی از ابتدای تأسیس دانشکده پزشکی مشهد در سمت دانشیار رسمی عهده‌دار تدریس رشته بیولوژی گیاهی بود. مدتی بعد ریاست آزمایشگاه را نیز برعهده گرفت. از سال ۱۳۳۰ ه. ش در مقام استادی چشم پزشکی در دانشگاه مشهد به خدمت ادامه داد. در سال ۱۳۳۴ ه. ش برای تکمیل تخصص خود در رشته چشم‌پزشکی به کشور فرانسه سفر کرد و با اخذ مدرک رسمی به ایران بازگشت

ص: ۲۸۷

و به خدمت پزشکی و دانشگاهی پرداخت.

دکتر مؤیدقرشی دارای فضایل اخلاقی و وجدانی آگاه بود که در راه کسب و خدمات پزشکی لحظه‌ای درنگ نمی‌کرد. وی سرانجام در روز ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ ه. ش در سن ۵۲ سالگی دچار سکته شد و فوت کرد. پیکرش را روز بعد در یکی از رواق‌های صحن عتیق آستان قدس رضوی دفن نمودند.

دکتر سید احمد و دکتر سید آقا از فرزندان او هستند. ۱۰۲۵

رسول سعیدی‌زاده

---

(۱) - رمضان علی شاکری: اترکنامه، تاریخ جامع قوچان / ۲۶۲. روزنامه خراسان ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۴۵.

ص: ۲۸۸

ن

(۱۷۱) ناصح - ذبیح الله (- ۱۳۴۵ ه. ش)

ذبیح الله ناصح آموزگار و محقق.

وی در بیرجند متولد گردید، تحصیلات مقدماتی عربی و ادبی را در مدرسه «شوکتیه» این شهر به پایان برد و در همان مدرسه استاد شد و بعدها ریاست آن را به عهده گرفت و سال‌ها در این مقام خدمت کرد. در سال ۱۳۲۶ ه. ش به سیستان رفت و رییس فرهنگ آنجا شد. وی در مدت ریاست خدمات فرهنگی ارزنده‌ای را انجام داد.

در اواخر سال ۱۳۳۱ ه. ش به مشهد آمد و در دبیرستان‌های مشهد به تدریس پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۳۷ ه. ش بازنشسته شد و عاقبت در نیمه مهرماه ۱۳۴۵ ه. ش در مشهد وفات یافت و در همین شهر به خاک سپرده شد. شهروندان بیرجندی برای زنده نگاه داشتن نام او، کتابخانه‌ای را در بیرجند تأسیس کردند.

از آثارش می‌توان به «کتاب بلوچستان» که از سوی بنگاه فرانکلین چاپ و منتشر شده است، اشاره کرد.

ص: ۲۸۹

مرحوم ناصح با سه زبان عربی، فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت و در تدریس و تحقیق از آنها بهره‌مند بوده است. وی مردی بلند اندام و درشت‌استخوان با چهره‌ای گندمگون، خوش‌محاوره و زودآشنا بود و مدت بیست سال با حبیب یغمایی هم‌صحبت بوده است.<sup>۱۰۲۶</sup>

محمد جواد هوشیار

(۱۷۲) نبئی - ابو الفضل (۱۳۱۶-۱۳۸۱ ه. ش)

دکتر ابو الفضل نبئی استاد تاریخ دانشگاه فردوسی و محقق. وی در سال ۱۳۱۶ ه. ش در سراب آذربایجان در خانواده‌ای متوسط و مذهبی چشم به جهان گشود. دوران کودکی او با سختی و رنج همراه بود. زیرا او در چهار سالگی پدرش عباسعلی نبئی را که کارمند اداره پست و تلگراف بود بر اثر حادثه‌ای در حین انجام‌وظیفه از دست داد. و از آن‌زمان تحت تکفل مادر قرار گرفت. او با حمایت مادی و معنوی مادر دوره تحصیلات ابتدایی را در سراب پشت سر گذاشت و وارد دبیرستان تازه تأسیس منطقه شد. او هم‌زمان با تحصیل در دبیرستان که به صورت شرکت در کلاس‌های شبانه انجام می‌گرفت برای امرارمعاش خانواده خود به تدریس در مقطع ابتدایی پرداخت. در سال ۱۳۴۰ ه. ش موفق به اخذ لیسانس علوم تربیتی، تاریخ و جغرافیا از دانشسرای عالی دانشگاه تبریز شد. در همین زمان که دانشجوی دوره کارشناسی بود جهت

(۱) - «ذبیح الله ناصح»: یغما، ش ۹، س ۱۹، ۱۳۴۵/۵۰۳.

ص: ۲۹۰

تأمین مخارج تحصیل به عکاسی روی آورد. وی پس از اخذ لیسانس به استخدام آموزش و پرورش اردبیل درآمد و مدت پنج سال به تعلیم و تربیت در دبیرستان‌های آنجا مشغول بود. با این حال از اندیشه ادامه تحصیل غافل نشد و در سال ۱۳۴۸ ه. ش موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه تهران شد. با توجه به موضوع پایان‌نامه‌اش «روابط ایران و

<sup>۱۰۲۶</sup> (۱) - «ذبیح الله ناصح»: یغما، ش ۹، س ۱۹، ۱۳۴۵/۵۰۳.

عثمانی در قرن نوزدهم» همکاری نزدیکی را با اساتید دانشگاه‌های ترکیه آغاز کرد و همین امر زمینه تحصیل او را در مقطع دکترا در دانشگاه آنکارا فراهم ساخت.

او در ترکیه در محضر اساتیدی چون پرفسور فاروق سومر، پرفسور کویمن و پرفسور علی سویم به کسب علم و دانش پرداخت. و رساله دکترای خود را با عنوان «چوپانیان در تاریخ ایلخانان» زیر نظر پرفسور فاروق سومر در سال ۱۳۵۲ ه. ش به اتمام رسانید.<sup>۱۰۲۷</sup>

دکتر نبئی پس از مراجعت از ترکیه مدت کوتاهی به تدریس در دبیرستان‌های اردبیل پرداخت تا اینکه در سال ۱۳۵۳ ه. ش به عضویت هیأت علمی گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد درآمد. و تا پایان عمر خود به تدریس در این دانشگاه مشغول بود چندی نیز ریاست گروه تاریخ این دانشگاه را عهده‌دار بود. طی این مدت او شاگردان زیادی تربیت کرد و آثار ارزنده‌ای از خود برجای گذاشت. وی همچنین با بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس همکاری داشته است.

استاد نبئی فردی متدین، باوقار، صبور و درعین‌حال باایمان و شوخ طبع بود. او متعلق به نسلی بود که باور داشت در حضور کتاب باید به احترام ایستاد. نسلی که تحقیق و پژوهش در وجود آنان و در سرنوشتشان مؤکد شده بود. سرانجام پس از عمری تلاش و کوشش و تدریس در تیرماه ۱۳۸۱

---

(۱) - حسین احمدی: یادى از مرحوم دکتر ابو الفضل نبئی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مرداد و شهریور ۱۳۸۱ / ۱۶۶.

ص: ۲۹۱

ه. ش بر اثر سکنه قلبی درگذشت و در حرم امام رضا علیه السلام در صحن قدس به خاک سپرده شد.

مطالعات استاد نبئی شامل موضوعاتی چون تاریخ اسلام، تاریخ ترکان، تاریخ مغولان و ایلخانان مغول، فرقه‌های اسلامی، تصوف، نجوم، هنر و معماری اسلامی و ایلات و عشایر ایران می‌شد. از مهمترین کتاب‌های ایشان در زمینه تاریخ ایران و اسلام و نجوم می‌توان از این آثار یاد کرد: «تاریخ آل چوپان» این کتاب که در اصل پایان نامه دکترای مرحوم نبئی است در سال ۱۳۵۲ ه. ش توسط انتشارات دانش امروز در تهران چاپ شد که یکی از مهمترین کتاب‌ها جهت بررسی خاندان چوپانیان در قرن هشتم هجری است.

«اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در قرن هشتم هجری» این کتاب در سال ۱۳۷۵ ه. ش توسط انتشارات دانشگاه فردوسی به چاپ رسیده است. در این کتاب حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم از جمله: سربداران، آل جلایر، آل مظفر و آل کرت مورد بررسی قرار گرفته است. «تاریخ نهضت‌های سیاسی و مذهبی ایران تا قرن هشتم هجری» نیز از آثار دیگر اوست که در سال ۱۳۷۶ ه. ش توسط دانشگاه فردوسی به چاپ رسید و در آن نهضت‌ها و قیام‌های مختلف ایرانیان از ابتدای ورود

---

<sup>۱۰۲۷</sup> (۱) - حسین احمدی: یادى از مرحوم دکتر ابو الفضل نبئی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، مرداد و شهریور ۱۳۸۱ / ۱۶۶.

اسلام به ایران تا قرن هشتم هجری از جمله قیام بابک، قیام زنگیان، نهضت حروفیه، قرمطیان، اسماعیلیان و غیره مورد بررسی قرار گرفته است. «تقویم و تقویم‌نگاری در تاریخ» کتاب دیگر نبئی در سال ۱۳۶۶ ه. ش توسط انتشارات آستان قدس رضوی در مشهد به چاپ رسیده است. در این کتاب استاد به توضیح و تعریف زمان‌سنجی تقویم‌های مشهور و معمول در تاریخ جهان، روش‌ها و فرمول‌های تبدیل سال‌ها در تقویم‌های مختلف و اصول و قواعد استخراج تقویم می‌پردازد.

«سنجش و مبدأ زمان در نزد ملل» یا «تاریخچه تقویم» چاپ سال ۱۳۵۱ ه. ش اردبیل و «هدایت طلاب به دانش

ص: ۲۹۲

اسطربلاب» که در سال ۱۳۷۱ ه. ش توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی چاپ شده است و کتاب‌های «گزینه‌هایی از هنر و معماری اسلامی»، «آذربایجان در قلمرو اسلام»، «تاریخچه سراب» و «تصحیح کتاب تحفه حاتمی شیخ بهایی» مجموعه دیگر از آثار قلمی نبئی هستند.

استاد نبئی بجز کتاب‌های یادشده، در حوزه تاریخ مقالات زیادی را به رشته تحریر درآورده است. او در سال‌های پایانی حیات خود، مدیر مسئول و سردبیر «فصلنامه پژوهش‌های تاریخی» بود که توسط انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد منتشر می‌شد. برخی از مهمترین مقالات استاد عبارتند از: «شقایق در گذرگاه تاریخ ایران» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم، سال نوزدهم، پاییز ۱۳۶۵. «قلم و نقش آفرینی آن در تاریخ» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. «بررسی نظام حکومتی در ایران بعد از اسلام» فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ۱۳۷۰، «گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند راهگشای حل اختلافات باشد» فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ۱۳۷۸، «تشریح برگی از تقویم و بیان کار مقوم» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱۳۶۲ و «ستاره‌شناسی و تاریخ» فصلنامه پژوهش‌های تاریخی ۱۳۶۹.

از آثار ارزشمند استاد نبئی در زمینه نجوم باید از ساخت بزرگترین اسطربلاب جهان یاد کرد که در مدت همکاری ایشان در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس ساخته شد. این اثر کرد هم‌اکنون در موزه نجوم آستان قدس نگهداری می‌شود.<sup>۱۰۲۸</sup>

سید حسن حسینی

(۱) - فاطمه حاجی‌آبادی: مختصری از زندگینامه و آثار دکتر ابو الفضل نبئی، ویژه نامه‌ی سمینار پیرامون تاریخ، (دانشگاه فردوسی مشهد)، اردیبهشت ۱۳۸۳ / ۵.

ص: ۲۹۳

<sup>۱۰۲۸</sup> (۱) - فاطمه حاجی‌آبادی: مختصری از زندگینامه و آثار دکتر ابو الفضل نبئی، ویژه نامه‌ی سمینار پیرامون تاریخ، (دانشگاه فردوسی مشهد)، اردیبهشت

(۱۷۳) هاشمیان - سید حسن (۱۳۱۳ - ۱۳۸۰ ه. ش)

دکتر سید حسن هاشمیان پزشک مؤمن و متعهد و خادم امام رضا علیه السلام. وی در سال ۱۳۱۳ ه. ش در روستای «خراشا» از توابع جاجرم در استان خراسان متولد شد. جد پدری او مرحوم آیت الله سید عبد الحی بنی هاشم، از علمای بزرگ بجنورد بود و پس از کشف حجاب در دوران رضا شاه به دلیل دارا بودن مدرک اجتهاد، کسی متعرض لباس او نشد. با این حال ایشان صلاح را در ترک بجنورد دیدند و روانه روستای خراشا شدند. وی یکی از پیشوایان روحانیون بجنورد بود و درجه اجتهاد خود را از آیت الله سید رضا صدر و موسوی اصفهانی دریافت کرده بود.

پدر دکتر هاشمیان، سید یحیی فرزند بزرگ مرحوم آیت الله عبد الحی بود. چند سال پس از تولد دکتر هاشمیان، خانواده‌اش به بجنورد عزیمت کردند و سید یحیی هاشمیان در آنجا به استخدام اداره ثبت احوال

ص: ۲۹۴

شهرستان بجنورد درآمد.

دکتر هاشمیان، دوران ابتدایی را در دبستان ناهید بجنورد به پایان رسانید و برای گذراندن دوره متوسطه به مشهد مقدس آمد و در دبیرستان فردوسی مشهد به تحصیل مشغول شد. در ۱۴ سالگی مادرش را در اثر عوارض زایمان و عدم دسترسی به پزشک از دست داد. این واقعه تأثیر عمیقی بر ایشان گذاشت و او را مصمم کرد که به تحصیل طب پردازد و به نیازمندان و محرومین خدمت کند. پس از به پایان رسانیدن دبیرستان، در آموزشگاه عالی بهداشت به تحصیل پرداخت و پس از چهار سال داوطلبانه برای خدمت در جنوب کشور به این منطقه عزیمت نمود. این در حالی بود که ایشان به دلیل داشتن معدل بالا، می‌توانست مانند سایر دوستانش در اطراف مشهد خدمت کند. به دلیل معدل بالا پس از سه سال تعهدات او به پایان رسید ولی عشق به خدمت او را پنج سال دیگر در جنوب کشور ماندگار کرد.

اقامت ایشان در آن دیار غربت و محروم، خاطراتی را در ذهن او برجای گذاشت، که پس از گذشت سال‌ها و با وجود بعد مسافت روابط او با مردم آن منطقه گسسته نشد و حتی پس از فوتش مجلس بزرگداشتی به یاد او و خدماتی که بیش از سه دهه پیش انجام داده بود در گناوه برگزار شد.

هاشمیان سه سال پس از اقامت در جنوب با دختر عمویش ازدواج کرد.

همسرش نوه دیگر آیت الله عبد الحی بنی هاشم بود که به اتفاق او به جنوب بازگشت و پسر بزرگ ایشان متولد گناوه می‌باشد.

آنها پس از پنج سال خدمت در جنوب کشور، به مشهد بازگشتند. وی از سال چهارم پزشکی به ادامه تحصیل پرداخت و وقتی صاحب سه فرزند بود از دانشکده پزشکی فارغ التحصیل شد.

پس از آن برای خدمت سربازی روانه غرب کشور شد و در اسلام‌آباد غرب به خدمت پرداخت. از ویژگی‌های برجسته هاشمیان در این دوران،

ص: ۲۹۵

استحکام در عقاید به‌ویژه عقاید مذهبی بود. با وجود جو ضد مذهب در میان درجه‌داران ارتشی، ایشان هیچ تردیدی در اظهار عقاید مذهبی خود و عمل به آنها نداشت.

در آن موقع دکتر هاشمیان با آیت‌الله حکمت‌نیا آشنایی داشت و در محضر او به کسب فیض می‌پرداخت. خدمت صادقانه او در غرب کشور باعث شد، زمانی که ایشان قصد بازگشت به زادگاهش را داشت جمع انبوهی از مردم جلوی بهداری تحصن نمودند، آنها می‌خواستند او بماند.

پس از بازگشت به بجنورد هاشمیان به جمع معتمدین آن شهرستان پیوست.

در همین دوران ساواک او را تحت نظر داشت. گاه تلفن‌های تهدیدآمیزی نیز به منزل ایشان می‌شد تا از ارتباط ایشان با مبارزین سیاسی جلوگیری کند، ولی او شیفته اهل بیت نبوت بود. و به دستیارانش سپرده بود که بدون تفحص از کسی که ابراز عدم استطاعت مالی می‌کند، وجهی مطالبه نکنند و به یکی از داروخانه‌های بجنورد سپرده بود تا نسخه‌هایی که وی به آنجا ارجاع می‌دهد مجانی پیردازد و بدون آنکه غرور بیمار جریحه‌دار شود وجه آن را به حساب دکتر بنویسد.

دکتر در این دوره، مبارزات سیاسی خود را نیز شروع کرده بود. ساواک مدارکی را علیه ایشان جمع‌آوری می‌نمود. در حین پیروزی انقلاب، دکتر هاشمیان در روشنگری مردم و تقویت جریان انقلاب نقش مهمی بر دوش گرفت. پس از پیروزی انقلاب و برقراری آرامش نسبی، به دلیل علاقه به ادامه تحصیل به مشهد مقدس عزیمت کرد و در رشته تخصصی داخلی به ادامه تحصیل پرداخت. وی وقتی تخصص خود را گرفته بود سه فرزندش وارد دانشگاه شده و فرزند چهارمش محصل بود. پس از اخذ تخصص در دانشگاه به خدمت پرداخت و در همین دوران خادم بارگاه ملکوتی امام هشتم علیه السلام نیز گردید. در این دوران نیز آنچه می‌توانست برای مردم انجام می‌داد،

ص: ۲۹۶

مدتی معاون دانشگاه و نیز مدتی ریاست بیمارستان امام رضا علیه السلام را بر عهده داشت. در این دوران خدمت‌های صادقانه‌اش به مردم یاد او را زنده نگاه داشت. او گوشه شنوا برای شنیدن دردهای مردم، قلبی فراخ برای پذیرفتن دشواری‌های راه خدمت به مردم و عزمی راسخ برای حل مشکلات آنان داشت. پرداختن به این امور فرصتی برای او فراهم نمی‌کرد که نوشته‌ها و تحقیقات پراکنده‌اش در امور مذهبی و علمی را مرتب و جمع‌آوری کند.

سخنرانی‌های متعدد و دست‌نوشته‌های گوناگون از ایشان به جای مانده است.

تا اینکه در سال ۱۳۸۰ به بیماری سرطان معده مبتلا گردید و با وجود آگاهی کامل از روند فرجام این بیماری و ناراحتی‌های حاصل از آن هرگز زبان به شکوه نگشود و سخنرانی‌های تأثیر گذاری در دوره بیماری از خود به جای گذاشت. پس از هفت ماه در بیستم دی ماه ۱۳۸۰ با دلی آرام، همسر، چهار فرزند، دوستان و یارانش را ترک و به دیار حق شتافت. و در صحن آزادی حرم مطهر امام رضا علیه السلام دفن گردید.

علی جان سکندری

ص: ۲۹۷

ی

یزدی - سید علی - جلد اول

(۱۷۴) یوسفی - غلامحسین (۱۳۰۶ - ۱۳۶۹ ه. ش)

دکتر غلامحسین یوسفی فرزند عابد استاد دانشگاه فردوسی و شاعر خوش ذوق متخلص به «ناقوس». وی در اصل از طبس بود و در سال ۱۳۰۶ ه. ش در مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند.

سپس در سال ۱۳۲۵ ه. ش به تهران رفت و وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۸ ه. ش در رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ التحصیل گردید. در سال ۱۳۳۰ ه. ش همزمان با دریافت دکترا در رشته ادبیات فارسی به دریافت درجه لیسانس در رشته حقوق قضایی و علوم سیاسی نایل آمد.<sup>۱۰۲۹</sup>

دکتر یوسفی ابتدا به عنوان دبیر در دبیرستان‌های مشهد مشغول به خدمت

---

(۱) - علی‌اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۶۰۸ - ۶۰۹؛ مریم آقا شیخ محمد:

گلزار مشاهیر / ۲۴۳.

ص: ۲۹۸

---

<sup>۱۰۲۹</sup> (۱) - علی‌اکبر گلشن آزادی: صد سال شعر خراسان / ۶۰۸ - ۶۰۹؛ مریم آقا شیخ محمد:

گلزار مشاهیر / ۲۴۳.



فرهنگی شد و چند سال ریاست دبیرستان نفت در مشهد را داشت و سپس به عنوان دانشیار و بعدها در سمت استاد زبان ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد به تدریس اشتغال یافت.<sup>۱۰۳۰</sup> وی یک سال سرپرست تربیت معلم خراسان و چندین سال نیز مسئولیت گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی را داشت.<sup>۱۰۳۱</sup>

دکتر یوسفی از بزرگان ادب خراسان و ایران بود و در نظم و نثر و ترجمه و نطق و بیان، دستی توانا داشت.<sup>۱۰۳۲</sup> وی در طول تحصیل شاگردی ممتاز بود. زمانی که در مشهد مشغول تحصیل بود در مدارس حوزه به تحصیل علوم عربی پرداخت و از استادان حوزه کسب دانش کرد. در ادبیات عرب و فرانسه از آگاهی و بصیرت کامل برخوردار بود.<sup>۱۰۳۳</sup>

او علاوه بر فضایل ظاهری و بی‌اعتنایی به مقامات و مناصب، فردی فعال و رفیقی شفیق و دوستی مهربان و صدیق بود.<sup>۱۰۳۴</sup> فروتنی، بی‌ادعایی و بلندهمتی، تعریف نکردن از خود، مناعت طبع و عزت نفس و بی‌اعتنایی به امور دنیوی از دیگر مشخصات اخلاقی اوست.

گویند قبل از بازنشستگی چند پست و مقام بالا به او پیشنهاد شد ولی هیچ‌یک را نپذیرفت.<sup>۱۰۳۵</sup>

اعتقاد راسخ به مقدسات اسلام و ارادت عمیق و مخلصانه به ائمه معصومین به‌ویژه امیر المؤمنین علیه السلام، و زیارت حضرت رضا علیه السلام از دیگر ویژگی‌های فکری و روحانی دکتر یوسفی بود.<sup>۱۰۳۶</sup>

مطالعه و تحقیق در کشورهای فرانسه و انگلستان و تحقیق و تدریس

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳.

(۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳.

(۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸.

(۴) - محمد باقر برقی: سخنوران نامی معاصر ایران ۶ / ۳۹۹۸ - ۳۹۹۹.

---

<sup>۱۰۳۰</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳.

<sup>۱۰۳۱</sup> (۲) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳.

<sup>۱۰۳۲</sup> (۳) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸.

<sup>۱۰۳۳</sup> (۴) - محمد باقر برقی: سخنوران نامی معاصر ایران ۶ / ۳۹۹۸ - ۳۹۹۹.

<sup>۱۰۳۴</sup> (۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸.

<sup>۱۰۳۵</sup> (۶) - حسین رزمجو: به یاد استاد فرزانه‌ام شادروان دکتر غلام حسین یوسفی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۳ و ۴، سال ۳، ص ۷۹۸ - ۸۰۴.

<sup>۱۰۳۶</sup> (۷) - حسین رزمجو: پیشین / ۸۰۰.

(۵) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸.

(۶) - حسین رزمجو: به یاد استاد فرزانه‌ام شادروان دکتر غلام حسین یوسفی، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره ۳ و ۴، سال ۳، ص ۷۹۸-۸۰۴.

(۷) - حسین رزمجو: پیشین / ۸۰۰.

ص: ۲۹۹

در آمریکا همراه با ایراد کنفرانس‌های جالب و سودبخش و نیز سفر به شیراز برای افتتاح آرامگاه سعدی در اردیبهشت سال ۱۳۳۱ ه. ش از طرف انجمن ادبی خراسان از جمله مسافرت‌های خارجی و داخلی وی بوده است.<sup>۱۰۳۷</sup>

دکتر یوسفی در سال ۱۳۳۰ ه. ش اقدام به تأسیس مجله‌ای به نام «فرهنگ» کرد و دو سال به نشر آن همت گماشت. این مجله نشریه‌ای وزین و پرمایه بود.<sup>۱۰۳۸</sup> ایجاد چاپخانه دانشگاه از دیگر فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی اوست.<sup>۱۰۳۹</sup>

سرانجام دکتر یوسفی در چهاردهم آذرماه سال ۱۳۶۹ ه. ش در تهران به مرض سرطان چشم از جهان فروبست.

پیکر وی پس از انتقال به مشهد در دارالعباده آستان قدس رضوی به خاک سپرده شد.<sup>۱۰۴۰</sup>

آثار قلمی دکتر یوسفی را در چند قسمت تألیف، تصحیح و ترجمه می‌توان برشمرد. تألیفات: تمرین فارسی برای کلاس اول دبستان با همکاری عبدالحسین پازوکی، اکبر قندهاریان و غلامرضا قهرمان، چاپ ۱۳۳۳ ه. ش، فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال روزگار و شعر او، کتاب برگزیده سال ۱۳۴۱ ه. ش انجمن کتاب، ابو مسلم سردار خراسان، نامه اهل خراسان حاوی مجموعه مقالات، شوخ طبعی آگاه، انعکاس اوضاع اجتماعی در آثار رشید الدین فضل الله، دیداری با اهل قلم در دو جلد چاپ سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۷ ه. ش، برگ‌هایی در آغوش باد، مجموعه مقالات در دو جلد، کاغذ زر شامل یادداشت‌هایی ادبی و تاریخی، روان‌های روشن، چشمه روشن،

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳؛ غلامحسین یوسفی: کتاب هفته، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۸۱.

(۲) - محمد باقر برقی: پیشین / ۶ / ۳۹۹۸ - ۳۹۹۹.

---

<sup>۱۰۳۷</sup> (۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸؛ مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳؛ غلامحسین یوسفی: کتاب هفته، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۸۱.

<sup>۱۰۳۸</sup> (۲) - محمد باقر برقی: پیشین / ۶ / ۳۹۹۸ - ۳۹۹۹.

<sup>۱۰۳۹</sup> (۳) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳.

<sup>۱۰۴۰</sup> (۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸؛ کتاب هفته: پیشین، حسین رزمجو: پیشین / ۸۹۸.

(۳) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳.

(۴) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۰۸؛ کتاب هفته: پیشین، حسین رزمجو: پیشین / ۸۹۸.

ص: ۳۰۰

دیداری با شاعران، با کاروان حلّه، سرمه خیال حاوی دفتر شعر مرحوم یوسفی، شهر شهادت، یادداشت‌ها، سرگذشت جوان تاجر.

و از متون تصحیحی:

قابوس‌نامه، قابوس‌نامه درسی، التصفیه فی احوال المتصوفه چاپ سال ۱۳۴۷ ه. ش، لطائف الحکمه ارموی، گزیده قابوس‌نامه - این کتاب با نام درس زندگی نیز منتشر شد - بوستان سعدی یا سعدی‌نامه، ملخص اللغات نوشته حسن خطیب کرمانی با همکاری دکتر محمد دبیرسیاقی چاپ سال ۱۳۶۲ ه. ش، گلستان سعدی، ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان، در آرزوی خوبی و زیبایی، گزیده بوستان سعدی، دامنی از گل، گزیده گلستان سعدی.

و از ترجمه‌های وی:

داستان من و شعر، نوشته نزار قبانی با همکاری دکتر یوسف آبکار چاپ سال ۱۳۵۶ ه. ش، هدف ادبیات، اسلوب عالی و فضایل ادبی نوشته دیوید دیچز با همکاری محمد تقی صدقیانی، اما من شما را دوست می‌داشتم، نوشته ژیلبر سبرون با همکاری دکتر محمد حسن مهدوی اردبیلی، انسان دوستی در اسلام نوشته مارسل بوازار با همکاری دکتر محمد حسن مهدوی اردبیلی، تحقیق درباره سعدی نوشته هانری ماسه با همکاری دکتر محمد مهدوی اردبیلی چاپ سال ۱۳۶۴ ه. ش، شیوه‌های نقد ادبی نوشته دیوید دیچز با همکاری محمد تقی صدقیانی، برگزیده ششمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر، اثر دکتر مصطفی بدوی، ترجمه از عربی با همکاری دکتر یوسف آبکار، چشم‌اندازی از ادبیات و هنر نوشته ره و لک و دیگران، ترجمه از انگلیسی با همکاری محمد تقی امیر صدقیانی چاپ سال ۱۳۷۹ ه. ش.<sup>۱۰۴۱</sup>

از اشعار استاد یوسفی است:

تا به چشم دل به راز و معنی آن بنگری

بهر تو امروز گویم نکته‌ای از شاعری

<sup>۱۰۴۱</sup> (۱) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳ - ۲۴۴.

---

(۱) - مریم آقا شیخ محمد: پیشین / ۲۴۳ - ۲۴۴.

ص: ۳۰۱

گرچه بسیارند اندر ملک ما گویندگان  
شاعری سروی است آزاده به بستان هنر  
قدرتی بالاتر از این چیست کز لطف کلام  
شاعر امروز باید با کلام خویشتن  
شعر او افکار مردم را بیان سازد چنانک  
سخت بستیزد به نیروی هنر با ظالمان  
هرکسی الفاظ موزون گفت شاعر نیست او  
شاعر مردم ببايد در غم مردم بود  
عشق و زیبایی پرستی ذوق زندگی است  
گر ز مردم شاعری الهام گیرد در سخن  
لیک کمتر کس بود آگه به راز شاعری  
سر برآورده است تا اوج ثریا از ثری  
از همه خلق جهان با یک کرشمه دلبری؟  
ملتی را سوی آزادی نماید رهبری  
لرزه افتد از صدای او بکاخ خودسری  
شعر او خواند نوای مرگ بر استمگری  
خال و خط تنها نباشد اصل حسن و دلبری  
نی بفکر چشم این دلدار و زلف آن پری  
لیکن از احوال مردم هم نباید شد بری  
ملتی بیدار خواهد کرد شاعرپروری<sup>۱۰۴۲</sup>

رسول سعیدی زاده

---

(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۱۰ - ۶۱۱.

ص: ۳۰۳

فهرست منابع

۱ - آتشکده آذر، آذر بیگدلی - لطفعلی بیگ، تصحیح جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه نشر کتاب، ۱۳۳۷.

---

<sup>۱۰۴۲</sup>(۱) - علی اکبر گلشن آزادی: پیشین / ۶۱۰ - ۶۱۱.

- ۲- آثار ایران، ا. گدار، ترجمه ابو الحسن سروقد مقدم، چاپ سوم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۷۵.
- ۳- آثار عجم، فرصت الدوله شیرازی، انتشارات بامداد، ۱۳۶۲.
- ۴- آنچه گذشت، دکتر عبد الهادی حائری، چاپ اول، انتشارات معین، تهران ۱۳۷۲.
- ۵- اترکنامه تاریخ جامع قوچان، رمضانعلی شاکری، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۶- اثرآفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ ش)، حسین محدث‌زاده- حبیب‌الله عباسی، زیر نظر سید کمال حاج سید جوادی، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۷- احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، به کوشش عبد الحسین نوایی، چاپ اول، تهران انتشارات بابک، ۱۳۵۷.
- ۸- احوال و آثار خوشنویسان، مهدی بیانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- ۹- احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، محمد علی کریم‌زاده تبریزی، چاپ اول، انتشارات مستوفی، ۱۳۷۶.
- ص: ۳۰۴
- ۱۰- الذریعه الی التصانیف الشیعه، شیخ آقابزرگ تهرانی، چاپ دوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۱- اطلس خط، حبیب‌الله فضائلی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات مشعل اصفهان، بی‌تا.
- ۱۲- اعیان الشیعه، سید محسن الامین، تصحیح حسن الامین، بیروت، دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۳- ایران و جهان، عبد الحسین نوایی، چاپ چهارم، تهران، نشر هما.
- ۱۴- بانک اطلاعات محققین و متخصصین کشور، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.
- ۱۵- برگ بی‌برگی (یادنامه استاد رضا مایل)، به کوشش نجیب مایل هروی، چاپ اول، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۸.
- ۱۶- بزرگان قائن، سید محسن سعیدزاده، چاپ اول، قم، انتشارات اهل بیت، ۱۳۶۹.
- ۱۷- پایان حیرت، سید هدایت‌الله شهاب فردوسی، ۱۳۴۱.
- ۱۸- پژوهشی در اعلام تاریخی و جغرافیایی تاریخ بیهقی، دکتر سید احمد حسینی کازرونی، چاپ اول مؤسسه فرهنگی آیات، ۱۳۷۴.

- ۱۹- پلیس خفیه ایران، مرتضی سیفی فمی تفرشی، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۸.
- ۲۰- پیدایش خط و خطاطان، عبدالمحمد اصفهانی ایرانی، انتشارات یساولی، بی تا.
- ۲۱- پیدایش و سیر تحول هنر خط، جواد یساولی ثانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگسرا.
- ۲۲- پیغمبر دزدان، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- ۲۳- تاریخ آستان قدس، علی مؤتمن، چاپ دوم، انتشارات شوکت افست، ۱۳۵۴.
- ۲۴- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳.
- ۲۵- تاریخ بیهقی، ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، چاپ دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۶.
- ص: ۳۰۵
- ۲۶- تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۶۳.
- ۲۷- تاریخ جراید و مجلات ایران، محمد صدر هاشمی، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۳.
- ۲۸- تاریخ جهان آرا، قاضی احمد غفاری قزوینی، تهران، کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.
- ۲۹- تاریخ شهر مشهد، مهدی سیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامی با همکاری شهرداری مشهد، ۱۳۷۸.
- ۳۰- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیگ منشی، مصحح، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- ۳۱- تاریخ عباسی، محمد منجم یزدی، به کوشش سیف الله وحیدنیا، تهران، وحید، ۱۳۶۶.
- ۳۲- تاریخ علمای خراسان، میرزا عبد الرحمن مدرس، مصحح محمد باقر ساعدی خراسانی، چاپ اول، مشهد، کتابفروشی دیانت، ۱۳۴۱.
- ۳۳- تاریخ نظم و نثر در ایران، سعید نفیسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۶۳.
- ۳۴- تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی (از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار)، عبد الرفیع حقیقت، چاپ اول، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی، ۱۳۶۹.

- ۳۵- تذکره اختر، احمد گرجی نژاد تبریزی، به کوشش ع- خیام پور، آذربایجان، ۱۳۴۳.
- ۳۶- تذکره تحفه سامی، سام میرزا صفوی، مصحح رکن الدین همایون فرخ.
- ۳۷- تذکره خط و خطاطان، میرزا حبیب اصفهانی، ترجمه رحیم چاوش اکبری، چاپ اول، تهران، کتابخانه مستوفی، ۱۳۶۹.
- ۳۸- تذکره خطی گلشن، گلشن آزادی، کتابخانه آستان قدس رضوی.
- ۳۹- تذکره خوشنویسان معاصر، علی راهجیری، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۴۰- تذکره دلگشا، علی اکبر نواب شیرازی، مصحح منصور رستگار فسائی، چاپ اول، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۱.
- ۴۱- تذکره روز روشن، محمد مظفر حسین صبا، مصحح محمد حسین رکن زاده آدمیت،

ص: ۳۰۶

چاپ اول تهران، کتابخانه رازی، ۱۳۴۳.

- ۴۲- تذکره ریاض العارفین، آفتاب رای لکهنوی، مصحح حسام الدین راشدی، لاهور، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۱.
- ۴۳- تذکره ریاض العارفین، رضا قلی خان هدایت، به کوشش مهرعلی گرگانی، تهران، کتابفروشی محمودی.
- ۴۴- تذکره سخنوران نائین، جلال بقایی، با همت حسین مصباحی، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین ۱۳۶۱.
- ۴۵- تذکره سرو آزاد، آزاد بلگرامی، لاهور، ۱۳۳۱ ق.
- ۴۶- تذکره شاعران کرمان، حسین بهزادی اندوهجودی، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۰.
- ۴۷- تذکره شعرای دار العلم شیراز، فرصت الدوله شیرازی، تصحیح دکتر منصور رستگار فسائی، چاپ اول، نشر دانشگاه، شیراز ۱۳۷۵.
- ۴۸- تذکره شعرای سمنان، نصرت الله نوحیان، تهران، چاپ نقش جهان ۱۳۳۷.
- ۴۹- تذکره شعرای کشمیر، سید حسام الدین راشدی، چاپ اول، لاهور، انتشارات اقبال آکادمی، ۱۳۴۶.
- ۵۰- تذکره شعرای معاصر اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، اصفهان، ۱۳۳۴.

- ۵۱- تذکره شعرای معاصر ایران، سید عبد الحمید خلخالی، چاپ اول، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۳۳.
- ۵۲- تذکره مجالس النفایس، میر نظام الدین علیشیرنویسی، مصحح علی اصغر حکمت، چاپ اول، تهران، چاپ گلشن، ۱۳۶۳.
- ۵۳- تذکره مجمع الخواص، صادقی کتابدار، ترجمه عبد الرسول خیامپور، چاپ اول، تبریز، انتشارات خیامپور، ۱۳۲۷.
- ۵۴- تذکره مجمع الشعراء جهانگیر شاهی، ملا قاطعی هروی، تصحیح دکتر محمد سلیم اختر، مؤسسه تحقیقات دانشگاهی کراچی.
- ۵۵- تذکره مدینه الادب، محمد علی مصباحی نائینی، چاپ اول، تهران، کتابخانه مجلس
- ص: ۳۰۷
- شورای اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۵۶- تذکره مرآة الخیال، شیر علی خان لودی به اهتمام حمید حسنی، چاپ اول، تهران، نشر روزنه، ۱۳۷۷.
- ۵۷- تذکره مرآت الفصاحه، شیخ مفید «داور»، تصحیح دکتر محمود طاووسی، شیراز، انتشارات نوید.
- ۵۸- تذکره المعاصرین، حزین لاهیجی، مصحح معصومه سالک، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۵۹- تذکره منتخب اللطایف، رحم علی خان ایمان، به اهتمام سید محمد رضا جلالی نائینی و سید امیر حسین عابدی، چاپ تابان، ۱۳۴۹.
- ۶۰- تذکره میخانه، ملا عبد النبی فخر الزمانی قزوینی، مصحح احمد گلچین معانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.
- ۶۱- تذکره نتایج الافکار، محمد قدرت الله گوپاموی، چاپ اول، بمبئی، انتشارات اردشیر بنشاهی، ۱۳۳۶.
- ۶۲- تذکره نصرآبادی، محمد طاهر نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، کتابفروشی فروغی، تهران.
- ۶۳- تذکره هفت آسمان، مولوی احمد علی احمد، تهران، ۱۹۶۵ م.
- ۶۴- تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح سید محمد طاهری چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.
- ۶۵- تسلية العباد در ترجمه مسکن الفؤاد، اسماعیل مجد الادباء خراسانی، به کوشش محمد رضا انصاری، چاپ اول، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۴.



۶۶- جنبش کلنل محمد تقی خان پسیان بر اساس گزارش‌های کنسولگری انگلیس در مشهد، غلامحسین میرزا صالح، چاپ اول، انتشارات تاریخ ایران، ۱۳۶۶.

۶۷- حاصل اوقات مجموعه مقالات استاد احمد مهدوی دامغانی، به اهتمام سید علی محمد سجادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱.

۶۸- حبیب السیر فی اخبار البشر، خواند میر، تصحیح دکتر دبیرسیاقتی، چاپ سوم،

ص: ۳۰۸

تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.

۶۹- حدیقة الشعراء، سید احمد دیوان بیگی شیرازی، تصحیح عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۶.

۷۰- خلاصة التواریخ، قاضی احمد قمی، تصحیح دکتر احسان اشراقی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

۷۱- خلد برین، محمد یوسف واله اصفهانی، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲.

۷۲- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی، وردی، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.

۷۳- دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی - خرمشاهی، چاپ سوم، انتشارات سعید محبی، ۱۳۷۵.

۷۴- دانشمندان آذربایجان، محمد علی تربیت، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

۷۵- دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

۷۶- دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، عباس سرمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات هیرمند، ۱۳۸۰.

۷۷- دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، کتابفروشی خیام، ۱۳۳۸.

۷۸- دانشوران خراسان، غلامرضا ریاضی، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۳۶.

۷۹- دفتر یادبود خطی کتابخانه وزیری یزد، محمد علی وزیری، موجود در مرکز اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی.

۸۰- ده مقاله در شعر و ادب، علی باقرزاده، چاپ اول، مشهد، کتابستان مشهد، ۱۳۶۷.

۸۱- دیوان حاج میرزا حبیب خراسانی، به سعی و اهتمام علی حبیب، چاپ سوم، تهران، انتشارات زوار.

ص: ۳۰۹

۸۲- دیوان حاجی محمد جان قدسی مشهدی، محمد جان قدسی، تصحیح محمد قهرمان، چاپ اول، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵.

۸۳- دیوان حافظ شیرازی، به اهتمام ابو القاسم انجوی شیرازی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱.

۸۴- دیوان صیدی تهرانی، صیدی تهرانی، به کوشش محمد قهرمان، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.

۸۵- دیوان کامل دکتر قاسم رسا، قاسم رسا، چاپ سوم، مشهد، انتشارات باستان، ۱۳۴۸.

۸۶- دیوان کوثر، میرزا عبد الکریم القمی، به اهتمام میرزا غلامرضا کوثر، مشهد ۱۳۴۰.

۸۷- رجال و مشاهیر قوچان، علی حیدری، چاپ اول، مشهد، انتشارات محقق، ۱۳۷۸.

۸۸- روزنامه تیاتر، میرزا رضا خان طباطبایی نائینی، به کوشش محمد گلبن، تهران، نشر چشمه، ۱۳۶۶.

۸۹- روزنامه و روزنامه‌نگاری در خراسان، حسین الهی، چاپ اول، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.

۹۰- روضة الصفاء، میر خواند، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۹.

۹۱- روضة الصفویه، محمد علی مدرس تبریزی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۷۴.

۹۲- ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۷۴.

۹۳- زندگانی حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، عمادزاده، ۱۳۶۱.

۹۴- زندگی شاه عباس اول، نصر الله فلسفی، چاپ ششم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۵.

۹۵- زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش)، حسن مرسلوند، چاپ اول، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۴.

۹۶- سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم هجری قمری، محمد تقی مدرس رضوی، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.

۹۷- سخنوران آذربایجان، عزیز دولت آبادی، چاپ اول، تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۷۷.

- ۹۸- سخنوران نامی معاصر ایران، محمد باقر برقی، چاپ اول، قم، انتشارات خرم، ۱۳۷۳.
- ۹۹- سرزمین و مردم قوچان، محمد جابانی، چاپ اول، مشهد، انتشارات اطلس، ۱۳۶۳.
- ۱۰۰- سفرنامه سدید السلطنه، محمد علی خان سدید السلطنه مینایی، تصحیح احمد اقتداری، چاپ اول، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۲.
- ۱۰۱- سفرنامه‌های سهام الدوله بجنوردی، قدرت الله روشنی زعفرانلو، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۰۲- سفینه‌المحمود، محمود میرزا قاجار، تصحیح خیامپور، چاپ اول، تهران، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- ۱۰۳- شاعران بی‌دیوان، محمود مدیری، چاپ اول، انتشارات پانوس، ۱۳۷۰.
- ۱۰۴- شجره طیبه در انساب سادات علویه رضویه، میرزا محمد باقر رضوی، به سعی و اهتمام سید محمد تقی مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۰۵- شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۳.
- ۱۰۶- شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، دکتر باقر عاقلی، چاپ اول، تهران، نشر علم، ۱۳۸۰.
- ۱۰۷- شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران، علامه شبلی نعمانی، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
- ۱۰۸- شمس الشموس یا تاریخ آستان قدس، حاج محمد احتشام کاویانیان، اداره کل فرهنگ و هنر خراسان، ۱۳۵۴.
- ۱۰۹- شهدای روحانیت شیعه در یکصد سال اخیر، علی ربانی خلخالی، چاپ اول، مکتب الحسین علیه السلام، ۱۴۰۲ قمری.
- ۱۱۰- صد سال شعر خراسان، علی اکبر گلشن آزادی، به کوشش احمد کمال‌پور، چاپ اول، مشهد، مرکز آفرینشهای هنری آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- ۱۱۱- ضمیمه تاریخ علمای خراسان، محمد باقر ساعدی خراسانی، ۱۳۴۱ ش.
- ۱۱۲- طرائق الحقایق، محمد معصوم شیرازی، تصحیح محمد جعفر محبوب، کتابخانه سنائی.

- ۱۱۳- عالم‌آرای نادری، محمد کاظم مروی، تصحیح دکتر محمد امین ریاحی، چاپ سوم، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- ۱۱۴- عمل صالح موسوم به شاه جهان‌نامه، محمد صالح کنبو، تصحیح وحید قریشی، چاپ دوم، لاهور، مجلس ترقی ادب، ۱۹۶۷ م.
- ۱۱۵- غزل و رباعی گزیده آثار ادبی شعرا، علی اصغر میر خدیوی، چاپ اول، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۶۵.
- ۱۱۶- فرهنگ خراسان، عزیز الله عطاردی، چاپ اول، انتشارات عطارد، ۱۳۸۱.
- ۱۱۷- فرهنگ سخنوران، ع- خیامپور، چاپ اول، تبریز، چاپخانه شرکت سهامی چاپ کتاب، ۱۳۴۰.
- ۱۱۸- فرهنگ شاعران زبان پارسی، عبد الرفیع حقیقت، چاپ اول، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایرانی، ۱۳۶۸.
- ۱۱۹- فرهنگ لغت قرآن خطی آستان قدس، دکتر احمد علی رجایی بخارایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
- ۱۲۰- فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، شیخ عباس قمی، چاپ اول.
- ۱۲۱- فهرست کتابخانه آستان قدس، عبد العلی اوکتایی، چاپ اول، مشهد، چاپخانه طوس، جلد ۴ و ۶.
- ۱۲۲- فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، به کوشش عبد الحسین حائری، چاپ اول، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۵۳.
- ۱۲۳- فهرست مرقات کتابخانه سلطنتی، بدری آتابای، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۲۴- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌یی، ۱۳۵۰.
- ۱۲۵- قصص الخاقانی، ولی قلی شاملو، تصحیح دکتر سید حسن سادات ناصری، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- ۱۲۶- قلم و سیاست، محمد علی سفری، چاپ اول، تهران، نشر نامک، ۱۳۷۱.
- ۱۲۷- قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان، علی آذری، انتشارات صفی علیشاه.

- ۱۲۸- کارنمای زنان کارای ایران، پوران فرخزاد، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۱.
- ۱۲۹- کاروان هند، احمد گلچین معانی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- ۱۳۰- کشف الظنون، حاجی خلیفه، بیروت، دار الاحیاء التراث.
- ۱۳۱- گلزار مشاهیر، مریم آقا شیخ محمد- سعیدی نوری نشاط، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۱۳۲- گلزار معانی، احمد گلچین معانی، چاپ دوم، تهران، انتشارات تالار کتاب، ۱۳۶۳.
- ۱۳۳- گلستان هنر، قاضی احمد قمی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ دوم، تهران، کتابخانه منوچهری.
- ۱۳۴- گلشن مراد، ابو الحسن غفاری کاشانی، تصحیح غلامرضا طباطبایی، چاپ اول، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۹.
- ۱۳۵- گنج هزار ساله، رمضان علی شاکری، چاپ اول، مشهد، انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- ۱۳۶- لغتنامه دهخدا، چاپ اول، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۳۷- لهجه‌های بخارایی، احمد علی رجایی بخارایی، چاپ اول، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.
- ۱۳۸- مآثر رحیمی، عبد الباقی نهاوندی، به اهتمام دکتر عبد الحسین نوایی، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۱۳۹- المآثر و الآثار، محمد حسن خان اعتماد السلطنه، چاپ اول، تهران، کتابخانه سنائی.
- ۱۴۰- مجمع الفصحاء، رضا قلی خان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۱۴۱- مشاهیر رجال اسفراین، غلامرضا فسقزی- احمد شاهد، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۱۴۲- مشهد در بامداد نهضت امام خمینی، غلامرضا جلالی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
- ص: ۳۱۳
- ۱۴۳- مطبوعات ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۶، حسین ابو ترابیان، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶.
- ۱۴۴- مطلع السعیدین و مجمع البحرین، کمال الدین عبد الرزاق سمرقندی، به اهتمام عبد الحسین نوایی، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳.

- ۱۴۵- مطلع الشمس، محمد حسن خان اعتماد السلطنه با مقدمه و فهارس تیمور برهان لیموده‌ی، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۶۸.
- ۱۴۶- مکارم الآثار در احوال رجال، میرزا محمد علی حبیب‌آبادی، انجمن کتابخانه‌های عمومی، اصفهان.
- ۱۴۷- منتخب اشعار اعتماد، احمد اعتماد الاسلام، مشهد، ۱۳۳۵.
- ۱۴۸- منتخب التواریخ، محمد هاشم خراسانی، تصحیح ابو الحسن شعرانی، چاپ اول، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۱۴۹- منظومه‌های فارسی، محمد علی خزانه‌دارلو، چاپ اول، انتشارات روزنه، ۱۳۷۵.
- ۱۵۰- مؤلفین کتب چایی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، مشار خانابا، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر، ۱۳۵۲.
- ۱۵۱- مینو در یا باب الجنه قزوین، سید محمد علی گلریز، چاپ اول، انتشارات طه، ۱۳۶۸.
- ۱۵۲- نائین بلده طیبه، مهدی سجادی نائینی، چاپ اول، اصفهان، کانون پژوهش، ۱۳۷۹.
- ۱۵۳- نادره‌کاران، ایرج افشار، به کوشش محمود نیکویه، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۲.
- ۱۵۴- ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، محمد تقی سپهر به اهتمام جمشید کیانفر، چاپ اول، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- ۱۵۵- ناسخ التواریخ (سلاطین قاجاریه)، محمد تقی سپهر، تصحیح محمد باقر بهبودی، چاپ اول، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۳.
- ۱۵۶- نغمه‌های قدسی مجموعه اشعار غلامرضا قدسی، مقدمه مهرداد اوستا، چاپ اول، مشهد، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

ص: ۳۱۴

- ۱۵۷- نقباء البشر فی قرن الرابع عشر، شیخ آقابزرگ تهرانی، چاپ دوم، دار المرتضی مشهد، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۵۸- نیشابور شهر فیروزه، فریدون گرایلی، مشهد، دانشگاه فردوسی، چاپ اول ۱۳۵۷.
- ۱۵۹- واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس، رمضان علی شاکری، چاپ اول، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۱۶۰- وقایع السنین و الاعوام، عبدالحسین خاتون‌آبادی، تصحیح محمد باقر بهبودی، چاپ اول، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۲.

۱۶۱- فهرست انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۸۴.

۱۶۲- هدیه العارفین، اسماعیل پاشا بغدادی، بیروت، دار الاحیاء التراث.

#### مقالات

۱- «احمد حامد مقدم»، روزنامه قدس، ۳۰ مرداد ۱۳۸۰.

۲- «اختر طوسی»، تقی بینش، نامه آستان قدس، شماره ۳۶.

۳- «از شمار دو چشم یک تن کم»، علی سلطانی گرد فرامرزی، مجله نگین، ۳۱ مرداد ۱۳۵۷.

۴- «به یاد استاد فرزانه‌ام، شادروان دکتر غلامحسین یوسفی»، حسین رزمجو، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۳ و ۴، س ۲۳.

۵- «به یاد استاد میر غلامرضا مایل هروی»، چنگیز پهلوان، کلک، ش ۶۸، س ۱۳۷۴.

۶- «به یاد شادروان سید هدایت الله شهاب فردوسی»، نشریه فرهنگ خراسان، ش ۱، سال ۷ (آذر ۱۳۸۴).

۷- «تاریخچه ابنیه متبرکه حرم»، هیأت تحریریه، مجله حرم (ویژه‌نامه راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم).

۸- «تاریخ معاصر تکنیک و استثمار در گفتگو با دکتر عبد الهادی حائری»، کیهان فرهنگی، شماره ۷، سال ۹ (مهر ۱۳۷۱).

۹- «تجلی سبزواری»، سید حسن امین، مجله وحید، ش ۲۱۸، س ۱۴، ۱۳۵۶.

ص: ۳۱۵

۱۰- «تصویری از استاد فیاض»، غلامحسین یوسفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۴، س ۷، ۱۳۵۰.

۱۱- «جوادی خراسانی»، نامه آستان قدس، ش ۳۶، دوره نهم.

۱۲- «درگذشت شاعر و هنرمند خراسانی»، هیأت تحریریه، کیهان فرهنگی، ش ۱۰، س ۱۰، دیماه ۱۳۷۲.

۱۳- «درگذشت دکتر خواجه‌یون»، آینه پژوهش، ش ۲۲، س ۴، ۱۳۷۲.

۱۴- «ذبیح الله ناصح»، مجله یغما، ش ۴، س ۱۹، ۱۳۴۵.

- ۱۵- «ساعده نیری»، پوراندخت ساعده، مجله وحید، ش ۴۷، س ۴.
- ۱۶- «سالک سیزواری»، س. حسام، مجله ارمغان، ش ۴ و ۵، دوره ۴۷، س ۱۳۵۷.
- ۱۷- سید حسن امین، مجله وحید، ش ۲۵۰ / ۲۵۱، س ۱۳۵۷.
- ۱۸- مجله هوخت، ش ۱۱، س ۲۲، ۱۳۵۰.
- ۱۹- «سه شعر از زنده‌یاد میر غلامرضا مایل هروی»، کلک، شماره ۷۱-۷۲، سال ۱۳۷۴.
- ۲۰- «شرح حال و آثار دکتر رجایی»، محمد مهدی رکنی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۲، س ۱۴، ۱۳۵۷.
- ۲۱- «شرح مختصر احوال و آثار دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۱۲۵-۱۲۴، س ۲۲، ۱۳۷۸.
- ۲۲- «شهیدی حسن»، نشریه داخلی سازمان نظام پزشکی مشهد، ۱۳۷۸.
- ۲۳- «عنوان تبریزی»، احمد گلچین معانی، مجله دانشکده ادبیات تبریز، ش ۴، س ۱۱، ۱۳۳۸.
- ۲۴- «غلام حسین یوسفی»، هیأت تحریریه، کتاب هفته، دیماه ۱۳۸۱.
- ۲۵- «قصاب کاشانی»، ابو نصر شیبانی کاشانی، مجله ارمغان، س ۱۸، ۱۳۱۶.
- ۲۶- «گفتگو با دکتر ابراهیم شکورزاده محقق و پژوهشگر»، فرزانه سجادپور، روزنامه خراسان، شماره ۱۴۴۵۹ (یکشنبه ۲۷ تیر ۱۳۷۸).
- ۲۷- «مختصری از زندگینامه و آثار دکتر ابو الفضل نبی»، فاطمه حاجی‌آبادی، ویژه‌نامه سمینار پیرامون تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۳.

ص: ۳۱۶

۲۸- «مرگی در نور»، عبد الحسین مجید کفایی، مجله اندیشه حوزه علمیه مشهد، ش ۵، س ۲.

۲۹- «مصاحبه با استاد پروفیسور تقی فاطمی»، مجله یکان، ش ۲۶، خرداد ۱۳۴۵.

۳۰- «میرزا رضا خان نائینی»، مجله ارمغان، ش ۲، س ۱۳.



- ۳۱- «وفیات معاصرین از یادداشتهای علامه استاد محمد قزوینی»، مجله یادگار، ش ۴، س ۳.
- ۳۲- «ویژه‌نامه پروفیسور تقی فاطمی»، کیهان علمی، ش ۲، س ۴، اردیبهشت ۱۳۷۱.
- ۳۳- «هنر خطاطی افغانستان امروز»، مایل هروی، مجله هنر و مردم، ش ۹۵، ۱۳۴۹.
- ۳۴- «همچو آینه سراپا فرق حیرت کن مرا»، احمد گلچین معانی (گفتگو با استاد)، وقت میراث جاویدان، شماره ۱، سال ۱۳۷۳.
- ۳۵- «یادبود زنده‌یاد رضا صادقی»، حسن صادقی، روزنامه قدس، ۲۷ و ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۷۶.
- ۳۶- «یادی از زنده‌یاد دکتر محمد تقی عدالتی»، محمد رضا قصابیان، مشکوة، شماره ۸۳، تابستان ۱۳۸۳.
- ۳۷- «یادی از شادروان دکتر احمد علی رجایی»، غلام حسین یوسفی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد.
- ۳۸- «یادی از مرحوم دکتر ابو الفضل نبئی»، حسین احمدی، مجله کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.

#### فهرست اسناد

- ۱- اسناد خانواده آموزگار.
- ۲- اسناد و دست‌نوشته خانواده دکتر سید حسن هاشمیان.
- ۳- اسناد و دست‌نوشته خانواده صادقی.
- ۴- اسناد و دست‌نوشته سید احمد مجتهدزاده.
- ۵- اسناد و دست‌نوشته مصطفی زوار.

ص: ۳۱۷

- ۶- دفتر مدفونین اماکن متبرکه حرم رضوی.
- ۷- مصاحبه با فریدون شاملو.

#### فهرست روزنامه‌ها

روزنامه خراسان ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۰.

روزنامه خراسان ۳ / ۱۰ / ۱۳۷۲.

روزنامه رسالت ۱۶ / ۵ / ۱۳۷۷.

روزنامه قدس ۳۰ / ۵ / ۱۳۸۰.

روزنامه قدس ۱۵ / ۶ / ۱۳۸۳.

روزنامه قدس ۲۱ / ۶ / ۱۳۸۳.

روزنامه کیهان ۲۶ / ۷ / ۱۳۵۶.